



فصلنامه علمی

سال یازدهم / شماره ۳۱ / تابستان ۱۴۰۲

ISSN: ۲۵۳۸-۶۱۹۰

EISSN: ۲۷۱۷-۴۰۸۵

صاحب امتیاز: جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه  
محل انتشار: مجتمع آموزش عالی بنت الهدی

مدیر مسئول: سید محمود کاویانی

سر دبیر: علی نقی فقیهی

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

حمید پارسانیا / دانشیار فلسفه، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران  
مسعود جان بزرگی / استاد روان شناسی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه  
فرح رامین / استاد فلسفه و کلام اسلامی، عضو هیئت علمی دانشگاه قم  
عادل ساریخانی / استاد حقوق جزا و جرم شناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه قم  
محمد مهدی صفورایی پاریزی / دانشیار روان شناسی تربیتی، عضو هیئت علمی جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه  
جمیله علم الهدی / دانشیار علوم تربیتی و روان شناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی  
محمد فاکر میبدی / استاد تفسیر و علوم قرآن، عضو هیئت علمی جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه  
علی نقی فقیهی / دانشیار روان شناسی تربیتی، عضو هیئت علمی دانشگاه قم  
حسین قمری گیوی / استاد مشاوره، عضو هیئت علمی دانشگاه محقق اردبیلی  
محمد مهدی گرجیان عربی / استاد عرفان اسلامی و علوم قرآن، عضو هیئت علمی دانشگاه باقر العلوم  
محسن ملک افضلی / استاد فقه و مبانی حقوق، عضو هیئت علمی جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه  
محمد نریمانی / استاد روان شناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه محقق اردبیلی

مدیر داخلی: سارا شفیعی

کارشناس نشریه: هدی بنگدار آفرانی

ویراستار: زهرا شفیعی

مترجم چکیده: کمال برزگر بفروری

صفحه بندی: خانه چاپ و گرافیک سحر

فصلنامه علمی «پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده» در پایگاه های اطلاع رسانی ذیل به صورت تمام متن قابل دسترسی است.

۱. پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) [www.isc.gov.ir](http://www.isc.gov.ir)
۲. پایگاه مجلات تخصصی نور [www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)
۳. بانک اطلاعات نشریات کشور [www.magiran.com](http://www.magiran.com)
۴. پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی [www.sid.ir](http://www.sid.ir)

<http://pzj.journals.miu.ac.ir>

[pzj.journals@miu.ac.ir](mailto:pzj.journals@miu.ac.ir)

این نشریه حاصل فعالیت مشترک جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه با انجمن علمی فقه و حقوق خانواده ایران است.

نشانی مجله: قم، پردیسان، ابتدای بلوار امامت، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی.

امور تحریریه: ۰۲۵-۳۷۱۸۳۳۰۰ کد پستی: ۰۶۴۴۶۲-۳۷۱۶۶

قیمت: ۷۰۰,۰۰۰ ریال

این نشریه، براساس نامه مورخ ۱۳۹۴/۰۹/۱۶ به شماره  
۳/۱۸/۱۹۴۹۷۷/کمیسیون نشریات علمی کشور (وزارت علوم،  
تحقیقات و فناوری)، از شماره ۲ حائز رتبه «علمی-پژوهشی» گردید.

رویکرد: موضوع «زن و خانواده» از دیرباز مورد بررسی، پرسش و ژرف نگری  
اندیشمندان دینی و غیردینی بوده است و طرفداران هر اندیشه، با توجه  
به شالوده معرفتی خود، نظام فکری مبتنی بر آن شالوده را ارائه می نمایند.  
فصلنامه علمی «پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده» در پی آن است  
که اندیشه های علمی دانش پژوهان و فرهیختگان را در حوزه زنان و  
خانواده، مبتنی بر مبانی اسلامی و نقد شناسه های غیر دینی منتشر نماید  
و به نشر مؤلفه های بنیان های فکری دین اسلام بپردازد.

---

داوران علمی این شماره (به ترتیب حروف الفبا)

رضا احمدی، محمدرضا احمدی، خالد الغفوری

امین امیرحسینی، محمدجواد بحرینی، حسن تقیان

حامد رستمی نجف آبادی، داوود صفا، محمد مهدی صفورایی پاریزی

علی نقی فقیهی، فرج الله هدایت نیا، جعفر هوشیاری



## راهنمای تدوین و نگارش مقالات فصلنامه علمی «پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده»

- مقاله دست‌آورد پژوهش علمی نگارنده بوده و مختصات روش شناختی و سامان یافته در ارائه موضوع مورد تحقیق بوده و برای چاپ در نشریات دیگر ارسال نشده باشد.
- پذیرش مقاله برای چاپ به عهده هیئت تحریریه فصلنامه است که بعد از داوری و تأیید همکاران علمی نشریه، صلاحیت چاپ آن، اعلام خواهد شد. بدیهی است که فصلنامه هیچ‌گونه تعهدی در قبال پذیرش و یا رد مقاله بر عهده نخواهد داشت و کلیه مسئولیت‌های ناشی از صحت علمی و یا دیدگاه‌های نظری و ارجاعات مندرج در مقاله بر عهده نویسنده و یا نویسندگان آن خواهد بود.
- مقالات ارسالی حداقل در ۱۵ صفحه و حداکثر ۲۰ صفحه (۳۰۰ کلمه‌ای) و با قلم لوتوس شماره ۱۲ در محیط word حروف چینی شده باشد و به پایگاه نشریه ارسال گردد.
- مقاله ارسالی باید دارای ساختار مقالات علمی و با رعایت شرایط ذیل باشد:
  - دارای عنوان، چکیده، (حداکثر ده سطر یا ۱۵۰ کلمه)، کلید واژگان (حداکثر ۷ کلید واژه)، مقدمه، روش پژوهش، نتایج، بحث و نتیجه‌گیری و فهرست منابع باشد.
  - عنوان مقاله دقیق، علمی، متناسب با متن مقاله و با محتوایی رسا و مختصر باشد.
  - مقدمه مقاله محل طرح موضوع مقاله، اهمیت و ابعاد و پیشینه موضوع مورد پژوهش و بیان منظور نویسنده از طرح پژوهش باشد.
  - روش پژوهش شامل روش تحقیق، طرح تحقیق، جامعه و نمونه آماری و ابزار جمع‌آوری اطلاعات است.
  - در بخش نتایج، نتایج حاصل از تحقیق و آزمون فرضیه ارائه شود.
  - در بخش بحث و نتیجه‌گیری، مقایسه دستاورد پژوهش با دیگر مطالعات ارائه شود و پیشنهادات کاربردی و محدودیت‌های مربوط به پژوهش نیز بیان گردد.
  - استناد دهی و تنظیم فهرست منابع به شیوه APA باشد:

### رفرنس دهی به شیوه APA

الف) ارجاع به متون در داخل متن با یک نویسنده و یک کتاب

- اگر نام نویسنده داخل متن ذکر شود: فقط (سال انتشار) کنار نام نویسنده داخل پرانتز بیان می‌شود؛
- اگر نام نویسنده و سال انتشار داخل متن ذکر شود در انتهای متن رفرنس آورده نمی‌شود.
- اگر نام نویسنده و سال انتشار در متن ذکر نشود، ارجاع داخل پرانتز و انتهای متن بیان می‌شود. (نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار)

اگر ذکر شماره صفحه ضروری باشد شماره صفحه بعد از سال انتشار بیان می‌شود: (نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار، شماره صفحه). اگر کتاب داری چند جلد باشد: (نام نویسنده، سال انتشار، ج / ص)

ب) ارجاع به متون با نویسنده نامشخص

- چند کلمه از عنوان کتاب یا مقاله داخل پرانتز همراه با سال انتشار نوشته می‌شود: (چند کلمه از عنوان کتاب یا مقاله، سال انتشار).

ج) تنظیمات فهرست منابع

۱. مقاله

- نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار). عنوان مقاله. عنوان مجله، شماره نشریه (دوره انتشار)، شماره صفحه ابتدای مقاله - شماره صفحه انتهایی مقاله.

۲. کتاب

- نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار). نام کتاب. نام کامل مصحح یا مترجم. محل انتشار: انتشاراتی.

اگر نویسنده شرکتی باشد نوبت چاپ بعد از عنوان کتاب در پرانتز ذکر می‌شود:

- نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار). نام کتاب (نوبت چاپ). محل انتشار: انتشاراتی.

۳. ارجاع به کتبی که نویسنده مشخص ندارد مثل فرهنگ لغت:

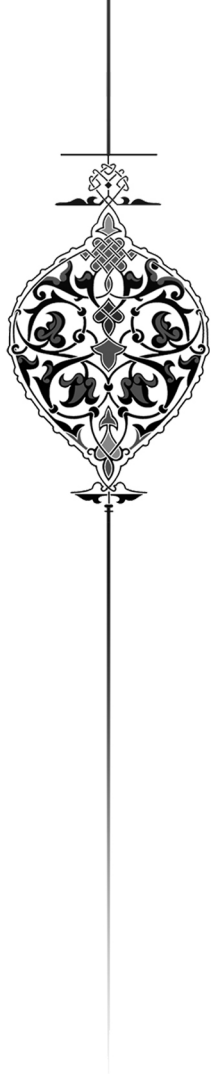
عنوان کتاب (نوبت چاپ). (سال انتشار). محل انتشار: انتشاراتی.



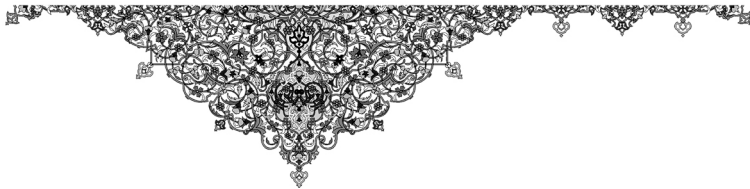
## در این شماره می خوانیم

- چالش های فقهی - حقوقی ناباروری و تأثیر آن بر روابط زوجین / فاطمه گرجی، ابوالقاسم ولی زاده، محمد حسینی ..... ۹
- پیش بینی روابط فرزندناشویی براساس روابط ابژه و مرزهای زوجینی با میانجی گری احساس تنهایی در زنان متأهل / پروانه غلامیان، جعفر هوشیاری ..... ۳۹
- تحلیلی بر مؤلفه های اقتصادی مؤثر بر میزان ازدواج و طلاق با تأکید بر مشارکت اقتصادی زنان / مصطفی فزونی، عبدالمحمد کاشیان ..... ۵۹
- بررسی نظریه حقوق واحد خانواده / علیرضا باریکلو، مرضیه زکی زاده ..... ۹۳
- بررسی فقهی نکاح موقت طفل ازسوی ولی قهری با قصد ایجاد محرمیت / زهرا راستی، محسن ملک افضلی ..... ۱۲۳
- بررسی چالش های روانشناختی زنان ایرانی ازدواج کرده با مردان افغان / محبوبه البرزی ..... ۱۴۵





# مقالات







## چالش های فقهی - حقوقی ناباروری و تأثیر آن بر روابط زوجین

فاطمه گرجی<sup>۱</sup>، ابوالقاسم ولی زاده<sup>۲</sup>، محمد حسینی<sup>۳</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف احصاء چالش های فقهی - حقوقی ناباروری و تأثیر آن بر روابط زوجین به روش تحلیل مضمون انجام شد. اطلاعات پژوهش با استفاده از مصاحبه نیمه ساخاریافته جمع آوری گردید. بدین منظور ۱۹ نفر از خبرگان حوزه فقه، حقوق و خانواده که با نمونه گیری هدفمند انتخاب و تا رسیدن به اشباع نظری داده ها مصاحبه شدند. داده های به دست آمده با استفاده از نرم افزار مکس کیودی ای در سه مرحله کدگذاری و تحلیل شد که ۳۷ مقوله از آن استخراج گردید. این مقولات عبارتند از: چالش های فقهی (۱۰ مقوله)، چالش های حقوقی (۹ مقوله)، مهم ترین چالش های فقهی و حقوقی (۸ مقوله)، اثرات منفی ناباروری بر روابط زوجین (۴ مقوله) و تأثیر چالش های فقهی و حقوقی بر روابط زوجین (۶ مقوله). یافته ها نشان داد مهم ترین مسائل فقهی و حقوقی که خانواده های نابارور با آن مواجه اند عبارتند از: عدم پابندی زوجین به تعهدات زناشویی، عدم حمایت کافی قانون در سوء معاشرت همسر و اطرافیان، اختلاف نظر فقها در جواز یا حرمت تلقیح مصنوعی، سکوت قانونگذار و نقص قانون درباره روش های نوین باروری، بی توجهی برخی از افراد به مسائل فقهی. این چالش ها سبب سردرگمی زوجین شده و بر روابط ایشان تأثیر دارد.

**واژگان کلیدی:** چالش های فقهی ناباروری، چالش های حقوقی ناباروری، چالش های ناباروری، روابط زوجین نابارور، تعدات زناشویی، درمان ناباروری.

Doi: 10.22034/ijwf.2023.15299.2056

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۰ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۳/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۰  
۱. کارشناس ارشد معارف اسلامی و حقوق خانواده، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. (نویسنده مسئول)  
Email: fatemegorji74@gmail.com ORCID ID: 0000-0002-3432-3628  
۲. دانشیار گروه معارف، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.  
Email: a.valizadeh@urmia.ac.ir ORCID ID: 0000-0002-6075-7705  
۳. استاد گروه علوم تربیتی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.  
Email: m.hassani@urmia.ac.ir ORCID ID: 0000-0002-6421-429X

## The Jurisprudential-Legal Challenges of Infertility and Its Effect on Couples' Relationships

Fatemeh Gorji<sup>1</sup>, Abolghasem Valizadeh<sup>2</sup>, Mohammad Hassani<sup>3</sup>

The current research was conducted with the aim of identifying jurisprudential-legal challenges of infertility and its effect on couples' relationships by thematic analysis. The data were collected using the semi-structured interviews; thus, 19 experts majored in Fiqh, law, and family were selected by the judgmental sampling, and they were interviewed until the saturation stage. The obtained data were encoded through the three phases by MAXQDA and 37 categories were extracted. These categories included jurisprudential challenges (10 categories), legal challenges (9 categories), the most important jurisprudential-legal challenges (8 categories), negative effects of infertility on couples' relationships (4 categories), and the effect of jurisprudential-legal challenges on couples' relationships (6 categories). The results showed that the most important jurisprudential-legal challenges which infertile families face are as follows: couples' non-adherence to marital commitments, the lack of sufficient legal support in cases of misbehavior between spouses and those around them, jurists' disagreements regarding the permissibility or sanctity of artificial insemination, the legislator's silence and the lack of law regarding new methods of fertility, and some people's inattention to jurisprudential issues. These challenges throw couples into confusion and affect their relationships.

**Keywords:** jurisprudential challenges of infertility, legal challenges of infertility, challenges of infertility, infertile couples' relationships, marital commitments, infertility treatment.

---

### Paper Type: Research

**Data Received:** 2023 / 02 / 19    **Data Revised:** 2023 / 05 / 23    **Data Accepted:** 2023 / 06 / 10

1. M.A. in Islamic Knowledge and Law (Family Law), Urmia University, Urmia, Iran. (Corresponding Author)

Email: fatemegorji74@gmail.com

ORCID ID: 0000-0002-3432-3628

2. Associate Professor, Department of Knowledge, Urmia University, Urmia, Iran.

Email: a.valizadeh@urmia.ac.ir

ORCID ID: 0000-0002-6075-7705

3. Professor, Department of Educational Sciences, Urmia University, Urmia, Iran.

Email: m.hassani@urmia.ac.ir

ORCID ID: 0000-0002-6421-429X

گاهی زن و مرد به دلیل مشکلات زنانه، مردانه یا دلایل ناشناخته قادر به فرزندآوری نیستند. ناباروری در بسیاری مواقع به صورت رنج و گرفتاری در زندگی جلوه‌گر می‌شود. نداشتن فرزند یکی از بحران‌های اجتماعی است که می‌تواند کانون گرم خانواده را متلاشی کند. برخی افراد برای پایان دادن به رنج بی‌فرزندگی، طلاق یا به سرپرستی گرفتن طفلی را انتخاب می‌کنند. البته راه‌های دیگری مانند ازدواج مجدد هم وجود دارد، ولی بخش عظیمی از زوجین نابارور به درمان رو می‌آورند. تلقیح مصنوعی پدیده نوینی است که آرزوی داشتن فرزند را برای زوجین تا حدودی برآورده می‌کند، هرچند پدیده‌های جدید، چالش‌های فقهی و حقوقی جدیدی را برای زوجین نابارور پیش می‌آورد. پژوهش حاضر با هدف بررسی چالش‌های فقهی و حقوقی ناباروری و تأثیر آن بر روابط زوجین انجام شد. پاسخ‌هایی در بررسی این چالش‌ها مفروض است از جمله: افراد جامعه به مسائل فقهی در تلقیح مصنوعی و فرزندخواندگی کمتر اهمیت می‌دهند، به نظر می‌رسد مردم با چالش‌های حقوقی ناباروری بیشتر مواجه هستند.

یکی از مهمترین چالش‌های فقهی و حقوقی متقاضیان تلقیح مصنوعی (تخمک، اسپرم و جنین اهدایی، رحم استجاری) سکوت قانون‌گذار و نقص قانون است. به نظر می‌رسد انتخاب هریک از این راهکارهای فرزندآوری (تلقیح مصنوعی، فرزندخواندگی) می‌تواند خانواده را دچار چالش‌های فقهی و حقوقی کند که این چالش‌ها بر روابط زوجین تأثیر می‌گذارد. اسلام اصل را بر حفظ کیان خانواده گذاشته است، نه فرزندآوری، اما برخی از خانواده‌ها به هر روش ممکن اقدام به فرزندآوری می‌کنند. برای مثال برخی زوجین با به فرزندگی گرفتن طفلی (فرزندخواندگی) ممکن است از نظر اقتصادی و عاطفی خانواده را دچار تنش کنند و گاهی روابط آنها چنان مخدوش می‌شود که باعث جدایی می‌گردد. در این فرض نه تنها خانواده، بلکه فرزندخوانده نیز آسیب می‌بیند. همچنین خانواده‌هایی که باروش تلقیح مصنوعی صاحب فرزند می‌شوند نیز به دلیل نقص یا سکوت قانون از نظر فقهی و حقوقی دچار تنش می‌شوند و خانواده‌ای که تا تنها دغدغه آن نداشتن فرزند بود با مشکلات دیگری روبه‌رو خواهد شد. باتوجه به اینکه باید کاری کرد که بیماران جز رنج

بیماری، درد و دغدغه دیگری نداشته باشند، پرداختن به این مسئله باهدف شناسایی چالش‌های فقهی، حقوقی و تأثیر آن بر روابط زوجین ضروری به نظر می‌رسد تا بتوان مشکلات پیش‌روی این خانواده‌ها را برداشت تا رنجی جز ناباروری نداشته باشند.

## ۲. چهارچوب نظری پژوهش

در گذشته وقتی افراد صاحب فرزند نمی‌شدند راهکار نخست ازدواج مجدد بود؛ زیرا زنان را علت ناباروری می‌دانستند. در تاریخ انبیا نیز مواردی از ازدواج مجدد برای فرزنددار شدن دیده می‌شود مانند حضرت ابراهیم علیه السلام که با ازدواج با هاجر صاحب فرزند شد. (کلینی، ۱۳۶۲، ۳۷۳/۸) در ایران دانشمندان بزرگی مانند زکریای رازی در کتاب *الحاوی فی الطب* و ابن سینا در کتاب *قانون در طب*، علل ناباروری در زنان و مردان و شیوه درمان آن را بررسی کرده‌اند. جرجانی در کتاب *دایره‌المعاف ذخیره خوارزمشاهی* به مباحث نازایی با عبارت «بار نگرفتن زنان» پرداخته و علل و درمان آن را بیان کرده است. در ادامه راه پیشینیان، مؤسسه رویان بیمارستان افشار یزد در سال ۱۳۶۹ پیش برنده تولد اولین کودک به روش تلقیح مصنوعی بود (رضانیا معلم، ۱۳۸۲).

اگر درمان ناباروری مؤثر نباشد و زوجین صاحب فرزند نشوند، فرزندى از مراکز بهزیستی یا از دیگر اشخاص به فرزندخواندگی می‌گیرند، البته گرفتن فرزند از دیگران رسمی در گذشته بوده است مانند داستان سرپرستی علی بن ابی طالب علیه السلام (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۲۵/۳؛ ذهبی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۱۳۶/۱). پیشینه فرزندخواندگی با توجه به آیات قرآن (ر.ک.، احزاب: ۴، ۳۶، ۴۰؛ یوسف: ۲۱؛ قصص: ۹) به پیش از اسلام بازمی‌گردد. تلقیح مصنوعی به شیوه امروزی در احکام فقهی نبوده و بانام مسائل مستحدثه بررسی شده است، اما فقها با این جنس مسائل بیگانه هم نبوده‌اند. برای نمونه اگر مردی با همسرش نزدیکی کرد، سپس زن با دختر باکره‌ای مساحقه کرد و دختر حامل و باردار شد حکم آن است که فرزند از آن مرد باشد و زن و دختر را باید حد بزنند و زن باید مهرالمثل دختر باکره را بپردازد (مکی عاملی، ۱۴۱۱ هـ.ق).

نهاد قانون‌گذار ایران درباره موضوع تلقیح مصنوعی به طور کامل ورود نکرده است. در سال ۱۳۷۷ دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و پژوهشکده ابن سینا همایشی

باموضوع بررسی فقهی و حقوقی اهدای جنین برگزار کرد. بعد از آن همایش، این شیوه باروری وجهه قانونی پیدا کرد و قانون اهدای جنین مشتمل بر پنج ماده در جلسه علنی مورخ ۱۳۸۲/۴/۲۹ در مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۲/۵/۸ به تأیید شورای نگهبان رسید، اما در مورد دیگر روش های تلقیح مصنوعی، قانون مدونی در ایران وجود ندارد. براساس تعاریف، هرگاه زوجی پس از یک سال رابطه جنسی بدون جلوگیری، صاحب فرزند نشوند نابارور محسوب می شوند (کمیته اجرایی انجمن پزشکی...، ۲۰۰۸). ایران کشوری مسلمان و مبنای قانون گذاری آن در مباحث احوال شخصیه کتاب و سنت است. از این رو، در پژوهش حاضر، فقه مبنا قرار گرفته و سپس مباحث حقوقی بررسی شده است. پژوهش حاضر باروش تحلیل مضمون به چالش های فقهی و حقوقی ناباروری پرداخته و پس از شناسایی چالش های مذکور، تأثیر آنها بر روابط زوجین را بررسی نموده است.

## ۲-۱. روش های مواجهه زوجین با ناباروری

### ۲-۱-۱. ازدواج مجدد

یکی از راه های فرزندآوری ازدواج مجدد است که پیش از اسلام نیز وجود داشته است. دین اسلام با محدود کردن ازدواج مجدد به چهار زن دائم آن را امضا کرده است. (ر.ک. احزاب: ۵۰؛ نساء: ۳۰) اسلام شروطی برای ازدواج مجدد در نظر دارد که مهمترین آن شرط عدالت است. این عدالت در اموری مانند نفقه، حق مبیعت، مضاجعت و هم بستری است و مسائل عاطفی را شامل نمی شود. (مغنیه، ۱۴۲۱ ه.ق، ۵/۱۹۷) مردی که توان برقراری عدالت را نداشته باشد، داشتن چند همسر برایش جایز نیست (صدر، ۱۴۰۶ ه.ق، ۶/۱۶۲). یکی از مواردی که چند همسری را به صورت راهکار پیشنهاد می کند ناباروری با علت زنانه است. این راهکار بسته به نوع فرهنگ و اجتماعی که زوجین در آن زندگی می کنند، می تواند مورد توجه قرار بگیرد. در قانون حمایت خانواده نیز یکی از مواردی که به مرد اجازه ازدواج مجدد داده شده است، عقیمی زن می باشد (صفایی، ۱۳۹۷).

### ۲-۱-۲. درمان ناباروری

به موازات گسترش ناباروری، درمان نیز پیشرفت چشم گیری داشته است. از روش های



درمان پزشکی ناباروری، تلقیح مصنوعی است که شامل لقاح درون رحمی، لقاح خارج رحمی، اهدای جنین، اهدای گامت (اهدای تخمک، اهدای اسپرم) و رحم جایگزین است. این روش‌های درمانی، امروزه بسیار مورد توجه قرار گرفته‌اند، اما باید به این نکته توجه کرد که این مسئله، یک مسئله مستحدثه است و در قرآن، روایات و منابع فقهی معتبر متقدم و متأخر نمی‌توان آن را بررسی کرد. از این رو، احکام این عمل در استفتانات فقهای معاصر بررسی می‌شود. قول مشهور بین فقهای معاصر در مورد اخذ نطفه مرد اجنبی و تلقیح آن با تخمک زن اجنبیه، عدم جواز آن است و فرقی ندارد که تلقیح در داخل رحم باشد یا خارج از آن (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۲).

### اول) نظر برخی از فقها در مورد درمان ناباروری

«تلقیح نطفه مرد اجنبی به اجنبیه حرام است و عدم لحوق به مادر و عدم توارث بعید نیست». (طباطبایی بروجردی، بی‌تا) در مورد تزریق نطفه نیز نظر ایشان به عدم جواز است. اگر کسی چنین عملی را انجام دهد و نطفه غیر از زوج تزریق شود، ولد ملحق به او نیست (طباطبایی بروجردی، بی‌تا). نظر امام خمینی رحمته‌الله علیه نیز بر عدم جواز است. ایشان می‌فرماید: «جایز نیست داخل کردن منی اجنبی در رحم چه با اجازه زن باشد یا نه چه با اجازه شوهرش باشد یا نباشد» (موسوی خمینی، ۱۴۰۹ هـ.ق). در جای دیگر آمده است که این عمل جایز نیست اگرچه شوهر راضی باشد و بچه ملحق به صاحب منی است (موسوی خویی، بی‌تا). آیت‌الله گلپایگانی، ۱۴۰۹ هـ.ق. در مقابل، آیت‌الله خامنه‌ای نظر مخالف دارد. ایشان تلقیح میان اسپرم مرد اجنبی با تخمک زن در رحم وی را جایز می‌داند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲). در سایر روش‌های تلقیح مصنوعی (تخمک اهدایی، جنین اهدایی، رحم استیجاری) فقها اختلاف نظر دارند. در مجموع می‌توان گفت که بسیاری از قاطع فقهای شیعه معتقد به حرمت تلقیح مصنوعی بوده یا به صورت مشروط آن را پذیرفته‌اند. تلقیح مصنوعی در قانون، زیاد مورد توجه نیست و هرچند درباره اهدای جنین، قانون مختصری وجود دارد، ولی کافی نیست. درست است که ناباروری تأثیر زیادی بر زندگی زوجین دارد، اما فرزنددار شدن به روش تلقیح مصنوعی نیز می‌تواند بر زندگی و روابط زوجین تأثیر بگذارد. در اهدای گامت (اسپرم و تخمک) نص قانونی وجود ندارد. در رحم اجاره‌ای قانون مجزایی تدوین نشده

است، ولی این عمل براساس ماده ۱۰ قانون مدنی قراردادهای خصوصی، منع قانونی ندارد.

### دوم) هزینه‌های درمان ناباروری

زوجین نابارور با مشکل هزینه‌های درمان ناباروری مواجه هستند. هرچند نفقه زن براساس ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی برعهده شوهر است، اما آیا هزینه‌های درمان ناباروری از مصادیق نفقه است؟ ماده ۱۱۰۷ مصادیق نفقه را ذکر کرده است؛ در این ماده به هزینه‌های درمانی اشاره شده، اما میزان نفقه برای زوجه در قانون مشخص نشده است. با سکوت قانون‌گذار باید به منابع معتبر فقهی رجوع کرد. (رک. اصل ۱۶۷ قانون اساسی) فقها در زمینه مقدار نفقه واجب، اختلاف نظر دارند و ملاک واحدی در این مورد وجود ندارد. برخی از فقها مانند علامه حلی آن را از مصادیق نفقه واجب نمی‌دانند و ذمه شوهر را از پرداخت هزینه دارو در بیماری زن بری می‌دانند (علامه حلی، بی تا، ۲/۳۴-۳۵). نکته قابل توجه این است که فقها گرفتن خادم برای زن را جزو نفقه واجب می‌دانند. این درحالی است که هزینه‌های درمانی را جزو نفقه واجب او نمی‌دانند. به نظر می‌رسد برای یک زن، پرداخت مخارج درمانی اهمیت بالاتری دارد نسبت به گرفتن خادم، پس اگر فقها گرفتن خادم را که اهمیت کمتری دارد بر ذمه شوهر می‌دانند، پرداخت هزینه‌ها به طریق اولی باید بر او واجب باشد.

### ۲-۱-۳. گرفتن فرزندخوانده

فقه امامیه فرزندخواندگی را بااستناد به آیات و روایات به رسمیت نمی‌شناسد. فقها معتقدند که در فرزندخوانده نسب و ارث حاصل نمی‌شود. زوجین گیرنده به طور شرعی اجازه ندارند طفل را به نام خود بخوانند و برای او شناسنامه بگیرند. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹) همین مسئله می‌تواند روابط درون خانواده و محیط خانه را به شدت متشنج کند. داشتن فرزند و نامیدن آن طفل به نام خود انسان نیازی عاطفی است. این نیاز باعث می‌شود که افراد فرزندی از بهزیستی یا از دیگران به فرزندخواندگی قبول کنند.

### ۲-۱-۴. طلاق

فقه اسلامی طلاق را حق مرد می‌داند، اما درصورت وجود عیوب مشخص این اختصاص برداشته شده است و طرفین می‌توانند به این نکاح پایان دهند، ولی نه با تشریفات طلاق، بلکه با فسخ. این عیوب در فقه مشخص شده است. (کرکی، ۱۴۰۸ ه.ق. ۱۳/۳۲۲) براساس ماده ۱۱۲۲

و ۱۱۲۳ قانون مدنی عیوبی برای مرد و زن ذکر شده است که در صورت وجود آنها می‌توان نکاح را فسخ کرد. باتوجه به عیوب یاد شده در قانون مدنی، عقیمی از عیوب موجب فسخ نیست. در عیوب مرد اگر زوج قادر به انجام وظایف زناشویی باشد، ولی قادر به حامله کردن زوجه نباشد، این مورد از موارد فسخ نکاح یا تقاضای صدور گواهی عدم امکان سازش نیست (نظریه مشورتی، ۶۱۷/۷، مورخ ۱۳۶۶/۱/۳۱، اداره حقوقی قوه قضائیه). در مواردی که خانمی فاقد رحم باشد مرد می‌تواند نکاح را فسخ کند و مورد از موارد مصادیق حق فسخ به موجب تخلف از وصف ضمنی سلامت موضوع ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی است. در این مورد رأی اصراری حقوقی ۱۶-۸۸/۱۱/۲۰ توسط هیئت عمومی شعب حقوقی دیوان صادر شده است. طلاق آخرین راه حل است؛ زیرا براساس روایات اسلامی طلاق منفورترین حلال در نزد خداوند است. (حرعاملی، ۱۴۱۶ ه.ق، ۲۲/۸) فقه در عقیمی مرد به زن حق طلاق نداده است، اما براساس بند ۱۰ سند نکاحیه اگر زوجین ۵ سال به دلیل بیماری نتوانند صاحب فرزند شوند، زن می‌تواند درخواست طلاق دهد. این بند اگر به امضای زوجین رسیده باشد، اعتبار دارد و زن پس از طی روند قانونی مانند نامه پزشکی قانونی مبنی بر عقیمی مرد، می‌تواند خود را مطلقه کند. باید توجه داشت که صرف ناباروری زوج برای ایجاد حق طلاق برای زوجه کفایت می‌کند و روش‌های نوین درمانی و احتمال درمان زوج باعث اسقاط حق طلاق ایجاد شده برای زوجه نمی‌شود؛ زیرا آنچه درباره احکام الهی به ذهن می‌رسد این است که منظور شارع صورت طبیعی آن چیز هست (رأی وحدت رویه شماره ۹۰۹۹۰۰۱۶/۹۲۰۹۹۷).

ناباروری از مصادیق عسر و حرج است. تبصره ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی شرایطی برای زن در نظر گرفته است که در صورت احراز آن بتواند از دادگاه تقاضای طلاق کند.

## ۲-۱-۵. سوء معاشرت میان زوجین

با ازدواج و تشکیل خانواده بین طرفین رابطه عاطفی، جسمی، جنسی، اعتقادی و مالی ایجاد می‌شود. عوامل مختلفی این روابط را تعدیل یا تحکیم می‌کند. روابط زوجین، روابط مالی و غیر مالی است. روابط مالی بین زوجین مهریه، نفقه، ارث و... است. ناباروری می‌تواند بر این روابط تأثیر بگذارد. روابط غیرمالی، تمام روابط بین زوجین بوده که عبارت است از: روابط عاطفی (مودت و رحمت، حسن معاشرت) و روابط حقوقی (حق فرزندآوری،





حق وفاداری، امر به معروف و نهی از منکر، حق طلاق، فسخ و حق ازدواج مجدد).  
 حسن معاشرت از جلوه‌های اخلاق است و سوء معاشرت یکی از چالش‌های ناباروری است. سوء معاشرت هر رفتار و گفتاری است که توهین محسوب شود مانند تحقیر، ایراد، ضرب و جرح یا اموری که با عشق و احترام به کانون خانواده منافات داشته باشد. (گرچی، ۱۳۸۷، ۱۳۸/۲)  
 خشونت از مصادیق سوء معاشرت در زوجین است. در برخی از کشورها مانند کشورهای در حال توسعه، ناباروری ممکن است باعث ایجاد همه یا حداقل یکی از انواع خشونت بین زوجین شود. متغیرهای مختلفی بر نوع و میزان خشونت تحمیلی بر فرد نابارور مؤثر است از جمله: مدت ناباروری، تحصیلات و پایگاه اقتصادی و اجتماعی زن. هرچه منابع و امکانات در دسترس اشخاص بیشتر باشد توانایی فرد برای استفاده از قدرت نیز بیشتر می‌شود. بنابراین، احتمال خشونت کمتر خواهد شد (اعزازی، ۱۳۸۰).

### اول، حق فرزندخواهی

فرزندآوری از اهداف ازدواج است، البته فرزندآوری بر اساس نظر فقها جزو ماهیت و ذات عقد نکاح نیست و در این مسئله اختلاف نظر وجود ندارد. بعضی از زوجین در زمینه فرزندآوری با یکدیگر تفاهم ندارند. علاوه بر آن در نوع درمان نیز تفاهم ندارند و این نداشتن اتفاق نظر زوجین مسئله ناباروری را چالش‌انگیزتر هم می‌کند. مسئله دیگری که چالش بین زوجین را افزایش می‌دهد این است که فقه و حقوق به صراحت مبحث الزام زوجین به درمان را مطرح نکرده است، اما با توجه به مواد «۱۱۱۹، ۱۱۰۴، ۱۱۰۳» قانون مدنی می‌توان برای حفظ کيان خانواده زوجین را الزام به درمان کرد.

### دوم، حق امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر از وظایف مسلمانان نسبت به یکدیگر است. بر همه مسلمانان از جمله زن و شوهر لازم است یکدیگر را در معروف و منکر تذکر دهند. (ر.ک.، توبه: ۷۱) برخی از روش‌های درمانی از نظر برخی فقها حرام است. زن یا شوهر اگر هر کدام اصراری بر آن درمان‌ها داشته باشد بر طرف مقابل واجب است او را از این کار بازدارد. استدلال این مسئله این است که:

- نهی از منکر واجب است؛ نهی از حرام واجب است؛

- حرام منکر است؛ برخی از روش‌های درمانی حرام است؛
- نهی از حرام واجب است؛ نهی از برخی روش‌های درمانی واجب است.

### ۳. روش اجرای پژوهش

در پژوهش حاضر برای درک بهتر از چالش‌های فقهی و حقوقی ناباروری و تأثیر آن بر روابط زوجین از رویکرد کیفی نظریه زمینه‌ای (داده‌بنیاد) به روش تحلیل مضمون استفاده شد. روش کیفی مورد استفاده در پژوهش حاضر یعنی، روش داده‌بنیاد براساس مراحل زیر اجرا شد: تدوین پرسش‌های پژوهش، گردآوری داده‌ها، کدگذاری داده‌ها در سه مرحله (کدگذاری باز، کدگذاری محوری، کدگذاری انتخابی) نوشتن یادداشت‌های تحلیلی، ثبت اندیشه‌ها و تفسیر خود از داده‌ها و درنهایت نگارش و تدوین نظریه. بنا بر ضرورت و فرایند تحقیق، از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد. روش مقدماتی اتخاذ شده برای انجام مصاحبه، استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با سؤالات باز است. بعد از جمع‌آوری و تحلیل داده‌های اولیه، برای تعیین اینکه چه کسی نمونه بعدی باشد از نمونه‌گیری نظری استفاده شد. سپس متن مصاحبه‌ها با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودی ای با استفاده از روش کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی تحلیل شد.

#### جدول ۱

#### مشخصات افراد نمونه مورد مصاحبه

ردیف	مسئولیت	تحصیلات	رشته تحصیلی	جنسیت
۱	قاضی دادگاه تجدیدنظر	دکتری	جزا و جرم‌شناسی	مرد
۲	رئیس دادگستری	سطح چهار حوزه علمیه	فقه و اصول	مرد
۳	رئیس مجتمع قضایی دادگاه خانواده	کارشناسی ارشد، درس خارج حوزه	حقوق جزا و جرم‌شناسی، فقه و اصول	مرد
۴	وکیل دادگستری	کارشناسی ارشد	حقوق خصوصی	زن
۵	استاد سطوح عالی حوزه علمیه، عضو گروه پزشکی جامعه المصطفی	سطح چهار حوزه علمیه	فقه و اصول	مرد
۶	مشاور	دکتری، سطح چهار حوزه علمیه	روان‌شناسی عمومی، فقه و اصول	مرد

۷	روان شناس و مشاور	دکتری	روان شناسی بالینی، روان شناسی عمومی	مرد
۸	رئیس شعبه دادگاه خانواده	کارشناسی ارشد	حقوق جزا و جرم شناسی	مرد
۹	قاضی مشاور	کارشناسی ارشد	حقوق خصوصی	زن
۱۰	قاضی مشاور	کارشناسی ارشد	حقوق خصوصی	زن
۱۱	روان شناس و مشاور خانواده	کارشناسی ارشد	روان شناسی	زن
۱۲	رئیس شعبه دادگاه خانواده	کارشناسی ارشد	حقوق و معارف اسلامی	مرد
۱۳	رئیس شعبه دادگاه خانواده	کارشناسی ارشد	حقوق جزا و جرم شناسی	مرد
۱۴	مشاور و زوج درمانگر	دکتری	مشاوره خانواده	زن
۱۵	مشاور و زوج درمانگر	دکتری	روانشناسی عمومی	زن
۱۶	وکیل دادگستری و استاد دانشگاه	دکتری	حقوق خصوصی	مرد
۱۷	کارمند دادگستری	کارشناسی ارشد	حقوق جزا و جرم شناسی	مرد
۱۸	استاد دانشگاه، مدرس حوزه و مشاور خانواده	سطح چهار حوزه علمیه	فقه خانواده	زن
۱۹	استاد دانشگاه و مشاور خانواده	سطح سه حوزه علمیه و دکتری روان شناسی	مشاوره خانواده	زن

## جدول ۲

### مفاهیم اولیه (کدگذاری باز) و فراوانی چالش های فقهی زوجین ناباور؛ استخراج شده از مصاحبه ها

ردیف	مفهوم اولیه	فراوانی	ردیف	مفهوم اولیه	فراوانی
۱	جواز دخل و تصرف در پول معاملات اهدای تخمک	۲	۷۲	جواز دخل و تصرف در پول معاملات اهدای اسپرم	۲
۲	استفاده از رحم زن اجنبی	۱	۷۳	فرزندخواندگی	۵
۳	جواز دخل و تصرف در پول قراردادهای رحم جایگزین	۱	۷۴	کم توجهی مردم نسبت به احکام شرعی	۳
۴	کراهت شدید طلاق	۱	۷۵	گرفتن تخمک از زن اجنبی در اهدای تخمک	۳
۵	حضانت فرزند خوانده	۱	۷۶	عدم ایجاد حق طلاق در فقه برای ناباوروی شوهر	۱
۶	چالش نسب در اهدای جنین	۳	۷۷	حرمت اهدای جنین در فقه اهل سنت	۱
۷	بری بودن ذمه شوهر در هزینه های زیاد ناباوروی	۱	۷۸	حامل بودن صرف زن ناباور در اهدای تخمک	۳
۸	اختیار طلاق زن	۲	۷۹	وظیفه فقه در پاسخ گویی به مسائل مبتلابه	۱
۹	صاحب اسپرم پدر بیولوژیک است	۱	۸۰	نیاز به بررسی همه جانبه احکام تلقیح مصنوعی	۱
۱۰	نبود راهی به جز استفاده از اسپرم اهدایی در برخی از موارد	۱	۸۱	اختلاف نظر فقها در ایجاد محرمیت با شیر حاصل از حمل غیرطبیعی	۱
۱۱	رحم جایگزین	۴	۸۲	شرایط رضاع در فقه	۱
۱۲	چالش های فقهی و حقوقی تلقیح مصنوعی	۱	۸۳	اهدای اسپرم	۶
۱۳	ادامه زندگی بدون فرزند	۲	۸۴	اهدای تخمک	۷



ردیف	مفهوم اولیه	فراوانی	ردیف	مفهوم اولیه	فراوانی
۱۴	چالش ارث فرزندخوانده	۴	۸۵	اهدای جنین	۷
۱۵	شبیه‌سازی	۱	۸۶	عدم انتصاب نسب طفل در اهدای جنین به والدین	۳
۱۶	اثبات اضطرار با عدم وجود راه دیگر	۱	۸۷	لزوم وجود نسب برای رابطه توارث	۳
۱۷	عدم انتصاب طفل به مادر در اهدای تخمک	۲	۸۸	چالش ارث در اهدای تخمک	۲
۱۸	عدم انتصاب طفل به پدر در اهدای اسپرم	۱	۸۹	چالش محرمیت در اهدای جنین	۱
۱۹	چالش نسب در اهدای اسپرم	۱	۹۰	حمل جنین غیر توسط زن نازا در اهدای جنین	۳
۲۰	چالش نسب در اهدای تخمک	۱	۹۱	تعلق جنین به دیگری در اهدای جنین	۴
۲۱	جواز لقاح آزمایشگاهی	۱	۹۲	اهدای جنین چالش‌برانگیزتر از سایر روش‌ها	۱
۲۲	عدم انتصاب طفل تلقیح مصنوعی به والدین یا یکی از آنها	۲	۹۳	شرط وجود علقه زوجین بین صاحبان نطفه در اهداکنندگان جنین	۱
۲۳	تفاوت ملاک خوشبختی در داشتن فرزند	۱	۹۴	عدم پایبندی به تعهدات زناشویی	۲
۲۴	چالش نسب در رحم جایگزین	۱	۹۵	نفی شبیه‌سازی در فقه	۱
۲۵	عدم همکاری زوج برای درمان دلیلی بر گرفتن فرزندخوانده	۱	۹۶	شرط وجود علقه زوجیت بین صاحبان نطفه در اهدای اسپرم	۴
۲۶	شرط عدم انجام مقدمات حرام برای جواز تلقیح مصنوعی	۴	۹۷	شرط وجود علقه زوجیت بین صاحبان نطفه در اهدای تخمک	۶
۲۷	چالش ارث در رحم جایگزین	۲	۹۸	آرامش یکی از اهداف ازدواج	۱
۲۸	الزام زوجین به اطلاع از آثار فقهی تلقیح مصنوعی	۱	۹۹	نامشروع بودن برخی از روش‌های تلقیح مصنوعی	۱
۲۹	روشن شدن مسیر سعادت با فقه	۱	۱۰۰	نامی‌داری از درمان و گرفتن فرزندخوانده	۱
۳۰	توجه قرآن به امر فرزندآوری	۱	۱۰۱	چالش ارث کودکان تلقیح مصنوعی	۲
۳۱	نامی‌داری از درمان و گرفتن فرزندخوانده	۱	۱۰۲	بهبود بودن سازش زن در ناباروری مرد	۱
۳۲	خوشبختی زن در وفاداری به شوهر عقیم	۱	۱۰۳	اختلاف نظر فقها در جواز و حرمت اهدای جنین	۷
۳۳	اختلاف نظر فقها در جواز و حرمت اهدای اسپرم	۵	۱۰۴	اختلاف نظر فقها در جواز و حرمت اهدای تخمک	۳
۳۴	اختلاف نظر فقها در جواز و حرمت رحم جایگزین	۶	۱۰۵	لزوم وجود حرج و اضطرار در رفع حرمت	۲
۳۵	راهکار رضاع برای محرمیت فرزندخوانده	۴	۱۰۶	راهکار نکاح برای محرمیت فرزندخوانده	۴
۳۶	درمان ناباروری با تلقیح مصنوعی	۵	۱۰۷	لایینحل بودن ارث کودکان متولد از اهداء جنین	۱
۳۷	کراهت ازدواج با فرد عقیم در صورت علم	۱	۱۰۸	فطری بودن نیاز به فرزندآوری	۲
۳۸	چالش محرمیت فرزندخوانده	۳	۱۰۹	تلقیح مصنوعی رایج‌ترین درمان ناباروری	۱
۳۹	منتفی بودن شبیه‌سازی در ایران	۱	۱۱۰	خرید اسپرم از اجنبی	۱
۴۰	گرفتن اسپرم از اقوام	۲	۱۱۱	معامله اسپرم	۳
۴۱	خرید اسپرم از چند شخص	۲	۱۱۲	خرید تخمک از اجنبی	۲
۴۲	خرید تخمک از خویشان	۲	۱۱۳	منع خویشاوندی در تخمک‌اهدائی	۲
۴۳	منع خویشاوندی در اسپرم‌اهدایی	۲	۱۱۴	فروش جزئی از بدن	۱
۴۴	خرید تخمک	۲	۱۱۵	خرید اسپرم	۲

ردیف	مفهوم اولیه	فراوانی	ردیف	مفهوم اولیه	فراوانی
۴۵	امانت بودن بدن انسان	۱	۱۱۶	محاسبه در مورد اجزای بدن	۱
۴۶	سلامت روانی در اهداکننده اسپرم	۳	۱۱۷	نامشروع بودن طفل	۳
۴۷	تأثیر عمیق نطفه	۴	۱۱۸	حلال زادگی	۱
۴۸	عدم انجام برخی از روش ها	۲	۱۱۹	تأثیر اسلام در زندگی	۲
۴۹	اهمیت فرزندآوری در اسلام	۲	۱۲۰	تغییر سبک زندگی	۱
۵۰	پاسخ گویی فقها به مسائل مستحدثه	۴	۱۲۱	عدم سابقه تلقیح مصنوعی	۲
۵۱	مصاحفه شبهه تلقیح مصنوعی	۳	۱۲۲	انتساب طفل به صاحب نطفه در مصاحفه	۲
۵۲	شبهه زنا	۲	۱۲۳	حفظ فروج	۲
۵۳	اضطرار و حکم جواز	۱	۱۲۴	احتیاط در تلقیح مصنوعی	۱
۵۴	اجتناب از لمس حرام	۳	۱۲۵	اجتناب از نظر حرام	۱
۵۵	حفظ کیان خانواده	۴	۱۲۶	تحقق فرزندآوری	۳
۵۶	تلقیح مصنوعی دریچه امید	۴	۱۲۷	فقه پویا	۵
۵۷	تلقیح مصنوعی و جلوگیری از فروپاشی زندگی	۱	۱۲۸	اسلام کامل ترین دین	۵
۵۸	اختیار افراد بر تن	۱	۱۲۹	پرداخت خسارت به زن	۱
۵۹	شرایط رضاع برای حرمت	۲	۱۳۰	شیر حمل مشروع	۳
۶۰	شیر داشتن نوزاد شرعی	۱	۱۳۱	زن در قرآن	۲
۶۱	کشتزار بودن زن	۲	۱۳۲	فرزندآوری و خواست خداوند	۱
۶۲	آسیب جسمی زن در درمان	۱	۱۳۳	آسیب روحی زن در درمان	۲
۶۳	فمنیسیم و درمان ناباروری	۱	۱۳۴	عدم امکان الزام زن به درمان	۲
۶۴	بردگی جنسی	۱	۱۳۵	تضییع حق طفل متولد از تلقیح مصنوعی	۳
۶۵	چندبعدی بودن اسلام	۱	۱۳۶	سعادت دنیا	۱
۶۶	لزوم توجه به آخرت	۱	۱۳۷	خودخواهی زوجین	۱
۶۷	تأثیر نطفه بر شخصیت	۴	۱۳۸	سعادت بشر	۱
۶۸	نص قرآن در حفظ فروج	۴	۱۳۹	احادیث در حفظ فروج	۳
۶۹	حرام بودن شناسنامه به نام خود	۱	۱۴۰	فرزندخواندگی در قرآن	۱
۷۰	حرمت به نام خود خواندن فرزندخوانده	۱	۱۴۱	تأثیر دوران باروری بر شخصیت	۴
۷۱	مادر بودن صاحب رحم بنا به نظر برخی	۲	۱۴۲	مادر بودن صاحب تخمک بنا به نظر برخی	۲

در جدول ۲ مفاهیم اولیه (کدهای باز) و فراوانی هر مفهوم در مورد چالش های فقهی ناباروری از مصاحبه ها استخراج و ارائه شده است. با توجه به این جدول مفاهیم اولیه مصاحبه ها و فراوانی چالش های فقهی زوجین نابارور شامل ۱۴۲ کد باز است.

جدول ۳

مفاهیم اولیه (کدگذاری باز) و فراوانی چالش‌های حقوقی زوجین نابارور؛ استخراج شده از مصاحبه‌ها

ردیف	مفهوم	فراوانی	ردیف	مفهوم	فراوانی
۱	طلاق به درخواست زوجه	۷	۶۴	احتیاط در معاملات گامت	۱
۲	چالش ارث در اهدای اسپرم	۱	۶۵	عدم ورود قانون به مسائل جدید	۱
۳	نداشتن رحم و خیار فسخ	۱	۶۶	چالش صدور شناسنامه در رحم جانشین	۱
۴	فسخ نکاح در صورت خیار تخلف شرط	۱	۶۷	قراردادهای دوستانه و تجاری رحم جانشین	۲
۵	نبود ناباروری جزو عیوب فسخ	۱	۶۸	نبود قانون خاص در رحم جانشین	۲
۶	روند قانونی خاص اهداء جنین	۱	۶۹	محرمانگی در تلقیح مصنوعی و تزیین حق افراد	۱
۷	محدود کردن تعدد زوجات در قانون	۱	۷۰	شروط قراردادهای رحم جانشین	۱
۸	شرط اجرای عدالت در تعدد زوجات	۱	۷۱	جواز یا عدم جواز معاملات تخمک	۱
۹	شرط توان اقتصادی برای تعدد زوجات	۱	۷۲	جواز یا عدم جواز معاملات اسپرم	۱
۱۰	پابرجا بودن حقوق زن در طلاق به دلیل ناباروری	۱	۷۳	رای اصراری فسخ نکاح به دلیل نداشتن رحم	۱
۱۱	درخواست طلاق زن در عسر و حرج	۱	۷۴	چالش نسب در رحم جایگزین	۱
۱۲	سختی اثبات عسر و حرج	۲	۷۵	تفاوت نظر قضات در عسر و حرج	۴
۱۳	نسب در فرزندخواندگی	۱	۷۶	صاحب اسپرم پدر است	۱
۱۴	چالش نسب در اهداء اسپرم	۱	۷۷	نقص قانون اهدای جنین	۵
۱۵	چالش نسب در اهدای تخمک	۱	۷۸	نبود قانون مدون در اهدای تخمک	۴
۱۶	چالش نسب در اهدای جنین	۲	۷۹	دعوی اثبات نسب برای اخذی	۱
۱۷	خرید نوزاد	۱	۸۰	نفی نسب طفل توسط وراث قانونی	۱
۱۸	وفاداری بیشتر زنان	۲	۸۱	شرایط قانونی خاص برای اهداکنندگان جنین	۱
۱۹	طلاق نتیجه سوء معاشرت	۱	۸۲	تأیید اهدای جنین توسط شورای نگهبان	۱
۲۰	ماده ۱۱۷۳ گزارش اصلاحی برای تغییر حضانت	۱	۸۳	چالش نفقه کوک متولد از اهداء جنین پس از طلاق والدین	۲
۲۱	نبود تفسیر مشخص از قانون اهدای جنین	۱	۸۴	بند ۱۰ سند نکاح به درباره حق طلاق زن	۶
۲۲	نفی نسب طفل در خیانت زناشویی	۱	۸۵	عدم ورود دادگاه به مسئله محرمیت فرزندخوانده	۱
۲۳	کفایت عقیمی مرد برای درخواست طلاق زوجه	۱	۸۶	حکم موقت فرزندخواندگی به مدت ۶ ماه	۱
۲۴	گواهی پزشکی قانونی مبنی بر عقیمی شوهر	۱	۸۷	هزینه‌های زیاد درمانی دلیلی بر گرایش به فرزندخواندگی	۱
۲۵	عدم امکان الزام شوهر به پرداخت هزینه‌های بالای درمانی	۴	۸۸	حق طلاق زن بعد از گذشت ۵ سال از زندگی مشترک در ناباروری شوهر	۴
۲۶	شرط متعارف بودن هزینه‌ها در وجوب نفقه	۲	۸۹	عدم واگذاری فرزندخوانده به برخی از خانواده‌ها	۱
۲۷	تمثیلی بودن موارد ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی	۱	۹۰	شرط صلاحیت اخلاقی برای گرفتن فرزندخوانده	۱
۲۸	تعریف نفقه در ماده ۱۱۰۷	۲	۹۱	شرط توان اقتصادی برای گرفتن فرزندخوانده	۱
۲۹	پیروی قانون نفقه از فقه	۱	۹۲	حضانت طفل در اهدای جنین	۳



ردیف	مفهوم	فراوانی	ردیف	مفهوم	فراوانی
۳۰	سختی اثبات خشونت خانگی	۱	۹۳	نفقه طفل در اهدای جنین	۳
۳۱	خلأ قانونی در خشونت های خانگی	۱	۹۴	خلأ قانونی در سوء معاشرت زوجین	۱
۳۲	طلاق، آخرین راه حل	۱	۹۵	سوء معاشرت در ناباروری	۱
۳۳	حق طلاق زوجه در امراض سبب ناباروری مرد	۱	۹۶	فسخ در ناباروری	۲
۳۴	ازدواج مجدد مرد در ناباروری زن	۴	۹۷	نبود هزینه های درمان ناباروری جزو نفقه	۲
۳۵	رفع چالش عدم ارث بری فرزندخوانده با قوانین خاص بهزیستی	۴	۹۸	عدم اجازه قانون در گرفتن فرزند از اقوام	۱
۳۶	چالش ارث در اهدای جنین	۶	۹۹	اختلاط نسل	۵
۳۷	قانونی بودن اهدای جنین	۱	۱۰۰	نبود قانون مدون در اهدای اسپرم	۴
۳۸	طلاق دادن زوجه	۴	۱۰۱	عدم نسخ ماده ۱۶ و ۱۷ قانون حمایت خانواده	۲
۳۹	تصوب قانون اهدای جنین در سال ۱۳۸۲	۲	۱۰۲	داشتن ۵ ماده قانون اهدای جنین	۴
۴۰	شرایط اهداکنندگان جنین در قانون	۴	۱۰۳	عدم اعتیاد به مواد مخدر اهداکننده	۴
۴۱	نداشتن بیماری ژنتیکی در اهداکنندگان	۴	۱۰۴	سکوت قانون گذار در اسپرم اهدایی	۳
۴۲	عدم منع قانونی برای اهدای تخمک	۴	۱۰۵	عدم منع قانونی برای اهدای اسپرم	۳
۴۳	صلاحیت اخلاقی دریافت کنندگان جنین	۴	۱۰۶	عدم محجوریت زوجین دریافت کننده جنین	۴
۴۴	ایرانی بودن زوجین اهداء گیرنده جنین	۴	۱۰۷	قانون اهداء جنین تنها نص در تلقیح مصنوعی	۴
۴۵	عدم منع قانونی برای دریافت اسپرم	۳	۱۰۸	عدم منبع قانونی برای دریافت تخمک	۲
۴۶	تضیع حق سایر وراث	۲	۱۰۹	تضیع حق والدین اصلی در ارث	۲
۴۷	تضیع حق کودک در ارث	۲	۱۱۰	انتصاب نصب به صاحب اسپرم	۳
۴۸	انتصاب نسب به صاحب تخمک	۳	۱۱۱	انتصاب طفل به صاحب رحم	۲
۴۹	شرط نسب در ارث بری	۳	۱۱۲	مصالحه اموال در ارث بری	۳
۵۰	حق بودن حضانت	۱	۱۱۳	تکلیف بودن حضانت	۱
۵۱	عدم امکان الزام زوج به حضانت در اسپرم اهدایی	۲	۱۱۴	عدم امکان الزام زوج به پرداخت نفقه در اسپرم اهدایی	۲
۵۲	بلا تکلیفی حضانت طفل در جنین اهدایی	۲	۱۱۵	عدم تکلیف زوج به پرداخت نفقه	۲
۵۳	فوت پدر جایگزین	۲	۱۱۶	عدم تکلیف جد پدر در حضانت اسپرم اهدایی	۲
۵۴	عدم تکلیف جد پدری به ولایت در اسپرم اهدایی	۲	۱۱۷	عدم تکلیف جد پدری به نفقه در اسپرم اهدایی	۲
۵۵	عدم تکلیف مادر به نفقه	۱	۱۱۸	تهدیدات مالی آینده طفل	۱
۵۶	حق کودک در داشتن سرپرست	۱	۱۱۹	خودخواهی زوجین	۱
۵۷	نبود قانون در مورد ارث کودک اهدای تخمک	۲	۱۲۰	نبود قانون در مورد ارث کودک اهدای اسپرم	۲
۵۸	اصل ۱۶۷ قانون اساسی	۳	۱۲۱	رجوع به متون فقهی در مواقع سکوت قانون	۳
۵۹	حق پاک بودن صلب برای کودک	۴	۱۲۲	ارث بری از صاحب تخمک	۲
۶۰	ارث بری از صاحب اسپرم	۳	۱۲۳	ارث بری از صاحبان جنین	۲
۶۱	ارث بری از صاحب رحم	۲	۱۲۴	قرارداد بین افراد	۲

ردیف	مفهوم	فرآوانی	ردیف	مفهوم	فرآوانی
۶۲	شرط صحت قرارداد بین افراد	۲	۱۲۵	شرط عدم منافات قراردادها با اخلاق حسنه	۲
۶۳	شرط عدم منافات قراردادها با نظم عمومی	۲	۱۲۶	جاری بودن ماده ۱۰ در رحم اجاره ای	۲

مطابق جدول ۳ مفاهیم اولیه (کدگذاری باز) مصاحبه‌ها و فرآوانی چالش‌های حقوقی زوجین نابارور شامل ۱۲۶ کدباز است.

#### جدول ۴

مفاهیم اولیه (کدگذاری باز) و فرآوانی مهمترین چالش‌های فقهی و حقوقی زوجین نابارور؛ استخراج شده از مصاحبه‌ها

ردیف	مفهوم	فرآوانی	ردیف	فرآوانی	ردیف
۱	صدمات روحی و روانی طلاق	۱	۱۸	خلأ قانونی در اهدای تخمک	۱
۲	نقص قانون اهدای جنین	۱	۱۹	خلأ قانونی در اهدای اسپرم	۱
۳	چالش نسب در اهداء اسپرم	۴	۲۰	چالش نسب در اهدای جنین	۴
۴	چالش ارث در اهدای اسپرم	۶	۲۱	چالش ارث در اهدای جنین	۶
۵	چالش نسب در اهدای تخمک	۴	۲۲	تزلزل در روابط زوجین در ناباروری	۱
۶	چالش ارث در اهدای تخمک	۸	۲۳	اعمال خشونت روانی علیه مردان	۱
۷	چالش نسب در رحم جایگزین	۴	۲۴	اعمال خشونت فیزیکی و اقتصادی بیشتر علیه زنان	۱
۸	چالش ارث در رحم جایگزین	۸	۲۵	خشونت اقتصادی	۱
۹	چالش محرمیت در اهدای جنین	۱	۲۶	خشونت روانی	۱
۱۰	خشونت جنسی	۱	۲۷	خشونت جسمی	۱
۱۱	ناشایستگی اختلاط نسل در جامعه اسلامی	۱	۲۸	چالش محرمانگی در تلقیح مصنوعی	۱
۱۲	عدم ثبت صاحب تخمک	۱	۲۹	سوء معاشرت زوجین	۲
۱۳	عدم ثبت صاحب اسپرم در برخی مراکز	۱	۳۰	اختلاف نظر فقها در جواز و حرمت تلقیح مصنوعی	۱
۱۴	طلاق	۴	۳۱	حضانة طفل در اسپرم اهدایی	۲
۱۵	نفقه طفل در اسپرم اهدایی	۲	۳۲	نفقه درمانی	۲
۱۶	فوت والدین جانشین و نبود قانون حمایتی	۱	۳۳	اختلاط نسل و ازدواج خواهر با برادر	۳
۱۷	محرمیت فرزندخوانده	۳			



## جدول ۵

مفاهیم اولیه (کدگذاری باز) و فراوانی اثرات منفی ناباروری بر روابط زوجین؛ استخراج شده از مصاحبه‌ها

ردیف	مفهوم	فراوانی	ردیف	مفهوم	فراوانی
۱	به دنبال مقصر بودن در زندگی	۱	۲۸	حس خوشبختی با داشتن فرزند	۱
۲	دلسردی نسبت به زندگی	۱	۲۹	عدم ایجاد اختلال در زندگی با ناباوری	۱
۳	هزینه‌های بالای درمانی و کاهش تمایل به فرزندآوری	۱	۳۰	کم شدن میزان طلاق در سال اخیر به دلیل ناباروری	۱
۴	وضعیت اقتصادی و کاهش تمایل به فرزندآوری	۱	۳۱	جبران عقیمی شوهر با افزایش بعد عاطفی	۲
۵	بهانه جویی	۱	۳۲	افسردگی	۱
۶	خشونت روانی	۲	۳۳	اهمیت بیشتر اختلالات جنسی از خود ناباروری	۱
۷	تهدید به طلاق	۱	۳۴	دخالت اطرافیان	۳
۸	سوء معاشرت در بین زوجین	۱	۳۵	مخدوش شدن روابط زوجین	۱
۹	اختلاف بر سر انتقال اموال به نام زوجه	۱	۳۶	تزلزل در زندگی زناشویی	۳
۱۰	طلاق عاطفی	۱	۳۷	اختلاف بر سر هزینه‌های درمانی	۲
۱۱	عدم پایبندی به تعهدات زناشویی	۲	۳۸	نداشتن تفاهم زوجین در گرفتن فرزندخوانده	۱
۱۲	خشونت‌های خانگی	۴	۳۹	نداشتن تفاهم زوجین در درمان	۱
۱۳	انزوای فردی و اجتماعی	۱	۴۰	پایین آمدن سیستم ایمنی بدن	۱
۱۴	برآورده نشدن انتظارات	۱	۴۱	اختلافات زناشویی	۸
۱۵	احساس پوچی	۳	۴۲	سردی روابط زناشویی	۷
۱۶	طلاق	۸	۴۳	ازدواج مجدد مرد	۶
۱۷	خشونت جسمی	۱	۴۴	خشونت جنسی	۲
۱۸	خیانت عاطفی	۶	۴۵	خیانت جنسی	۲
۱۹	ناامیدی	۴	۴۶	ترس	۱
۲۰	سرزنش اطرافیان	۶	۴۷	کاهش ارتباط با سایر افراد	۲
۲۱	مشکلات جنسی	۵	۴۸	کاهش رضایت زناشویی	۴
۲۲	احساس بی‌کفایتی	۳	۴۹	معضل بودن ناباروری برای زوجین	۴
۲۳	کاهش شایستگی فردی	۲	۵۰	کاهش شایستگی اجتماعی	۲
۲۴	تأثیر روند درمان بر روابط زوجین	۲	۵۱	طولانی بودن روند درمان	۴
۲۵	کاهش صمیمیت زوجین	۳	۵۲	کاهش کیفیت زندگی	۵
۲۶	ناباروری به مثابه یک بحران	۳	۵۳	کژکاری‌های جنسی	۲
۲۷	سردمزاجی زوجین	۲	۵۴	افسردگی	۴

## جدول ۶

مفاهیم اولیه (کدگذاری باز) و فراوانی تأثیرچالش‌های فقهی و حقوقی بر روابط زوجین نابارور؛ استخراج شده از مصاحبه‌ها

ردیف	مفهوم	فراوانی	ردیف	مفهوم	فراوانی
۱	تصمیم احساسی زوجین در تلقیح مصنوعی	۱	۲۰	چالش ارث و اثر منفی انتقال کل اموال به نفع فرزند	۲
۲	عدم انتصاب طفل و مسئولیت‌گریزی زوجین	۱	۲۱	تأثیر منفی کودکان نامشروع بر روابط زوجین	۳
۳	طلاق در شرط وجود علقه زوجیت بین صاحبان نطفه در اهدای اسپرم	۱	۲۲	تأثیر انتقال اموال به نفع فرزند خوانده در روابط مالی زوجین	۱
۴	استنکاف از پرداخت نفقه طفل به دلیل عدم انتصاب	۱	۲۳	تزلزل بین زوجین در عدم امکان الزام زوج به درمان	۲
۵	عدم پذیرش تلقیح مصنوعی به دلیل حرمت آن	۱	۲۴	عدم انتصاب طفل به والدین در تلقیح مصنوعی	۱
۶	تنش بین زوجین با شرط وجود علقه زوجیت برای جوار رحم جایگزین	۱	۲۵	حل نشدن محرمیت فرزند خوانده و تأثیر منفی بر روابط زوجین	۴
۷	نپذیرفتن فرزند خوانده به دلیل نبود نسب	۱	۲۶	عدم امکان الزام زوج به پرداخت نفقه	۲
۸	تزلزل در زندگی با شرط وجود علقه زوجیت برای جواز اهداء تخمک	۲	۲۷	اختلاف بین زوجین به دلیل عدم پذیرش طفل تلقیح مصنوعی	۴
۹	نپذیرفتن طفل متولد از اسپرم اهدایی به دلیل عدم انتصاب	۲	۲۸	عدم وجود قانونی برای تأیید صلاحیت روانی زوجین	۳
۱۰	مسئولیت ناپذیری زوجین	۳	۲۹	مثلت‌سازی با طفل	۲
۱۱	به هم ریختن زیرمنظومه زوجین	۳	۳۰	ائتلاف با کودک علیه یک از والد	
۱۲	خشونت بین زوجی	۴	۳۱	سردگمی زوجین	۲
۱۳	بلاتکلیفی قانونی زوجین	۲	۳۲	محرماتگی و وجود استرس زوجین از فاش شدن	۳
۱۴	عدم انتصاب و نفی نصب	۴	۳۳	دعوی نفی نصب سایر وراث	۴
۱۵	عدم ارث بری و تضعیف حق زوج دیگر در ارث	۲	۳۴	حق هر فرد بر بدن خود	۲
۱۶	تزلزل بین زوجین در عدم امکان الزام زوجه به درمان	۳	۳۵	دخالت اطرافیان و نبود حمایت قانونی	۲
۱۷	سکوت قانون و حس عدم امنیت مالی در زوجه	۲	۳۶	گسترش تولد کودکان نامشروع	۳
۱۸	بی‌توجهی به مسائل مذهبی	۴	۳۷	رواج پوچ‌گرایی	۳
۱۹	تأثیر بی‌توجهی به دین بر زندگی زوجین	۴	۳۸	فاش شدن نحوه تولد طفل و سوء ظن طفل به والدین	۲

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد مفاهیم اولیه (کدگذاری باز) مصاحبه‌ها و فراوانی تأثیر چالش‌های فقهی - حقوقی بر روابط زوجین شامل ۳۸ کد باز است. نتایج جداول ۲ تا ۶ نشان می‌دهد که تمام عناصر (چالش‌های فقهی زوجین نابارور، چالش‌های حقوقی

ناباروری، اثرات منفی ناباروری بر روابط زوجین، تأثیر چالش‌های فقهی و حقوقی بر روابط زوجین) مستخرج از مصاحبه‌های خبرگان شامل ۳۹۳ کد باز می‌باشد.

## جدول ۷

### مفاهیم ثانویه و مقولات چالش‌های فقهی زوجین نابارور؛ مستخرج از مصاحبه‌ها

مقولات	مفاهیم ثانویه	ردیف
چالش ارث در کودکان متولد از تلقیح مصنوعی	شروط ارث‌بری	۱
	ارث‌بری در قانون	۲
	ارث‌بری در فقه	۳
	تبعیت قانون از فقه در بحث ارث	۴
چالش نسب در تلقیح مصنوعی	انتساب به صاحب نطفه	۵
	انتساب به صاحب تخمک	۶
	انتساب به صاحب اسپرم	۷
	عدم انتساب طفل به یک یا هر دو از والدین	۸
روش‌های نوین باروری	اهدای تخمک	۹
	رحم جایگزین	۱۰
	اهدای اسپرم	۱۱
	رحم استیجاری	۱۲
اهمیت فرزندآوری در اسلام	توجه قرآن به امر فرزندآوری	۱۳
	کراهت ازدواج با فرد عقیم	۱۴
	هدف ازدواج	۱۵
راهکارهای زوجین نابارور	طلاق	۱۶
	پذیرش زندگی بدون فرزند	۱۷
	درمان	۱۸
	فرزندخواندگی	۱۹
	فسخ نکاح	۲۰
اهمیت بررسی فقهی - حقوقی تلقیح مصنوعی	نقش فقه در زندگی افراد	۲۱
	وظیفه افراد در قبال احکام مبتلا به	۲۲
	تفاوت فتاوا در رحم جایگزین	۲۳
	تفاوت فتاوا در اهدای تخمک	۲۴
	تفاوت فتاوا در اهدای اسپرم	۲۵
	تفاوت فتاوا در جنین‌اهدائی	۲۶



ردیف	مفاهیم ثانویه	مقولات
۲۷	حرمت تلقیح مصنوعی در فقه اهل سنت	تلقیح مصنوعی از دیدگاه فقه
۲۸	تفاوت فتاوا در حرمت یا جواز جنین‌اهدایی	
۲۹	تفاوت فتاوا در حرمت یا جواز اسپرم‌اهدائی	
۳۰	تفاوت فتاوا در حرمت یا جواز تخمک‌اهدائی	
۳۱	تفاوت فتاوا در حرمت یا جواز استفاده از رحم استیجاری	
۳۲	شروط جواز اهدای جنین از نظر برخی فقها	
۳۳	شروط جواز اهدای اسپرم از نظر برخی فقها	
۳۴	شروط جواز اهدای تخمک از نظر برخی فقها	
۳۵	پول حاصل از اجاره رحم	
۳۶	پول حاصل از خرید و فروش تخمک	
۳۷	پول حاصل از خرید و فروش اسپرم	
۳۸	احتیاط در معاملات گامت	
۳۹	وفاداری زوجین در فقه	تکلیف وفاداری زوجین
۴۰	خیانت زناشویی	
۴۱	تعهدات اخلاقی زوجین	
۴۲	تعهدات قانونی زوجین به یکدیگر	
۴۳	خیانت زناشویی در قانون مجازات اسلامی	
۴۴	شرایط رضاع در فقه	راهکارهای ایجاد محرمیت
۴۵	رضاع	
۴۶	نکاح	
۴۷	چالش محرمیت	
۴۸	چالش محرمیت فرزندخوانده	
۴۹	اخذ فرزندخواندگی	فرزندخوانده
۵۰	دلایل گرایش به فرزندخوانده	
۵۱	تأثیر فرزندخوانده بر روابط زوجین	

نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد چالش‌های فقهی زوجین نابارور شامل ۵۱ مفهوم ثانویه و ۱۰ مقوله است که مقولات عبارتند از: چالش ارث در کودکان متولد از تلقیح مصنوعی، چالش نسب تلقیح مصنوعی، روش‌های نوین باروری، اهمیت فرزندآوری در اسلام، راهکارهای زوجین نابارور، اهمیت بررسی فقهی-حقوقی تلقیح مصنوعی، تلقیح مصنوعی از دیدگاه فقه، تکلیف وفاداری زوجین، راهکارهای ایجاد محرمیت، فرزندخوانده.



## مفاهیم ثانویه و مقولات چالش‌های حقوقی زوجین نابارور؛ مستخرج از مصاحبه‌ها

مقولات	مفاهیم ثانویه	ردیف
خاتمه زندگی مشترک در ناباروری	رأی دادگاه به فسخ در ناباروری	۱
	خيار فسخ در ناباروری	۲
	عیوب موجب فسخ نکاح	۳
	طلاق به درخواست زوجه	۴
خرید یا گرفتن طفل از دیگران	تغییر حضانت در قانون	۵
	گرفتن فرزند از اقوام	۶
محرمانگی در تلقیح مصنوعی	عدم ثبت قانونی صاحب گامت در برخی مراکز	۷
	اختلاط نسل	۸
	ناشناس بودن صاحب گامت	۹
	ناشناس بودن صاحبان جنین	۱۰
تعدد زوجات	تعدد زوجات در قانون	۱۱
	ازدواج مجدد مرد	۱۲
فرزندخوانده در قانون	قوانین اخذ فرزندخواندگی	۱۳
	چالش نسب در فرزندخوانده	۱۴
	حرمت گرفتن شناسنامه به نام خود برای فرزندخوانده	۱۵
	ارث فرزندخوانده	۱۶
سوء معاشرت زوجین در قانون	عدم حسن معاشرت	۱۷
	خلأ قانونی در عدم حسن معاشرت	۱۸
	سختی اثبات خشونت کلامی	۱۹
	حسن معاشرت در قرآن	۲۰
چالش مخارج درمانی	نفقه در قانون	۲۱
	چالش نفقه	۲۲
	هزینه‌های درمانی	۲۳
	شرط وجوب نفقه	۲۴
نسب و دعاوی آن	نفی نسب	۲۵
	دعوی اثبات نسب	۲۶
	چالش نسب در اهدای اسپرم	۲۷
	چالش نسب در اهدای تخمک	۲۸
	چالش نسب در رحم جایگزین	۲۹
	چالش نسب در اهدای جنین	۳۰



ردیف	مفاهیم ثانویه	مقولات
۳۱	اهدای جنین در قانون	خلأهای قانون در تلقیح مصنوعی
۳۲	اهدای تخمک در قانون	
۳۳	رحم جایگزین در قانون	
۳۴	اهدای اسپرم در قانون	
۳۵	درمان ناباروری در قانون	
۳۶	عدم دخالت قانون گذار در تلقیح مصنوعی	
۳۷	نقص قانون در جنین اهدایی	

نتایج جدول ۸ نشان می دهد چالش های حقوقی زوجین نابارور شامل ۳۷ مفهوم ثانویه و ۹ مقوله است که مقولات عبارتند از: خاتمه زندگی مشترک در ناباروری، خرید یا گرفتن طفل از دیگران، محرمانگی در تلقیح مصنوعی، تعدد زوجات، فرزندخوانده در قانون، سوء معاشرت زوجین در قانون، چالش مخارج درمانی، نسب و دعاوی آن، خلأهای قانون در تلقیح مصنوعی.

### جدول ۹

#### مفاهیم ثانویه و مقولات مهمترین چالش فقهی و حقوقی ناباروری؛ مستخرج از مصاحبه ها

ردیف	مفاهیم ثانویه	مقولات
۱	نابودی زندگی مشترک	طلاق قانونی
۲	صدمات طلاق	
۳	خلأهای قانونی در اسپرم اهدایی	نقص قانون در اهدای گامت
۴	خلأهای قانونی در تخمک اهدایی	
۵	خشونت در بین زوجین	خشونت علیه ناباروران
۶	خشونت علیه مردان	
۷	خشونت علیه زنان	
۸	جواز یا حرمت استفاده از جنین اجنبی	تفاوت نظر فقها در جواز یا حرمت تلقیح مصنوعی
۹	جواز یا حرمت استفاده از تخمک اجنبی	
۱۰	جواز یا حرمت استفاده از اسپرم اجنبی	
۱۱	جواز یا حرمت استفاده از رحم اجنبی	
۱۲	عدم ثبت قانونی صاحب گامت در برخی از مراکز	محرمانگی در تلقیح مصنوعی
۱۳	ناشناس بودن صاحب گامت	
۱۴	ناشناس بودن صاحبان جنین	

ردیف	مفاهیم ثانویه	مقولات
۱۵	محرمانگی در جنین اهدایی	محرمانگی در تلقیح مصنوعی
۱۶	تضییع حق طفل	
۱۷	تضییع حق سایر وراث	
۱۸	امکان سوءظن به مادر	
۱۹	امکان ازدواج خواهر و برادر	اختلاط نسل در تلقیح مصنوعی
۲۰	حرمت نکاح محارم	
۲۱	خطرات پزشکی ازدواج محارم	
۲۲	نسب در جنین اهدایی	نسب در تلقیح مصنوعی
۲۳	نسب رحم جایگزین	
۲۴	نسب تخمک اهدایی	
۲۵	نسب اسپرم اهدایی	
۲۶	ارث در جنین اهدایی	ارث در تلقیح مصنوعی
۲۷	ارث در رحم جایگزین	
۲۸	ارث در تخمک اهدایی	
۲۹	ارث در اسپرم اهدایی	

نتایج جدول ۹ نشان می‌دهد مهمترین چالش فقهی - حقوقی زوجین نابارور شامل ۲۹ مفهوم ثانویه و ۸ مقوله است که مقولات عبارتند از: طلاق قانونی، نقص قانونی در اهدای گامت، خشونت علیه ناباروران، تفاوت نظر فقها در جواز یا حرمت تلقیح مصنوعی، اختلاط نسل در تلقیح مصنوعی، نسب در تلقیح مصنوعی، ارث در تلقیح مصنوعی.

#### جدول ۱۰

#### مفاهیم ثانویه و مقولات اثرات منفی ناباروری بر روابط زوجین؛ مستخرج از مصاحبه‌ها

ردیف	مفاهیم ثانویه	مقولات
۱	تفاهم نداشتن زوجین	اختلافات نظر زوجین در انتخاب روش
۲	اختلاف بین زوجین	
۳	اختلاف در اخذ فرزندخوانده	
۴	ناتوانی‌های جنسی	عوامل فروپاشی زندگی مشترک در ناباروری
۵	تعدد زوجات	
۶	کاهش کیفیت زندگی	
۷	سردی روابط زناشویی	
۸	خشونت	



عوامل فروپاشی زندگی مشترک در ناباروری	دخالت اطرافیان	۹
	تیره شدن روابط زوجین	۱۰
اثرات ناباروری در سال‌های اخیر بر طلاق زوجین	کاهش تمایل به طلاق در ناباروری	۱۱
	کاهش تمایل به فرزندآوری	۱۲
	ناباروری و اختلال در زندگی	۱۳
	گسترش ناباروری در جوامع امروزی	۱۴
آسیب‌های ناباروری	آسیب‌های فردی ناباروری	۱۵
	آسیب‌های بین فردی ناباروری	۱۶
	احساس شکست	۱۷
	حس ناکامی زوجین	۱۸
	تأثیر منفی ناباروری بر روابط شغلی	۱۹

جدول ۱۰ نشان می‌دهد اثرات منفی ناباروری بر روابط زوجین شامل ۱۹ مفهوم ثانویه و ۴ مقوله است که مقولات عبارتند از: اختلافات نظر زوجین، عوامل فروپاشی زندگی مشترک در ناباروری، اثرات ناباروری در سال‌های اخیر، آسیب‌های ناباروری.

#### جدول ۱۱

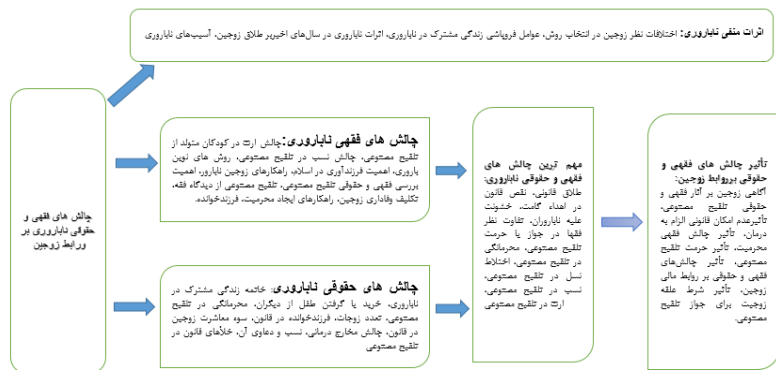
مفاهیم ثانویه و مقولات تأثیر چالش‌های فقهی حقوقی بر روابط زوجین نابارور؛ مستخرج از مصاحبه‌ها

مقولات	مفاهیم ثانویه	ردیف
آگاهی زوجین بر آثار فقهی و حقوقی تلقیح مصنوعی	تصمیم آگاهانه زوجین برای تلقیح مصنوعی	۱
	آمادگی روحی زوجین	۲
	توانایی اقتصادی	۳
	گرفتن مشاوره روان‌شناسی	۴
	اجتناب از تصمیم عجولانه و احساسی	۵
	گرفتن مشاوره مذهبی	۶
	گرفتن مشاوره حقوقی	۷
تأثیر عدم امکان قانونی الزام به درمان	عدم امکان الزام به درمان	۸
	علاقه به فرزندآوری	۹
	حق داشتن فرزند	۱۰
تأثیر چالش فقهی محرمیت	شروط خاص محرمیت با رضاع	۱۱
	استفاده از نکاح منقطع برای محرمیت	۱۲
	بلوغ کودک و نامحرم بودن آن	۱۳
	محرمیت صبی	۱۴



ردیف	مفاهیم ثانویه	مقولات
۱۵	تأثیر نامشروع بودن کودک	تأثیر حرمت تلقیح مصنوعی
۱۶	حرمت تلقیح مصنوعی	
۱۷	مهم بودن حرمت بر برای متدین	
۱۸	تفاوت میزان باورها و اعتقادات زوجین	
۱۹	تأثیر عدم انتصاب طفل به یک یا هر دو از والدین	تأثیر چالش‌های فقهی و حقوقی بر روابط مالی زوجین
۲۰	هزینه‌های درمانی	
۲۱	چالش نفقه طفل	
۲۲	روابط مالی زوجین	
۲۳	شرط فقها برای جواز اهدای اسپرم	تأثیر شرط علقه زوجیت برای جواز تلقیح مصنوعی
۲۴	شرط فقها برای جواز رحم جایگزین	
۲۵	شرط فقها برای جواز اهدای تخمک	
۲۶	طلاق	
۲۷	سوءظن	
۲۸	فروپاشی زندگی در اسپرم اهدایی	

نتایج جدول ۱۱ نشان می‌دهد که تأثیر چالش‌های فقهی و حقوقی بر روابط زوجین شامل ۲۸ کد ثانویه و شش مقوله است که مقولات عبارتند از: آگاهی زوجین بر آثار فقهی و حقوقی، تأثیر عدم امکان قانونی الزام به درمان، تأثیر چالش فقهی محرمیت، تأثیر حرمت تلقیح مصنوعی، تأثیر چالش‌های فقهی و حقوقی بر روابط مالی زوجین، تأثیر شرط علقه زوجیت برای جواز تلقیح مصنوعی.



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

در نهایت پس از شناسایی کدهای ثانویه و مقولات مربوط به آنها و تحلیل آن با نرم افزار مکس کیودی ای مدل نهایی پژوهش ارائه شد. داده های شکل ۱ از تجزیه و تحلیل داده های مصاحبه ها استخراج شده است. این شکل رابطه بین چالش های فقهی - حقوقی و تأثیرگذاری آن بر روابط زوجین را نشان می دهد.

#### ۴. بحث و نتیجه گیری

فرزندآوری به روش تلقیح مصنوعی تبعات زیادی دارد که مسئله نسب و ارث مولود از جمله آنهاست. برای اینکه شخصی از دیگری ارث ببرد باید رابطه نسب به صورت شرعی وجود داشته باشد. از آنجاکه در تلقیح مصنوعی نسب طفل به والدین بیولوژیک آنها می رسد این کودک نسبت به والدینی که آنها را بزرگ می کند یا حتی طفلی که در رحم رشد و نمو پیدا می کند، ولی نطفه آن متعلق به دیگری است در نسب که لازمه ارث است مشکل دارد، اما برای برخی از زوجین داشتن فرزند در اولویت است و وجود بسیاری از چالش ها از جمله مسائل شرعی نمی تواند آنها را از درمان بازدارد. این افراد ترجیح می دهند قبل از جدا شدن به سمت درمان بروند. این نکته اهمیت دارد که هرچند داشتن فرزند موهبتی انکارناپذیر است، اما تصمیمی که زوجین برای داشتن فرزند می گیرند باید آگاهانه باشد؛ زیرا فقط حق ایشان نیست که صاحب فرزند باشند، بلکه حق کودک هم است که به صورت مشروع و سالم به دنیا آید. گاهی افراد فقط به داشتن فرزند می اندیشند، اما درباره حلال و حرام بودن روش نزد شرع مقدس اسلام یا تبعات آن تصمیم درستی نمی گیرند. برای مثال زن و شوهر برای استفاده از رحم جایگزین از رحم مادرزن استفاده می کنند، هرچند شاید این عمل تنش کمتری در روابط زوجین ایجاد کند، ولی رابطه زوجیت زن و مرد را حرام می کند. در فرایند انجام پژوهش حاضر، پژوهشگر در مرکز درمانی با افرادی مواجه شد که برای کاهش هزینه های درمان ناباروری از رحم مادر (مادر زن) به عنوان رحم جایگزین استفاده کرده بودند که این عمل ناآگاهی و بی اطلاعی یا بی توجهی مردم نسبت به برخی از احکام شرعی را نشان می دهد. نباید از یاد برد بر هر مسلمانی دانستن احکام مبتلابه واجب است و وظیفه محقق و قشر علمی جامعه فراهم کردن دسترسی آسان به این اطلاعات است.

حقوق مجموعه قواعدی است که از راه مؤسسات اجتماعی یا دولتی برای تنظیم رفتار ایجاد و اعمال می‌شود. قانون‌گذاری در ایران براساس فقه امامیه انجام می‌شود، هرچند در طلاق و فسخ نکاح قوانین کامل است، اما در بحث درمان ناباروری قوانین مدون یا وجود ندارد یا کافی نیست. قانون‌گذار در قانون، مختصری درمورد اهدای جنین صحبت کرده است، اما در مورد دیگر روش‌های تلقیح مصنوعی مانند اهدای گامت (تخمک و اسپرم) قانون مدونی وجود ندارد. این درحالی است که قانون باید برای مسائل جدید و مبتلابه چهارچوبی را پیش‌بینی کند تا نظم عمومی و مصلحت افراد حفظ شود. از تبعات مهم تلقیح مصنوعی نَسَب و ارث کودک است. در مبحث ارث، فرزند یا فرزندان مانع از ارث بری دیگر وراث می‌شود. هرچند زوجین سعی در مخفی کردن این مسائل دارند، اما اگر وراث قانونی بخواهند، می‌توانند با طرح دعوی نَسَب کودک متولد از تلقیح مصنوعی را از به‌ارث‌بردن اموال والدین یا والدی که از نظر بیولوژیک به او منصوب نیست، محروم کنند. در این صورت حق این کودک ضایع می‌شود؛ زیرا در فرض مذکور کودک از افرادی (والدین بیولوژیک) خود ارث می‌برد که آنها را نمی‌شناسد و از افرادی ارث نمی‌برد که در ظاهر فرزند حقیقی آنهاست. این مسئله در هر صورت باعث تضییع حق افراد چه کودک و چه وراث شرعی می‌شود. آنچه در ناباروری بر زندگی زوجین تأثیر می‌گذارد بدخلقی‌ها و سوء معاشرت زوجین است. این درحالی است که زوجین موظف به حسن معاشرت با یکدیگرند. زندگی ناباروری تلاطم‌های بسیاری دارد که یکی از آن خشونت است، اما اثبات این خشونت جز در خشونت فیزیکی که آثار آن بر بدن مجنی علیه باقی می‌ماند در دیگر خشونت‌های روانی و جنسی بسیار سخت و در برخی از موارد غیرممکن است. در قانون مدنی ایران، خشونت عاطفی و جنسی بین زوجین جرم‌انگاری نشده است. برای به سرپرستی گرفتن فرزند خوانده قوانین خاصی وجود دارد. این قوانین در سال ۱۳۹۲ با تغییراتی تسهیل شد، اما باین وجود، خانواده‌ها ابتدا راه درمان را در پیش می‌گیرند و سعی دارند فرزند حقیقی خود را داشته باشند هرچند ناامیدی از درمان در مواردی زوجین را به سمت گرفتن فرزند خوانده سوق می‌دهد. زوجین پس از چند سال زندگی مشترک نیاز به حضور فرزند را در زندگی خود حس می‌کنند. قرآن زنان را به مثابه کشتزاری برای



فرزندآوری می‌داند. (ر.ک.، بقره: ۲۲۳) حال اگر زوجین نتوانند فرزنددار شوند کم‌کم این مسئله بر روابطشان تأثیر می‌گذارد. ناباروری می‌تواند آسیب‌های فردی و اجتماعی را به روابط تحمیل کند، هرچند در سال‌های اخیر به دلیل مشکلات اقتصادی میزان طلاق به دلیل ناباروری کمتر شده است، اما همچنان یکی از دلایل طلاق زوجین، نداشتن فرزند و تبعات این فقدان است.

یافته‌های پژوهش حاضر به خوبی نشان می‌دهد که بسیاری از مردم با فقه و موازین شرعی آشنایی کافی ندارند. کم‌کاری و ناکارآمدی نهادهای مرتبط غیرقابل انکار است. با مراجعه به نظر فقها در تمام مسائل چه فرزندخواندگی که به اتفاق نظر آن را نمی‌پذیرند و چه در مسئله تلقیح مصنوعی که بیشتر فقها آن را جایز نمی‌دانند، مگر گروهی که اختلاف کرده‌اند و در شرایطی که همراه با مقدمات حرام مثل (لمس و نظر) نباشد آن را پذیرفته‌اند. این درحالی است که قانون به طور عملی در بسیاری از موارد سکوت کرده است و با دادن مجوز به این مراکز، عمل آنها را به طور غیرمستقیم تأیید می‌کند. این اختلاف نظر در جواز یا حرمت (برخی از روش‌های تلقیح مصنوعی) چالشی فقهی برای زوجین نابارور دارد و برخی از زوجین نیز در درمان ناباروری به جواز یا عدم جواز آن روش توجهی نمی‌کنند.

مسائل و چالش‌های فقهی و حقوقی که خانواده‌های نابارور را درگیر می‌کند عبارتند از:  
- وفاداری: برخی زوجین به تعهدات زناشویی خود وفادار نیستند و از راه نامشروع فرزنددار می‌شوند؛

- فرزندخواندگی: خانواده را با مشکلاتی مانند عدم ارث‌بری از یکدیگر، محرمیت و گرفتن شناسنامه مواجهه می‌کند؛

- مشخص نبودن صاحبان اسپرم، تخمک و جنین در آینده باعث ازدواج خواهر و برادران می‌شود و این مسئله اختلاط نسل‌ها و مشکلات زنتیکی را به همراه دارد؛

- عدم حمایت کافی قانون در سوء معاشرت همسر و اطرافیان مانند توهین، خشونت، سرزنش، سردی روابط؛ زیرا اثبات خشونت‌های روانی - جنسی بسیار سخت است؛

- عدم تأمین هزینه درمان ناباروری: از آنجاکه هزینه ناباروری شامل نفقه نمی‌شود گاهی مردان این هزینه را پرداخت نمی‌کنند.

این چالش‌ها فقط شامل زوجین نمی‌شود، بلکه حقوقی از کودک نیز ممکن است ضایع شود؛ زیرا کودک از والدین بیولوژیک خود ارث می‌برد، حال آنکه کودکان حاصل از تلقیح مصنوعی (خرید یا اهدای جنین، تخمک، اسپرم) پدر و مادر طبیعی خود را نمی‌شناسد و از آنان ارث نمی‌برد. این مسئله در هر صورت باعث تضییع حق این کودکان می‌شود.

## فهرست منابع

- \* قرآن کریم (۱۳۸۹). مترجم: فولادوند، محمد مهدی. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۱. ابن کثیر دمشقی، عمادالدین اسماعیل (۱۴۰۷ ه.ق). *البدایه والنهایه*. بیروت: دارالفکر.
  ۲. اشتراوس، آنسلم، و کوربین، جولیت (۱۳۹۳). *اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
  ۳. اعزازی، شهلا (۱۳۸۰). *خشونت خانگی، زنان کتک خورده*. تهران: نشر سالی.
  ۴. بیات، فرهاد (۱۳۹۹). *شرح جامع قانون مدنی: بر اساس علمای برجسته حقوق، آراء شعب و هیئت عمومی دیوان کشور تهران*: ارشد.
  ۵. جمعی از پژوهشگران (زیر نظر هاشمی شاهرودی، سید محمود) (۱۳۸۲). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)*. قم: مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).
  ۶. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۹). *رساله ۱۲ مرجع*. اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
  ۷. حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۱۶ ه.ق). *وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. قم: مؤسسه آل‌البتیت (ع).
  ۸. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲). *رساله اجوبه الاستفتائات*. تهران: امیرکبیر.
  ۹. ذهبی، شمس‌الدین محمدبن احمد (۱۴۱۳ ه.ق). *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام*. بیروت: دارالکتب العربی.
  ۱۰. رازی (شیخ کلینی)، محمدبن یعقوب بن اسحاق (۱۳۶۲). *الروضه من الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
  ۱۱. رضانیامعلم، محمدرضا (۱۳۸۳). *باروری‌های پزشکی از دیدگاه فقه و حقوق*. قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه.
  ۱۲. صدر، سیدمحمد (۱۴۰۶ ه.ق). *ماوراءالنفقہ*. قم: المحبین للطباعة والنشر.
  ۱۳. صفایی، حسین (۱۳۹۷). *مختصر حقوق خانواده*. تهران: نشر میزان.
  ۱۴. طباطبایی بروجردی، حسین (بی‌تا). *مجموعه استفتائات*. قم: معارف اهل‌البتیت.
  ۱۵. علامه حلی، حسن بن یوسف (بی‌تا). *ارشادالاذهان الی احکام*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
  ۱۶. کرکی (المحقق الثانی)، علی بن الحسین (۱۴۰۸ ه.ق). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*. قم: مؤسسه آل‌البتیت (ع).
  ۱۷. گرجی، ابوالقاسم (۱۳۸۷). *بررسی تطبیقی حقوق خانواده*. تهران: نشر سمت.
  ۱۸. گلیپایگانی، سیدمحمدرضا (۱۴۰۹ ه.ق). *مجمع المسائل*. قم: دارالقرآن الکریم.
  ۱۹. مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۱ ه.ق). *فقه الامام جعفر الصادق (ع)*. قم: مؤسسه انصاریان للطباعة والنشر.
  ۲۰. مکی عاملی، شمس‌الدین محمد (شهید الاول) (۱۴۱۱ ه.ق). *اللمعه دمشقیه*. تهران: دارالفکر.
  ۲۱. منصور، جهانگیر (۱۳۹۵). *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: دوران.
  ۲۲. موسوی الخویی، سید ابوالقاسم (بی‌تا). *استفتائات*. نجف: مؤسسه الخویی الاسلامیه.
  ۲۳. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۴۰۹ ه.ق). *تحریرالوسیله*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).





## پیش بینی روابط فرازناشویی براساس روابط ابژه و مرزهای زوجینی با میانجی‌گری احساس تنهایی در زنان متأهل

پروانه غلامیان\*<sup>۱</sup>، جعفر هوشیاری<sup>۲</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش بینی روابط فرازناشویی براساس روابط ابژه و مرزهای زوجینی با میانجی‌گری احساس تنهایی در زنان متأهل به روش همبستگی از نوع مدل یابی معادلات ساختاری انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه زنان متأهل ساکن منطقه ۵ شهر تهران در سال ۱۴۰۱ بود که تعداد ۴۰۰ نفر از ایشان با استفاده از فرمول کوکران و به روش نمونه‌گیری در دسترس برای ورود به پژوهش انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه‌های احتمال روابط فرازناشویی، روابط ابژه، مرزهای زوجینی خانواده و پرسش‌نامه احساس تنهایی جمع‌آوری و با نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ و نرم‌افزار AMOS نسخه ۲۴ تحلیل شد. نتایج پژوهش نشان داد که بین روابط فرازناشویی با روابط ابژه، مرزهای زوجینی و احساس تنهایی در زنان متأهل رابطه معنادار وجود دارد. براین اساس، روابط فرازناشویی در زنان متأهل را می‌توان براساس روابط ابژه و مرزهای زوجینی با نقش میانجی‌گری احساس تنهایی پیش بینی نمود. همچنین احساس تنهایی می‌تواند در رابطه فرازناشویی، روابط ابژه و مرزهای زوجینی، نقش میانجی ایفا نماید. از این رو، با رعایت و متناسب نمودن روابط ابژه و مرزهای زوجینی و همچنین رفع احساس تنهایی زنان متأهل، می‌توان زمینه‌های کاهش روابط فرازناشویی را فراهم نمود.

**واژگان کلیدی:** روابط فرازناشویی، روابط ابژه، مرزهای زوجینی، احساس تنهایی در

زنان، خیانت زناشویی، زنان متأهل.

Doi: 10.22034/ijwf.2023.14945.2039

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۶ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۰  
۱. کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشکده روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه، ساوه، ایران.

Email: parvaneh.gholamiyan۰۰۹@gmail.com

۲. استادیار گروه روان‌شناسی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: j.houshyari@yahoo.com

\* مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی پروانه غلامیان می‌باشد که با حمایت علمی و معنوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه انجام شد.

## **Predicting Extramarital Relationships Based on Thematic Relations and Marital Boundaries with the Mediation of the Feeling of Loneliness among Married Women**

**Parvaneh Gholamian<sup>1</sup>, Jafar Houshyari<sup>2</sup>**

This correlational study was conducted with the purpose of predicting extramarital relationships based on thematic relations and marital boundaries with the mediation of the feeling of loneliness among married women using structural equation modeling. The population included all married women living in Tehran, Zone 5, in 2022. 400 women were selected as the sample by Cochran's formula and the convenience sampling. The data were collected using the questionnaires of the probability of extramarital relationships, thematic relations, family marital boundaries, and the feeling of loneliness, and they were analyzed by the SPSS-26 and AMOS-24. According to the results, extramarital relationships can be predicted by thematic relations and marital boundaries with the mediation of the feeling of loneliness among married women. In addition, the feeling of loneliness can play a mediatory role in extramarital relationships, thematic relations, and marital boundaries; thus, by adjusting thematic relations and marital boundaries, as well as eliminating the feeling of loneliness among married women, it can be possible to decrease extramarital relationships.

**Keywords:** extramarital relationships, thematic relations, marital boundaries, feeling of loneliness among women, infidelity, married women.

---

**Paper Type: Research**

**Data Received: 2022 / 12 / 27    Data Revised: 2023 / 05 / 22    Data Accepted: 2023 / 05 / 31**

1. M.A. in Psychology, Faculty of Psychology, Islamic Azad University, Saveh Branch, Saveh, Iran.

Email: parvaneh.gholamiyan009@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Psychology, Higher Education Complex of Humanities, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. (Corresponding Author)

Email: j.houshyari@yahoo.com



## ۱. مقدمه

خانواده یکی از مهمترین نهادهای اجتماعی، اساس تشکیل جامعه و حفظ عواطف انسانی است و هرگونه نارسایی در عملکرد خانواده تبعات ناگواری هم در سطح فردی و هم در سطح اجتماعی به دنبال دارد. یکی از نیازهای عاطفی انسان ایجاد روابط انسانی است و ازدواج، ساختاری اساسی برای بنیان نهادن رابطه خانوادگی است. (روزن گزندون، میرز و هاتی،<sup>۱</sup> ۲۰۰۴، به نقل از عارفی، رحیمی و شیخ اسمعیلی، ۱۳۹۵) در میان تعاملات گوناگون انسانی، تعهد مهمترین جنبه کیفی یک رابطه است. پایبندی به عهد و پیمان ازدواج، مکانیزمی دوام بخش است که اهمیت بسزایی دارد و از ویژگی های ازدواج های موفق و طولانی است (میچر<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳، به نقل از گودرزی، کیخسروانی، دیره و گنجی، ۱۳۹۵). برای موفقیت یک ازدواج، تعهد نسبت به همسر و نسبت به نهاد ازدواج مهم است. تعهد، جاذبه و تفاهم، سه رکن اساسی ازدواج های موفق است. تعهد زناشویی، قوی ترین و پایدارترین عامل پیش بینی کننده کیفیت و ثبات زناشویی است (لمبرت و دولاهیت،<sup>۳</sup> ۲۰۰۸). پایین آمدن سطح تعهد زناشویی باعث دلزدگی زناشویی و ایجاد روابط فرازناشویی<sup>۴</sup> می شود (اسدی، فتح آبادی و محمد شریفی، ۱۳۹۲). روابط فرازناشویی، تجربه ای گیج کننده و دردناک و یکی از دلایل عمده طلاق و ازهم پاشیدن نظام خانواده است (جوی و لی،<sup>۵</sup> ۲۰۲۱). روابط فرازناشویی، عبور فرد از مرز رابطه زناشویی با برقراری صمیمیت فیزیکی یا عاطفی فرد با فردی خارج از حیطه زناشویی است. روابط فرازناشویی شامل برقراری ارتباط جنسی فرد متأهل با جنس مخالف، خارج از چارچوب خانواده (غیر از همسر) است (رفیعی، حاتمی و فروغی، ۱۳۹۰). روابط فرازناشویی را می توان نقض تعهد رابطه دونفره دانست که باعث شکل گیری درجانی از صمیمیت عاطفی و فیزیکی با فردی خارج از نظام خانواده می شود. به دلیل تابو بودن این مسئله، پیشینه و بررسی روشنی درباره این موضوع وجود ندارد (مدرسی، زاهدیان و هاشمی محمدآباد، ۱۳۹۳؛ آویرام و آمیچای- هامبورگر،<sup>۶</sup> ۲۰۰۶).

عوامل متعددی در بروز روابط فرازناشویی تأثیر دارند. اشمیت، گرین، سیبلی و

1. Rosen-Grandon, J. R., Myers, J. G., & Hattie, J. A.
2. Macher, S.
3. Lambert, N. M., & Dulahite, D. C.
4. marital infidelity
5. Choy, B. K. C., & Li, N. P
6. Aviram, I., & Amichai-Hamburger, Y.



پروتی<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) نشان دادند که روابط ابژه<sup>۲</sup> مختل، هم علت و هم پیامد روابط فرازنشویی است. براساس دیدگاه نظریه پردازان روابط ابژه، انسان‌ها به‌طور عمومی مستعد درگیر شدن در الگوهای تعاملی حفظ‌کننده مشکل هستند؛ زیرا آنها روابط کنونی خود را براساس نقشه‌های ارتباطی ناهشیار برقرار می‌کنند که در طول سال‌های اولیه زندگی شکل گرفته است (گلیک، رایت، هرو و آشر، ۲۰۱۷). اسکارف و اسکارف<sup>۴</sup> (۲۰۱۴) معتقدند اشخاصی که در یک خانواده زندگی می‌کنند ابژه‌های سرکوب‌شده درونی خود را بر روی یکدیگر فراقکنی کرده و یکدیگر را وادار به پذیرش این نقش از راه فرآیند همانندسازی می‌کنند (محسنی‌کبیر، دهقانی و کیامش، ۲۰۱۵). در این رویکرد عقیده بر این است که مشکلات ارتباطی فعلی فرد انعکاسی از مسائل خانواده اصلی اوست و هر شخص، باورهای ایده‌آل‌گرایانه‌ای در مورد روابط خانوادگی دارد و می‌خواهد نیازهای برآورده نشده‌اش از روابط دوران کودکی با والدینش را در خانواده و بر روی فرزندان پیاده کند (سیگل<sup>۵</sup>، ۲۰۲۰).

از دیگر عوامل تأثیرگذار بر روابط فرازنشویی زوجین، مرزهای زوجینی<sup>۶</sup> خانواده است. الیزر و مینوچین<sup>۷</sup> (۱۹۹۰) معتقدند مرزهای زوجینی خانواده، خطوط فرضی حاصل از الگوهای رفتاری، قوانین و انتظاراتی است که زیرمنظومه زوجینی را از سایر زیرمنظومه‌ها و بیرون خانواده متمایز کرده و کمیت و کیفیت تعاملات زوجین با یکدیگر و با بیرون از زیرمنظومه خود را معین می‌کنند (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۸). خانواده، زیرمنظومه‌ها و مرزهای آن از موضوعات مهمی است که در آموزه‌های اسلامی و در آیات قرآن براساس رویکرد ساخت‌نگر به آنها اشاره شده است. اهمیت مرزهای خانواده در آموزه‌های اسلامی به این دلیل است که ایفای نقش‌های خانوادگی و سلامت روانی، عاطفی، جنسی و سایر ابعاد سلامت اعضای خانواده به وجود مرزهای بهنجار خانواده بستگی دارد. نظام تعاملات زوجین در خانواده و قوانین آن در آموزه‌های اسلامی با نام اخلاقیات و احکام عملی ناظر

1. Schmidt, A. E., Green, M. S., Sibley, D. S., & Prouty, A. M.
2. object relations
3. Glick, I. D., Rait, D. S., Heru, A. M., & Ascher, M.
4. Scharff, D. E., & Scharff, J. S.
5. Siegel, D.
6. marital boundaries
7. Elizur, J., & Minuchin, C.
8. Goldenberg, H., & Goldenberg, I.

به تنظیم روابط زیرمنظومه زوجینی با یکدیگر و با بیرون از خود و همچنین با خانواده اصلی بیان شده است که از آن به الگوی اسلامی مرزهای زوجینی خانواده تعبیر می‌شود. حدود تعاملات جنسی زوجین، حدود انتظارات دوسویه زوجینی، فضای روانی- فیزیکی اختصاصی، رازداری زناشویی و انعطاف در برابر یکدیگر، عمده‌ترین مرزهای زیرمنظومه زوجینی است. ممنوعیت ورود فرزندان به فضای روانی- فیزیکی والدین، مجزا بودن بستر والدین و فرزندان، پرهیز والدین و فرزندان از نگاه به اندام‌های خصوصی یکدیگر، ممنوعیت سلب مسئولیت نسبت به فرزندان و ممنوعیت ایذاء فرزندان و والدین نسبت به یکدیگر از مرزهای زیرمنظومه والدینی است (هوشیاری، صفورایی پاریزی، جزایری و تقییان، ۱۳۹۹).

عامل دیگر در زمینه زندگی زناشویی احساس تنهایی است که تجربه‌ای منفی و ذهنی است. احساس تنهایی به حالتی گفته می‌شود که در آن فرد، فقدان روابط با دیگران را ادراک یا تجربه می‌کند. تنهایی با دو ویژگی انزوای اجتماعی و انزوای هیجانی شناخته می‌شود. (هسیه و هاوکل،<sup>۱</sup> ۲۰۱۷) انزوای هیجانی بر فقدان دلبستگی دوستانه دلالت دارد، ولی انزوای اجتماعی به نبود روابط با مردم و شبکه‌های اجتماعی در دسترس و شمار کوچکی از روابط اشاره دارد. احساس تنهایی، عناصر اصلی و مهمی دارد که عبارتند از: احساس نامطلوب فقدان یا ازدست دادن همدم، جنبه‌های ناخوشایند و منفی روابط ازدست رفته و ازدست دادن سطح کیفی روابط با دیگران (گیرولد، گرونو، هوگن دورن و اسمیت،<sup>۲</sup> ۲۰۰۹). افرادی که احساس تنهایی را تجربه می‌کنند چون با انتظارات و پیش‌بینی‌های منفی وارد مسیر گفت‌و شنود می‌شوند و به دلیل فقدان مهارت‌های اجتماعی لازم در برقراری و تداوم روابط دوستانه و نزدیک، شکست می‌خورند. این افراد در روابط اجتماعی، مضطرب و خودآگاه و نسبت به طرد شدن حساس می‌باشند (عیسی‌نژاد و باقری،<sup>۳</sup> ۲۰۱۸). آنها در برقراری روابط دوستانه، انجام فعالیت‌های اجتماعی، شرکت در گروه‌ها، لذت بردن از مهمانی‌ها و در کنترل محیط با مشکل مواجه می‌شوند همچنین خود را منفی، کم‌ارزش، حقیر، دوست‌نداشتنی و از نظر اجتماعی نالایق می‌دانند و عزت‌نفس پایین‌تری دارند (استوکس<sup>۳</sup>، ۲۰۱۷).

1. Hsieh, N., & Hawkey, L.  
2. Gierveld, D. J., Broese Van Groenou, M. I., Hoogendoorn, A. W., & Smit, J. H.  
3. Stokes, J. E.



بررسی ادبیات و پیشینه مطالعاتی درباره متغیرهای مورد مطالعه نشان می‌دهد که تحقیقات محدودی، متغیرهای پژوهش حاضر و رابطه بین آنها را بررسی کرده است. در این رابطه عباسی، فتحی‌آشتیانی، فراهانی و آزاد فلاح (۱۴۰۰) در پژوهش خود نتیجه گرفتند که بین رضایت زناشویی با ابعاد روابط ابژه (خودمیان بینی، بیگانگی، دلبستگی نایمن و بی‌کفایتی اجتماعی) رابطه منفی معنادار وجود دارد. تقیان و قاسمی مروج (۱۳۹۹) نیز در پژوهشی نتیجه گرفتند که بین تعهد زناشویی با مرزهای بیرونی خانواده رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین بین تعهد زناشویی با تمایزیافتگی زوجین رابطه مثبت معنادار وجود دارد و نیز مرزهای زوجینی خانواده به صورت کامل در رابطه بین تمایزیافتگی خود و تعهد زناشویی نقش میانجی دارد. براساس یافته‌های پژوهش آنها، برای ارتقای سطح تعهد زناشویی باید اصلاح و بهبود مرزهای زوجینی و تقویت تمایزیافتگی آنها مورد توجه قرار گیرد. یافته‌های پژوهش زارع‌گاریزی، ابراهیمی مقدم و ابوالمعالی الحسینی (۱۳۹۹) نشان داد که تمایزیافتگی، رابطه میان نیازهای بنیادین روان‌شناختی و تعهد زناشویی را از سویی و رابطه بین صمیمیت زناشویی و تعهد زناشویی را از سوی دیگر میانجی‌گری می‌کند و بین آنها همبستگی مثبت وجود دارد. سید موسوی و محرمی (۱۳۹۸) در پژوهش خود نتیجه گرفتند که ارتباط مثبتی بین ناگویی هیجانی، احساس تنهایی و ترس از صمیمیت با نگرش به روابط فرازناشویی وجود دارد. همچنین نتایج پژوهش آنها نشان داد که ناگویی هیجانی و ترس، پیش‌بینی‌کننده‌های معناداری برای نگرش به روابط فرازناشویی مردان است. علی‌تبار، قنبری، زاده‌محمدی و حبیبی (۱۳۹۳) نیز در پژوهشی نتیجه گرفتند که میزان نگرش به روابط فرازناشویی در مردان متأهل با سابقه رابطه جنسی پیش از ازدواج با همسر یا فردی غیر از همسر آینده، تفاوت معنی‌داری دارد. همچنین بین تعداد شرکای جنسی پیش از ازدواج و نگرش به روابط فرازناشویی رابطه معناداری وجود دارد. بردوده، راه‌نجات، ربیعی و کیانی‌مقدم (۲۰۱۸) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که احساس تنهایی به صورت مستقیم با تعارض زناشویی رابطه دارد و تعارض زناشویی نیز یکی از عوامل مهم برای روابط فرازناشویی است. همچنین بین احساس تنهایی و رضایت از زندگی رابطه منفی و معناداری وجود دارد؛ یعنی افرادی که احساس تنهایی بیشتری داشته

باشند رضایت زناشویی کمتری دارند و امکان روابط فرازناشویی در این افراد بیشتر است. نتایج بررسی اشمیت و همکاران (۲۰۱۶) در این موضوع نشان داد که روابط فرازناشویی در زندگی زوجین یکی از قوی‌ترین پیامدهای روابط ابژه بوده و تعاملات سازگارانه و ناسازگارانه در ایجاد روابط فرازناشویی در خانواده نقش مؤثری دارد. اگر زوجین برای حل تعارض به وجود آمده تلاش کنند، زمینه درک عمیق‌تر روابط متقابل و ثمربخش به وجود می‌آید و روابط فرازناشویی کم می‌شود. همچنین برونس، هانسن و هایر (۲۰۱۹) نشان دادند که بین احساس تنهایی و رضایت از زندگی رابطه منفی و معناداری وجود دارد؛ یعنی افرادی که احساس تنهایی بیشتری داشته باشند رضایت زناشویی کمتری دارند و براین اساس، امکان روابط فرازناشویی در این افراد بیشتر می‌شود.

بررسی‌ها نشان داد مطالعه‌ای که روابط فرازناشویی را با روابط ابژه و مرزهای زوجینی با میانجی‌گری احساس تنهایی پیش‌بینی کرده باشد، انجام نشده است. هدف پژوهش حاضر پاسخ به این سؤال است که آیا روابط فرازناشویی در زنان متأهل را می‌توان براساس روابط ابژه و مرزهای زوجینی با نقش میانجی‌گری احساس تنهایی پیش‌بینی کرد؟

## ۲. شیوه اجرای پژوهش

### ۲-۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی روابط فرازناشویی براساس روابط ابژه و مرزهای زوجینی با میانجی‌گری احساس تنهایی در زنان متأهل به روش همبستگی از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری انجام و مجموعه‌ای از معادلات رگرسیونی و روابط متغیرهای مشاهده شده و پنهان به طور هم‌زمان بررسی شد. در پژوهش حاضر برای تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده و پاسخ‌گویی به فرضیه‌های پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر در سطح ۰/۰۵ و نرم‌افزارهای نرم‌افزار AMOS (نسخه ۲۴) و SPSS (نسخه ۲۶) استفاده شد.

### ۲-۲. جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه زنان متأهل ساکن منطقه ۵ شهر تهران در سال ۱۴۰۱

1. Brunen, A., Hansen, M. B., & Heir, T.



بود که تعداد ۴۰۰ نفر از ایشان با استفاده از فرمول کوکران و به روش نمونه‌گیری در دسترس از بین مراجعه‌کنندگان به سراهای محله منطقه ۵ که واجد ملاک‌های ورود به پژوهش بودند، انتخاب شدند. ملاک ورود به پژوهش شامل داشتن حداقل مدرک تحصیلی دیپلم، داشتن تجربه دست‌کم یک سال زندگی مشترک و سن ۱۸ تا ۶۰ سال بود.

## ۲-۳. ابزار پژوهش

### ۲-۳-۱. پرسش‌نامه روابط فرازنشویی

این پرسش‌نامه توسط دریگوتاس، سافستروم و جنتیلیا<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) طراحی و تدوین شد که شامل ۱۱ گویه در طیف ۸ درجه‌ای لیکرت برای سنجش استعداد روابط فرازنشویی است. دریگوتاس و همکاران (۱۹۹۹) معتقدند نمره بالا یا میانه این آزمون نشان‌دهنده رابطه فرازنشویی همراه با رابطه جنسی است. پایایی پرسش‌نامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۳ و روایی آن با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون ۰/۸۰ است که بیان‌گر قابلیت سنجش روابط فرازنشویی است. در پژوهش حاضر برای سنجش پایایی از آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب آن ۰/۸۶۹ و روایی آن با ضریب همبستگی پیرسون ۰/۸۲۸ بود که نشان‌دهنده پایایی و روایی مناسب پرسش‌نامه است.

### ۲-۳-۲. پرسش‌نامه روابط ابژه

در پژوهش حاضر برای مطالعه روابط ابژه از پرسش‌نامه روابط ابژه بل<sup>۲</sup> استفاده شد که بخشی از پرسش‌نامه ۹۰ سؤالی بل است که در سال ۱۹۹۵ تدوین یافته و در جمعیت بالینی و غیربالینی برای سنجش روابط بین فردی و در تشخیص و پیش‌بینی آسیب‌های روانی به‌کار می‌رود. این مقیاس در سنجش کارکرد ایگو (کیفیت روابط ابژه و واقعیت‌آزمایی) توسط میچل و بلک<sup>۳</sup> (۱۹۹۵) برای اندازه‌گیری اثرات بالینی درمان روان‌کاوی درازمدت برای بیماری اسکیزوفرنیا استفاده شد و کاربرد آن در بسیاری از زمینه‌های پژوهشی در آسیب‌شناسی روانی و رفتار به‌نچار نشان داده شده است. پرسش‌نامه روابط ابژه بل ۴۵ ماده دارد که به صورت صحیح و غلط به آن پاسخ داده می‌شود و با چهار خرده‌مقیاس،

1. Drigotas, S. M., Safstrom, C. A., & Gentilia, T.  
2. Bell Object Relations and Reality Testing Inventory (BORRTI)  
3. Mitchell, S., & Black, M.

ارزیابی دقیق و معتبری از روابط ابژه را ارائه می دهد. این خرده مقیاس ها عبارتند از: بیگانگی، دل بستگی نایمن، خود میان بینی و بی کفایتی اجتماعی. میچل و بلک (۱۹۹۵) درباره پایایی و روایی این پرسش نامه گزارش کردند که این ابزار چون قادر به تفکیک جمعیت بالینی است از نظر اعتبار تفکیکی، درجه بالایی دارد. همچنین از نظر همبستگی بالای آن با دیگر ابزارهای سنجش آسیب پذیری روانی، اعتبار هم زمان قابل قبولی برای آن برآورد شده است. بررسی مقدماتی روایی و پایایی پرسش نامه روابط ابژه بل توسط هادی نژاد، طباطباییان و دهقانی (۱۳۹۳) صورت گرفته است. آنها ضریب آلفای کرونباخ را برای بی کفایتی اجتماعی، خود محوری، دل بستگی نایمن و بیگانگی به ترتیب ۰/۶۸، ۰/۷۴، ۰/۷۴ و ۰/۸۵ گزارش کردند. در پژوهش حاضر میزان آلفای کرونباخ برای کل پرسش نامه روابط ابژه بل ۰/۸۰۹، برای خرده مقیاس بیگانگی ۰/۷۹۶، دل بستگی نایمن ۰/۸۷۱، خود محوری ۰/۷۵۳ و بی کفایتی اجتماعی ۰/۶۹۹ بود. دامنه ضرایب همبستگی دومتغیری بین مؤلفه های تشکیل دهنده پرسش نامه روابط ابژه بل بین ۰/۵۲۳ تا ۰/۷۸۳ بود که از نظر آماری در سطح آماری ۰/۰۱ > p معنی دار است. بنابراین این پرسش نامه، پایایی و روایی مطلوبی دارد و ابزار مناسبی برای سنجش روابط ابژه در این جامعه مورد مطالعه است.

### ۳-۳-۲. پرسش نامه مرزهای زوجینی خانواده

پرسش نامه مرزهای زوجینی خانواده مورد استفاده در مطالعه حاضر توسط هوشیاری و همکاران (۱۳۹۹) بر اساس آموزه های اسلامی ساخته و ویژگی های روان سنجی آن بررسی شده است. این پرسش نامه ۶۶ گویه در طیف چهار درجه ای لیکرت دارد که شش زیرمؤلفه تعهد خاص زناشویی، مرزهای تعاملات جنسی زوجین، مرزهای تعاملات غیرجنسی زوجین، فضای روانی-فیزیکی اختصاصی، رازداری خانوادگی زناشویی و حدود انتظارات دوسویه را اندازه گیری می کند. نمره بالا در این پرسش ها نشان دهنده مطابقت تعاملات آنها با معیارهای دینی، نگرش مثبت زوجین نسبت به یکدیگر و پایبندی آنها به قوانین اخلاقی و حقوقی زیرمنظومه زوجینی است و از بهنجار بودن مرزهای زوجینی حکایت می کند. روایی این ابزار با روش تحلیل عاملی تأیید و پایایی آن با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۲ است. برای بررسی روایی سازه و برآورد پارامترهای گویه ها، این پرسش نامه بر روی نمونه ای ۵۰۸ نفری



از جامعه آماری اجرا شد. نتایج تحلیل عاملی، تأییدکننده روایی سازه پرسش‌نامه مرزهای زوجینی است و همه شاخص‌ها نشان‌دهنده برازش مناسب مدل تحلیل عاملی تأییدی این پرسش‌نامه است. در پژوهش حاضر میزان آلفای کرونباخ برای کل پرسش‌نامه مرزهای زوجینی ۰/۷۸۱، زیرمؤلفه تعهد خاص زناشویی ۰/۸۴۶، مرزهای تعاملات جنسی زوجین ۰/۸۱۲، مرزهای تعاملات غیرجنسی زوجین ۰/۷۳۲، فضای روانی-فیزیکی اختصاصی ۰/۷۴۳، رازداری خانوادگی زناشویی ۰/۸۷۰ و حدود انتظارات دوسویه ۰/۸۵۴ بود. دامنه ضرایب همبستگی دومتغیری بین زیرمؤلفه‌های تشکیل‌دهنده پرسش‌نامه بین ۰/۴۰۱ تا ۰/۸۱۱ قرار داشت که همه ضرایب محاسبه‌شده از نظر آماری در سطح آماری  $p < 0/01$  معنی‌دار بود. بنابراین، می‌توان گفت که این پرسش‌نامه و هریک از مؤلفه‌های مورد سنجش در آن، پیش‌بینی‌کننده مناسبی برای سنجش مرزهای زوجینی است.

### ۲-۳-۴. پرسش‌نامه احساس تنهایی

این پرسش‌نامه که توسط راسل، پیلاو و کورتونا<sup>۱</sup> (۱۹۸۰) ساخته شد شامل ۲۰ گویه در طیف چهاردرجه‌ای لیکرت است. پایایی این آزمون در نسخه جدید تجدیدنظر شده با آلفای کرونباخ ۰/۷۸ و به روش بازآزمایی ۰/۸۹ گزارش شده است. این مقیاس توسط شکرکن و میردریکوند ترجمه و پس از اجرای مقدماتی و اصلاحات، به‌کار گرفته شد (نادری و حق‌شناس، ۱۳۸۸). میزان آلفای کرونباخ به‌دست آمده این پرسش‌نامه در پژوهش حاضر ۰/۸۷۸ بود که نشان‌دهنده پایایی مناسب پرسش‌نامه است.

### ۳. یافته‌های پژوهش

#### جدول ۱

ماتریس همبستگی بین متغیرهای مرزهای زوجینی، روابط ابژه، احساس تنهایی و روابط فرزاناشویی

متغیرها	مرزهای زوجینی	روابط ابژه	احساس تنهایی	روابط فرزاناشویی
مرزهای زوجینی	-			
روابط ابژه	۰/۳۷**	-		
احساس تنهایی	۰/۳۸**	۰/۵۸**	-	
روابط فرزاناشویی	-۰/۵۶**	۰/۵۴**	۰/۶۱**	-

1. Russell, D., Peplau, L. A., & Cutrona, C. E.



جدول ۱ ضرایب همبستگی بین متغیرهای روابط فرازناشویی، مرزهای زوجینی، روابط ابژه و احساس تنهایی را نشان می‌دهد. مطابق این جدول، همبستگی بین متغیرهای روابط فرازناشویی و مرزهای زوجینی به طور منفی معنی دار بوده و همبستگی بین سایر متغیرها با یکدیگر به طور مثبت معنی دار بوده‌اند ( $p < 0/01$ ).

## جدول ۲

میانگین، انحراف معیار، کجی و کشیدگی نمره روابط فرازناشویی، مرزهای زوجینی، روابط ابژه و احساس تنهایی

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
روابط فرازناشویی	۲۳/۶۸	۷/۹۳	-۰/۷۴	-۰/۲۰
مرزهای زوجینی	۱۳۶/۷۴	۳۳/۷۹	-۰/۴۱	-۱/۰۱
روابط ابژه	۲۸/۷۰	۱۳/۱۲	-۰/۴۵	-۰/۲۶
احساس تنهایی	۵۲/۹۷	۷/۱۱	-۰/۰۳	-۰/۵۸

( $n=400$ )

بر اساس جدول ۲، مقادیر چولگی و کشیدگی همه متغیرهای مورد مطالعه در بازه ۲، ۲- قرار دارد. بنابراین، توزیع داده‌های تک متغیری، نرمال است. مفروضه هم خطی بودن متغیرهای پیش بین به کمک عامل تورم واریانس<sup>۱</sup> و ضریب تحمل<sup>۲</sup> بررسی شد. مقادیر عامل تورم واریانس همه متغیرهای پیش بین، کوچک‌تر از ۱۰ و مقادیر تحمل آنها بزرگ‌تر از ۰/۱ بوده و نشان دهنده برقراری مفروضه هم خطی بودن در بین داده‌های پژوهش حاضر است. برای ارزیابی برقراری یا عدم برقراری مفروضه نرمال بودن توزیع چندمتغیری از اطلاعات مربوط به فاصله ماهالانوبیس<sup>۳</sup> استفاده شد که به ترتیب ۰/۵۶ و ۰/۱۹- به دست آمد. سطح معنی داری به دست آمده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف<sup>۴</sup> بر روی متغیرهای مورد مطالعه بیشتر از ۰/۰۵ بود که نشان دهنده برقراری مفروضه نرمال بودن توزیع داده‌های چندمتغیری در پژوهش حاضر است.

1. Variance Inflation Factor
2. Tolerance
3. Mahalanobis Distance
4. Kolmogorov- Smirnov test

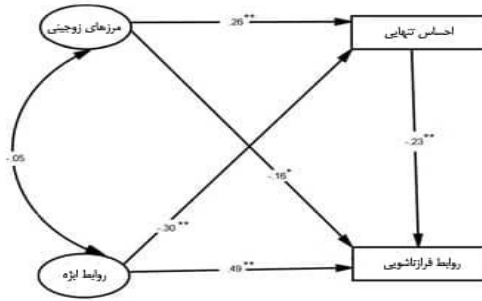
جدول ۳

ضرایب مسیر کل، مستقیم و غیرمستقیم بین متغیرهای پژوهش در مدل ساختاری

مسیر	متغیرهای مکنون	b	S.E	$\beta$	p
مستقیم	روابط ابژه ← احساس تنهایی	۰/۲۰۱	۰/۰۴۰	۰/۳۷۱	۰/۰۰۱
	مرزهای زوجینی ← احساس تنهایی	-۱/۱۷	۰/۳۷۳	-۰/۲۶۱	۰/۰۰۱
	احساس تنهایی ← روابط فرازنشویی	۰/۲۶۲	۰/۰۸۴	۰/۲۳۵	۰/۰۰۵
	روابط ابژه ← روابط فرازنشویی	۰/۰۸۶	۰/۰۳۷	۰/۱۴۲	۰/۰۲۳
	مرزهای زوجینی f ← روابط فرازنشویی	-۰/۷۸۵	۰/۳۲۲	-۰/۱۶۵	۰/۰۱۳
غیر مستقیم	روابط ابژه ← احساس تنهایی ← روابط فرازنشویی	۰/۰۵۳	۰/۰۱۳	۰/۰۸۷	۰/۰۰۱
	مرزهای زوجینی ← احساس تنهایی ← روابط فرازنشویی	۰/۲۹۳	۰/۱۰۷	۰/۰۶۱	۰/۰۰۱
کل	روابط ابژه ← روابط فرازنشویی	۰/۱۳۹	۰/۰۳۹	-۰/۲۲۹	۰/۰۰۱
	مرزهای زوجینی ← روابط فرازنشویی	۱/۰۷۸	۰/۲۲۳	-۰/۲۲۶	۰/۰۰۱

مطابق جدول ۳، نتایج تحلیل داده‌های مربوط به همه شاخص‌های برازندگی نشان می‌دهد که مدل ساختاری از قابلیت پیش‌بینی‌کننده بودن روابط فرازنشویی براساس متغیرهای مورد مطالعه (روابط ابژه و مرزهای زوجینی) با میانجی‌گری احساس تنهایی حمایت می‌کند. یافته‌های جدول ۳ نشان می‌دهد که ضریب مسیر روابط ابژه و روابط فرازنشویی منفی بوده و در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است ( $\beta = -0/229$ ). بدین ترتیب وجود رابطه بین متغیر فرازنشویی و روابط ابژه در زنان متأهل مورد مطالعه تأیید شد. ضریب مسیر کل بین مرزهای زوجینی با روابط فرازنشویی منفی و در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است ( $\beta = -0/226$ ). بنابراین، وجود رابطه بین روابط فرازنشویی و مرزهای زوجینی نیز تأیید شد. اطلاعات جدول ۳ بر این دلالت دارد که ضریب مسیر غیرمستقیم بین روابط ابژه و روابط فرازنشویی با میانجی‌گری احساس تنهایی مثبت و در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است ( $\beta = 0/087$ ). براین اساس، احساس تنهایی در رابطه بین روابط فرازنشویی با روابط ابژه نقش میانجی دارد. ضریب مسیر غیرمستقیم بین مرزهای زوجینی و روابط فرازنشویی با میانجی‌گری احساس تنهایی مثبت و در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است ( $\beta = 0/061$ ). ازاین‌رو، احساس تنهایی در رابطه بین روابط فرازنشویی با مرزهای زوجینی نقش میانجی دارد.





شکل ۱: نمودار معادلات ساختاری پیش‌بینی روابط فرازنشویی براساس روابط ابژه و مرزهای زوجینی با میانجی‌گری احساس تنهایی

برای بررسی اثر مستقیم و غیرمستقیم متغیر احساس تنهایی در قالب میانجی در رابطه بین روابط فرازنشویی با متغیرهای مرزهای زوجینی و روابط ابژه از نرم‌افزار AMOS و شاخص‌های برازندگی استفاده شد. نمودار ۱ معادلات ساختاری پیش‌بینی روابط فرازنشویی براساس روابط ابژه و مرزهای زوجینی با میانجی‌گری احساس تنهایی را نشان می‌دهد. شاخص‌های برازش مدل کلی نشان‌دهنده مناسب بودن مدل معادلات ساختاری برای پیش‌بینی روابط فرازنشویی براساس روابط ابژه و مرزهای زوجینی با میانجی‌گری احساس تنهایی است. نتایج تحلیل داده‌های مربوط به همه شاخص‌های برازندگی بر این دلالت دارد که مدل ساختاری از قابلیت پیش‌بینی‌کننده بودن روابط فرازنشویی براساس متغیرهای مورد مطالعه (روابط ابژه و مرزهای زوجینی) با میانجی‌گری احساس تنهایی حمایت می‌کند. مجموع مجذور همبستگی‌های چندگانه متغیرهای روابط ابژه، مرزهای زوجینی و احساس تنهایی با روابط فرازنشویی بیانگر آن است که با مسیر آزمون شده حدود ۶۰٪ واریانس روابط فرازنشویی را می‌توان براساس متغیرهای روابط ابژه، مرزهای زوجینی و احساس تنهایی در زنان متأهل مورد مطالعه پیش‌بینی کرد.

#### ۴. بحث و نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر نشان داد که بین روابط فرازنشویی و روابط ابژه در زنان متأهل مورد مطالعه، رابطه منفی معنی‌دار وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش تقییان و قاسمی مروج (۱۳۹۹) و عباسی و همکاران (۱۴۰۰) همخوانی دارد. آنها در بررسی‌های



خود به این نتیجه رسیدند که روابط ابژه نامناسب باعث افزایش روابط فرازناشویی می‌شود. ابژه‌ها یعنی، همان افراد مهم زندگی و روابطی که فرد با آنها دارد به مرور زمان عواطفی در انسان ایجاد می‌کند که باعث درونی کردن این روابط و عواطف همراه با آن می‌شود. اگر در روابط اولیه، احساس رضایت، حمایت و درک شدن تجربه شده باشد در روابط بعدی نیز انسان به دنبال چنین احساسی است و بالعکس. گویی رابطه اولیه فرد و مادر، آینه‌ای است که کودک، خود را نخستین بار در آن می‌بیند و نسبت به خود و محیط شناخت پیدا می‌کند. شهیاد (۱۳۹۴) دریافت که کودک در مراحل رشد خود درمی‌یابد چه زمانی نسبت به ابژه‌هایش احساس خشم داشته است و تصویر آرمانی که از ابژه‌هایش ساخته است، واقعی نیستند و باید ظرفیت تحمل این فقدان را در خود پرورش دهد که این احساس گناه باعث شکل‌گیری وجدان می‌شود. وجدان همان نیروی درونی است که فرد را از بدی‌ها نهدی و به سمت خوبی‌ها سوق می‌دهد. درک این مفهوم زمانی پیچیده می‌شود که فرد بداند وجدان طی مراحل رشدی در هر فرد به‌گونه‌ای متفاوت تجلی می‌یابد. اگر روابط فرد با خانواده به‌ویژه همسر، نامناسب و غیرمنطقی باشد فرد را به سمت روابط فرازناشویی می‌کشاند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بین روابط فرازناشویی و مرزهای زوجینی در زنان متأهل رابطه منفی معنی‌دار وجود دارد. این یافته با نتایج بررسی برونس و همکاران (۲۰۱۹) و هوشیاری و صفوریایی پاریزی (۱۳۹۷) همسو می‌باشد. آنها در مطالعات خود دریافتند که یکی از مهمترین مرزهای زیرمنظومه زوجینی، تعهد خاص زناشویی است که درمقابل آن روابط فرازناشویی قرار دارد و به معنای عبور یکی از همسران از حدود رابطه زناشویی با برقراری صمیمیت عاطفی یا فیزیکی با فردی دیگر است. قرآن کریم به‌وفور به اهمیت این مرزها اشاره می‌کند که زوجین باید فقط با همسران خود رابطه عاطفی - جنسی داشته باشند (مؤمنون: ۵ و ۶؛ معارج: ۲۹ و ۳۰) و در این روابط از مرزهای شرعی تجاوز نکنند و مرتکب ارتباط‌های جنسی نامشروع ویرانگر نشوند (شعراء: ۱۶۶). تقیان و قاسمی مروج (۱۳۹۹) دریافتند که تأمین منظم و تثبیت شده نیازهای فطری همسران یا همان پیوند مطلوب عاطفی - جنسی و ترک روابط جنسی خارج از چارچوب ازدواج و مرزهای خانواده از مهمترین عوامل ثبات خانواده است. بنابراین، اسلام بدون توجه به جنسیت، توجه ویژه‌ای به حفظ عفت جنسی دارد و سخت‌ترین مجازات‌ها را برای جرایم جنسی در نظر گرفته است. اسلام به دلیل

اهمیت مرزهای جنسی زیرمنظومه زوجینی، هرگونه تعدی از این حدود و نزدیک شدن به آنها و حتی تعدی‌های جزئی و فکر کردن به آنها را ممنوع می‌داند. خروج هریک از زوجین از مرزهای بیان شده به محبت و مودت متقابل آنها آسیب جدی وارد و زمینه را برای خیانت و تعدی طرف مقابل فراهم می‌کند. این‌گونه ارتباط‌ها با روابط ابژه و مرزهای زوجینی مختل و نامناسب همراه است.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که احساس تنهایی در رابطه بین روابط فرازناشویی با روابط ابژه نقش میانجی دارد. هرچند در مرور مطالعاتی، پژوهشی که موضوع را بررسی کند به دست نیامد، ولی برای تبیین نتایج پژوهش حاضر می‌توان به توضیح دیدگاه روابط ابژه در زمینه ارتباطات به‌ویژه در ارتباط زوجین پرداخت. دیدگاه روابط موضوعی یا ابژه بر این اعتقاد است که اتفاق‌ها و ارتباط‌های اولیه زندگی بر روابط انسان در بزرگسالی تأثیر می‌گذارد و شیوه برخورد مراقبین اولیه کودک بر شیوه برخورد او در بزرگسالی با شریک زندگی تأثیر می‌گذارد. در نتایج پژوهش، خودمحوری بیشترین نقش را در تبیین عدم رضایت زناشویی دارد. خودمحوری متشکل از بی‌اعتمادی به دیگران و کنترل و اعمال قدرت به دیگران است. فرد خودمحور توانایی تمایز خود از دیگری را به‌صورت موضوع جداگانه ندارد؛ در نتیجه هویت فرد مقابل را به‌گونه‌ای مجزا نمی‌پذیرد و باعث رفتارهای خودخواهانه می‌شود. هرچه فرد از نظر شخصیتی محکم‌تر باشد و تعریف دقیق‌تری از خود داشته باشد، توان تمیز خود از دیگری را بیشتر دارد و برای شریک زندگی خود در قالب فردی جداگانه ارزش قائل است. صمیمیت، سازگاری، توانایی پذیرش استقلال و تمایز هویت دیگری از ویژگی‌های اصلی برقراری ارتباط صمیمانه است که در قالب حل مفهوم خودمحوری ممکن می‌شوند. بیگانگی از مؤلفه‌های دیگر روابط ابژه است که باعث بی‌معنایی زندگی و جدایی از دیگران می‌شود. تئوری روابط موضوعی نشان می‌دهد افرادی که تجارب دردناک کودکی دارند دچار اختلال در روابط بین فردی، احساس بیگانگی بیشتر و مشکل در صمیمیت می‌شوند. چنین افرادی امکان ورود به رفتارها و ارتباط‌های فرازناشویی را دارند و آسیب در نظام خانواده آنها به‌وجود می‌آید (شهید، ۱۳۹۶).

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که احساس تنهایی در رابطه بین روابط فرازناشویی



با مرزهای زوجینی نقش میانجی دارد. هرچند در مرور مطالعاتی به پژوهشی که این ارتباط را بررسی کرده باشد، به دست نیامد، ولی در ادبیات تحقیق می توان دلیل نقش میانجی گری را برای احساس تنهایی دریافت. یکی از عوامل تأثیرگذار بر تعهد زناشویی زوجین مرزهای زوجینی خانواده است. تعهد خاص زناشویی به معنای محدود کردن روابط عاطفی-جنسی از مرزهای زیرمنظومه زوجینی است. وارد نشدن در دوستی های پنهانی با نامحرم، نشکستن انحصار جنسی زوجینی، وارد نشدن در حریم جنسی دیگران با نگاه، سخن و رفتار، خارج نشدن از حریم زوجینی حتی در فکر، خودآرایی کردن همسران فقط برای یکدیگر، وارد نکردن دیگران در حریم عاطفی-جنسی زوجینی، همگی به دلیل اینکه تعیین کننده کمیت و کیفیت تعاملات زوجین با بیرون از حریم خصوصی همسران است و قابل تغییر نیست از مرزهای انعطاف ناپذیر زیرمنظومه زوجینی به شمار می آید. افرادی که پایبند رعایت مرزهای زوجینی هستند افراد متعهد به زندگی زناشویی به شمار می روند و در نتیجه کمتر به روابط فرازناشویی گرایش دارند. یکی از مهمترین اهداف تشکیل خانواده رسیدن به آرامش است. برای تحقق این آرامش، تعهد زناشویی اهمیت و نقش بسزایی دارد. براساس نظر گلن و کرامر<sup>۱</sup> (۱۹۸۷) تجربیات و مشخصه های فردی با تعهد زناشویی ارتباط دارد. احساس تنهایی یکی از مشخصه های فردی بوده و با تعهد زناشویی ارتباط دارد. افراد با سطح احساس تنهایی بالا توان مدیریت احساسات و عواطف خود را ندارند. بنابراین، نمی توانند به صورت کامل روابط عاطفی-جنسی خود را به همسر خود محدود کنند. آنها در روابط خود به حدود روانی-عاطفی ارتباط با یکدیگر از جمله آراستگی فردی، پاسخ گویی به نیازهای طرفینی و پرهیز از بی اعتنائی و بی میلی به یکدیگر پایبند نیستند. عدم تقید به حدود تعاملات زوجینی باعث کاهش تعهد زناشویی می شود. از آنجاکه ازدواج و انتخاب همسر یکی از تصمیمات مهم زندگی زوجین است و پژوهش های مختلف رابطه بین متغیرهای مورد مطالعه و سلامت زندگی زوجین را تأیید می کند، پس برخورداری همسران از رضایت جنسی، تعهد زناشویی و در نظر داشتن مرزهای زوجینی می تواند زمینه ساز سلامت خانواده و ایجاد آرامش در تعاملات زوجین با یکدیگر و کاهش

1. Glenn, G. V., & Krammer, M. G.

روابط فرازنشویی شود.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که همه شاخص‌های برزندگی حاصل از تحلیل مدل‌یابی معادلات ساختاری بر ارزش مناسبی دارند و می‌توان روابط فرازنشویی را براساس روابط ابژه و مرزهای زوجینی با میانجی‌گری احساس تنهایی پیش‌بینی کرد. یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج تحقیقات زارع‌گاریزی و همکاران (۱۳۹۹)، بردوده و همکاران (۲۰۱۸)، اشمیت و همکاران (۲۰۱۶) و برونس و همکاران (۲۰۱۹) همسویی دارد. همان‌گونه که از ادبیات تحقیق برمی‌آید روابط فرازنشویی یکی از مهمترین تهدیدها برای ثبات روابط زنانشویی و از عمده‌ترین دلایل طلاق در فرهنگ‌های مختلف است (چوی و لی، ۲۰۲۱؛ دریگوتاس، سافستروم و جنتیلیا، ۱۹۹۹). در نتیجه افشای روابط فرازنشویی همسر، واکنش‌های عاطفی مختلفی مانند افسردگی، خشم، سرافکندگی و پریشانی در بسیاری از افراد ایجاد می‌شود که بهزیستی جسمی، روانی و عاطفی هر دو شریک را تهدید می‌کند. همان‌طور که اشمیت و همکاران (۲۰۱۶) مطرح کردند زنانی که بیشتر منزوی، گوشه‌گیر، درون‌گرا و نوروتیک هستند، به دلیل احساس تنهایی ممکن است با کسی که در زدودن تنهایی و انزوای عاطفی آنها مؤثر باشد، پیوند صمیمانه برقرار کنند که این امر باعث ازهم پاشیدن نظام خانواده می‌شود.

براساس یافته‌های پژوهش حاضر روابط فرازنشویی براساس روابط ابژه و مرزهای زوجینی با میانجی‌گری احساس تنهایی در زنان متأهل قابل پیش‌بینی است. بنابراین، با تأکید بر احتیاط لازم برای تعمیم نتایج به سایر جوامع آماری پیشنهاد می‌شود تا وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌های متولی مانند وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان بهزیستی، صدا و سیما و سرای محله شهرداری‌ها آموزش‌هایی برای تقویت نظام خانواده به‌ویژه در زمینه روابط ابژه و مرزهای زوجینی، تمهیداتی برای آموزش برقراری ارتباط بین فردی مؤثر زوجین با یکدیگر و رفع احساس تنهایی در نظر بگیرند تا زمینه کاهش گرایش افراد به روابط فرازنشویی در زنان متأهل و ارتقای سطح سلامت خانواده‌ها میسر شود.

پژوهش حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه است. بدین وسیله از همه اساتیدی که با آموخته‌های خود موجبات ارتقای سطح علمی، کاربردی و بینشی دانشجویان را فراهم می‌کنند و از تمام زنان متأهل

## شرکت‌کننده در پژوهش حاضر تشکر و قدردانی می‌شود.

### فهرست منابع

- \* قرآن کریم (۱۴۰۰)، مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱. اسدی، عدالت، فتح‌آبادی، جلیل، و محمدشرفی، فواد (۱۳۹۲). بررسی رابطه دلزدگی زناشویی، باورهای بدکارکردی جنسی و احقاق جنسی در زنان متأهل. *نشریه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۳(۴)، ۶۶۱-۶۸۴.
  ۲. بردوده، سهیلا، راه‌نجات، امیرحسین، ربیعی، مهدی، و کیانی‌مقدم، امیرسام (۲۰۱۸). تعیین رابطه بین احساس تنهایی با وابستگی به اینترنت و تعارض زناشویی در زوجین. *نشریه پرستار و پزشک در رزم*، ۱۶(۵)، ۳۱-۳۷.
  ۳. تقیان، حسن، و قاسمی مروج، مهدی (۱۳۹۹). پیش‌بینی تعهد زناشویی براساس تمایز یافتگی زوجین با نقش میانجی مرزهای زوجینی خانواده. *نشریه پژوهش‌های اسلامی*، ۱۳(۱)، ۲۱-۳۸.
  ۴. رفیعی، سحر، حاتمی، ابوالفضل، و فروغی، علی‌اکبر (۱۳۹۰). رابطه بین طرح‌واره‌های ناسازگارانه اولیه و سبک دلبستگی در زنان دارای خیانت زناشویی. *نشریه علمی-پژوهشی جامعه‌شناسی زنان*، ۱۲(۱)، ۲۱-۳۶.
  ۵. زارع‌گاریزی، معصومه، ابراهیمی مقدم، حسین، و ابوالعالی‌الحسینی، خدیجه (۱۳۹۹). پیش‌بینی تعهد زناشویی براساس نیازهای بنیادین روان‌شناختی و صمیمیت با واسطه‌گری تمایز یافتگی خود. *نشریه روان‌شناسی کاربردی*، ۵۳، ۵۶-۷۶.
  ۶. سید موسوی، مه‌ری، و محرمی، جعفر (۱۳۹۸). ناگویی هیجانی، احساس تنهایی و ترس از صمیمیت: پیش‌بینی‌کننده‌های نگرش به خیانت در مردان. *نشریه روان‌شناسی معاصر*، ۲۷(۱)، ۱۲-۲۱.
  ۷. شهپاد، عاطفه (۱۳۹۶). رابطه بین سبک دلبستگی، کیفیت زندگی و توجیه روابط فرازناشویی. *نشریه مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ۱۳(۱)، ۷۶-۹۰.
  ۸. عارفی، مختار، رحیمی، روح‌اله، و شیخ اسمعیلی، دلنیا (۱۳۹۵). پیش‌بینی سازگاری زناشویی زوج‌های جوان فرهنگی بر مبنای میزان تمایز یافتگی از خانواده اصلی و رضایت زناشویی والدین. *نشریه علمی-پژوهشی خانواده و پژوهش*، ۱۳(۲)، ۷۷-۱۰۶.
  ۹. عباسی، لیلی، فتحی آشتیانی، علی، فراهانی، حجت‌الله، و آزاد فلاح، پرویز (۱۴۰۰). تحلیل الگوهای غالب روابط موضوعی در زوج‌های ایرانی. *نشریه روان‌شناسی تحولی*، ۱۷(۶۷)، ۲۴۵-۲۵۷.
  ۱۰. علی‌تبار، سید هادی، قنبری، سعید، زاده‌محمدی، علی، و حبیبی، مجتبی (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین روابط جنسی پیش از ازدواج با نگرش به روابط فرازناشویی. *نشریه خانواده‌پژوهی*، ۱۰(۲)، ۲۵۵-۲۶۷.
  ۱۱. گودرزی، امیرحسین، کیخسروانی، مولود، دیره، عزت، و گنجی، کامران (۱۳۹۵). اثربخشی واقعیت‌درمانی بر انعطاف‌پذیری و دلزدگی زناشویی و تعهد اجتماعی در زوجین متقاضی طلاق شهرستان ملایر. *نشریه زن و خانواده*، ۱۲(۴۹)، ۷-۲۷.
  ۱۲. مدرسی، فریبا، زاهدیان، سید حسین، و هاشمی محمدآباد، سید نذیر (۱۳۹۳). میزان سازگاری زناشویی و کیفیت عشق در متقاضیان طلاق با سابقه خیانت زناشویی و فاقد سابقه خیانت زناشویی. *نشریه ارمغان دانش*، ۱۹(۱)، ۷۹-۸۸.
  ۱۳. هادی‌نژاد، حسن، طباطباییان، مریم، و دهقانی، محمود (۱۳۹۳). بررسی مقدماتی روانی و پایایی پرسش‌نامه روابط موضوعی و واقعیت‌آزمایی بل. *نشریه روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۲۰(۲)، ۱۶۹-۱۶۲.
  ۱۴. هوشیاری، جعفر، و صفورایی پاریزی، محمد مهدی (۱۳۹۷). ارزیابی مرزهای خانواده در روان‌شناسی از نگاه قرآن و روایات. *نشریه مطالعات علوم قرآن*، ۲، ۱۵۷-۱۷۷.
  ۱۵. هوشیاری، جعفر، صفورایی پاریزی، محمد مهدی، جزایری، سید حمید، و تقیان، حسن (۱۳۹۹). مرزهای دورنی خانواده از نگاه روان‌شناسی و قرآن. *نشریه پژوهش‌های اسلامی زنان و خانواده*، ۲۰(۸)، ۲۲-۳۹.
16. Aviram, I., & Amichai-Hamburger, Y. (2006). Online Infidelity: Aspects of Dyadic Satisfaction, Self-Disclosure, and Narcissism. *JCMC*, 3(10), 102- 111. <https://doi.org/10.1111/j.1083-6101.2005.tb00249.x>
17. Brunas, A., Hansen, M. B., & Heir, T. (2019). Loneliness among adults with visual impairment: prevalence, associated factors, and relationship to life satisfaction. *J. Health and quality of life outcomes*, 17(1), 24- 31. <https://doi.org/10.1186/s12955->



019-1096-y

18. Choy, B. K. C., & Li, N. P. (2021). *Factors that promote or predict infidelity; Encyclopedia of Sexuality and Gender*. Singapore: Springer.
19. Drigotas, S. M., Safstrom, C. A., & Gentilia, T. (1999). An investment model prediction of dating infidelity. *Journal of Personality and Social Psychology*, 77(3), 509- 524. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.77.3.509>
20. Elizur, J., & Minuchin, C. (1990). *Institutionalizing Madness: Families, Therapy and Society*. Washington DC: APA psycinfo.
21. Gierveld, D. J., Broese Van Groenou, M. I., Hoogendoorn, A. W., & Smit, J. H. (2009). Quality of marriages in later life and emotional and social loneliness. *The Journals of Gerontology. Psychological Sciences and Social Sciences*, 64(4), 497-506. <https://doi.org/10.1093/geronb/gbn043>
22. Glenn, G. V., & Kramer, M. G. (1987). Examining individualism, collectivism and differentiation in African American College Women. *Journal of Mental Health Counseling*, 25, 1- 15.
23. Glick, I. D., Rait, D. S., Heru, A. M., & Ascher, M. (2017). *Couples and family therapy in clinical practice*. USA: Wiley-Blackwell.
24. Goldenberg, H., & Goldenberg, I. (2008) *Family Therapy an Overview*. Brookscole: Cengage Learning.
25. Hsieh, N., & Hawkey, L. (2017). Loneliness in the older adult marriage: Associations with dyadic aversion, indifference, and ambivalence. *Journal of Social and Personal Relationships*. <https://doi.org/10.1177/0265407517712480>
26. Isanejad, O., & Bagheri, A. (2018). Marital Quality, Loneliness, and Internet Infidelity. *Cyberpsychology, Behavior, and Social Networking*, 21(9), 542- 548. <https://doi.org/10.1089/cyber.2017.0602>
27. Lambert, N. M., & Dollahite, D. C. (2008). The threefold cord marital commitment in religious couples. *Journal of Family Issues*, 29(5), 592- 614.
28. Mitchell, S., & Black, M. (1995). *Freud and beyond: A history of modern psychoanalytic concepts*. New York: Basic Books.
29. Russell, D., Peplau, L. A., & Cutrona, C. E. (1980). The revised UCLA Loneliness Scale: concurrent and discriminant validity evidence. *Journal of personality and social psychology*, 39(3), 472- 480. <https://doi.org/10.1037//0022-3514.39.3.72>
30. Scharff, D. E., & Scharff, J. S. (2014). *Psychoanalytic couple therapy: Foundations of theory and practice*. Karnac Books: Published by Routledge.
31. Schmidt, A. E., Green, M. S. Sibley, D. S., & Prouty, A. M. (2016). Effects of parental infidelity on adult children's relational ethics with their partners: A contextual perspective. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 15(3), 193- 212.
32. Siegel, D. (2020). *The Mindful Therapist: A Clinician's Guide to Mindsight and Neural Integration*. New York: W. W. Norton & Company.
33. Stokes, J. E. (2017). Two-wave dyadic analysis of marital quality and loneliness in later life: results from Irish longitudinal study on ageing. *Research on aging*, 39(5), 635- 656. <https://doi.org/10.1177/016402751562422>



## تحلیلی بر مؤلفه‌های اقتصادی مؤثر بر میزان ازدواج و طلاق با تأکید بر مشارکت اقتصادی زنان

مصطفی فزونی<sup>۱</sup>، عبدالمحمد کاشیان<sup>۲\*</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه مؤلفه‌های اقتصادی با میزان ازدواج و طلاق به روش خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی که امکان تحلیل کوتاه مدت و بلندمدت را فراهم می‌آورد، انجام شد. همچنین تحلیل مقایسه‌ای مؤلفه‌های اقتصادی مشترک و توأمان مؤثر بر ازدواج و طلاق نیز ارائه گردید. داده‌های پژوهش از کلیه اطلاعات و آمار مکتوب مربوط به اقتصاد ایران در سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۹۹ جمع‌آوری شد. نتایج تحلیل بلندمدت داده‌ها نشان داد که میزان بیکاری به طور مستقیم، و ضریب جینی به طور معکوس با میزان طلاق رابطه معنادار دارد. متغیرهای مشارکت اقتصادی زنان، رشد درآمد سرانه، شهرنشینی و رشد اجاره مسکن رابطه معناداری با میزان طلاق در بلندمدت ندارد. همچنین متغیرهای شهرنشینی، مشارکت اقتصادی زنان و رشد درآمد سرانه به طور مستقیم، و متغیرهای ضریب جینی، رشد اجاره مسکن و نرخ بیکاری به طور معکوس، با میزان ازدواج در بلندمدت رابطه معکوس دارد. نتیجه قابل توجه درباره مشارکت اقتصادی زنان این بود که با افزایش میزان مشارکت اقتصادی زنان، میزان ازدواج‌ها در کشور افزوده شده و این متغیر، تأثیر معناداری بر میزان طلاق در کشور نداشته است.

**واژگان کلیدی:** مشارکت اقتصادی زنان، عوامل مؤثر بر ازدواج، عوامل مؤثر بر طلاق،

بیکاری، نابرابری اقتصادی، میزان ازدواج و طلاق.

Doi: 10.22034/ijwf.2023.14907.2037

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۶ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۲/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۴  
۱. کارشناس ارشد اقتصاد، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

Email: mostafafozoni97@gmail.com

۲. استادیار گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد مدیریت و علوم اداری، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: a.m.kashian@profs.semnan.ac.ir ORCID ID: 0000-0002-5352-1446

\* این پژوهش حاصل پایان‌نامه کارشناسی ارشد مصطفی فزونی به راهنمایی عبدالمحمد کاشیان است که با حمایت علمی و معنوی دانشگاه سمنان انجام شده است.

## **An Analysis of Economic Factors Affecting the Rate of Marriage and Divorce with an Emphasis on Women's Economic Participation**

**Mostafa Fozouni<sup>1</sup>, Abdolmohammad Kashian<sup>2</sup>**

The present research was conducted with the aim of investigating the relationship between economic factors and the rate of marriage and divorce using Auto Regressive Distributed Lags (ARDL), which provides a short-term and long-term analysis. In addition, a comparative analysis of common and complementary economic factors affecting the marriage and divorce was presented. Research data were gathered from all written statistics related to Iran's economy from 1983 to 2020. The results of long-term analysis showed that unemployment rate has a direct and significant relationship and Gini coefficient has an indirect and significant relationship with divorce rate. The variables of women's economic participation, per capita income growth, urbanization, and housing rental growth do not have a significant relationship with divorce rate in the long term. The variables of urbanization, women's economic participation, and per capita income growth have direct relationship, and the variables of Gini coefficient, housing rental growth, and unemployment rate have indirect relationship with marriage rate in the long term. The most interesting result about women's economic participation was that the more rate of women's economic participation, the more marriage rate, and the variable of women's economic participation does not have any significant effect on divorce rate in Iran.

**Keywords:** women's economic participation, different factors affecting marriage, different factors affecting divorce, unemployment, economic inequality, rate of marriage and divorce.

---

**Paper Type: Research**

**Data Received: 2022 / 12 / 17    Data Revised: 2023 / 05 / 19    Data Accepted: 2023 / 05 / 25**

1.M.A. in Economics, Semnan University, Semnan, Iran. Email: mostafafozoni97@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Economics, Management and Administrative Sciences, Semnan University, Semnan, Iran. (Corresponding Author)

Email: a.m.kashian@profs.semnan.ac.ir    ORCID ID: 0000-0002-5352-1446

## ۱. مقدمه

ازدواج در فرهنگ اسلامی و ایرانی امری مقدس و طلاق نکوهیده است. بنیان اساسی فرهنگ اسلامی-ایرانی بر خانواده نهاده شده و ازدواج اولین و مهمترین مرحله در مسیر زندگی خانوادگی است که موفقیت در دیگر مراحل زندگی به موفقیت در این مرحله بستگی دارد. منطق فکری و بررسی‌های تجربی نشان می‌دهد که افزایش ازدواج و شکل‌گیری کانون خانواده به طور محسوس از بزهکاری، فساد، بی‌بندوباری، طغیان‌ها و جرم و جنایت جلوگیری می‌کند؛ زیرا بخش زیادی از جرائم از افرادی سرمی‌زند که از وجود کانون گرم خانوادگی محرومند. (محمدی سیف و عارف، ۱۳۹۴) طلاق از نظر اجتماعی و فرهنگی امری ناپسند بوده که پیامدها و ناهنجاری‌های منفی به دنبال دارد. این پیامدها بر ارکان مختلف جامعه تأثیر می‌گذارد و به دلیل تأثیر ویژه بر زنان و کودکان در تحلیل‌های جمعیتی توسعه و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی اهمیت می‌یابد. بررسی‌های مختلف از رابطه بین طلاق با اعتیاد، جرم، بزهکاری، عدم تعادل شخصیتی و افسردگی، مشکلات آموزشی تربیتی، خودکشی و نظایر آن حکایت می‌کند (کلانتری، جواهری و روشن‌فکر، ۱۳۹۰).

با وجود جهت‌گیری‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران در افزایش ازدواج و کاهش طلاق، شواهد و قرائن حاکی از آن است که در سال‌های اخیر وضعیت کشور در این دو حوزه مناسب نیست به طوری که سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران را بر آن داشت که عوامل کاهش ازدواج و افزایش طلاق را بررسی کنند. بی‌تردید نقش عوامل اقتصادی که یکی از ارکان زندگی اجتماعی افراد است هم در ازدواج و هم در اقتصاد نقشی انکارنشده است. عوامل اقتصادی در تصمیم‌گیری افراد برای تشکیل زندگی زناشویی و نیز در عدم وفاق زوجین و تصمیم آنها برای پایان زندگی مشترک نقش مهمی دارد. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا متغیرهای اقتصادی بر میزان ازدواج و طلاق در جامعه تأثیرگذار است. آیا مؤلفه‌های اقتصادی بر میزان ازدواج و طلاق در ایران نقش و تأثیر یکسانی دارند. برای پاسخ به این سؤال روش‌ها و داده‌های متعددی استفاده می‌شود، اما ترجیح پژوهشگران بر آن بوده که از داده‌های آماری متقن در اقتصاد ایران استفاده و روابط بین متغیرهای موردنظر را براساس روش‌های رگرسیونی استخراج کند.

## ۲. چهارچوب نظری پژوهش

### ۲-۱. نظریه‌های اقتصادی ازدواج و طلاق

اهمیت علل اقتصادی در ازدواج و طلاق سبب شده که نظریه‌های متعددی در این مورد ارائه شود. پنج نظریه مهم در بررسی ازدواج و طلاق در جوامع مطرح است که عبارتند از: نظریه مبادله، نظریه منفعت انتظاری، دیدگاه استرس روانی-اجتماعی، دیدگاه هزینه طلاق و دیدگاه استقلال اقتصادی. (درگاهی، بیرانوند و قاسمی، ۱۳۹۷)

### ۲-۱-۱. نظریه مبادله اجتماعی در ازدواج و طلاق

در نظریه مبادله اجتماعی از محاسبات زوجین در برآورد هزینه‌ها و منافع ادامه زندگی مشترک یا طلاق استفاده شده است. براساس این نظریه اگر جاذبه‌های درون زندگی مشترک نسبت به جذابیت‌های خارج آن برای یک فرد قوی‌تر باشد تمایل به حفظ زندگی مشترک بیشتر است. با وجود گزینه‌های جایگزین جذاب، اگر موانع طلاق نیز زیاد باشد طلاق اتفاق نمی‌افتد. (دونوان و جکسون،<sup>۱</sup> ۱۹۹۰) این نظریه در مورد ازدواج نیز اهمیت دارد. مهمترین مزیت ازدواج، همراهی، مهربانی، خدمات خانگی، تفاهم با همسر، ارتباطات و تسهیم دارایی‌هاست (اسپنیر و تامپسون،<sup>۲</sup> ۱۹۸۳). مجازات‌های ازدواج نیز شامل نارضایتی، عدم تفاهم‌ها و تعارضات است. براساس این نظریه وقتی فرد احساس کند اقدام وی منافع بیشتری نسبت به هزینه‌ها دارد آن را دنبال می‌کند.

### ۲-۱-۲. نظریه منفعت انتظاری در ازدواج و طلاق

دومین نظریه در مورد تحلیل اقتصادی ازدواج و طلاق مربوط به نظریه منفعت انتظاری است. بکر، لاندرو و میشل<sup>۳</sup> (۱۹۷۷) مسئله ازدواج و طلاق را مانند یک کالا در بازارهای اقتصادی تحلیل می‌کند و بر دو فرض اصلی تکیه دارد که عبارتند از: فرض اول اینکه هر شخصی تلاش می‌کند تا همسری پیدا کند که رفاهش را حداکثر کند. در فرض دوم، بازار ازدواج در تعادل است؛ یعنی هیچ شخصی نمی‌تواند با تغییر همسر خود همسر بهتری بیابد. از نظر

1. Donovan, R. L., & Jackson, B. L.  
2. Spanier, G. B., & Thompson, L.  
3. Becker, G. S., Landes, E. M., & Michael, R. T.

وی، هر شخص عایدی های ناشی از ازدواج را در مقایسه با ازدواج نکردن و مجرد ماندن مقایسه می کند. این عایدی ها به طور مستقیم به درآمد، اختلاف نسبی در نرخ دستمزد، سطح متغیرهای غیربازاری مثل آموزش و زیبایی بستگی دارد. وی فرض می کند که افراد زمانی ازدواج می کنند که مطلوبیت مورد انتظارشان از ازدواج نسبت به مطلوبیت انتظاری مجرد ماندن بیشتر باشد. بکر، شرط وقوع طلاق و انحلال خانواده را براساس ثروت کالایی مورد انتظار این گونه بیان می کند که زوجین زمانی که انتظار شرایط بهتری از طلاق داشته باشند، راضی به طلاق می شوند. بدون تردید عوامل اقتصادی براساس نظریه بکر تأثیر قابل توجهی بر میزان ازدواج و طلاق دارند.

### ۳-۱-۲. نظریه استرس روانی-اجتماعی در ازدواج و طلاق

سومین تئوری اقتصادی در تشریح علل و عوامل ازدواج و طلاق، دیدگاه استرس روانی-اجتماعی است. این دیدگاه بیان می کند که افزایش درآمد جاری زوجین به دلیل کاهش مشقت مالی باعث پایداری ازدواج می شود. برای نمونه، اشتغال زوجین باعث کاهش اختلافات و افزایش اوقات فراغت می شود. بنابراین، باتوجه به این دیدگاه، درآمد همسر می تواند خطر طلاق را کاهش دهد. این موضوع به ویژه در شرایطی که درآمد شوهر کمتر از حد لازم برای برآورده کردن نیازهای خانواده باشد، بیشتر مورد تأکید است. (آماتو و بتی، ۲۰۱۱)

### ۴-۱-۲. نظریه هزینه محوری در ازدواج و طلاق

چهارمین نظریه که به بررسی علل ازدواج و طلاق می پردازد دیدگاه استاندارد زندگی و انباشت ثروت است. از نگاه طرفداران این نظریه افراد برای تصمیم گیری در مورد ازدواج و طلاق به تأثیر آن بر استانداردهای زندگی خود و میزان انباشت ثروت تأکید دارند و هزینه های طلاق و ازدواج اهمیت زیادی می یابد. طرفداران این دیدگاه معتقدند طلاق از جنبه استاندارد زندگی و انباشت ثروت، پرهزینه است. این هزینه ها شامل هزینه دادرسی، دستمزد وکیل، انتقال به اقامتگاه جدید برای حداقل یکی از زوجین و یا هر دو آنها، خرید اسباب و اثاثیه جدید، تقسیم دارایی مشترک و به طور کلی عدم صرفه های ناشی از مقیاس تقسیم یک خانوار به دو خانوار است. در شرایط نامناسب اقتصادی پرداخت هزینه های

طلاق برای زوجین ناراضی از زندگی مشترک به دلایلی مانند بیکاری یکی از زوجین، عدم وجود موقعیت مناسب برای ورود به بازار کار به صورت تمام وقت و نگرانی زوجین شاغل در مورد آینده شغلی خود سخت خواهد بود و در نتیجه تقاضای طلاق کاهش می یابد. (آماتو و بتی، ۲۰۱۱) پژوهش های دیگر نشان می دهند که استاندارد زندگی زنان در پی طلاق کاهش می یابد (پترسن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۶).

براساس نتایج مطالعات، مردان و زنان دلایل خوبی برای اجتناب از طلاق در طول دوره های سخت اقتصادی دارند و حتی ممکن است بیکاری و هزینه های طلاق موجب بهبود رابطه زوجین شود. ویلکاکس و دیو<sup>۲</sup> (۲۰۰۹) عقیده دارد که بیشتر زوج ها به بحران های اقتصادی واکنش آنی نشان نمی دهند، بلکه با بررسی روند طلاق به نظر می رسد بسیاری از زوج ها به این درک رسیده اند که در زمان ناهمواری های اقتصادی، زندگی مشترک موجب حمایت اقتصادی و اجتماعی بیشتر از آنها می شود.

## ۲-۱-۵. نظریه استقلال اقتصادی در ازدواج و طلاق

آخرین دیدگاه بر استقلال اقتصادی در قالب معیار تصمیم گیری در مورد ازدواج و طلاق تکیه دارد. در این دیدگاه، وقتی زوجین از نظر مالی وابستگی کمتری به یکدیگر دارند، نرخ طلاق در صورت عدم رضایت از زندگی مشترک افزایش می یابد. براساس این دیدگاه، وقتی زنان تجربیات کاری کمتری داشته باشند به شوهران خود وابستگی بیشتری دارند و تمایل آنها برای طلاق کمتر است. همچنین استقلال اقتصادی به جنبه های دیگر از پتانسیل درآمدزایی زنان از جمله تحصیلات، شغل و عواملی مانند سیاست های حمایت از کودکان و حمایت دولت از خانوارهای کم درآمد بستگی دارد. این موضوع در مورد ازدواج نیز صادق است.

## ۲-۲. عوامل مؤثر بر ازدواج و طلاق

با بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر ازدواج و طلاق در سطح جامعه و دسته بندی آنها می توان متغیرهای درآمد سرانه، بیکاری، ضریب جینی، شهرنشینی، مشارکت اقتصادی زنان و اجاره مسکن را متغیرهای اقتصادی مشترک میان این دو نام برد. از آنجاکه هدف،

1. Peterson, R.  
2. Wilcox, W. B., & Dew, J.



ارائه تحلیل مقایسه‌ای میان عوامل اقتصادی مؤثر بر ازدواج و طلاق است با بررسی عوامل مشترک، زمینه برای مقایسه تأثیرات آنها بر میزان سرانه طلاق و ازدواج فراهم می‌شود.

## ۲-۱- مشارکت اقتصادی زنان

مشارکت اقتصادی زنان که یکی از نتایج افزایش سطح تحصیلات است، با وجودی که باعث افزایش رویکرد آنها به بازار کار و افزایش سطح درآمدشان می‌شود در مواردی موجب افزایش سطح طبقه اقتصادی و ایجاد توقعاتی فراتر از واقعیت‌ها می‌شود و پیدا کردن گزینه مناسب با شأن آنها را مشکل‌تر می‌کند. از طرفی، استقلال مالی بانوان سطح توقعاتشان از خواستگار آینده خود را برای زندگی مرفه‌تر افزایش می‌دهد. در ابتدا به نظر می‌رسد فعالیت اقتصادی، نشانه‌ای از مشارکت زنان در فعالیت بیرون از خانه بوده و با سن ازدواج رابطه معکوس دارد. این وضعیت نیز تقویت‌کننده موقعیت زنان با تأخیر در ازدواج است. (محمودیان، ۱۳۸۲) یکی از مزایای مشارکت اقتصادی زنان این است که با تکیه بر درآمد خود نااطمینانی کمتری نسبت به آینده اقتصادی خانواده خود و حتی درآمد همسر خود دارند. از این رو، ممکن است در ازدواج با نگاه سهل‌گیرانه‌تری وارد شوند.

در مقابل، مشارکت زنان در کسب معاش، کاهش آسایش و راحتی، مستولی شدن خستگی ناشی از کار در منزل و خارج از آن، کم شدن آستانه تحمل اعمال کودکانه به دلیل فشار مضاعف بر مادر، تضعیف روابط عاطفی بین همسران و بروز شکاف و اختلاف در خانواده را به دنبال دارد. استقلال مالی زن در برخی مواقع سبب امتناع آنها در تمکین به حقوق شوهر و امتناع از وظایف زوجیت می‌شود که این رویه به فروپاشی نهاد خانواده کمک می‌کند. در برخی موارد، استقلال مالی زنان، انگیزه مردان برای طلاق را افزایش می‌دهد. (محمدی، ۱۴۰۰) هرچند از دیدگاهی، شاغل بودن زن در بیرون از خانه باعث گشایش مالی و افزایش سطح رفاه می‌شود.

## ۲-۲- درآمد خانواده

تأمین معاش و هزینه زندگی از مهمترین نگرانی‌های جوانان در امر ازدواج است. جوانانی که درآمد کافی برای ادامه زندگی حداقلی ندارند، جرئت کمتری برای ازدواج دارند. (شاطریان، شفایی‌مقدم، نیازی، ۱۳۹۴) آرسوی دیگر، میزان ثروت خانواده‌ها و درآمد آنها براساس نظریه‌های



اقتصادی بانوجه به هنجارهای حاکم بر بازار ازدواج در نگرش و گرایش به ازدواج مؤثر است (شاطریان... و همکاران ۱۳۹۴). ازدواج، تشکیل خانواده و آغاز زندگی زناشویی در ابتدا نیاز به درآمد اولیه مستقل برای زندگی یک خانواده دونفره در کوتاه‌مدت و چندنفره در میان‌مدت و بلندمدت دارد که در هر جامعه‌ای براساس اقتضائات آن متفاوت خواهد بود. درآمد خانواده مهمترین عنصر در ادامه زندگی برای رفع احتیاجات است. بانوجه به نیازهای متنوع و پیچیده هر فرد در خانواده و تأمین هزینه این نیازها توسط پدر (به دلیل ساختار فرهنگی و اجتماعی جامعه) اگر درآمد کافی وجود نداشته باشد آسیب‌هایی برای اعضای خانواده به دنبال دارد.

هرچه شکاف بین هزینه‌ها و درآمد افراد بیشتر باشد عواقب آن مهلک‌تر و فاجعه‌بارتر خواهد بود و سبب می‌شود ثبات خانواده دستخوش آشفتگی‌های جدی و بنابر تحقیقات، حتی باعث طلاق شود. بدیهی است که برای حفظ و ارتقای نقش خانواده در فرایند توسعه ایران باید همواره به همراه افزایش درآمد سرانه، توسعه فرهنگی نیز در راستای تحکیم بنیان خانواده در اولویت باشد. برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد افزایش درآمد به ویژه در زنان باعث استقلال نسبی بیشتر و در نتیجه افزایش توانایی‌های آن در خانواده شده و میزان وقوع طلاق را افزایش می‌دهد که نقش دوگانه درآمد را نشان می‌دهد. (درگاهی... و همکاران، ۱۳۹۷)

### ۲-۳. نابرابری اقتصادی

اگر افزایش درآمد (سرانه) در توزیع، ناکارآمد و تبعیض‌آمیز باشد، نمی‌تواند آثار مثبتی مانند افزایش رفاه و تقویت معیشت را برای آحاد جامعه به بار بیاورد و این یعنی، شکاف طبقاتی و شکاف درآمدی و اقتصادی و نتیجه آن یعنی، محروم کردن بخشی از جامعه از درآمد کافی و امکانات موجود در جامعه. این موضوع باعث می‌شود که بسیاری از جوانان و خانواده‌های آنها توان اقداماتی مانند ازدواج و تأمین هزینه‌های آن را نداشته باشند. اجرای سیاست‌هایی که بتواند به کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی و بالابردن سطح عدالت اجتماعی کمک کند، می‌تواند شرایط ازدواج در ایران را آسان کند. (عسگری ندوشن، ماندگاری و فتوحی، ۱۳۹۷) اگر توزیع درآمد در سطح جامعه مطلوب نباشد بسیاری از خانواده‌ها در سطح طبقاتی مطلوبی برای زندگی قرار نمی‌گیرند و این باعث می‌شود افراد، خانواده

خود را از نظر اقتصادی و تاحدودی اجتماعی با دیگران مقایسه کنند و از اینکه خانواده و به‌ویژه پدر خانواده نمی‌تواند به نیازهای آنها پاسخ مناسب دهد، اظهار ناراضی کنند. در این موارد، افراد به‌ویژه زنان، ازدواج خود را نامطلوب تلقی کرده و گرایش به طلاق افزایش می‌یابد. بین ضریب جینی و نرخ طلاق رابطه مستقیم وجود دارد؛ یعنی با افزایش ضریب جینی، تعداد طلاق اتفاق افتاده در ده‌هزار نفر افزایش می‌یابد (گرشاسبی فخر، موسایی و مهرگان، ۱۳۸۸). تحقیقات نشان می‌دهد که بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی در گرایش زوجه به طلاق همبستگی وجود دارد (زارعان، ۱۳۹۶).

#### ۲-۴-۴. تأمین مسکن

تهیه مسکن چه به‌صورت ملکی و چه به‌صورت اجاره‌ای، یکی از مهمترین و فوری‌ترین نیازهای یک زندگی مشترک و مستقل است؛ زیرا داشتن مسکن جداگانه، قابل لمس‌ترین نشانه استقلال زوجین از خانواده‌های خود در ابتدای زندگی است. (مرادی و صفاریان، ۱۳۹۱) این مشکل در شهرهای بزرگ و کلان‌شهرها پیچیده‌تر و سخت‌تر است. با توجه به بازار مسکن و افت و خیز قیمتی آن در طول دهه‌های اخیر، کمتر جوانی دورنمای قیمت مناسب در این حوزه را پیش‌بینی می‌کند خود را برای اجاره یک مسکن مستقل، آماده نمی‌بیند، در نتیجه ازدواج را در زمان حاضر غیرعملی و مخاطره‌آمیز می‌داند. در بسیاری از موارد تهیه مسکن و عدم داشتن ویژگی‌های مناسب مسکن فعلی و اجاره سنگین آن موجبات تنش و مشاجره در خانواده‌ها می‌شود. این مشکل در شهرهای بزرگ و کلان، شدت بیشتری دارد و در بسیاری از موارد پرداخت آن از توان خانواده‌ها خارج و باعث معضلاتی مثل بدمسکنی و حاشیه‌نشینی و معضلات خاص آنها می‌شود که چالشی جدی برای سرپرست خانواده است.

#### ۲-۴-۵. شهرنشینی

رشد شهرنشینی، مصرف‌گرایی را با خود به‌همراه دارد و خانواده‌ها وارد رقابت بی‌پایان مصرف‌گرایی می‌شوند. این عامل باعث افزایش هزینه‌های جانبی ازدواج مانند برگزاری جشن عروسی، تهیه جهیزیه‌های گران‌بها و سایر موارد شده که خود، کاهش تشکیل خانواده را به‌دنبال دارد. (شرفی و طاهریور، ۱۳۸۷) سن ازدواج به‌واسطه عواملی مانند افزایش سطح تحصیلات و اشتغال زنان و میزان شهرنشینی روبه افزایش است بدین ترتیب تحولاتی



در الگوی ازدواج یعنی، حرکت از ازدواج زودرس به سمت ازدواج دیررس اتفاق افتاده است (آستین افشان و هزارجریبی، ۱۳۸۸). از طرفی بین نسبت شهرنشینی و نرخ طلاق رابطه مستقیم وجود دارد؛ یعنی افزایش مهاجرت روستاییان به شهرها و دلایل دیگر که باعث افزایش جمعیت شهری نسبت به جمعیت کل کشور می شود باعث افزایش تعداد طلاق های اتفاق افتاده می شود (گرشاسبی فخر، و همکاران، ۱۳۸۸).

## ۲-۲-۶. بیکاری

اشتغال، ابتدایی ترین گزینه برای استقلال جوانان به ویژه برای پسران است تا به زندگی مستقل از خانواده و زندگی مشترک بیندیشند. هرچند این اعتقاد وجود دارد که نبود شرایط مالی مانع مهمی برای ازدواج است، اما تأکید صریح تر بر اینکه شغل، مانع ازدواج می شود، روشن می کند که مسئله اصلی برای بسیاری از جوانان، پیش بینی ناپذیری زندگی و فقدان تأمین زندگی مشترک پس از ازدواج به دلیل نداشتن شغل است. اهمیت داشتن کار برای ازدواج بسیار وابسته به طبقه است. آنها که سطح طبقاتی پایین تری دارند، بر داشتن کار در قالب اصلی ترین زمینه ازدواج تأکید بیشتری دارند. (بنی جمالی و صادقی نسایی، ۱۴۰۰) بیشتر جوانان معتقدند موقعیت ایدئال ازدواج برای پسران بعد از اشتغال به کار و داشتن شرایط مالی مناسب به وجود می آید (صادقی، ابراهیمی و زنجری، ۱۳۹۵). اشتغال همان طور که امر مهمی در ازدواج است تأثیر قابل توجهی بر طلاق نیز دارد. بیکاری سرپرست خانواده آسیب های روحی، روانی و جسمی برای خود و خانواده دارد که از نتایج آن می توان به افزایش سطح طلاق در جامعه اشاره کرد.

## ۲-۳. پیشینه تحقیقاتی پژوهش

زعفرانچی و گلدانی (۱۴۰۱) در پژوهش خود دریافتند که در کوتاه مدت و بلندمدت، متغیر ضریب جینی و نابرابری توزیع درآمد بر تمایل به تأهل اثر منفی دارد. نتایج نشان می دهد نرخ بیکاری و نرخ تورم حداقل در کوتاه مدت (با یک وقفه و دو وقفه) اثر مثبت و معنی داری بر شاخص تمایل به تأهل دارد که می تواند از کاهش طلاق به دلیل صرفه های به مقیاس زندگی مشترک، افزایش ازدواج به دلیل تسهیم در هزینه ها و جلوگیری از تحمیل هزینه های انجام طلاق، منتج شود. نتایج پژوهش تاج بخش و نصیری (۱۴۰۰) نیز نشان می دهد که بین

عوامل اقتصادی و افزایش سن ازدواج رابطه وجود دارد. هرچه شرایط اقتصادی و مادی جوانان برای ازدواج مهیا باشد، تمایل به تشکیل زندگی مشترک بیشتر می‌شود. دلیری (۱۳۹۸) در پژوهش خود نشان داد که متغیرهای اقتصادی بخش مهمی از متغیرهای مؤثر بر طلاق را به خود اختصاص داده و مشاهدات تجربی ارتباط منفی بین درآمد مردان و طلاق را تأیید می‌کند. نتیجه پژوهش وی نشان می‌دهد که متغیرهای تورم در بخش مسکن، بیکاری مردان، سطح تحصیلات دانشگاهی زنان و نابرابری سطح درآمد سبب تشدید طلاق می‌شود. ازسوی دیگر، افزایش رفاه خانوار و افزایش اشتغال مردان هرچند به صورت ناقص، سبب کاهش میزان طلاق در جامعه می‌شود.

قائم‌اصل، توسلی عبدالآبادی، شاه‌پرست و نصرافهانی (۱۳۹۸) در بررسی تأثیر کوتاه‌مدت و بلندمدت متغیرهای اقتصادی روند ازدواج و طلاق در ایران به این نتیجه رسیدند که بیکاری و تورم، تأثیر معناداری بر روند ساختاری متغیر ازدواج ندارد، اما در کوتاه‌مدت میان متغیرهای تورم و طلاق رابطه مثبتی وجود دارد. درگاهی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی دریافته‌اند که تحصیلات عالی، نرخ طلاق را کاهش و تورم، آن را افزایش می‌دهد. همچنین بین نرخ طلاق و درآمد سرانه و نرخ بیکاری و تحصیلات دانشگاهی رابطه معناداری وجود دارد. فلاحی و دلدار (۱۳۹۴) نیز اثبات کردند که با بررسی داده‌های دوره زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۱ در ۲۸ استان ایران با افزایش یک درصدی در هریک از متغیرهای مستقل بیکاری، تورم، تحصیلات عالی و میزان شهرنشینی، میزان طلاق به ترتیب ۰/۱۳۳، ۰/۱۳ و ۲/۸۸ رشد می‌کند.

شاطریان و همکاران (۱۳۹۴) نیز در پژوهش خود نشان دادند که بین متغیرهای وضعیت اقتصادی، افزایش توقعات، بیکاری، سنگینی مخارج ازدواج، انحرافات اجتماعی، تضعیف باورهای دینی و ترس از آینده رابطه معناداری وجود دارد و بالا رفتن تحصیلات عالی در زنان در نتیجه داشتن همسری با مدرک تحصیلی عالی و شغل معتبر را از عوامل افزایش سن ازدواج می‌دانند. برای محمدی سیف و عارف (۱۳۹۴) این نتیجه حاصل شد که از بین هفت مانع اجتماعی در بروز ازدواج، موانع اقتصادی یعنی، هزینه ازدواج، عدم اشتغال و بیکاری و نداشتن مسکن مهم است. کلانتری و همکاران (۱۳۹۰) نیز دریافتند که ۶۰٪ پسران

معتقدند که موقعیت مناسب ازدواج پسران بعد از اشتغال است. در مرتبه بعدی ۲۷٫۶٪ داشتن شرایط مناسب مالی را ایدئال ازدواج برای پسران می‌دانند. پیش شرط ۸۸٪ پسران برای ازدواج، مشکلات مالی است.

گونزالس<sup>۱</sup> (۲۰۲۲) در پژوهش خود نشان می‌دهد که بین قیمت مسکن و نرخ ازدواج در اسپانیا در هر دو سطح محلی و منطقه‌ای ارتباط منفی معناداری وجود دارد. مطالعات رجب و آیهب<sup>۲</sup> (۲۰۲۲) نشان می‌دهد که چگونه یک شوک اقتصادی منفی بزرگ بر نرخ ازدواج مردان جوان در کرانه باختری تأثیر می‌گذارد. مطالعه ایشان با استفاده از داده‌های قبل و بعد از بسته شدن ناگهانی این مرز در سال ۲۰۰۱ انجام شده است. یافته‌های آنها نشان داد که بسته شدن مرز باعث کاهش نرخ ازدواج در بین مردان جوان ۱۹ تا ۲۹ ساله شده است. اثر نامطلوب شوک اقتصادی با ترکیبی از افزایش بیکاری جوانان و انتظارات سفت و سخت در مورد هزینه‌های ازدواج بر ازدواج مردان تأثیرگذار است. ماپروپولوس و پاناگیوتیدیس<sup>۳</sup> (۲۰۱۹) نیز در پژوهش خود در ایالات متحده نشان دادند که مردان جوان در صورت احساس دسترسی به ثروت بیشتر نسبت به سطح خواسته‌های مادی خود احتمال ازدواج بیشتر دارند. در این مطالعه منظور از درآمد نسبی، درآمد فعلی مردان جوان در مقایسه با سطح آرزوهای مادی به دست آمده در کودکی است. گونزالس و مارسین<sup>۴</sup> (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای رابطه طلاق و چرخه‌های تجاری را بررسی کردند. آنها با استفاده از تحلیل پانل دیتا برای داده‌های ۲۵ کشور اروپایی طی سال‌های ۱۹۹۱-۲۰۱۲ نشان دادند که بین طلاق و نرخ بیکاری رابطه منفی وجود دارد. هیل<sup>۵</sup> (۲۰۱۵) نیز در پژوهش خود نشان داد که بین نرخ ازدواج و شرایط اقتصادی همبستگی مثبت است. به طور خاص، فرصت‌های ضعیف بازار کار برای مردان تأثیر منفی بر ازدواج دارد. شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد بازارهای کار ضعیف زنان، ازدواج را در این دوره افزایش می‌دهد. ازدواج‌هایی که در دوران سخت اقتصادی شکل می‌گیرد در مقایسه با ازدواج‌هایی که در دوره‌های زمانی پرونق‌تر انجام می‌شود،

1. Gonzales-Val, R.
2. Ragab, A., & Ayhab, F. S.
3. Mavropoulos, G., & Panagiotidis, T. W.
4. González-Val, R., & Marcén, M.
5. Hill, M. J.

احتمال بقای بیشتری دارند. همچنین گیبسون و کریستین<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) مطالعه‌ای نشان داد که افزایش درآمد با ازدواج و فرزندآوری برای زوج‌های کم‌درآمد مرتبط است. استفاده از مدل‌های تغییر نشان می‌دهد که تغییرات مثبت در درآمد با کنترل سطوح پایه درآمدی با شانس ازدواج بیشتر ارتباط دارد. این نتایج با تئوری انتظارات مالی و تشکیل خانواده مطابقت دارد که فرض می‌کند شرایط اقتصادی مثبت برای ازدواج ضروری است. پژوهش اسکات<sup>۲</sup> (۱۹۸۵) نیز نشان داد که تجزیه و تحلیل رگرسیون سری زمانی پس از جنگ ایالات متحده اثرات کوچک، اما مثبت بیکاری را بر میزان طلاق نشان می‌دهد. تأثیرات قوی‌تر بر میزان طلاق، تغییرات در ساختار سنی و نرخ مشارکت زنان در نیروی کار است.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که پژوهش‌های متعددی در مورد تأثیر عوامل اقتصادی بر ازدواج و طلاق صورت گرفته است. با این حال تحقیقی جامع که تأثیر این عوامل را بر روی طلاق و ازدواج به صورت توأمان بررسی کند صورت نگرفته است. از طرفی نوآوری پژوهش حاضر نسبت به سایر پژوهش‌ها بررسی تأثیر متغیرهای اقتصادی بر طلاق و ازدواج به صورت توأمان و تأکید بر مشارکت اقتصادی زنان در قالب عاملی مستقل نسبت به سایر پژوهش‌هاست که نوآورانه محسوب می‌شود.

### ۳. روش انجام پژوهش

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه مؤلفه‌های اقتصادی با میزان ازدواج و طلاق به روش خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی که امکان تحلیل کوتاه‌مدت و بلندمدت را فراهم می‌آورد، انجام شد. همچنین تحلیل مقایسه‌ای مؤلفه‌های اقتصادی مشترک و توأمان مؤثر بر ازدواج و طلاق نیز ارائه گردید. برای انجام پژوهش حاضر رابطه ۶ متغیر مستقل (نرخ بیکاری، میزان شهرنشینی، ضریب جینی، اجاره مسکن، درآمد سرانه و میزان مشارکت اجتماعی زنان) بر دو متغیر وابسته یعنی سرانه تعداد ازدواج و سرانه تعداد طلاق بررسی شد. - سرانه تعداد ازدواج (MARR) عبارتند از: نسبت تعداد ازدواج‌های ثبت شده در کشور بر میزان جمعیت کل کشور. تعداد ازدواج‌های ثبت شده از داده‌های وبگاه رسمی مرکز آمار و تعداد کل جمعیت از وبگاه رسمی بانک مرکزی به صورت سالیانه دریافت شد.

1. Gibson, d., & Christina, M.  
2. Scott, J. S.



- سرانه تعداد طلاق (DIV) عبارتند از: نسبت تعداد طلاق های ثبت شده در کشور بر میزان کل جمعیت کشور در همان سال. تعداد وقوع رخداد طلاق از داده های وبگاه رسمی مرکز آمار و میزان جمعیت کل کشور از داده های وبگاه رسمی بانک مرکزی براساس سال های مختلف گرفته شد.

- نرخ بیکاری (UN) عبارتند از: نسبت جمعیت بی کار به جمعیت فعال (بی کار+شاغل) ۱۰ سال و بالاتر به صورت درصد که آمار آن از وبگاه بانک جهانی به صورت سالانه و در طی سال های ۱۳۶۲-۱۳۹۹ به دست آمد.

- میزان شهرنشینی (city) عبارتند از: نسب جمعیت ساکن در مناطق شهری، تقسیم بر تعداد جمعیت کل کشور به صورت درصد که از وبگاه بانک مرکزی به صورت سالانه تهیه شد.

- ضریب جینی (JINI) عبارتند از: یک واحد پراکندگی آماری که برای سنجش میزان نابرابری در توزیع درآمد در یک جامعه آماری (در اینجا کشور ایران) استفاده می شود. این ضریب با نسبتی تعریف می شود که ارزشی بین صفر و یک دارد. هرچه ضریب جینی به عدد صفر نزدیک تر باشد نابرابری بیشتری را در توزیع درآمد نشان می دهد و هرچه به عدد یک نزدیک باشد توزیع نابرابر درآمد را مشخص می کند که به صورت درصد و سالانه از داده های مرکز آمار در بازه زمانی ۱۳۶۲-۱۳۹۹ در هر دو مدل بهره گرفته شد.

- اجاره (کرایه) مسکن (HOUSEINF): این متغیر از میزان رشد سالانه شاخص اجاره بهای مسکن در شهرها و به صورت درصد به دست آمده است. شاخص مربوطه از وبگاه بانک مرکزی است که به طور سالانه و در بازه زمانی ۱۳۶۲-۱۳۹۹ براساس سال های پایه ۸۳ و ۹۵ استخراج شد.

- درآمد سرانه (PI) عبارتند از: تقسیم مقدار تولید ناخالص ملی کشور در هر سال به ریال، بر تعداد جمعیت کل کشور در آن سال که رشد (تغییرات) هر سال نسبت به سال قبل خود را به درصد بررسی می کند. هردو داده ذکر شده از وبگاه بانک مرکزی به طور سالانه و در بازه زمانی سال های ۱۳۶۲-۱۳۹۹ برپایه سال های ۸۳ و ۹۵ اخذ و محاسبه شده است.

- میزان مشارکت اقتصادی زنان (FAMELPARTI) از درصد جمعیت فعال زنان به کل جمعیت فعال به دست می آید که این داده نیز به صورت سالانه و در بازه زمانی سال های ۱۹۸۳-۲۰۲۰ از بانک جهانی استخراج شد.



با جمع بندی توضیحات داده شده می‌توان مدلی براساس متغیرهای نرخ بیکاری، ضریب جینی، درصد تغییرات شاخص کرایه مسکن، درصد شهرنشینی، درصد رشد درآمد سرانه و مشارکت اقتصادی زنان به صورت یک تابع خطی برای دو مدل سرانه طلاق و ازدواج به صورت زیر ارائه کرد:

$$\begin{aligned} DIV &= \alpha + \beta UN + \mu JIN + \delta HOUSEINF + \lambda CITY + \eta PI + \gamma FAMEL PARTI \\ MARR &= \alpha + \beta UN + \mu JIN + \delta HOUSEINF + \lambda CITY + \eta PI + \gamma FAMEL PARTI \end{aligned}$$

MARR: سرانه تعداد ازدواج در سطح کشور به صورت سالانه

UN: میزان نرخ بیکاری افراد ۱۰ سال و بالاتر در سطح کشور به صورت سالانه

CITY: درصد شهرنشینی در سطح کشور به صورت سالانه

JIN: ضریب جینی در سطح کشور به صورت سالانه

HOUSEINF: درصد تغییرات شاخص کرایه مسکن در مناطق شهری

FAMEL PARTI: درصد مشارکت اقتصادی زنان در سطح کشور به صورت سالانه

PI: درصد رشد درآمد سرانه هر فرد در هر سال به ریال

DIV: سرانه تعداد طلاق در سطح کشور به صورت سالانه

#### ۴. یافته‌های پژوهش

در مطالعات سری زمانی هرگاه مجموعه‌ای از متغیرهای مورد نظر براساس آزمون‌های ریشه واحد، رفتار دوگانه‌ای داشته باشند؛ یعنی برخی از آنها در سطح ایستا باشند و برخی دیگر از متغیرها با یک بار تفاضل‌گیری، ایستا شوند، استفاده از آزمون‌های هم‌انباشتگی معمول برای بررسی وجود ارتباط بلندمدت بین متغیرها دیگر کارساز نخواهد بود. در این موارد روش ARDL پیشنهاد می‌شود. از دیگر مزایای الگوی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی این است که پویایی کوتاه‌مدت را نیز در خود لحاظ می‌کند و باعث می‌شود که ضرایب الگو با دقت بیشتری برآورد شوند. از آنجاکه در مسائل اقتصادی، متغیرهای توضیحی با چند وقفه بر متغیر وابسته اثر می‌گذارند، کاربرد مدل ARDL مناسب به نظر می‌رسد. (ختوان، ۱۳۹۷)

اگر همه متغیرها مانا باشند روش OLS بهترین نتایج را ارائه می‌دهد. اگر همه متغیرهای



مانا از مرتبه ۱ باشند از بردارهای هم جمعی برای تخمین مدل استفاده می شود. به طور معمول، متغیرهای پژوهش به صورت ترکیبی هستند که در این صورت از روش ARLD برای تخمین استفاده می شود. در چنین شرایطی امکان یافتن روابط بلندمدت و کوتاه مدت نیز میسر می شود و رابطه ۱ و ۲ به صورت زیر قابل تعریف خواهد بود:

$$\begin{aligned}
 DIV_t &= \alpha + \sum_{i=1}^{q-1} \beta_i UN_{t-i} + \sum_{j=1}^{p-1} \mu_j JIN_{t-j} + \sum_{n=1}^{R-1} \delta_n HOUSEINF_{t-n} + \sum_{f=1}^{M-1} \lambda_f city_{t-f} \\
 &\quad + \sum_{v=1}^{h-1} \eta_v PI_{t-v} + \sum_{k=1}^{d-1} \gamma_k femalparti_{t-k} + Ut \\
 MARR_t &= \alpha + \sum_{i=1}^{q-1} \beta_i UN_{t-i} + \sum_{j=1}^{p-1} \mu_j JIN_{t-j} + \sum_{n=1}^{R-1} \delta_n HOUSEINF_{t-n} + \sum_{f=1}^{M-1} \lambda_f city_{t-f} \\
 &\quad + \sum_{v=1}^{h-1} \eta_v PI_{t-v} + \sum_{k=1}^{d-1} \gamma_k femalparti_{t-k} + Ut
 \end{aligned}$$

اگر تحلیل داده ها ضرورت استفاده از روش ARDL را بیان کند علاوه بر فروض کلاسیک، آزمون همگرایی روابط بلند مدت و آزمون تصحیح خطای ECM برای اطمینان از صحت نتایج به دست آمده، انجام می شود.

#### ۴-۱. آزمون همگرایی BOUND روابط بلندمدت مدل

در تشخیص روابط بلندمدت از آزمون کرانه های ۱ پسران و همکاران (۲۰۰۱) استفاده شد استفاده شد. در این روش وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای بررسی شده با آماره F برای آزمون معناداری سطوح باوقفه، مورد آزمون قرار گرفت.

#### ۴-۲. آزمون تصحیح خطای ECM

برای تعیین ضریب تصحیح (تعدیل) خطای کوتاه مدت از آزمون ECM استفاده شد. با توجه به علامت و مقدار آن در مدل می توان گفت که تعادل بلندمدت با چه سرعت و شتابی قابل دسترسی است. اگر ضریب ECM بین صفر و یک باشد فرض صفر آزمون رد نمی شود و مدل از نوسانات کوتاه مدت به سمت روابط بلندمدت با سرعت به دست آمده (ضریب تعدیل) به تعادل می رسد. عمده ترین دلیل استفاده از الگوهای تصحیح خطای ECM آن است که نوسانات کوتاه مدت متغیرها را به مقادیر بلندمدت آنها ارتباط می دهد. به طوری که وقتی دو متغیر xt و yt هم جمع هستند رابطه تعادلی بلندمدتی بین آنها وجود

1. Bound test

دارد، البته در کوتاه مدت ممکن است عدم تعادل هایی وجود داشته باشد. در این صورت می توان جمله خطاهای رابطه زیر را خطای تعادل تلقی کرد:

$$Y_t = \beta X_t + U_t \quad U_t = Y_t - \beta X_t$$

اکنون می توان این خطا را برای پیوند دادن رفتار کوتاه مدت  $y_t$  با مقدار تعادلی بلندمدت آن مورد استفاده قرار داد. برای این منظور می توان الگویی به صورت زیر تنظیم کرد:

$$Y_t = \alpha_0 + \alpha_1 X_t + \alpha_2 U_{t-1} + \epsilon_t \quad \epsilon_t = \text{IID}(0, \delta^2)$$

که در آن  $U_{t-1}$  جمله خطای برآورد رگرسیون با یک وقفه زمانی است. چنین الگویی به الگوی تصحیح خطا ECM معروف است که در آن تغییرات در  $y_t$  به خطای تعادل دوره قبل ارتباط داده شده است. (رستم زاده، ۱۳۹۲) با بررسی داده های پژوهش و اطمینان از صحت استفاده از روش ARDL، آزمون های مورد نیاز برای اجرای مدل ARDL انجام شده و در صورت تأیید تمام آزمون ها نتایج به دست آمده تجزیه و تحلیل می شود.

#### جدول ۱

آمار توصیفی داده ها براساس آمارهای بانک مرکزی، مرکز آمار و بانک جهانی در بازه سال های ۱۳۶۲-۱۳۹۹

متغیر	تعداد مشاهدات	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
Div	۳۸	۰,۰۰۱۲	۰,۰۰۰۹۲	۰,۰۰۰۲۲	۰,۰۰۰۰۵	۰,۰۰۰۰۶	۱,۶۰۸۵	۰,۵۲۰
marr	۳۸	۰,۰۰۰۹۰	۰,۰۸۶۵	۰,۰۱۲۹	۰,۰۰۰۶۴	۰,۰۰۰۱۷	۲,۱۴۳	۰,۳۸۴
City	۳۸	۰,۶۸۸	۰,۶۵۵۷	۰,۷۵۴۳	۵۲/۰	۰,۰۷۴۷	۱,۶۸۳۱	-۰,۱۶۸
Houseinf	۳۸	۱۷,۴۴	۱۷,۵۹۲	۳۶,۳۶	۰۰۰۰	۷,۹۸۷۵	۳,۰۶۹۱	۰,۲۹۲
Pi	۳۸	۰,۵۷۶۶	۱,۳۸۷	۱۱,۳۰	-۱۳,۱۶	۵,۳۸۳۰	۳,۲۱۱	-۰,۵۸۳
Un	۳۸	۱۱,۶۶	۱۱,۵۷۴	۱۴,۲	۹,۱	۱,۳۰۶۸	۲,۳۸۵	۰,۲۴۷
Gini	۳۸	۰,۴۱۴۸	۰,۴۲۴	۰,۴۳۸۳	۰,۳۶۵	۰,۰۱۹۸	۳,۵۸۲	-۱,۲۸۹
Femaleparti	۳۸	۱۰,۵۴۱۶	۱۰,۷۵۳	۱۵,۳۵۴	۶,۱	۲,۸۱۷	۱,۷۹۸	۰,۰۲۱

همان طور که در داده های جدول بالا مشخص است انحراف معیار سرانه طلاق در ایران بسیار کمتر از سرانه ازدواج است، ولی نسبت حداقل به حداکثر در طلاق و ازدواج قابل تأمل است. انحراف معیار بالا در رشد درآمد سرانه و رشد اجاره بهای مسکن می تواند بازگوکننده نوسانات شدید در این حوزه باشد.

## جدول ۲

### نتایج آزمون مانایی متغیرها

متغیر	مرتبۀ مانایی	نتیجه	مقادیر بحرانی / ۰۵	مقادیر اماره
Marr	I (۱)	مانایی	-۲,۹۴۵۸	-۶,۳۷۵۱
Div	I (۱)	مانایی	-۲,۹۴۵۸	-۵,۴۰۰۲
Un	I (۰)	مانایی	-۲,۹۴۵۸	-۵,۴۶۳
House inf	I (۰)	مانایی	-۲,۹۴۳۴	-۳,۲۳۲۰
Gini	I (۱)	مانایی	-۲,۹۴۵۸	-۶,۰۷۰۸
City	I (۱)	مانایی	-۲,۹۴۵۸	-۳,۸۱۸۳
Pi	I (۰)	مانایی	-۲,۹۴۳۴	-۴,۴۶۵۸
Famelparti	I (۱)	مانایی	-۲,۹۴۵۸	-۳,۴۱۵۷

با توجه به جدول ۲ متغیرهای درصد رشد اجاره‌بهای مسکن و بیکاری و درصد رشد درآمد سرانه در سطح مانا از درجه هم‌انباشتگی صفر مانا هستند و بقیه متغیرها با یک تفاضل و با درجه هم‌انباشتگی یک مانا می‌باشند.

### ۳-۴. وقفه بهینه

در این مدل با استفاده از تعیین وقفه خودکار در نرم‌افزار  $evIEWS10$  وقفه بهینه با توجه به اینکه مقدار مشاهدات کمتر از ۱۰۰ است با معیار شوارتز-بیزین (SBC) بدون عرض از مبدأ و یا روند تعیین شد. براساس این عملیات، وقفه‌های وقفه بهینه معادله کوتاه‌مدت سرانه طلاق اعلام شده که این وقفه در متغیرهای منظور و مدل طلاق به دست می‌آید. در مورد الگوی کوتاه‌مدت سرانه ازدواج هم مانند سرانه طلاق با استفاده از وقفه اتوماتیک نرم‌افزار  $evIEWS10$  و با معیار شوارتز-بیزین (SBC) و با اعمال عرض از مبدأ، وقفه بهینه به دست آمده است. با اعمال وقفه‌ها بر روی متغیرها مدل کوتاه‌مدت سرانه ازدواج دست می‌آید.



#### ۴-۴. نتایج مدل پژوهش در کوتاه مدت

جدول ۳

نتایج تخمین الگوی کوتاه مدت مدل سرانه طلاق

نام متغیر	سطح خطا	اماره محاسباتی	ضرایب
Div (-1)	۰۰۰۰۰	۱۳,۱۶۷۹۳	۰,۸۲۷۸۵۸
Un	۰,۰۰۰۷	۳,۷۸۲۶۵۹	۰,۰۰۰۰۰۶
Un (-1)	۰,۰۰۵۵	-۳,۰۰۰۳	۰,۰۰۰۰۰۳۹۴
Gini	۰,۰۰۸۶	-۲,۸۱۷۸۵	۰,۰۰۰۱۹۱
houseinf	۰,۵۵۲۷	-۰,۶۰۰۷۶	-۰,۰۰۰۰۰۱۱۶
City	۰,۱۴۶	۲,۵۹۸۸۳۵	۰,۰۰۱۲۱۶
Pi	۰,۰۲۳۲	۲,۳۹۷۰۰۵	۰,۰۰۰۰۰۵۶۲
Female parti	۰,۷۵۹۲	۰,۳۰۰۹۴۳۴	۰,۰۰۰۰۰۲۱۸
R-squar		۰,۹۹۱۵۴۹	
Adj R-squar		۰,۹۸۹۵۰۹	

الگوی کوتاه مدت سرانه طلاق با وقفه بهینه به روش ARDL به دست آمده است که ضرایب متغیرها، میزان احتمال خطا، مقدار اماره F و سایر اطلاعات در جدول ۳ بیان شده است. باتوجه به نتایج برآورد کوتاه مدت الگوی سرانه طلاق، وقفه اول طلاق در سطح ۰,۰۵ معنادار است و نشان می دهد سرانه طلاق از میزان سال قبل خود تأثیر مثبت بالایی می گیرد به طوری که بیش از ۰,۸۲ میزان سرانه طلاق متأثر از میزان آن از سال قبل است. متغیر بیکاری به دلیل سطح خطای کمتر از ۰,۰۵، معنادار و ضریب مثبت دارد. بنابراین، نقش فزاینده ای بر میزان سرانه طلاق دارد؛ یعنی به ازای ۱٪ افزایش نرخ ۰,۰۶٪ بر مقدار سرانه طلاق افزوده می شود. در رگرسیون مورد نظر ضریب تغییرات شاخص رشد اجاره بهای مسکن معنادار نیست. در مورد ضریب درصد شهرنشینی باید گفت که این ضریب معنادار و مثبت است؛ یعنی به ازای ۱٪ افزایش نسبت شهرنشینی، سرانه طلاق به میزان ۰,۱۲۲۶٪ افزایش می شود. در مورد ضریب مشارکت اقتصادی زنان نیز این ضریب درست است، اما از نظر سطح خطا معنادار نیست. همچنین ضریب جینی در سطح احتمال خطای ۰,۰۵ معنادار بوده و ضریب منفی دارد. به همین دلیل با افزایش ضریب جینی، میزان سرانه طلاق کم

می‌شود. در این رگرسیون مقدار ضریب تعیین تعدیل یافته ۰٫۹۸۹۵۰۹ است که نشان دهنده میزان بسیار مناسب توضیح شونده متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل است.

#### جدول ۴

#### نتایج تخمین الگوی کوتاه مدت مدل سرانه ازدواج

ضرایب	اماره محاسباتی	سطح خطا	نام تغییر
۰٫۲۹۵۹۸۳۵	۱٫۸۴۳۴۵۱	۰٫۰۸۲۸	Marr (-۱)
۰٫۰۰۰۳۸۲	۲٫۷۵۸۸۹۴	۰٫۰۱۳۴	Un
-۰٫۰۰۰۵۱۴	-۲٫۸۹۰۳۰۳	۰٫۰۱۰۲	Un (-۱)
-۰٫۰۰۰۱۴۱	-۰٫۷۸۹۱۹۳	۰٫۴۴۰۹	Un (-۲)
-۰٫۰۰۰۳۰۸	-۱٫۹۲۸۹۲۶	۰٫۰۷۰۶	Un (-۳)
-۰٫۰۴۹۵	-۳٫۱۸۳۹۸۷	۰٫۰۰۵۶	Gini
-۰٫۰۰۰۰۲۶۲	-۰٫۴۸۶۳۷۳	۰٫۶۳۲۹	House inf
-۰٫۰۰۰۰۲۶۲	-۱٫۴۲۱۶۷	۰٫۱۷۳۲	House inf (-۱)
-۰٫۰۰۰۰۵۱۱	-۲٫۸۷۳۱۸۴	۰٫۰۱۰۵	House inf (-۲)
-۰٫۰۴۲۵۹۵	-۰٫۵۸۱۵۲۴	۰٫۵۶۸۵	City
۰٫۱۰۰۱۳۵	۱٫۵۴۴۷۶۰	۰٫۱۴۰۸	City (-۱)
۰٫۰۰۰۰۱۵۶	۰٫۹۶۲۱۴۶	۰٫۳۴۹۵	Female parti
۰٫۰۰۰۷۳۳	۰٫۳۵۴۷۹	۰٫۷۲۷۱	Female parti (-۱)
۰٫۰۰۰۰۱۵۷	۰٫۷۶۸۲	۰٫۹۳۹۱	Female parti (-۲)
۰٫۰۰۰۴۸۵	۲٫۳۷۵۲۳۸	۰٫۰۱۳۶	Female parti (-۳)
۰٫۰۰۰۰۷۴۴	۳٫۶۵۷۸۰۷	۰٫۰۰۱۹	Pi
۰٫۰۰۲۵۶	۱٫۱۳۵۴۳۴	۰٫۸۹۳۹	C
-۰٫۰۰۰۶۰۶	-۳۳۵۶۲۲۲۸	۰٫۰۰۲۴	Trend
	۰٫۹۶۴۹۴۱		R-squar
	۰٫۹۹۹۸۸۲		F-static
	۰۰۰۰		Prob (F)

الگوی کوتاه مدت سرانه ازدواج با وقفه بهینه باروش ARDL به دست آمده که مقادیر آماره F، احتمال خطا و ضرایب متغیرهای آن در جدول ۴ بیان شده است. نتایج نشان می‌دهد که در وقفه اول نسبت ازدواج در سطح ۱۰٪ معنی دار و با علامت مثبت است؛ یعنی نسبت ازدواج به جمعیت، تأثیر بالایی از میزان این نسبت از سال قبل می‌گیرد

(۰,۲۹۵۹۸۳۵). ضریب وقفه اول تغییر بیکاری در سطح ۰,۰۵ معنادار و با علامت منفی است؛ یعنی با کاهش یک درصدی میزان بیکاری میزان ازدواج نسبی به مقدار ۰,۰۰۰۵۱۴٪ افزایش می‌یابد. همچنین ضریب متغیر ضریب جینی در سطح خطای ۰,۰۵ معنادار و منفی است؛ یعنی باید ۱٪ کاهش ضریب جینی، نسبت ازدواج به میزان ۰,۰۴۹۵٪ افزایش می‌یابد. ضریب وقفه دوم متغیر رشد شاخص اجاره‌بهای مسکن معنادار و با علامت منفی است به طوری که با کاهش یک درصدی، تغییرات شاخص اجاره‌بهای مسکن، مقدار نسبی ازدواج ۰,۰۵۱۱٪ افزایش می‌یابد. در مورد متغیر میزان شهرنشینی با توجه به میزان سطح خطا، ضریب میزان شهرنشینی با وقفه‌های اول و دوم آن معنادار نیستند. در ضریب وقفه سوم، میزان مشارکت اقتصادی زنان معنادار و مثبت است؛ یعنی با ۱٪ افزایش در میزان این تغییر، میزان ازدواج نسبی به مقدار ۰,۰۰۰۴۸۵٪ افزایش می‌یابد. در مورد ضریب متغیر رشد درآمد سرانه می‌توان گفت که این ضریب معنادار و با ضریب مثبت است؛ یعنی با ۱٪ افزایش در این تغییر، سرانه ازدواج به مقدار ۰,۰۰۰۷۴۴٪ افزایش می‌یابد.

#### ۴-۵. آزمون‌های مدل

##### جدول ۵

##### آزمون نرمالیتی و میانگین جاکو-برا

آیتم آزمون نرمالیتی	ازدواج	طلاق
Mean	۱۸-۳,۵۵	۷-۱,۱۵
Jaque-bera	۰,۲۶۰۲۱۷	۲,۱۴۵
Prob	۰,۸۷۸	۰,۳۴۲۱۳۶

در آزمون‌های تشخیصی فروض کلاسیک، شرط صفر بودن میانگین جملات خطا و توزیع نرمال در هر دو مدل سرانه طلاق و ازدواج بررسی می‌شود. در مورد آزمون نرمالیتی جاکو-برا که نتایج آن در جدول ۵ نشان داده شده است. با توجه به سطح مقدار خطا، فرض اول مبنی بر توزیع نرمال رد نمی‌شود و هر دو مدل طلاق و ازدواج، توزیع نرمال دارند و مقادیر میانگین جملات خطای هر دو مدل براساس مقدار داده‌های خروجی صفر برآورد شد.

## جدول ۶

### آزمون عدم همبستگی جملات خطا

اطلاق	ازدواج	آیتم آزمون عدم همبستگی
۰,۰۰۸۹۹۶	۳,۰۳۵۸	F_static
۰,۹۹۱۰	۰,۰۷۸۲	Prob
۰,۰۲۴۶۳۹	۱۰,۰۳۵۰۵	Obs*R_squared
۰,۹۸۷۸	۰,۰۰۶۵	Prob

در مورد آزمون عدم همبستگی جملات خطا از آزمون براش-گودفری استفاده شد که نتایج آن در جدول ۶ آمده است. با توجه به میزان سطح خطا در این آزمون، فرض اول آزمون مبنی بر عدم همبستگی جملات خطا رد نمی‌شوند و هردو همبستگی جمله خطا ندارند.

## جدول ۷

### نتایج آزمون ناهمسانی واریانس طلاق و ازدواج

اطلاق	ازدواج	آیتم آزمون عدم ناهمسانی واریانس
۱,۴۵۵۴۵۳	۰,۹۴۵۰۸۴	F_static
۰,۲۱۸۰	۰,۵۴۵۷	Prob
۱۰,۸۶۷۱۷	۱۷,۰۰۵۹	Obs*R_squared
۰,۲۰۹۳	۰,۹۹۹۱	Prob

در مورد آزمون عدم ناهمسانی واریانس از آزمون براش-پاگان-گودفری استفاده شد. اگر احتمال خطا بیشتر از ۵٪ باشد فرض صفر آزمون مبنی بر عدم ناهمسانی واریانس رد نمی‌شود. نتایج این آزمون در جدول ۷ بیان شده است.

## جدول ۸

### آزمون ramsey reset

اطلاق	ازدواج	آیتم آزمون ramsey reset
۰,۷۲۹۷۸	۲,۳۰۴۶۸۰	F_static
۰,۴۰۰۲	۰,۱۴۸۵	Prob

نتایج آزمون فرم تبعی مدل ramsey reset در جدول ۸ بیان شده است. با توجه به اینکه



سطح خطا بالاتر از ۵٪ است. فرض صفر آزمون رد نمی شود و هر دو مدل شکل صحیحی دارند.

#### ۴-۶. تعیین روابط بلندمدت

جدول ۹

رابطه بلندمدت مدل سرانه طلاق

F-static	prob	I (۰)	I (۱)
۱۰۷۳۰۱/۷	۰٫۰۱	۳٫۲۷	۴٫۳۹

در مدل سرانه طلاق براساس داده های روابط بلندمدت آزمون کرانه های پسران و همکاران (۲۰۰۱) که در جدول ۹ تشریح شده است، F محاسباتی بیشتر از کرانه بحرانی بالادر سطح خطای ۰٫۰۱ است. بنابراین، این مدل با سطح اطمینان ۹۹٪ روابط بلندمدت دارد.

جدول ۱۰

روابط بلندمدت طلاق

نام متغیر	ضرایب	اماره محاسباتی	سطح خطا
Un	۰٫۰۰۱۲	۱٫۵۷۷۴۶۷	۰٫۱۲۵۵
Gini	-۰٫۰۱۱۰۳	-۵٫۰۶۱۵۹۶	۰۰۰۰
Houseinf	-۰٫۰۰۰۰۰۶۷۲	-۰٫۰۶۰۰۶۲	۰٫۵۵۲۸
City	۰٫۰۰۰۷۰۶۳	۳۴۸۳۴۴/۵	۰۰۰۰
Femalparti	۰٫۰۰۰۰۱۲۷	۰٫۳۰۱۱۷۸	۰٫۷۶۴
Pi	۰٫۰۰۰۰۳۲۶	۱٫۶۹۳۰۳۴	۰٫۱۰۱۲

ضرایب هریک از متغیرهای مستقل در روابط بلندمدت سرانه طلاق در جدول ۱۰ بیان شده است. براساس نتایج جدول ۱۰ روابط بلندمدت طلاق با متغیر ضریب جینی باتوجه به سطح خطا معنادار بوده و علامت منفی در روابط بلندمدت دارد. باتوجه به ضریب (-۰٫۰۱۱۰۳) این متغیر نشان دهنده این است در بلندمدت به ازای هر یک صدم رشد ضریب جینی ۰٫۰۱۱۰۳٪ از سرانه طلاق کم می شود. در مورد متغیر میزان شهرنشینی رابطه آن با طلاق باتوجه به سطح خطای یک درصد، معنادار بوده و علامت مثبت دارد؛ یعنی باتوجه به ضریب ۰٫۰۰۰۷۰۶۳ این متغیر به ازای هر یک صدم رشد در میزان آن باعث

افزایش ۰٫۰۰۷۰۶۳٪ میزان سرانه طلاق در بلندمدت است. سایر متغیرهای درآمد سرانه، رشد شاخص کرایه مسکن، درصد بیکاری و درصد مشارکت اقتصادی زنان به دلیل سطح احتمال خطا معنادار نبوده و نمی‌توان رابطه بلندمدت این متغیرها را تأیید نمود.

### جدول ۱۱

#### روابط بلندمدت سرانه ازدواج

F-static	prob	I (۰)	I (۱)
۵٫۴۱۵۵۳۷	۰٫۱	۲٫۶۶	۴٫۰۵

در مدل سرانه ازدواج، ضرایب روابط بلندمدت مقدار F محاسباتی بیشتر از مقدار کرانه بحرانی بالا در سطح یک درصد است که نشان می‌دهد این مدل با اطمینان ۹۹٪ روابط بلندمدت دارد. (جدول ۱۱)

### جدول ۱۲

#### ضرایب روابط بلندمدت ازدواج

ضرایب	اماره محاسباتی	سطح خطا	نام متغیر
-۰٫۰۰۰۷۸۵	-۳٫۰۳۴۳۸۵	۰٫۰۰۷۵	Un
-۰٫۰۶۶۸۷۷	-۲٫۹۰۴۴۳۱۶	۰٫۰۰۹۹	Gini
-۰٫۰۰۰۱۱۷	-۲٫۸۱۰۳۲۹	۰٫۰۱۲	Houseinf
۰٫۰۷۷۷۴	۲٫۲۹۷۲۵۲	۰٫۰۳۴۶	City
۰٫۰۰۰۹۸۶	۴٫۰۶۴۸۸۷	۰٫۰۰۰۸	Femalparti
۰٫۰۰۰۱۰۱	۳٫۴۶۹۵۹۵	۰٫۰۰۲۹	Pi
-۰٫۰۰۸۱۹	-۴٫۷۲۷۸۴۷	۰٫۰۰۰۲	Trend

ضرایب متغیرها در این رابطه به همراه F محاسباتی و سطح خطا در جدول ۱۲ آمده است. در جدول ۱۲ همه متغیرها با توجه به سطح خطا در بلندمدت معنادار بوده و با اطمینان ۹۵٪ قابل اعتماد است. در متغیرهای رشد درآمد سرانه، درصد شهرنشینی و درصد مشارکت اقتصادی زنان، علامت ضرایب بلندمدت، مثبت و فزاینده است و به ازای هر ۱٪ رشد در میزان این متغیرها میزان سرانه ازدواج به ترتیب ۰٫۰۰۰۱۰۱٪، ۰٫۰۷۷۷۴٪ و ۰٫۰۰۹۸۶٪ رشد خواهد داشت. در متغیرهای نرخ بیکاری، رشد شاخص اجاره‌بهای مسکن

و ضریب جینی، ضرایب روابط بلندمدت منفی و کاهشی است؛ یعنی به ازای ۱٪ افزایش در متغیرهای ذکر شده، متغیر سرانه ازدواج به ترتیب ۰,۰۰۰۷۸۵٪، ۰,۰۶۶۸۷۷٪ و ۰,۰۰۰۱۱۷٪ افزایش می یابد.

#### ۴-۷. آزمون تصحیح خطا ECM

با استفاده رابطه تعادلی بلندمدت می توان روابط کوتاه مدت که از آن به الگوی تصحیح خطا تعبیر می شود، به برآورد کرد. با استفاده از این الگو می توان به نوسانات کوتاه مدت متغیرها و ارتباط آنها به مقادیر تعادلی بلندمدت دست یافت.

#### جدول ۱۳

نتایج محاسبه الگوی تصحیح خطای مدل سرانه طلاق

نام متغیر	سطح خطا	آماره محاسباتی	ضرایب
un	۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۱۱۱	۰,۰۰۰۰۰۶
Ecm (-1)	۰۰۰۰۰	۰,۰۲۵۴۵	-۰,۱۷۲۱
F		-۶,۷۶۴	
Adj R-Squar		۰,۵۸۸۵	

نتایج محاسبه الگوی تصحیح خطای مدل های سرانه طلاق در پژوهش در جداول ۱۳ آمده است. آنچه در مدل تصحیح خطا مورد توجه است و اهمیت اساسی دارد ضریب مربوط به (-1) ecm است که سرعت تعدیل فرایند عدم تعادل را نشان می دهد. منفی، بین صفر و منفی یک بودن این ضریب نشان می دهد که نوسانات کوتاه مدت به سمت تعادل بلندمدت حرکت می کند. بنابراین، وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای مدل نیز پذیرفته می شود. با توجه به ضریب تصحیح خطا، مدل سرانه طلاق معادل ۰,۱۷۲۱- است که از نظر آماری آماره آن در سطح خطای ۱٪ معنادار است و با توجه به اینکه علامت منفی داشته و مقدار آن بین صفر و منفی یک است، می توان نتیجه گرفت این ضریب نشان از حرکت نوسانات کوتاه مدت به سمت تعادل بلندمدت دارد. از آنجاکه داده های پژوهش حاضر در فاصله زمانی سالانه تنظیم شده است، می توان گفت که سالانه ۰,۱۷۲۱ از نوسانات کوتاه مدت مدل سرانه طلاق به سمت تعادل بلندمدت میل می کند که سرعت بالایی به شمار نمی آید.

## الگوی تصحیح خطای مدل سرانه ازدواج

نام متغیر	سطح خطا	اماره محاسباتی	ضرایب
c	۰,۰۰۰۱	۵,۳۴۴۴	۰,۰۰۱۹۵۵
Un	۰,۰۰۰۴	۴,۳۸۷	۰,۰۰۰۳۸۲
Un (-۱)	۰,۰۰۰۶	۴,۲۳۹۹	۰,۰۰۰۴۴۹
Un (-۲)	۰,۱۰۳۰	۲,۸۸۴۳	۰,۰۰۰۳۰۸
Houseinf	۰,۴۴۵۲	-۰,۷۸۱۵	-۰,۰۰۰۰۹۱
Houseinf (-۱)	۰,۰۰۰۳	۴,۵۹۸۶	۰,۰۰۰۵۱۱
city	۰,۲۴۷۳	-۱,۱۹۸۱	-۰,۰۴۲۵۹۵
Femaleparti	۰,۱۳۱۱	۱,۵۸۶۲	۰,۰۰۰۱۵۶
Femaleparti (-۱)	۰,۰۰۱۴	-۳,۷۹۸۳	-۰,۰۰۰۵۰۱
Femaleparti (-۲)	۰,۰۰۱۷	-۳,۷۱۳	-۰,۰۰۰۴۸۵
Ecm (-۱)	۰,۰۰۰۰	-۸,۹۵۹۳	-۰,۰۷۴
F		۱۲	
AdjR-squar		۰,۷۶۳۹	

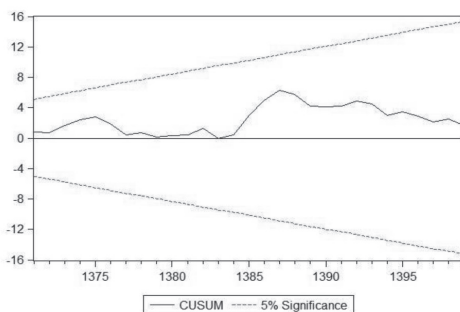
نتایج محاسبه الگوی تصحیح خطای مدل‌های ازدواج در پژوهش در ۱۴ آمده است. با توجه به ضریب تصحیح خطای مدل ازدواج نسبی معادل ۰,۷۴ که از نظر آماری اماره آن در سطح خطای ۰,۰۱ معنادار است و با توجه به اینکه علامت منفی داشته و مقدار بین صفر و منفی یک است، می‌توان نتیجه گرفت که این ضریب نشان از حرکت عدم تعادل‌های کوتاه مدت به سمت تعادل بلندمدت دارد و رابطه بلندمدت بین متغیرها پذیرفتنی است. از آنجاکه داده‌های پژوهش حاضر در فاصله زمانی سالانه تنظیم شده است، می‌توان گفت که سالانه ۰,۷۴ از عدم تعادل‌های کوتاه مدت مدل سرانه ازدواج به سمت تعادل بلندمدت میل می‌کند که سرعت بالایی به شمار می‌آید.

## ۴-۸. آزمون ثبات ساختاری با نمودار CUSUM

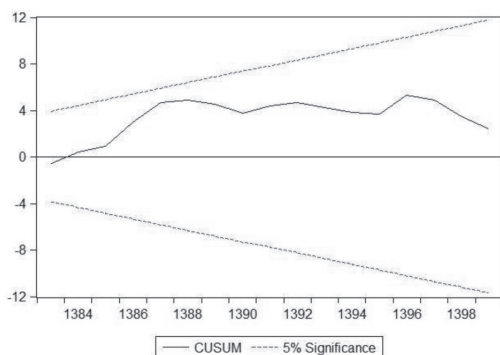
برای استحکام نتایج برآورد، روش‌های مختلفی وجود دارد که از متداول‌ترین آنها حذف یا اضافه کردن متغیرهای توضیحی (کنترل) و یا آزمون ثبات ضرایب است. ثبات پارامترهای الگو با استفاده از آماره‌های مجموع انباشته پسماندهای برگشتی (cusum) بررسی می‌شود.



این آزمون برای بررسی تغییرات سیستماتیک در ضرایب تخمین زده شده استفاده می‌گردد. اگر آماره بین خطوط مرزی که به صورت دو خط هستند، قرار گیرد فرضیه صفر یعنی، ثبات پارامترها رد نمی‌شود. (خلیلی، ۱۳۹۶)



نمودار ۱: نمودار ثبات ضرایب مدل سرانه طلاق



نمودار ۲: نمودار ثبات ضرایب مدل سرانه ازدواج

براساس نمودار ۱ و ۲ مدل‌های طلاق و ازدواج نسبی در ضرایب متغیرهای برآوردی ثبات داشته و شکست ساختاری ندارند.

## ۵. بحث و نتیجه‌گیری

باتوجه به مقدار و علائم ضرایب در مدل طلاق و ازدواج نسبی در پژوهش حاضر می‌توان گفت که وقفه اول طلاق با اطمینان ۹۵٪ و ضریب ۰٫۸۷ معنی‌دار و مثبت است؛ یعنی در مدل، میزان سرانه طلاق تأثیر زیادی از میزان وقوع آن در سال قبل می‌پذیرد درحالی‌که

وقفه ازدواج با سطح اطمینان ۹۰٪ و با ضریب ۰٫۲۵ و کمتر از ضریب وقفه اول سرانه طلاق، ولی مانند آن با علامت مثبت و فزاینده است. ضریب درصد بیکاری در طلاق در سطح اطمینان ۹۵٪ و با مقدار ۰٫۰۰۰۰۰۶ معنادار و مثبت است؛ یعنی افزایش یک درصدی این متغیر، باعث افزایشی به میزان ۰٫۰۰۰۰۰۶ در میزان سرانه طلاق می‌شود، درحالی‌که وقفه اول درصد بیکاری در مدل سرانه ازدواج در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار، اما با علامت منفی و کاهنده است (۰٫۰۰۰۰۵۱۴-)؛ یعنی با یک درصد افزایش در میزان این متغیر، ۰٫۰۵۱۴ از سرانه ازدواج کم می‌شود. باید گفت که میزان تأثیرگذاری (قدر مطلق ضریب) درصد بیکاری بر میزان ازدواج بیشتر از تأثیر این متغیر بر میزان طلاق است (حدود ۱۰ برابر).

در روابط بلندمدت مدل سرانه طلاق با توجه به سطح خطا، ضریب این متغیر بی‌معنا بود که نشان از کاهش تأثیرگذاری آن در طول زمان بر میزان متغیر سرانه طلاق است. ضریب این متغیر در روابط بلندمدت ازدواج با سطح اطمینان ۹۹٪ منفی، ولی کاهنده‌تر است که نشان از افزایش تأثیر کاهنده این متغیر با مرور زمان بر میزان سرانه ازدواج در بلندمدت است. در مورد ضریب جینی می‌توان گفت که علامت آن در مدل کوتاه‌مدت سرانه طلاق منفی و کاهنده است (۰٫۰۰۱۹۱-)؛ یعنی با ۱٪ افزایش شکاف طبقاتی، میزان طلاق ۰٫۰۰۱۹۱ افزایش می‌یابد که نتیجه‌ای قابل اعتنا نیست. در روابط بلندمدت سرانه طلاق، ضریب این متغیر در سطح اطمینان ۹۹٪ معنادار، منفی و کاهنده است که قابل اعتنا نیست. در مدل ازدواج نسبی هم در سطح اطمینان ۹۹٪ معنادار و با علامت منفی و کاهنده است؛ یعنی با افزایش ضریب جینی و شکاف طبقاتی به میزان ۱٪ میزان سرانه ازدواج به میزان ۰٫۰۴۹۵٪ کاهش می‌یابد. در روابط بلندمدت ضریب این متغیر منفی و کاهنده است، اما با عدد منفی تر. ضریب متغیر رشد شاخص کرایه مسکن در مدل طلاق نسبی با توجه به سطح خطا بی‌معنی است، اما در مدل ازدواج در وقفه دوم با سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار، ولی با علامت منفی و کاهنده است؛ یعنی با افزایش یک درصدی بر میزان رشد کرایه یا اجاره مسکن، مقدار نسبی ازدواج به میزان ۰٫۰۰۰۰۰۵۱۱٪ کاهش می‌یابد. ضریب این متغیر در روابط بلندمدت ازدواج منفی و کاهنده و در روابط کوتاه‌مدت مثبت و فزاینده است که نشان‌دهنده افزایش اثرات کاهشی این متغیر بر روی مدل سرانه ازدواج در بلندمدت است.

متغیر درصد شهرنشینی در مدل طلاق نسبی در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار، مثبت و فزاینده است (۰٫۰۰۱۲۱۶). به بیان دیگر با افزایش یک درصدی میزان نسبت شهرنشینی به مقدار ۰٫۰۰۱۲۱۶٪ میزان سرانه طلاق بیشتر می‌شود و در روابط بلندمدت مدل سرانه طلاق، ضریب آن با سطح اطمینان ۹۹٪ مثبت و فزاینده است (۰٫۰۰۷۰۶۳) که نشان از افزایش تأثیر مثبت بر میزان سرانه طلاق در بلندمدت دارد، اما این ضریب با توجه به سطح خطا در مدل ازدواج نسبی بی‌معناست. در روابط بلندمدت مدل سرانه ازدواج، ضریب این متغیر با احتمال ۹۵٪ معنادار، مثبت و فزاینده است (۰٫۰۰۷۷۷۷۴) که نشان از افزایش (۰٫۰۰۷۷۷۷۴٪) بر سرانه ازدواج در ازای افزایش یک درصدی شهرنشینی در بلندمدت دارد. ضریب متغیر رشد درآمد سرانه در مدل کوتاه مدت سرانه طلاق با توجه به سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار، مثبت و فزاینده است؛ یعنی با ۱٪ رشد در مقدار این متغیر، افزایش ۰٫۰۰۰۵۶۲ درصدی در میزان سرانه طلاق رخ داده است. همین‌طور مدل کوتاه مدت سرانه ازدواج با سطح اطمینان ۹۹٪ معنادار، مثبت و فزاینده است (۰٫۰۰۰۰۷۴۴)؛ یعنی با ۱٪ افزایش رشد درآمد سرانه به میزان ۰٫۰۰۰۱۰۱٪ بر سرانه ازدواج می‌افزاید. این متغیر در روابط بلندمدت به دلیل سطح خطای بالای ۵٪ در این مدل معنادار نیست که نشان دهنده تأثیر بیشتر آن در روابط کوتاه مدت نسبت بلندمدت بر میزان سرانه ازدواج است.

در مورد ضریب متغیر درصد مشارکت اقتصادی زنان می‌توان گفت که در مدل طلاق نسبی، این ضریب با توجه به سطح خطای بی‌معناست، اما در مدل ازدواج نسبی، این ضریب با سطح اطمینان ۹۵٪ مثبت و فزاینده است؛ یعنی با افزایش یک درصدی میزان درصد مشارکت، میزان ازدواج نسبی ۰٫۰۰۰۴۸۵٪ افزایش می‌یابد. در روابط کوتاه مدت مدل سرانه ازدواج، ضریب این متغیر در سطح اطمینان ۹۹٪ منفی و کاهنده است. در روابط بلندمدت مدل سرانه ازدواج، ضریب این متغیر در سطح یک درصد معنادار، مثبت و فزاینده است که نشان می‌دهد این متغیر بلندمدت نقش منفی خود بر سرانه ازدواج را از دست داده و به عاملی مثبت بر میزان سرانه ازدواج تبدیل شده است.

پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا مؤلفه‌های اقتصادی بر میزان ازدواج و طلاق تأثیر دارند؟ اگر نوع این تأثیر چگونه است و تفاوت متغیرهای مذکور در

ازدواج و طلاق چگونه تحلیل می‌شود. برای پاسخ به این با بررسی نظریه‌های موجود در تحلیل عوامل اقتصادی مؤثر بر ازدواج و طلاق، متغیرهای اصلی پژوهش شناسایی و داده‌های موردنیاز برای سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۹۹ از مراکز معتبر آماری جمع‌آوری شد. تحلیل اولیه داده‌های پژوهش دلالت بر آن داشت که امکان استفاده از روش رگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) میسر بوده و می‌توان سؤالات پژوهش را با استفاده از این تکنیک پاسخ داد. نتایج به دست آمده نشان داد که در بلندمدت تمام مؤلفه‌های اقتصادی شامل بیکاری، نابرابری، تورم مسکن، درآمد سرانه، شهرنشینی و مشارکت اقتصادی زنان بر میزان ازدواج تأثیرگذار بوده‌اند، در حالی که در روابط بلندمدت مربوط به طلاق، تنها دو متغیر شهرنشینی و نابرابری اقتصادی بر طلاق تأثیرگذار بوده‌اند. این نتایج نشان می‌دهند که افراد در هنگام ازدواج به عوامل اقتصادی اهمیت زیادی می‌دهند. بنابراین، اهمیت عوامل اقتصادی در ازدواج بسیار قابل توجه است. این در حالی است که در طلاق، تأثیر عوامل اقتصادی کمتر می‌شود؛ گویا اعضای خانواده سعی می‌کنند بر مشکلات اقتصادی فائق آیند و مانع طلاق شوند.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مشارکت اقتصادی زنان در بلندمدت باعث افزایش میزان ازدواج شده است. به نظر می‌رسد زنان شاغل با تکیه بر درآمد خود نااطمینانی کمتری نسبت به آینده اقتصادی خانواده خود و حتی درآمد همسر خود دارند. از این رو، ممکن است در ازدواج با نگاه سهل‌گیرانه‌تری وارد شوند. از طرفی، تمایل مردان برای ازدواج با زنان شاغل نیز می‌تواند عامل مؤثری باشد. نتایج پژوهش حاضر نیز نشان داد که مشارکت اقتصادی زنان در طلاق اثر معنی‌داری نداشته است. افزایش نابرابری‌های اقتصادی هم بر میزان طلاق و هم بر میزان ازدواج اثر منفی دارد. اینکه چرا نابرابری‌های اقتصادی باعث کاهش ازدواج در جامعه می‌شود امری واضح و منطبق بر نتایج پژوهش‌های پیشین و تئوری‌های مطرح شده در مقاله است، اما در مورد اینکه چرا نابرابری‌های اقتصادی باعث کاهش طلاق شده است کمی تحلیل دشوار است. تورم مسکن بر طلاق اثر معنی‌داری از خود نشان نمی‌دهد. این بدان معنی است که با وجود همه مشکلاتی که ممکن است خانواده‌ها به دلیل افزایش قیمت مسکن با آن مواجه شده باشند، نسبت به مدیریت



اقتصادی زندگی خود مناسب عمل کرده و طلاق از این شاخص تأثیری نپذیرفته است. این درحالی است که در مورد ازدواج، اثر این متغیر منفی است. به عبارتی افزایش بهای مسکن و اجاره آن سبب شده است که بسیاری از افراد ترجیح دهند از ازدواج فاصله بگیرند. از دیگر نتایج به دست آمده در پژوهش حاضر می‌توان به اثر شهرنشینی اشاره کرده که هم ازدواج را افزایش داده و هم بر طلاق افزوده است. در تحلیل این نتیجه می‌توان گفت که ممکن است حضور افراد در شهر امکان ازدواج آنها بهتر میسر می‌شود. با این وجود، تفاوت‌های فرهنگی زندگی شهری و روستایی در بسیاری از موارد باعث طلاق می‌شود. در نهایت این نتیجه حاصل شد که درآمد سرانه بر ازدواج اثر مثبت دارد، اما طلاق را کاهش یا افزایش نداده است. برآیند کلی سطح اقتصادی جامعه بر این نتیجه استوار است که با افزایش درآمد سرانه افراد، احتمال ازدواج بیشتر شده است درحالی‌که درآمد سرانه تأثیری بر طلاق نداشته است.

در مجموع می‌توان گفت که آثار اقتصادی در شکل‌گیری طلاق و ازدواج بسیار مهم است و سیاست‌گذاران باید نسبت به آن توجه ویژه داشته باشند. نتایج کلی پژوهش نشان می‌دهد که عوامل اقتصادی بر ازدواج مؤثرتر از طلاق است.

## فهرست منابع

۱. آستین‌افشان، پروانه، و هزارجریبی، جعفر (۱۳۸۸). بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر میانگین سن ازدواج زنان در سه دهه گذشته ۸۵-۵۵. نشریه برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی، (۱۱)، ۱۳-۳۱.
۲. بنی‌جمالی، سید محسن، و صادقی‌نسایی، سهیلا (۱۴۰۰). جوانان و موانع ازدواج. نشریه علمی مطالعات راهبردی ورزش جوانان، (۲۰) ۵۱، ۹-۳۴.
۳. تاج‌بخش، غلامرضا، و نصیری، محمد (۱۴۰۰). رابطه متغیرهای اقتصادی و افزایش سن ازدواج با رویکرد سیاست‌های کلی. نشریه سیاست راهبردی و کلان، (۱) ۹، ۸۳-۱۰۳.
۴. ختوان، ساناز (۱۳۹۷). رابطه بین نرخ ارز واقعی و رشد اقتصادی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه مدیریت، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه خزر.
۵. خلیلی، ناصر (۱۳۹۶). تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر مطالبات غیرجاری در بخش بانکی در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم اقتصادی. دانشگاه پیام‌نور مرکز غرب تهران.
۶. درگاهی، حسن، بیرانوند، امین، و قاسمی، مجتبی (۱۳۹۷). عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر طلاق در ایران با تأکید بر ادوار تجاری، آموزش، اشتغال زنان. نشریه اقتصاد و الگوسازی، (۴) ۹، ۹۵-۱۲۰.
۷. دلیری، حسن (۱۳۹۸). شناسایی متغیرهای اقتصادی مؤثر بر طلاق در ایران. نشریه مطالعات اجتماعی و روان‌شناسی زنان، (۲) ۱۷، ۳۵-۶۲.
۸. رستم‌زاده، لیلیا (۱۳۹۲). ارزیابی مدل‌های پولی تعیین نرخ ارز در اقتصاد ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت و بازرگانی. دانشگاه تبریز.

۹. زارعان، منصوره (۱۳۹۶). فراتحلیل عوامل مؤثر بر طلاق (مروری بر مطالعات ثبت شده در دهه های اخیر). نشریه پژوهش های مشاوره، ۱۶(۶۱)، ۱۳۴-۱۴۶.
۱۰. شاطریان، محسن، الهام، شرفایی مقدم، و نیازی، محسن (۱۳۹۴). بررسی نقش عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی مؤثر در نگرش منفی به ازدواج (مطالعه موردی شهر کاشان). نشریه جامعه پژوهی- فرهنگی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۲(۶)، ۶۷-۹۱.
۱۱. صادقی، رسول، ابراهیمی، مرضیه، و زنجری، نسیم (۱۳۹۵). واکاوی ادراک جوانان از تجربه طلاق: مطالعه کیفی در شهر تهران. نشریه مسائل اجتماعی ایران، ۷(۲)، ۱-۲۸.
۱۲. طاهرپور، محمدشریف، و شرفی، محمدرضا (۱۳۸۷). راهکارهای افزایش ازدواج و گسترش فرهنگ ازدواج آسان با تأکید بر رویکرد اسلامی. نشریه مهندسی فرهنگی، ۲(۱۷)، ۵۳-۷۳.
۱۳. عرفانی، علیرضا، و حسینی، عابدین، و ملکی، حمید (۱۳۹۴). وجود اثرات نامتقارن نوسانات مثبت و منفی ارز بر سرمایه گذاری بخش خصوصی. نشریه علمی-پژوهشی رشد و توسعه اقتصادی، ۵(۲۰)، ۴۵-۶۵.
۱۴. عسگری ندوشن، علی، ماندگاری، ملیحه، و فتوحی، فاطمه (۱۳۹۷). تفاوت های اقتصادی-اجتماعی مرتبط با سن زنان در ایران. نشریه شورای فرهنگی، اجتماعی زنان و خانواده، ۲۰(۷۹)، ۱۷۱-۲۱۰.
۱۵. فلاحی، محمدعلی، و دلدار، فائزه (۱۳۹۵). بررسی عوامل مؤثر بر طلاق در استان های ایران با تأکید بر عوامل اقتصادی. نشریه فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده، ۱۰(۳۴)، ۱۳۵-۱۵۵.
۱۶. قائمی اصل، مهدی، توسلی عبدالآبادی، نیره، شاه پرست، الهه، و نصراصفحانی، محمد (۱۳۹۸). بررسی کوتاه مدت و بلندمدت متغیرهای اقتصادی بر روند ازدواج و طلاق در ایران با تأکید بر کانال های کنترلی جنسی و آموزش. نشریه زن در توسعه و سیاست، ۱۷(۳)، ۴۸۷-۵۱۱.
۱۷. کلانتری، عبدالحسین، جواهری، جلوه، و روشن فکر، پیام (۱۳۹۰). آثار و پیامدهای طلاق مرور نظام مند تحقیقات انجام شده در ایران با تأکید بر ملاحظات جنسیتی. نشریه زن در توسعه و سیاست، ۹(۳)، ۱۱۱-۱۳۱.
۱۸. گرشاسبی فخر، سعید، موسایی، میثم، و مهرگان، نادر (۱۳۸۸). تأثیر شهرنشینی، هزینه خانوار، درآمد سرانه و توزیع آن بر نرخ طلاق در ایران (یک تحلیل سری زمانی). نشریه جامعه شناسی ایران، ۴(۱)، ۳-۲۱.
۱۹. محمدی، زهرا (۱۴۰۰). رابطه بین سرمایه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی با تمایل به طلاق در میان زنان بندر دیلم. نشریه پژوهش های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۱۰(۳۳)، ۷۲-۵۵.
۲۰. محمدی سیف، معصومه، و عارف، محمد (۱۳۹۴). آسیب شناسی تأخیر در سن ازدواج جوانان ایران (شناسایی و بررسی مهمترین عوامل فردی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی). نشریه مهندسی فرهنگی، ۱۰(۸۶)، ۷۴-۸۸.
۲۱. محمودیان، حسن (۱۳۸۲). سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان. نشریه علوم اجتماعی، ۲(۲۴)، ۲۷-۵۳.
۲۲. مرادی، گل مراد، و صفاریان، محسن (۱۳۹۱). عوامل اجتماعی و اقتصادی ازدواج جوانان. نشریه مطالعات جامعه شناسی جوانان، ۳(۸)، ۸۱-۱۰۸.
۲۳. وبگاه رسمی بانک جهانی. دیتا بانک. تاریخ مشاهده: ۱۴۰۱. مشاهده شده در <http://www.worldbank.org>
۲۴. وبگاه رسمی بانک مرکزی ایران. بانک اطلاعات سری های زمانی اقتصادی. تاریخ مشاهده: ۱۴۰۱. مشاهده شده در: <http://www.tsd.cbi.ir>
۲۵. وبگاه رسمی مرکز آمار. داده ها و اطلاعات آماری. تاریخ مشاهده: ۱۴۰۱. مشاهده شده در <http://www.amar.org.ir>
26. Amato, P. R., & Beattie, B. (2011). Does the unemployment rate affect the divorce rate? An analysis of state data 1960-2005. *Social Science Research*, 40(3), 705-715.
27. Becker, G. S., Landes, E. M., & Michael, R. T. (1977). An Economic Analysis of Marital Instability. *Journal of Political Economy*, 85(6), 11- 41.
28. Gibson, d., & Christina, M. (2009). Money Marriage And Children: Testing The Financial Expectation And Family Formation Theory. *Journal Marriage And Family*, 71(1), 146- 160.
29. Gonzales-Val, R. (2022). House Price And Marriage. *Journal Sustainability*, 14 (5), 28- 48.
30. González-Val, R., & Marcén, M. (2016), Divorce and the business cycle: a cross-

country analysis. *Review of Economics of the Household*, 15 (3), 879- 904. Doi: 10.1007/S11150-016-9329-X

31. Hill, M. J. (2015), Love in the Time of the Depression: The Effect of Economic Conditions on Marriage in the Great Depression. *The Journal of Economic History (Cambridge University Press)*, 1(75), 163- 189.
32. Jackson, B. L., & Donovan, R. (1990). Deciding to divorce: A process guided by social exchange, attachment and cognitive dissonance theories. *Journal of Divorce*, 13(4), 23- 35.
33. Mavropoulos, G., & Panagiotidis, T. W. (2019). *Young Adults Retreat from Marriage? An Easterlin Relative Income Approach*. Department of Economics. University of Macedonia.
34. Peterson, R. (1996). A re-evaluation of the economic consequences of divorce. *American Sociological Review*, 61, 528- 536.
35. Ragab, A., & Ayhab, F. S. (2022). The effects of a negative economic shock on male marriage in the West Bank. *Review of Economics of the Household*, 21, 789- 814.
36. Scott, J. S. (1985). Economic Condition And Divorce Rate: At time-series analysis Of The Postwar United State. *Journal of Marriage And Family*, 47, 31- 41.
37. Spanier, G. B., & Thompson, L. (1983). Relief and distress after marital separation. *Journal of Divorce*, 7(1), 31- 49.
38. Wilcox, W. B., & Dew, J. (2010). Is love a flimsy foundation? Soulmate versus institutional models of marriage. *Social Science Research*, 39(5), 687- 699.







## بررسی نظریه حقوق واحد خانواده

علیرضا باریکلو<sup>۱</sup>، مرضیه زکی زاده<sup>۲</sup>

### چکیده

منظور از نظریه حقوق واحد خانواده این است که بعد از انعقاد نکاح، قواعد حقوقی واحدی بر خانواده حاکم شود که متضمن حقوق و تعهدات اعضای آن به ویژه زوجین باشد تا خانواده در جایگاه نهادی اجتماعی مورد حمایت قرار گیرد. براین اساس، پژوهش حاضر باهدف بررسی نظریه حقوق واحد خانواده که در صدد برقراری صحیح عدالت حقوقی و قضایی برای استحکام، تقویت و حمایت اجتماعی از خانواده است به روش تحلیلی- اسنادی انجام شد. بدین منظور کلیه منابع مکتوب حقوقی در این مسئله مورد بررسی قرار گرفت. نتایج بررسی ها نشان داد که تعدد قوانین در حوزه خانواده که سبب عدم شفافیت و وظایف و تعهدات اعضای خانواده است، موجب سست شدن بنیان خانواده شده است. بنابراین، خانواده که نهادی بنیادین در جامعه و کانون اصلی رشد انسان است باید تابع حقوق واحدی باشد تا از استحکام لازم برخوردار شود. اهداف این نظریه عبارتند از: استحکام خانواده، تحدید حاکمیت اراده اعضا، حاکمیت قانون واحد، حمایت از زنان و کودکان در نهاد خانواده و هدفمند شدن مدیریت خانواده. اصول زیربنایی این نظریه شامل اصل ساختارنگری به خانواده، رعایت عدالت و احسان و قواعد عام مشترک مذاهب اسلامی که مورد پذیرش تمام مذاهب اسلامی باشد.

**واژگان کلیدی:** قوانین خانواده، حقوق واحد خانواده، استحکام خانواده،

اصول زیربنایی تشکیل خانواده، تعدد قواعد حوزه خانواده.

Doi: 10.22034/ijwf.2023.14277.2001

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۳ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۳/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۶  
۱. استاد تمام پردیس فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: bariklou@ut.ac.ir

ORCID ID: 0000-0002-9830-8710

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران.

Email: Ma\_z1380@yahoo.com

## A Study on United Family Rights

Alireza Bariklou<sup>1</sup>, Marzieh Zakizadeh<sup>2</sup>

The theory of united family rights means that after marriage, single legal rules apply to the family which includes the rights and obligations of its members, especially couples, so that the family is supported as a social institution. This analytical-documentary study was conducted with the purpose of investigating the theory of united family rights seeking to properly establish legal and judicial justice in order to strengthen, reinforce, and support the family; thus, all written legal sources related to this issue were reviewed. The results showed what has weakened the foundation of the family is different rules in the field of the family which cause the lack of transparency of duties and obligations of the family members. Therefore, the family, which is a fundamental institution in society and is a key focus of human growth, must follow united rights, so that it becomes strong enough. The goals of this theory are as follows: the strength of the family, the limitation of the governance of members' will, the governance of united rights, the protection of women and children in the family, and the purposeful management of the family. The basic principles of this theory include the principle of structuralism of the family, the observance of justice and benevolence, and the common rules of Islamic religions that are accepted by them.

**Keywords:** family rules, united family rights, strength of the family, basic principles of family formation, different rules in the field of the family.

---

**Paper Type: Research**

**Data Received: 2023 / 10 / 13    Data Revised: 2023/ 06 / 03    Data Accepted: 2023/ 06 / 06**

1. Professor, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran. (Corresponding Author)

Email: bariklou@ut.ac.ir

ORCID ID: 0000-0002-9830-8710

2. Ph.D. Student in Private Law, Department of Law, Faculty of Literature and Humanities, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran.

Email: Ma\_z1380@yahoo.com

خانواده از گذشته تاکنون اصلی‌ترین نهاد اجتماعی و منشأ فرهنگ‌ها و تمدن‌ها بوده است. حمایت از این نهاد بنیادین و ارتقای آن به جایگاه واقعی و متعالی خود همواره سبب اصلاح جامعه شده و می‌شود. امروزه یکی از مسایل مهم و مورد توجه جوامع بین‌المللی حفظ و حمایت از خانواده است. هرچند عوامل متعدد اقتصادی، فرهنگی، روانی و... موجب سست شدن بنیان خانواده شده، اما بسیاری از مشکلات خانواده‌ها ناشی از عدم حاکمیت مقررات واحد و مشخص بر خانواده است؛ زیرا آنچه بانام حقوق خانواده مطرح است شرایط صحت عقد نکاح و طلاق است که در اصل ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی احوال شخصیه توصیف شده و تابع مقررات مذهبی اشخاص طرف رابطه قرار گرفته است. در قانون حمایت خانواده که در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۹ تصویب شد برخلاف نام آن نه تنها هیچ‌گونه مقره‌ای برای حمایت از خانواده ندارد، بلکه درظاهر موجب تزلزل بیشتر آن هم می‌شود؛ زیرا ازطرفی به جای تمرکز بر رفع اختلاف برمبنای اصل استحکام خانواده بر سرعت حل و فصل اختلافات زناشویی تکیه داشته و ازطرف دیگر موجب تشدید و اصرار بر دعاوی می‌شود. براساس ماده ۱۲ این قانون زوجه می‌تواند در اقامتگاه خود یا شوهر اقامه دعوی کند که با اصل تابعیت اقامتگاه زوجه از زوج در ماده ۱۰۰۵ قانون مدنی مغایرت دارد. درحال حاضر مقررات مناسبی در مورد حمایت از نهاد خانواده وجود ندارد و مقررات موجود نیز باوجود تعلق آن به عقد نکاح و طلاق، متعدد بوده و همین امر سبب شده است که دادگاه‌ها در موضوع واحد، آرای متفاوت صادر کنند. برای مثال در مورد نفقه و شرط استحقاق آن، تعدد و تعارض میان قوانین، نظریات فقها و رویه عملی محاکم مشاهده می‌شود. قانون مدنی در ماده ۱۱۰۸ شرط استحقاق نفقه را صرف تمکین زوجه می‌داند و برای آن شرایطی در نظر نگرفته است و به طور مطلق می‌گوید: «هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف امتناع کند و در واقع تمکین نکند، مستحق حق خود نخواهد بود». قانون مجازات نیز به طور تلویحی تمکین زوجه را برای استحقاق نفقه کافی می‌داند و شرط جرم ترک انفاق را فقط تمکین زوجه دانسته و در ماده ۶۴۲ تصریح می‌کند: «هرکس با داشتن استطاعت مالی، نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهد، دادگاه او را از سه ماه و یک روز تا پنج ماه به حبس محکوم

می‌کند». در این مورد رویه قضایی، صرف تمکین زن را برای استحقاق نفقه کافی نمی‌داند و تکلیف زن بر تمکین را مشروط بر این می‌داند که مقدمات تمکین از طرف مرد فراهم شده باشد. در دادنامه شماره ۱۵۱۶ مورخ ۶۶/۰۹/۱۷ شعبه ۱۱۲ محاکم عمومی تهران رأی داده شده است: «خواستہ زوج دایر بر الزام به تمکین، فرع بر فراهم کردن امکانات لازم در زندگی جهت زوجه است» (بازگیر، ۱۳۷۹). مسئله مذکور از منظر فقهی از این فراتر رفته و چنین تأویل شده است که اگر زن عذر موجه داشته باشد مانند بیماری، عادت ماهیانه، نفاس، بیماری و آگیردار زوج، خوف از ضررهای جسمی، شرافتی، جانی و مالی، می‌تواند تمکین نکند (محقق داماد، ۱۳۹۳) و این امر سبب عدم تعلق نفقه به وی نمی‌شود.

قانون مدنی و قانون مجازات، تمکین زن را بدون هیچ قیدی شرط استحقاق نفقه می‌داند، ولی در رویه قضایی، مرد باید تمهیدات تمکین را فراهم کند. از منظر فقها در صورت عذر موجه از طرف زوجه، عدم تمکین امکان‌پذیر است و این امر سبب عدم استحقاق نفقه نمی‌شود. بنابراین، در مورد قواعد حقوق خانواده تعدد وجود دارد و همین امر سبب تشتت آرا در دادگاه‌ها شده است. امروزه حقوق اساسی، حقوق خانواده را جزو اصول اساسی بشر می‌داند و طی این فرآیند، حقوق خانواده متحول شده و رنگ و بوی اساسی‌ترین حقوق انسانی را به خود گرفته است. این امر می‌تواند گامی هرچند ابتدایی برای یکسان‌سازی مقررات حقوق خانواده باشد. (میهن‌خواه، ۱۳۹۲) در این مورد طرح‌هایی مانند طرح «حقوق خانواده در اسلام: راهکارهای اصلاح از طریق ابتکارات داخلی»، در دست اقدام است که توسط دانشگاه اموری آمریکا ارائه شده است. از اهداف این طرح، شناسایی زمینه‌های جهانی‌سازی حقوق خانواده در کشورهای اسلامی است (دادمرزی، ۱۳۸۳).

بر مبنای نظریه حقوق واحد خانواده، ضروری است تا قواعد جامع، یکسان و واحدی برای حمایت از آن در جامعه حاکم شود. پژوهش حاضر این موضوع را مطرح می‌کند که بعد از انعقاد عقد نکاح دائم و شروع زندگی مشترک که موضوع جدیدی به نام خانواده تشکیل می‌شود، سیستم حقوقی فقط بر رابطه زناشویی و عقدی متمرکز نشود، بلکه از خانواده در قالب ساختاری انتزاعی یا اعتباری-اجتماعی حمایت کند. بنابراین، ضرورت



حمایت از خانواده ایجاب می‌کند تا این نظریه مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا سلامت جامعه به سلامت خانواده بستگی دارد. اهمیت تأثیر خانواده بر رشد فردی به قدری است که تاکنون هیچ نهادی نتوانسته جای آن را بگیرد. همچنین تعدد قواعد موجب تشتت، اختلاف، عدم احساس عدالت در مردم، قانون‌گریزی و افزایش سرعت انحلال و تزلزل خانواده می‌شود. بنابراین، در پژوهش حاضر این موضوع بررسی می‌شود که نظریه حقوق واحد خانواده بر چه مبنایی استوار است و چه اهدافی را محقق می‌کند و اینکه در اعمال این نظریه چه اصول زیربنایی باید مورد توجه قرار گیرد.

رویکرد پژوهش حاضر جدید بوده، در موضوع آن تاکنون پژوهشی انجام نشده است و دو عنصر توصیفی و هنجاری دارد. عنصر توصیفی، اقتضات و بایسته‌های عدالت اصلاحی را مشخص می‌کند که با تبیین اهداف، نقش توصیفی این تئوری نمایان می‌شود. این اهداف برای عملکرد و نقش عنصر هنجاری نیز اهمیت اساسی دارند؛ زیرا در قالب مبنای استدلال‌های مربوط به توجیه عمل می‌کنند. عنصر هنجاری قواعد مناسب بر نهاد خانواده براساس اقتضات اوضاع و احوال جامعه معاصر توجیه و فراهم شده است که به اصول زیربنایی تعبیر می‌شود. بنابراین، نظریه حقوق واحد خانواده بر مبنای اصول زیربنایی مانند اصل ساختارنگری به خانواده و تفکیک خانواده از احکام عقد نکاح و طلاق و استخراج قواعد عام مشترک مذاهب اسلامی و رعایت عدالت و احسان استوار است که اهدافی مانند استحکام خانواده، تحدید حاکمیت اراده اعضا، حاکمیت قانون واحد و حمایت از زوجه و فرزندان را مورد توجه قرار می‌دهد. به نظر می‌رسد که تعدد مقررات حاکم بر خانواده یکی از عوامل اصلی تزلزل و سستی نهاد خانواده است که نظام حقوقی ایران با وجود توجه جدی به مسئله حقوق خانواده، پاسخ مناسبی برای اصول زیربنایی تشکیل خانواده و عوامل مؤثر در یکسان‌سازی حقوق خانواده ارائه نکرده است.

## ۲. چارچوب نظری پژوهش

### ۲-۱. اهداف نظریه حقوق واحد خانواده

اهداف اصلی نظریه حقوق واحد خانواده را می‌توان در استحکام خانواده، تحدید حاکمیت اراده اعضا، حاکمیت قانون واحد حمایت از زنان و کودکان در نهاد خانواده و هدفمند شدن

مدیریت خانواده برشمرد که هرکدام جداگانه بررسی می‌شود. در پرتو این نظریه اهدافی مانند حاکمیت اصل مودت و رحمت، اصل عدالت و مساوات، اصل خصوصی بودن حریم خانواده، اصل ثبات و... که (حکمت‌نیا، ۱۳۸۸، ۳/۲۹-۱۳۹؛ مهدوی کنی، ۱۳۹۲) در قالب اهداف حقوق خانواده مطرح شده است، محقق می‌شود.

## ۲-۱-۱. استحکام خانواده

استحکام خانواده از اهدافی است که در اصل ۱۰ قانون اساسی تصریح شده است و مقررات حقوق خانواده باید در پرتو این اصل تصویب و اجرایی شود. بی‌شک، استحکامی مورد نظر قانون‌گذار است که متوازن و برخاسته از اراده اعضای خانواده باشد؛ زیرا اگر زمینه استحکام خانواده فراهم نباشد نگره داشتن بنایی با سستی و ناپایداری به هر قیمت ممکن نیست. باین حال باید توجه شود که در این مورد تنها اصول حقوقی کارساز و کارآمد نیست؛ زیرا اصول به منزله راهنمای طرفین برای حفظ و تحکیم خانواده است. بنابراین، فقدان مشکلات اقتصادی، اجتماعی، روانی و حتی اخلاقی نقش زیادی در استحکام خانواده دارد. برای مثال با افزایش قیمت طلا و سکه ناشی از بحران اقتصادی سال ۱۳۹۸ به طوری مطالبه مهریه افزایش یافت که مردان بیشتری روانه زندان شدند و نرخ طلاق به طور چشمگیری افزایش یافت و تزلزل شدیدی در بنیاد خانواده ایجاد شد به گونه‌ای که مقام مسئول زندان در استان تهران، هشدار عدم ظرفیت داد (روزنامه شرق ۲۵/۷/۹۷). دانستن این نکته ضروری است که حقوق نیز در این باره بی‌نقش نیست و می‌توان با قواعد حقوقی واحد خانواده، اعضا را به سمت تحکیم بنیان خانواده راهنمایی کرد.

متأسفانه در وضعیت فعلی با وجود خلأ قانونی روند تزلزل خانواده سریع‌تر است؛ زیرا احساس تحمیل بی‌عدالتی برای ممانعت از طلاق و جدایی به هیچ وجه سبب استحکام کانون خانواده نیست و نهاد خانواده با اعمال زور، تحکم و ترس از اضمحلال خانواده تداومی ندارد و ویژگی‌های یک خانواده سالم را نخواهد داشت. همچنین ریشه بسیاری از مشکلات زناشویی، کاستی‌های قانون‌گذاری در حوزه خانواده است. (بستان، بختیاری و شرف‌الدین، ۱۳۹۰) عمده‌ترین مشکل در این مورد پراکندگی قوانین است؛ زیرا ارجاع به هر موضوعی در این حوزه مستلزم تتبع و تفحص در قوانین مختلف است. این قوانین به دلیل پراکندگی

دربین قوانین مدنی و جزایی و آرای وحدت رویه قضایی باعث تشتت آرا در دادگاه‌ها شده است؛ زیرا در بسیاری از حیطه‌ها قانون جامعی وجود دارد، اما در حیطه خانواده تاکنون قانون جامعی تصویب نشده است. براساس اصل ۱۶۷ قانون اساسی از منابع مورد استناد قضات در صورتی که حکم دعوی در قوانین مدونه نباشد، رجوع به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر است. بنابراین، منابع معتبر فقهی نیز یکی از منابع مورد استناد قضات در صدور حکم هستند، ولی فقها نیز حائز وحدت آرا نبوده و در موضوعات یکسان نظرات متفاوتی ارائه کرده‌اند. همین امر باعث تعدد آرا در محاکم شده است.

تحکیم خانواده مستلزم حاکمیت اصل قانون واحد معتدل و اخلاق مدار و حفظ حقوق همه اعضاست. برای مثال، حق انتخاب همسر و لزوم همتایی آنها یکی از عوامل استحکام خانواده است. ازدواج اجباری، پیوند زناشویی رسمی با انواع فشارهای جسمی و روانی است و زن و مرد هیچ اراده‌ای در آن ندارند. (ضمیری، ۱۳۸۳) فقط در فرهنگ‌های سنتی برخی جوامع، ازدواج اجباری، بهنجار است و سنت جامعه به شمار می‌آید (بهنام و راسخ، ۱۳۴۸). اگر از حق انتخاب همسر حمایت شود به یقین در بسیاری از موارد خانواده استحکام بیشتری خواهد داشت. ماده ۱۰۷۰ قانون مدنی در مورد رضایت در عقد می‌گوید: «رضای زوجین شرط نفوذ عقد است و هرگاه مکره بعد از زوال کره، عقد را اجازه کند، نافذ است مگر اینکه اکراه به درجه‌ای بوده که عاقد فاقد قصد باشد»، براین اساس عقد اکراهی غیرنافذ است. در مورد حکم اجبار و اکراه در عقد در بین فقها دو عقیده وجود دارد: عده‌ای از فقها معتقدند یکی از شرایط متعاقدين، اختیار است و منظور از اختیار این است که قصد وقوع مضمون عقد از روی طیب نفس و رضا شده باشد؛ زیرا با عدم رضایت به عقد قصدی در عاقد پدید نمی‌آید. بنابراین، عقدی محقق نمی‌شود و عقد باطل است. دلیل بطلان چنین عقدی عدم وجود قصد است؛ زیرا قصد، رکن رکین در تحقق عقد است (محقق کرکی، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۴/۶۲؛ مقدس اردبیلی، ۱۳۱۴). گروه دوم که مشهور فقها را شامل می‌شود، معتقدند در چنین عقدی رضایت و طیب نفس نیست، ولی قصد وجود دارد. بنابراین، شخص فاقد رضا و طیب نفس بوده و واجد قصد در هنگام انعقاد عقد است و الحاق رضایت بعد از عقد کافی است. بنابراین، چنین عقدی غیرنافذ تلقی می‌شود (طباطبایی بزدی، ۱۳۷۰).



قانون مدنی تنها به عمومات صحت ازدواج مانند رضایت و عدم اکراه اشاره کرده و فقط تدابیر حقوقی در نظر گرفته است. فقها در مورد اکراه در ازدواج نظرات متعددی دارند. قانون باید به طور صحیح به ازدواج اجباری بپردازد و با ارائه ضمانت اجراهای قانونی در محدود کردن این نوع ازدواج‌ها اهتمام ورزد. همچنین باید راهکارهای حقوقی و قانونی را در نظر بگیرد؛ زیرا استحکام خانواده از اصل و پایه باید محرک قانون‌گذار در حمایت از آن باشد. حقوق واحد خانواده می‌تواند در این حوزه ایفای نقش کند؛ زیرا تکثر مقررات موجب تشتت در نظر و تبعیض در عمل می‌شود. به همین دلیل جامعیت و یکپارچگی قوانین، مورد توجه بعضی از جوامع مانند شورای اروپا قرار گرفته و حتی در حوزه خانواده نیز اصول واحدی را تدوین کرده است؛ زیرا حقوق واحد می‌تواند موجب تحکیم خانواده شود.

## ۲-۱-۲. تحدید حاکمیت اراده اعضا

خانواده نهادی اجتماعی است که در نتیجه فقدان مقررات مناسب با چالش فروپاشی مواجه شده است. آنچه در حقوق موضوعه بانام حقوق خانواده مطرح است مقررات مرتبط با عقد نکاح، طلاق و توابع آن است و چندان ارتباطی با حمایت و شیوه مدیریت امور نهاد خانواده و حقوق اعضای آن ندارد. در گذشته در حقوق اسلامی آثار عقود در اختیار اشخاص نبود و برای هر عقدی چارچوب خاصی مدنظر فقها و فقط انعقاد عقد تابع حاکمیت اراده بود؛ زیرا به استناد «العقود تابعة للقصود» انعقاد ماهیت حقوقی (عاملی جعی، ۱۴۱۳هـ.ق، ۳/۳۲۲؛ میرزای قمی، ۱۴۲۷هـ.ق، ۲/۹۳۱) تابع قصد طرفین بود، ولی از نظر آثار (نراقی، ۱۴۱۷هـ.ق)، اهداف و غایات تابع اراده شارع بود. بنابراین، برخی معتقدند مراد از «العقود تابعة للقصود» این است که شیوه انعقاد هر معامله‌ای الفاظ خاصی دارد که به آن اختصاص یافته و شرع از آن تعبیر به عقد کرده است، ولی اثر مقصود محقق نمی‌شود مگر آنکه در هنگام استعمال لفظ، قصد معنا شود (کاشف الغطاء، ۱۳۵۹/۱۸۱).

معنای قاعده این است که عقد بدون قصد به آن و شرایطش منعقد نمی‌شود، نه بدین معنا که هر ماهیتی هر طور که طرفین قصد کنند، محقق شود. (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹هـ.ق، ۳/۱۳) در نتیجه معامله تابع قصد است، ولی آثار آن تابع حکم شرعی است. از این نظر، طرفین معامله باید تابع آثار مقصود از آن باشند (بحرانی، ۱۴۲۸هـ.ق). از طرف دیگر نهاد خانواده یعنی،



عضو کوچک یا زیرمجموعه جامعه، زیر نفوذ عرف و مقررات قبیله‌ای بود که استحکام مقررات اجتماعی و قبیله‌ای موجب استحکام خانواده می‌شد، اما در جامعه معاصر براساس اصل حاکمیت اراده، طرفین اهلیت در انعقاد عقد و شیوه تعیین محتوای آن آزاد هستند و می‌توانند در مقابل یکدیگر هر نوع تعهدی داشته باشند (بیگدلی، ۱۳۹۴). بنابراین، برخی معتقدند: «مقصود از نظریه حاکمیت اراده این است که اراده انسان برای خود قانون‌گذاری می‌کند و برای خود تعهداتی را به وجود می‌آورد. اگر شخصی تعهدی را برای خود می‌پذیرد، چه در نتیجه و قالب قراردادی باشد یا در هر قالب دیگر، نسبت به او الزام‌آور است؛ زیرا خود او چنین خواسته است» (سوار، ۱۹۶۶). این اعمال رویکرد یا برداشت در نهاد خانواده و جامعه با چالش فروپاشی هنجاری و حقوقی مواجه است؛ یعنی افراد در خانواده و جامعه از ایفای نقش و وظیفه خانوادگی یا اجتماعی خود منصرف و رویکرد طلبکاری جایگزین رویکرد مسئولیت‌پذیری و انسان‌دوستی شده است.

برخی معتقدند که استناد به اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادی، سبب به وجود آمدن و گسترش عقود نامعین، بسط و تعمیم مراودات تجاری و اقتصادی و حتی احوال شخصیه افراد (خاموشی و ملیحی، ۱۳۹۶) خارج از چارچوب اصول مسلم حقوقی شده است. برخی دیگر معتقدند که اصل حاکمیت اراده باعث تحقق دو نتیجه مهم یعنی، آزادی هر شخص در انعقاد عقد و تعیین آثار آن و آزادی او در شیوه انعقاد عقد بدون لزوم رعایت تشریفات خاص مانند لفظ و... به طور کلی شده است (کاتوزیان، ۱۳۹۱؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۹۶). باتوجه به ارتباط مستقیم بین قوانین و مقررات مدنی و فقه امامیه باید ادله و استنادات قرآنی و روایی در تایید اصل مذکور تبیین و روشن شود (طاهری، ۱۳۸۴). هرچند آزادی اراده در روابط حقوقی کم‌اهمیت و کوتاه‌مدت، منفعت و مصلحت دارد، اما در روابط حقوقی مهم و بلندمدت ممکن است موجب صدمه به کل بشریت و جامعه انسانی شود. بنابراین، در حقوق فرانسه که خاستگاه این اصل است اطلاق آن تعدیل شده و در اصلاحات سال ۲۰۱۶ میلادی در ماده ۱۱۰۲ آمده است: «هرکس در انعقاد و عدم انعقاد قرارداد، انتخاب طرف قرارداد، تعیین محتوا، مفاد و شکل قرارداد در محدوده‌ای که قانون تعیین می‌کند، آزاد است. آزادی قراردادی نقض قواعد و



مقررات مربوط به نظم عمومی را اجازه نمی‌دهد<sup>۱</sup>.

از موارد امکان اعمال تحدید حاکمیت اراده در حقوق ایران تحدید ریاست مطلق مرد بر خانواده است که می‌توان حقوق ناشی از آن را که شامل حق تمکین، حق انتخاب مسکن، حق تحدید خروج زوجه از منزل و حق جلوگیری از برخی مشاغل زوجه است را در ضمن عقد نکاح یا عقد لازم دیگر و یا در توافق مستقل دیگری مشروط بر عدم ایجاد اخلال در نظام مدیریتی خانواده اسقاط کرد تا با تحدید و تعدیل ریاست مطلق مرد بر خانواده از سوءاستفاده‌های احتمالی مردان پیشگیری شود. برای مثال براساس ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی زن باید در خانه‌ای که مرد تعیین می‌کند سکونت داشته باشد مگر اینکه تعیین مسکن به زن داده شده باشد. بنابراین، براساس ماده اخیر زن می‌تواند ضمن عقد، اختیار تعیین مسکن را برای خود بگمارد. عده‌ای از فقهای امامیه این شرط را باطل می‌دانند، ولی مشهور فقها بر صحت چنین شرطی فتوا داده‌اند.

پیروان بطلان شرط معتقد هستند که این شرط از مصادیق شرط نامشروع است و می‌گویند که این شرط برخلاف مقتضای ذات عقد است؛ زیرا عقد نکاح مقتضی آن است که مرد قادر به استمتاع از زوجه خود در هر مکان و زمان باشد و این شرط مغایر با آن است. (محقق حلی، ۱۴۰۸ ه.ق، ۲/۶۱۷) شهید ثانی نیز بر این عقیده است و می‌فرماید: «نمی‌توان به هیچ وجهی چنین حقی را اسقاط کرد؛ زیرا آنچه که شرط شده، حقی است که در هر لحظه به وجود می‌آید. بنابراین، معقول نیست حقی اسقاط شود که هنوز حکم آن به وجود نیامده است، هرچند سبب حق به وجود آمده است» (لطفی، ۱۳۸۹/۲، ۲۶۸-۴۴۶). مشهور فقها معتقدند: «این شرط مخالف شریعت نیست و جایز است به دلیل وجود غرض مباح» (مکی‌عاملی، ۱۳۹۳). آیت‌الله خویی می‌فرماید: «معنی شرط مخالف کتاب این است که با قطع نظر از شرطیت، مخالف باشد. چنین شرطی مخالف کتاب و سنت نیست و نافذ است» (خویی، ۱۴۲۰ ه.ق، ۷/۳۲۵).

به‌طورکلی حدود اختیارات زوج باید در امور مهمی مانند حیطة مدیریت در خانواده معین شود تا ابهام در این مورد سبب سوءاستفاده مردان نشود. بنابراین، اصل آزادی مطلق تشکیل قرارداد در مرحله تشکیل عقد نکاح، اصلی اجتناب‌ناپذیر است، اما در حیطة

1. Art. 1102 Chacun est libre de contracter ou de ne pas contracter, de choisir son cocontractant et de déterminer le contenu et la forme du contrat dans les limites fixées par la loi. La liberté contractuelle ne permet pas de déroger aux règles qui intéressent l'ordre public.

مدیریت خانواده باید نقش کمتری داشته باشد و تفاهم اعضا یا حاکمیت قانون جایگزین آن شود. برهمن اساس، اصول مهم حقوقی، استقلال، حاکمیت اراده و آزادی قراردادها در حوزه قلمرو حقوق خانواده و به ویژه عقد نکاح قدرت تأثیر کمتری دارند و طرفین عقد نکاح به راحتی نمی‌توانند اراده خود را جایگزین مقررات قانونی کنند.

### ۲-۱-۳. حاکمیت قانون واحد

وجود قواعد و مقررات متعدد در حوزه حقوق خانواده یکی از عوامل اصلی تورم قوانین است؛ زیرا اتخاذ تدابیر متعدد و متفاوت در هر مورد مشکلات حقوقی فراوانی را در ساختار خانواده پدید می‌آورد که در نهایت زمینه فروپاشی نهاد خانواده را فراهم می‌کند. بنابراین، قانون‌گذار باید در زمینه خانواده با احتیاط کامل عمل کند و از هر اقدامی که به ضعف خانواده منتهی می‌شود، بپرهیزد و در اصلاحات و نوآوری‌های خود تثبیت خانواده را همواره مدنظر داشته باشد. همچنین قانون‌گذار باید به منافع هر یک از اعضای خانواده توجه کند، ولی آنچه در درجه اول اهمیت قرار دارد نفع خانواده در قالب نهاد و واحدی اجتماعی است و استحکام و حمایت از آن باید بیش از هر چیز مورد نظر باشد؛ یعنی مصالح کلان خانواده بر منافع اعضا مرجح باشد و از فردگرایی به صورت زن‌سالاری، فرزندسالاری و مردسالاری ممانعت شود. لازمه این امر آن است که تعهدات و مسئولیت‌های همسری یا والد-فرزندی با محوریت خانواده و مصالح عمده آن مقرر شود (هدایت‌نیا، ۱۳۹۷) و تمام جهت‌گیری‌ها در راستای اساس خانواده باشد. منظور این نیست که خانواده شخصیت حقوقی مستقل از اعضا دارد، بلکه مراد این است که با توجه به شخصیت حقوقی خانواده باید مقررات و حقوق آن بررسی شود (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰).

باتوجه به خلأ قانونی در حوزه نهاد خانواده و ضعیف شدن احکام عرفی مرتبط با روابط خانوادگی از سویی و توسعه حاکمیت اراده و مغایرت اهمیت مصلحت و استحکام خانواده از قرار گرفتن در معرض تصمیمات فوری از سوی دیگر، باید برای حمایت از خانواده قانون واحدی تدوین شود. با حاکمیت حقوق واحد بر خانواده از یک طرف حقوق و وظایف اعضای خانواده مشخص شده و بیشتر آنها به وظایف خود عمل می‌کنند و در نتیجه زمینه‌ای برای اختلاف و فروپاشی محقق نمی‌شود. از طرف دیگر اعمال مقررات واحد

موجب احساس عدالت است درحالی که مقررات متعدد نسبت به موضوع واحد، احساس مظلومیت و تضییع حق را در اشخاص تحریک و عامل اختلاف می‌شود. در اوضاع و احوال فعلی وظایف و حقوق اعضای خانواده در یک روستا تا شهر و از یک شهر تا مرکز استان متغیر و شناور است. این وضعیت موجب احساس تضییع حق و ایجاد اختلاف می‌شود. در مورد احکام حقوق موضوعه هم بین حقوق دانان و فقها وحدت نظر وجود ندارد.

واژه نشوز به صراحت در ماده ۱۱۰۹ و به طور ضمنی در مواد ۱۱۰۴ و ۱۱۰۸ قانون مدنی آمده است. در ماده ۱۱۰۴ ق. م مقرر شده است: «زوجین باید در تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند». ماده ۱۱۰۸ می‌گوید: «هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود». دو ماده اخیر، نشوز را عدم تمکین عام و عدم اطاعت مطلق زن می‌دانند، اما حقوق دانان تفاسیر متعددی دارند. برخی حکم این ماده را وظیفه قانونی زن می‌دانند و معتقدند که تخلف او نشوز است (عدم تمکین عام زوجه) (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶). برخی دیگر عدم تبعیت زن از شوهر در امور واجب را نشوز می‌دانند. بنابراین، باتوجه به اینکه انجام کارهای خانه و تربیت فرزندان از وظایف شرعی زن نیست در صورت امتناع از این موارد نشوز محقق نمی‌شود (عدم تمکین خاص زوجه) (محقق داماد، ۱۳۹۳).

عده‌ای از فقها نشوز را خروج هر یک از زن و شوهر از انجام وظیفه در برابر دیگری می‌دانند. (نجفی، ۱۴۰۴ ه. ق. ۲۲/۲۱) برخی دیگر نیز آن را به معنای خروج از اطاعت در امور واجب می‌دانند (محقق حلی، ۱۴۰۸ ه. ق. ۲۸۱/۲). عده‌ای معتقدند نشوز یعنی، نافرمانی زن یا مرد در برابر یکدیگر و کوتاهی در ایفای حقوق متقابل. شهید ثانی در مسالک نیز آن را رعایت نکردن حقوق یکدیگر تعریف می‌کند (عاملی جبعی، ۱۴۱۳ ه. ق. ۵۷۰/۱). برخی معتقدند اصل نشوز، سرپیچی کردن و خروج از اطاعت است؛ یعنی یکی از زوجین از وظایف واجب خود نسبت به دیگری خارج شود؛ زیرا به واسطه این خروج از آن چیزی که خدای تعالی واجب کرده خارج شده است (عاملی جبعی، ۱۳۹۵، ۴۲۷/۵، طباطبایی، ۱۴۲۰ ه. ق. ۱۵۲/۲). امام خمینی رحمته الله علیه خروج از امور واجب را موجب نشوز می‌داند (موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ۳۰۵/۲، گلپایگانی، ۱۴۱۳ ه. ق. ۳۶۴/۲).

با بررسی آرای فقها در مورد نشوز و نظر به اینکه بنابر عقیده فقها تنها امر واجب بر



زن، اطاعت در تمکین خاص است، مشخص می‌شود که در این صورت دایره اطاعت زن از مرد محدود می‌شود و در نتیجه نشوز نیز با هر عدم اطاعتی ثابت نمی‌شود، اما باتوجه به تفسیر حقوقی عموم ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی مبنی بر لزوم همکاری زوجین در تشدید مبنای خانواده و تربیت فرزندان، مفهوم وظایف زوجیت در ماده ۱۱۰۸ عمومیت می‌یابد و هر نوع عدم معاضدت خانوادگی مصداق نشوز می‌شود. (محقق داماد، ۱۳۹۳) این امر با نظر فقها مطابقت ندارد؛ زیرا از نظر مشهور فقها، نشوز مسقط نفقه، عدم اطاعت از امور واجب است و تنها امر واجب بر زن، اطاعت در تمکین خاص است. بنابراین، باتوجه به ابهام و اجمال در متن قانون و به کار بردن واژه وظایف زوجیت به طور مطلق و تفاسیر متعدد حقوق دانان و فقها در این مورد مقنین باید با وضع قوانینی که می‌تواند به سلامت خانواده کمک کند قوانین یک دست و به دور از هرگونه ابهام و تعدد را در جامعه نهادینه و براساس اصل ۱۰ قانون اساسی، حقوق واحد خانواده را در راستای حمایت و تحکیم آن تدوین و اجرایی کنند.

#### ۲-۱-۴. حمایت از زوجه و فرزندان

یکی دیگر از اهداف حقوق واحد خانواده، حمایت از زوجه و فرزندان صغیر یعنی، دو عضو آسیب پذیر در نهاد خانواده است. این موضوع هم از جنبه مقاصد حمایتی شارع از زنان و کودکان و هم از نظر کنوانسیون‌های معاصر مرتبط با حقوق کودک و زنان اهمیت دارد؛ زیرا برخی معتقدند به دلالت آیه ۲۲۸ سوره بقره زنان حقی دارند که باید شناسایی و به آنان اعطا شود (سیفی مازندرانی، ۱۴۲۹ ه.ق). به استناد این آیه، مردان نیز حقی دارند، اما چون مردان مسئولیت مدیریت خانواده را به عهده دارند باید حقوق زنان و کودکان تصریح شود تا در اعمال مدیریت، حقوق آنها ملاحظه و رعایت شود. بنابراین، حمایت از زنان باید مورد توجه قرار گیرد. در حمایت از حقوق زنان نباید به حقوقی مانند مهر، نفقه و ارث که بار مالی دارد، اکتفا شود، بلکه باید حقوق مهمی که از شخصیت آنها حمایت می‌کند مانند حرمت تمامیت جسمانی و کرامت انسانی به صراحت شناسایی و رعایت آن الزامی شود. از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است: «کسی که با زنی ازدواج کرده باید او را تکریم کند» (تمیمی مغربی، ۱۳۸۵، ۲/۱۵۸). در جای دیگر می‌فرماید: «جبرئیل آن قدر سفارش به حق زن کرد که گمان کردم طلاق او روا و به جا نیست مگر در مواردی که عمل قبیح فاحشی را مرتکب شده باشد» (کلینی،

۱۴۲۹ ه.ق. ۱۱/۱۷۶). امام باقر علیه السلام می فرماید: «گرامی ترین شما کسی است که زوجه خود را بیشتر تکریم کند» (ابن بابویه قمی، ۱۴۱۳ ه.ق. ۳/۵۰۶). برخی رعایت این نوع حقوق را از موارد سازش یا از مقومات اسلام به معنای اعم می دانند (حسینی شیرازی، ۱۴۲۶ ه.ق.).

در اقدامات و تصمیمات مربوط به کودکان باید مصالحشان در نظر گرفته و از هرگونه وانمود اطلاق انگاری خودداری شود. همان گونه که در نظریات فقهی، صحت تصرفات حقوقی ولی در امور فرزند صغیر منوط به رعایت مصلحت اوست. (عاملی جبعی، ۱۴۱۳ ه.ق. ۴/۳۵؛ صدر، ۱۴۲۰ ه.ق. ۵/۵۸). از نظر اثباتی برخی معتقدند که چون پدر وابستگی و علاقه شدیدی به طفل دارد مصلحت را رعایت می کند، اما اگر از قراین، اوضاع و احوال، عدم رعایت مصلحت ظاهر شود، حاکم باید او را عزل کند (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۵ ه.ق.). ملاک رعایت مصلحت کودک چنان بدیهی است که برخی حق حضانت و نگهداری مادر را نیز مبتنی بر رعایت مصلحت می دانند (جزائری، ۱۴۱۶ ه.ق.)؛ زیرا این ملاک فراملی و مورد پذیرش عقلای عالم است. ماده ۲۴ منشور حقوق اساسی اروپایی و هسته مرکزی یا روح کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد مانند حقوق اسلامی بر رعایت غبطه کودک قرار گرفته است. معنای رعایت غبطه این است که در اولین نگاه و اقدام باید منافع کودک در تمام حوزه های مرتبط با او مورد توجه قرار گیرد (مک‌گیلان<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳). همچنین حد و نهایت سن کودکی باید مشخص شود؛ زیرا مقررات در مورد سن کودک نیز اجمال دارد و سنی که پایان دوران کودکی در حقوق موضوعه بیشتر کشورهای اسلامی تعیین شده است با واقع یکسان نیست. در منابع فقهی به فرزند انسان از زمان تولد تا ابتدای بلوغ، کودک و یا طفل می گویند (انصاری، ۱۳۹۱/۱۰/۵۸).

مشهور فقهای امامیه طفل را کسی می دانند که به سن بلوغ نرسیده است. بنابراین، بلوغ را مرز میان کودکی و بزرگسالی می دانند؛ زیرا ثبوت تکلیف و رفع حجر و ممنوعیت از بیشتر تصرفات را منوط به سن بلوغ دانسته اند. (غدیری، ۱۴۱۸ ه.ق.؛ موسوی خمینی، ۱۳۹۲/۲/۱۴) این سن در پسران، ۱۵ سال تمام و در دختران، پایان ۹ سالگی است (کلینی، ۱۴۲۹ ه.ق. ۱۴/۷۰؛ مجلسی، ۱۴۰۶ ه.ق. ۱۱/۶۵؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ ه.ق. ۱/۴۵). مقننین نیز مبتنی بر نظر مشهور فقهای امامیه سن بلوغ را تعریف کرده اند. تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی سن بلوغ را در پسر، پانزده سال

1. McGlynn, C.

تمام قمری و در دختر، نه سال تمام قمری می‌داند. ماده ۱۰۴۱ ق.م.مقرر می‌دارد: «عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح». براساس نظر فقها، اولیای پسر و دختری که به سن بلوغ نرسیده‌اند، می‌توانند بدون رضایت یا اطلاع، آنها را به ازدواج با یکدیگر درآورند و آنها بعد از بلوغ با استناد به عدم رضایت، حق فسخ ندارند (نجفی، ۱۴۰۴ ه.ق، ۲۱۶/۲۹؛ موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ۲۵۴/۲؛ سبحانی، ۱۳۷۴، ۱۶۸/۱). بنابراین، با تصویب حداقل سن قانونی ازدواج و پیش‌بینی امکان تخطی از آن، اسباب افزایش ازدواج‌ها در سنین کمتر از حداقل سن قانونی مهیا شد که نتیجه این امر، تصویب ماده ۲۳ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ بود. به موجب این ماده، ازدواج زن قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام و مرد قبل از رسیدن به سن ۲۰ سال تمام ممنوع است. بنابراین، باید سن واحدی برای سن کبر تعیین شود تا قبل از آن، فرزندان از حقوق خود بهره‌مند و والدین نیز از محدوده وظایف خود آگاه شوند.

رونق عرف و رسوم ناپسند مانند ازدواج زودهنگام، ازدواج‌های اجباری، تزویج دختران برای حل منازعه که در ایران با عبارت: «خون‌صلح» خوانده می‌شود، اشکال گوناگون دارد و از مواردی است که بیشتر، دختران جوان و زنان بیوه قربانی آن می‌شوند. هدف چنین ازدواج‌هایی رفع خصومت و صرف نظر کردن خانواده مقتول از اجرای قصاص است (اسکندری، ۱۳۸۹) که به طور معمول دختری از اقوام قاتل به ازدواج فردی از بستگان مقتول درمی‌آید (رضوی فرد، مرادقلی و ضرغامی، ۱۳۹۵). بهای این صلح، دختری می‌شود که در مورد نزاع چیزی نمی‌داند (حنانی، ۱۳۸۶). ضرورت حمایت از خانواده ایجاب می‌کند تا با حمایت از این دو گروه که عضوی از اجتماع هستند، سلامت جامعه تضمین شود؛ زیرا سلامت جامعه به سلامت خانواده بستگی دارد و اهمیت تأثیر خانواده بر رشد فردی به صورتی است که تاکنون هیچ نهادی نتوانسته است جای آن را بگیرد.

## ۲-۱-۵. هدفمند شدن مدیریت خانواده

خانواده، اصلی‌ترین واحد حیاتی و بنیادی جامعه و یگانه نهاد دائمی و فرازمانی است که نیازمند مدیریت است؛ زیرا بقا و استحکام هر نهادی بدون مدیریت و هدف ممکن نیست.

در حقوق اسلامی به دلالت آیه ۳۴ سوره نساء که زوج را متصدی و متکفل حقوق زوجه می‌داند (طوسی، ۱۳۸۷) مدیریت و مسئولیت امور خانواده با زوج است؛ زیرا از طرفی اعضای خانواده، زوج، زوجه و فرزندان هستند که زوج بر فرزندان ولایت قانونی دارد و نسبت به زوجه با توجه به اینکه زنان در حوادث زندگی، آسیب پذیرتر از مردان هستند وظیفه تأمین حقوق را دارد. از طرف دیگر، هزینه خانواده بر عهده زوج است و منطقی است که تأمین کننده هزینه، مناسب ترین فرد برای مدیریت آن باشد تا خانواده هم مانند کشورها با کسری بودجه مواجه نشود. بنابراین، مردان، مسئول مدیریت خانواده می‌باشند، همان گونه که حاکمان، مسئول مدیریت کشور و اتباع خود هستند (اردبیلی، ۱۳۹۳/۱/۵۳۶).

اصل لزوم وجود مدیر و مسئول برای خانواده به دلیل عقلی و مدیریت زوج به دلیل شرعی از مسلماتی است که قابل بحث نیست، اما موضوع قابل بحث، شیوه مدیریت است که می‌توان آن را هدفمند کرد. یکی از مواردی که اطلاق ولایت ولی در نظریات فقهی مقید شده رعایت غبطه و مصلحت فرزندان بوده (جلیلی عاملی، ۱۴۱۴ه.ق، ۱۲/۱۰۱) که از وظایف ولی است. برخی رعایت متعارف را ملاک آن شمرده‌اند (اصفهانی، ۱۴۱۹ه.ق، ۲/۳۷۳) و برخی نیز چون حکمت ولایت را رعایت غبطه توصیف کرده‌اند، معتقدند اگر برای حاکم احراز شود که ولی رعایت غبطه را نمی‌کند، واجب است که حاکم ولی را برکنار کند (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۵ه.ق). با توجه به لزوم اجتناب از خودخواهی در تمام امور و لزوم رعایت مصلحت اعضای خانواده در امور خانواده می‌توان مرد را ملزم به رعایت مصلحت و ارائه توجیه در این موارد کرد تا تصمیمات او عقلایی وانمود و از بروز اختلافات خانوادگی کاسته شود؛ زیرا بیشتر انسان‌ها، معیارهای عقلایی را رعایت و قبول می‌کنند.

متأسفانه رفتار برخی مردان در خانواده چنان است که گویی خود را صاحب مطلق زن و فرزندان خود می‌دانند و هیچ حقی را برای آنها قائل نیستند. (سادات، ۱۳۸۱) این وضعیت نه طبیعی و نه به صلاح و مصلحت خانواده است. مرد باید با حفظ حقوق مشروع زن و پاس داشتن حرمت وی این اعتماد را در او به وجود آورد که قصد سلطه جویی و تحمیل نظرات غیرمنطقی خود را ندارد و زن هم باید با پذیرفتن نقش مدیریتی مرد و همکاری با او در اداره امور خانواده، شالوده محکمی برای خانواده و تربیت فرزندان پی‌ریزی کند. البته

مدیریت مرد، مطلق و تام نیست، بلکه در راستای تحکیم خانواده و تأمین حقوق سایر اعضا باید اعمال شود. الگوی طبیعی برای خانواده این است که زن و مرد نقش خاص خود را داشته و در کنار هم عهده‌دار وظایف خانواده باشند.

بین فقها در مورد میزان ریاست مرد بر خانواده اختلاف نظر است؛ برخی فقها محدوده ریاست شوهر بر زن را محدود به روابط زناشویی می‌دانند و عده‌ای دیگر قائل بر ریاست شوهر بر زن به طور عام می‌باشند و آن را مقید به امور زناشویی نمی‌دانند. گروه اول معتقدند که مهمترین دلیل ریاست مرد بر زن آیه ۳۴ سوره نساء است؛ زیرا تکلیف انفاق در صورتی بر ذمه زوج است که رابطه زوجیت صورت گرفته باشد. (ر.ک. طباطبایی، ۱۴۰۲ ه.ق، ۴/۳۴۴) برخی فقها نیز در تبعیت از این نظر معتقدند: «اسلام بر زن فرض نکرده که از شوهر به طور مطلق اطاعت کند به گونه‌ای که تفکر و خواست او در زندگی خصوصی و اجتماعی اش مختل شود» (فضل‌الله، ۱۴۲۰ ه.ق). قانون مدنی با تبعیت از نظر این دسته از فقها به طور صریح ریاست مرد بر خانواده را منوط و محدود به رابطه زوجیت کرده و در ماده ۱۱۰۵ مقرر کرده است: «در روابط زوجین ریاست خانواده از خصایص شوهر است». برخی فقها نیز این ریاست را مطلق در تمام امور می‌پندارند و در تفسیر آیه ۳۴ سوره نساء می‌گویند: «منظور آن است که مردان بر زنان سیطره کامل دارند و آنان را امر و نهی می‌کنند» (زمخشری، ۱۴۱۵ ه.ق، ۱/۴۹۵). همچنین برخی معتقدند: «از حقوق شوهر بر زن این است که زن از او اطاعت کند و نافرمانی نکند» (نجفی، ۱۴۰۴ ه.ق، ۳۱/۱۴۷).

به نظر می‌رسد قبول ریاست مطلق مرد بر زن فاقد اعتبار کافی است و این ریاست باید در چارچوب رابطه زوجیت باشد و نباید آن را مطلق دانست. برخی فقهای معاصر در تأیید این نظر می‌گویند: «این آیه از قوامیت مرد نسبت به زن در محدوده زندگی زناشویی صحبت می‌کند» (فضل‌الله، ۱۴۲۱ ه.ق؛ منتظری، ۱۴۰۸ ه.ق). دیدگاه فقهای معاصر که قانون مدنی نیز مؤید آن است، منطبق با اصل آزادی اراده است و عقل نیز آن را تأیید می‌کند؛ زیرا خانواده نه عرصه مبارزه و میدان رقابت، بلکه کانون همکاری و هماهنگی است. باید پذیرفت وقتی گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی، اعتباری و دست‌پرورده بشر مانند شرکت‌های تجاری از باب ضرورت به دست مدیران متخصص سپرده می‌شود، خانواده با اولویت افزون‌تر نیازمند مدیریتی خردمند و توانمند است تا نظامش را حفظ و مصالحش را فراهم کند (قریان‌نیا، ۱۳۸۴).

از این رو، به جای الگو قراردادن غربی‌ها و کم‌رنگ کردن مدیریت مرد در خانواده که در نهایت سبب انحلال خانواده می‌شود و تبعات جبران‌ناپذیری مانند عدم احساس مسئولیت مردان را در پی دارد باید در هدفمند کردن مدیریت مرد برای مرتفع کردن عناد و ناسازگاری در نهاد خانواده اهتمام ورزید.

## ۲-۲. اصول زیربنایی نظریه حقوق واحد خانواده

خانواده کارآمدترین و مؤثرترین نهاد اجتماعی در جامعه و واحد اجتماعی تأثیرگذاری است، پس باید قوانین منسجم و واحدی داشته باشد تا شیرازه نظم، نظام و انسجام آن نیز حفظ شود و در وصول به اهداف عالی خود ناکام نماند و گرنه نهاد خانواده به سمت فروپاشی پیش می‌رود و در معرض آسیب‌های مختلف قرار می‌گیرد. برای مهار آسیب‌هایی که بنیان خانواده را تهدید می‌کند به قوانین واحدی در خانواده نیاز است تا تعادل حقوق و تکالیف زوجین، حسن نیت و مسئولیت‌پذیری اعضای خانواده و نیز عدالت‌سالاری بیشتر در خانواده تحقق یابد و به اقتضای حقوق واحد خانواده اصول زیربنایی در حقوق فعلی خانواده در نظر گرفته شود. شناخت و حمایت از این اصول، وسیله حفظ مدنیت، اخلاق و نظم هر اجتماعی است. از این رو، حقوق واحد خانواده اصول زیربنایی دارد تا حمایت حقوقی از خانواده مورد توجه قرار گیرد. اصول مذکور عبارت است از: اصل ساختارنگری به خانواده، احکام مشترک مذاهب اسلامی، حمایت متوازن و هدفمند از اعضای خانواده، شفاف‌سازی وظایف اعضا به ویژه زوجین.

## ۲-۲-۱. اصل ساختارنگری به خانواده

اولین اصل اساسی نظریه حقوق واحد خانواده، نگرش ساختاری به خانواده است. این مهم را می‌توان علاوه بر عرف از حدیث رسول اکرم صلی الله علیه و آله برداشت کرد که فرمود: «در اسلام بنایی دوست‌داشتنی‌تر نزد خداوند از تزویج بنیان نشده است» (ابن بابویه قمی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۳/۳۸۳). در این حدیث، تزویج به بنا تعبیر شده است که بر ساختارنگری به خانواده دلالت دارد. بنابراین، اصل بنیادین حقوق واحد خانواده، نگرش ساختاری به آن است نه نگرش به اعضا و عوامل ایجاد و انحلال عقد نکاح که بانام حقوق خانواده رایج شده است. بنابراین، نگرش ساختاری به خانواده از ضروریات استحکام و ثبات خانواده است که متأسفانه در

قوانین جدید چنین نگرشی وجود ندارد و فقط به حل و فصل اختلاف‌های خانوادگی با رویکرد جدایی و طلاق اکتفا شده است. در قانون حمایت خانواده، مصوب ۱۳۹۱ شمسی، شیوه حل اختلافات زن و شوهر و دادگاه صالح بانام حمایت از خانواده مطرح شده است درحالی‌که در این قانون نه‌تنها هیچ حمایتی از خانواده نشده، بلکه سرعت تزلزل و انحلال خانواده بیشتر شده است.

مراد از ساختارنگری، حل اختلافات زناشویی که دادگاه چگونه به آن رسیدگی کند، نیست، بلکه مراد این است که خانواده در قالب یک واحد اجتماعی، مورد حمایت قانونی قرار گیرد تا از این راه بین اعضا، انسجام و توافقی محقق باشد و اختلافی ایجاد نشده و به دادگاه منتهی نشود. این قانون بیشتر ناظر بر دادرسی اختلافات زناشویی است، نه حمایت از خانواده و بیشتر مقررات آن مشابه مقررات قانون اختلاف زناشویی<sup>۱</sup> انگلستان است. بنابراین، مراد از ساختارنگری به خانواده، مقررات حاکم بر حل اختلاف نیست، بلکه نهاد خانواده باید طوری مورد حمایت حقوقی باشد که حفظ آن هدف اولیه سیستم حقوقی باشد. از آنجاکه خانواده هسته هر جامعه است، حقوق خانواده هسته مرکزی هر فرهنگ حقوقی است. حقوق خانواده حتی امروزه با تنوع آن به‌طور عمیق در تاریخ، فرهنگ و ارزش‌های ذهنی مردم ریشه دارد (کلاین و ترسی، ۲۰۰۳).

ممکن است در ابتدا حقوق عضوی از خانواده در برخی موارد نادیده گرفته شود، ولی حفظ خانواده در بلندمدت منافی برای همان شخص دارد که به مراتب مهمتر از آن حق است. واقعیت اجتماعی زنان مطلقه و فرزندان طلاق گواه بر درستی این مطلب است. هرچند در بیشتر سیستم‌ها، مقررات ازدواج و طلاق یا قواعد حاکم بر روابط اعضا در قالب حقوق خانواده مطرح شده است، ولی باتوجه به اهمیت خانواده و خلأ قانونی نسبت به آن، در بعضی از سیستم‌ها تلاش شده است که از خانواده حمایت شود. برای مثال در ماده ۷ منشور حقوق اساسی اروپایی<sup>۲</sup> مقرر شده است: «هرکس حق دارد به زندگی خصوصی و خانوادگی، خانه و معاشرت خود احترام بگذارد». در بند ۱ ماده ۳۳ این منشور آمده است:

1. Matrimonial Causes Act
2. Klein, M., & Thérèse, M.
3. EU Charter of Fundamental Rights

«خانواده باید از حمایت قانونی، اقتصادی و اجتماعی برخوردار باشد». این ماده به تعبیر برخی، اولین نص مستقیم از نقش اتحادیه اروپا در مورد خانواده است که به طور خاص بر خانواده به عنوان واحدی تمرکز کرده که باید در نوع خود حمایت شود نه اینکه برای تحقق اهداف دیگر مورد استفاده قرار گیرد (مک‌گیان، ۲۰۰۳).

به اقتضای اصل ساختارنگری در خانواده، تعدیل اختیارات و آزادی اعضا برای تحکیم خانواده ضروری است. از این رو، در صورت عدم تعدیل اختیارات اعضا با هدف حفظ ساختار خانواده، نهاد خانواده متزلزل تر شده که عوامل زیادی در آن دخیل است. از عوامل مؤثر در تغییر ساختار خانواده جهانی شدن است. این موضوع امروزه به صورت واقعیتی مسلم و غیرقابل انکار در حال تکوین و تحقق است. همچنین فرآیندی غیرقابل اجتناب، واقعی و گریزناپذیر در بسیاری از شاخه‌های حقوقی است و با توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل به پیش می‌رود. (آخوندی و مجاهد، ۱۳۹۱) جهانی شدن پدیده‌ای است که در دوران کنونی بر تمام جنبه‌های زندگی انسان معاصر تأثیر گذاشته و تحولاتی را در آنها به وجود آورده است. تعامل حقوق خانواده و فرهنگ و توجهات جهانی و فراملی به خانواده به دلیل وجود دو گروه آسیب‌پذیر و مورد توجه جامعه جهانی یعنی، زنان و کودکان موجب می‌شود جهانی شدن بر حقوق خانواده سریع‌تر و بیشتر تأثیر بگذارد.

مقررات و سازمان‌های بین‌المللی باعث تسریع تحولات حقوق داخلی کشورها شده‌اند. از دیگر عوامل مؤثر بر ساختار خانواده جنبش فمینیسم است که در درجه اول خواهان اصلاح قوانین و ساختار سیاسی و اجتماعی است به گونه‌ای که هیچ‌گونه تفاوت حقوقی و قانونی میان مرد و زن نباشد. با گذشت زمان و منطبق با عقاید فمینیست‌ها، خانواده مکان اعمال ظلم و ستم به زنان تلقی و راهکارهای جنبش فمینیسم باعث تضعیف جایگاه خانواده شد که نتیجه آن، معضلات اجتماعی فراوان در ساختار اجتماعی است. دیدگاه فمینیسم بر مبنای تقویت موضع زن، بی‌التفات به حفظ ساختار خانواده و تحکیم آن است در حالی که باتوجه به اصل ساختارنگری به خانواده باید حقوق و تکالیف اعضا تعدیل یا تنظیم و به صورت یک کل در نظر گرفته شود. این امر میسر نمی‌شود مگر اینکه قوانین خانواده بر اساس اصل ساختارنگری تدوین و حقوق اعضا در قالب حفظ نهاد خانواده یعنی، یک کل و ساختار لحاظ شود.



حقوق و تکالیف متقابل اعضای خانواده باید طوری تنظیم شود که نسبت به اصل ساختار خانواده متوازن و متعادل باشد؛ زیرا مصلحت بلندمدت تمام اعضای خانواده در حفظ ساختار خانواده است. (آل اسحاق خویینی و باریکلو، ۱۴۰۱ هـ.ق) متأسفانه رویکرد قانون‌گذار در وضع برخی قوانین برخلاف اصل ساختارنگری به خانواده است؛ زیرا زوجین را در مقابل هم قرار می‌دهد و موجبات عدم استحکام خانواده را فراهم می‌کند. از نمونه‌های آن می‌توان به حق حبس زوجه اشاره کرد. قانون مدنی در ماده ۱۰۸۵ در مورد حق حبس زوجه می‌گوید: «زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد، امتناع کند مشروط بر اینکه مهر او حلال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود».

در فقه امامیه در این مورد دو نظر وجود دارد. مشهور فقهای امامیه برای زن و مرد به‌طور متقابل حق حبس قائل شده‌اند و معتقدند در صورت قید مهر، عقد نکاح نوعی معاوضه است و احکام معاوضات در آن جاری می‌شود که از جمله آن، حق متقابل زوجین در امتناع از تسلیم است. (عاملی جعی، ۱۴۱۳ هـ.ق) برخی فقها معتقدند: «وطی و مهر به منزله عوضین هستند و برای صاحب هر کدام حق امتناع وجود دارد تا دیگری به قبض دهد» (انصاری، ۱۴۱۵ هـ.ق؛ کرکی، ۱۴۱۴ هـ.ق؛ نجفی، ۱۴۰۴ هـ.ق؛ فاضل هندی اصفهانی، ۱۴۲۰ هـ.ق). در مقابل نظر مشهور، عده‌ای از فقها چنین حق حبسی را برای زوجین نفی کرده‌اند و زوجه را مکلف به تمکین می‌دانند هرچند زوج نیز ملزم به تأدیه مهر همسرش است. بنابراین، زوجین حق ندارند به بهانه اینکه طرف مقابل به تکلیف خود عمل نکرده است از عمل به وظیفه خود خودداری کنند (بحرانی، ۱۴۰۵ هـ.ق؛ خوانساری، ۱۳۵۵). بنابراین، قانون مدنی درباره نکاح تنها برای زوجه حق حبس پیش‌بینی کرده است، برخلاف بیع که برای بایع و مشتری به‌طور مشترک حق حبس پیش‌بینی کرده است (ماده ۳۷۷). باتوجه به قانون مدنی، حق حبس در مورد نکاح، مخصوص زوجه است و زوج چنین حقی ندارد. موضع قانون مدنی در این مورد با نظریات فقها منطبق نیست. همچنین معضل اصلی جاری شدن قواعد، معاملات معوض در نکاح است؛ زیرا نباید نکاح با سایر عقود معوض مقایسه شود، اما متأسفانه در این مورد خاص قواعد معاملات معوض در نکاح جریان یافته است در حالی که عدم رابطه علیت بین الزام مرد به دادن مهر و پیوند زناشویی امری مبرهن است. اینکه حق زن یعنی، حق حبس و حق مالکیت بر مهریه و...

بدون در نظر داشتن مصلحت خانواده در نظر گرفته شود، این امر مخالف اصل ساختارنگری به خانواده است. همچنین بذر کینه و کدورت را بین زوجین می افکند به گونه ای که زوجین در مقابل یکدیگر قرار گرفته و نوعی رقیب محسوب می شوند. در حالی که به طور قطع هدف قانون گذار از وضع مهریه، فروپاشی خانواده ها نبوده است. بنابراین، حذف مواد مربوط به حق حبس زوجه موافق با ماهیت اخلاقی روابط خانوادگی است. (حکمت نیا، ۱۳۸۸) علاوه بر این، حق حبس مخالف شئونات زن و ارزش ازدواج است؛ زیرا ازدواج را در حد یک قرارداد مالی تنزل می دهد (گرگی، ۱۳۸۴). بنابراین موضع قانون گذار در وضع قوانین مهریه صحیح نیست و قوانین موجود باید با تعدیل حق حبس، مصلحت کل خانواده را در نظر بگیرد و زوجین را در مقابل هم قرار ندهد و موجبات قوام نهاد خانواده را مهیا کند (آل اسحق خویینی، ۱۳۹۵).

## ۲-۲-۲. قواعد عام مشترک مذاهب اسلامی

دومین اصل اساسی نظریه حقوق واحد خانواده، قواعد مشترک مذاهب اسلامی است؛ یعنی باید به جای تکیه بر مقررات اختلافی مذاهب متعدد، مقررات مشترک و اتفاقی مورد توجه و تمرکز قرار گیرد؛ زیرا احکام مشترک مذاهب به طور قطع صحیح تر از موارد اختلافی است که احتمال لغزش و خطای بیشتری دارند. همچنین با توجه به دستورات اسلام به لزوم تحمل، بردباری، گذشت و همکاری که نقش مهمی در خانواده دارد و نیز مسلمان بودن بیشتر جوامع اسلامی نمی توان بدون احکام اسلامی، خانواده را حفظ و از آن حمایت کرد. بنابراین، با اداره خانواده از راه تنظیم اصول کلی در پرتو اتکا بر قواعد عام مشترک مذاهب اسلامی، این مشترکات برای تقویت نهاد خانواده عمل می کند و موارد اختلافی نیز در بسیاری از موارد قابل اغماض می شود، البته این امر به معنی تحمیل عقاید یک مذهب در چهارچوب قانون بر سایر مذاهب نیست، بلکه مراد تصویب قانونی است که در آن مسائل مشترک و مورد اتفاقی که فرق فقهی مختلف اسلامی آن را قبول دارند مبنای تقنین واقع شوند تا بر این اساس زمینه تصویب پیش نویس قانون واحد خانواده مقرر شود.

(حبیبی تبار و قیاسی، ۱۳۹۷)

بنابراین، یکی از راه های نیل به حقوق واحد خانواده، عنصر مشترک میان ادیان مختلف است که به منزله جنس مشترک آنها تلقی و تخلف از آن سبب دوری از مقصد

می‌شود. برای مثال تمام مذاهب، نهاد ولایت بر ازدواج را به رسمیت می‌شناسند، اما در مورد قلمرو اختیارت ولی، اختلاف نظر وجود دارد. مشهور فقهای متقدم و متأخر اعتقاد به انتفای ولایت پدر و جد پدری نسبت به باکره رشیده و استقلال او در ازدواج دارند. (نجفی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۱۷۵/۲۹؛ طباطبایی، ۱۴۲۰ هـ.ق، ۹۵/۱۰؛ مرتضی، ۱۴۱۵ هـ.ق) برخی از فقهای ولایت بر باکره رشیده را ظلم می‌دانند و می‌گویند: «مجبور ساختن بالغ کامل در چیزی که مکروه می‌دارد، ظلم است» (نجفی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۱۷۹/۲۹). برخی دیگر از فقهای تصریح کرده‌اند: «امر نکاح باکره رشیده به دست ولی است و خود او نقشی ندارد» (طباطبایی، ۱۴۲۰ هـ.ق، ۱۰۱/۲؛ بحرانی، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۲۱۱/۲۳). برخی فقهای نیز تشریح را پذیرفته‌اند؛ یعنی نکاح باکره رشیده، منوط به رضایت او و ولی است و هیچ‌یک به طور مستقل نمی‌توانند عقدی را اعمال کنند (ابوالصلاح حلبی، ۱۳۶۲؛ مفید، ۱۴۱۰ هـ.ق؛ خوبی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۲۶۴/۲). ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی، نکاح دختر باکره را اگرچه به سن بلوغ رسیده باشد موقوف به اجازه پدر یا جد پدری او کرده است. براساس این ماده اگر دختر بالغه باکره بدون اذن پدر یا جد پدری و بدون تشریفات قانونی اقدام به ازدواج کند، نکاحش غیرنافذ است. (امامی، ۱۳۶۶، ۲۸۵/۴؛ محقق داماد، ۱۳۹۳) برخی معتقدند که حکم این ماده جنبه تکلیفی دارد و تخطی از آن سبب بطلان عقد نمی‌شود (مهرپور، ۱۳۷۹). براساس موارد مذکور در مورد حیطه اختیارت ولی (نه اصل ولایت) بین فقهای و حقوق دانان اختلاف است. در این مورد اصل ولایت در ازدواج، اصل راهنما و مورد اتفاق و مشترک در تمام مذاهب اسلامی است که مورد توجه و تمرکز قرار می‌گیرد. موارد اختلافی مذاهب که احتمال خطا در آن بیشتر است مورد اغماض قرار می‌گیرد تا بدین ترتیب از خانواده حمایت و اسباب استحکام آن در چارچوب مقررات مشترک مذاهب اسلامی به صورت مطلوب‌تری تأمین شود.

### ۲-۳. رعایت عدالت و احسان

خانواده نهادی است که برای بقا به دو اصل عدل و احسان نیاز دارد؛ زیرا عدالت خواسته اصلی بشریت در طول تاریخ بوده و خواهد بود. بنابراین، نهادی دوام و پایداری دارد که برپایه عدالت باشد. عدل از نظر لغوی برابری دو چیز است (طریحی، ۱۳۸۷) و عدالت نیز لفظی است که مساوات (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳)، میانه‌روی و اجتناب از افراط و تفریط در هر امری را اقتضا می‌کند. برخی (ر.ک.، طریحی، ۱۳۸۷) عدالت را به قراردادن هر چیزی در جایگاه خودش

تعریف کرده‌اند. مراد از اصل عدالت، ایفای نقش هریک از اعضای خانواده برای تحکیم از راه همکاری هر عضوی در رعایت حقوق سایر اعضاست. خانواده محلی برای زندگی اعضاست که بدون احسان و گذشت، قابل دوام نیست و به صرف دادخواهی و دادرسی مستحکم نمی‌شود.

بقا و تحکیم خانواده مستلزم همکاری اعضا باهم در پرتو دو قاعده عدل و احسان است. همان‌گونه که در آیه ۹۰ سوره نحل این دو قاعده در کنار هم قرار گرفته است تأثیر احسان در استحکام خانواده بیشتر از عدل می‌باشد؛ زیرا در روابط خانوادگی احسان بالاتر از عدالت است. در اعمال عدالت، حق ذیحق به او داده می‌شود، ولی در احسان بیشتر از حق به او داده می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳). بنابراین، برخی دستور این آیه به عدالت و احسان را حمل بر وجوب عدالت، استحباب و احسان می‌کنند (راوندی، ۱۴۰۵ ه.ق، ۲/۲۱۰). برخی دیگر معتقدند: «منظور از احسان در این آیه احسان واجبی است که مشمول کارهای خوب حیاتی است. بنابراین، عدل در این آیه در برابر ظلم است و امر به کارهای خوب حیاتی که باید انجام شود، می‌نماید». در آیه ۲۳ سوره اسراء مقصود از احسان که با تعابیر «قضی» و در ردیف عبادت الله آمده است، احسان استحبابی نیست (شیری زنجانی، ۱۴۱۹ ه.ق، ۲۵/۷۵).

نگرش و قرائتی از عدالت، مناسب نهاد خانواده است که مبتنی بر حرمت حق نه حق خواهی و مطالبه‌گری، بلکه حق‌دهی و مسئولیت‌پذیری باشد تا در کنار آن، قاعده احسان نیز اعمال شود. بنابراین، حقوق هر عضوی از سوی اعضای دیگر باید محترم شمرده و اجرایی شود. متأسفانه در حقوق موضوعه کشورهای اسلامی به این دو اصل مهم توجه نشده است. برای مثال در حقوق ایران فقط به چند وظیفه مانند تأمین نفقه و مهریه که برعهده زوج و تمکین که برعهده زوجة نهاده شده، توجه شده است و در مورد سایر وظایف، نص قانونی وجود ندارد. از این رو، باتوجه به موارد مذکور ضرورت ترسیم نظام منسجمی از حقوق و تکالیف در روابط زوجین با ابتنای بر اصل عدالت، امری انکارناپذیر است. اصل عدالت در حقوق خانواده اهمیت زیادی دارد؛ زیرا ریشه بسیاری از مشاجرات خانوادگی از توقعات غیرقانونی زوجین از یکدیگر نشأت می‌گیرد که در صورت رعایت عدالت و تناسب در حقوق و تکالیف مانع بسیاری از کشمکش‌ها در خانواده می‌شود. همین امر

در نهایت اسباب رضایتمندی زوجین را فراهم می‌کند. بنابراین، حقوق واحد خانواده در پرتو اصل عدالت و احسان می‌تواند هریک از اعضا را به وظایف، تعهدات و مسئولیت‌های خود برای پیشگیری از بروز اختلافات وادار کند تا در تشدید و ارتقای بنیان خانواده ایفای نقش کنند.

### ۳. بحث و نتیجه‌گیری

با وجود پذیرش اهمیت بی‌نظیر خانواده در سطح ملی و جهانی، حمایت‌چندانی از آن نشده است و مقرراتی که با عبارت خانواده وضع شده است بیشتر در برای حل و فصل اختلافات زناشویی است. تأثیر گرفته و در راستای حل و فصل اختلافات زناشویی است. هرچند در گذشته، عرف و آداب و رسوم محلی و قبیله‌ای در سطح محلی به طور نسبی از خانواده حمایت می‌کرد، اما با توجه به تنوع قومیتی و مذهبی و تأثیر آن بر روابط خانوادگی موجب اختلاف مقررات در سطح ملی و سیستم قضایی می‌شد. با روند جهانی شدن و تضعیف آداب و رسوم محلی، همان حمایت در سطح محلی نیز منتفی به انتفای موضوع شد و خانواده موضوعی است فاقد مقررات حمایتی. براین اساس، پژوهش حاضر نظریه حقوق واحد خانواده، با اهداف توجیهی تحکیم خانواده، هدفمند شدن مدیریت آن، حمایت از زنان و کودکان و با اصول زیربنایی ساختارنگری به خانواده، قواعد عام مشترک مذاهب اسلامی و رعایت عدالت و احسان را بررسی نمود تا بنیان و اساس حقوق خانواده در حقوق موضوعه به‌ویژه محاکم قضایی مورد توجه قرار گیرد.

ضروری است حقوق و تکالیف اعضای خانواده به صورت یک کل در نظر گرفته شود. امروزه، دیدگاه نظام‌های حقوقی به خانواده متعارض با اصل ساختارنگری و حمایت‌کننده از فرد بوده است. براین اساس، چون تکثر مقررات موجب تشتت در نظر و تبعیض در عمل می‌شود، وحدت‌سازی قوانین باید مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا توازن حقوق واحد می‌تواند موجب تحکیم خانواده شود. در زمینه خانواده، قانون‌گذار باید در اصلاحات و نوآوری‌های خود باید همواره به تثبیت و تحکیم خانواده توجه کند و به منافع هریک از اعضای خانواده را در نظر داشته باشد، اما آنچه در درجه اول اهمیت قرار دارد نفع خانواده در قالب

نهاد و واحد اجتماعی است که استحکام و حمایت از آن باید بیش از هر چیز مورد نظر باشد. باتوجه به اینکه در فرآیند یکسان‌سازی قوانین و مقررات حقوق خانواده، قوانین ناهمگون وجود دارد برای نیل به حقوق واحد خانواده باید براساس احکام مشترک از خانواده حمایت کرد و برای هر موضوع عناصر مشترکی ذکر نمود که این امر سبب محدود کردن مجوزهای انحلال نکاح، بنا کردن آن بر مبنای اصول مشترک و رعایت غبطه اعضای خانواده می‌شود که گامی مؤثر در یکسان‌سازی حقوق خانواده است. حقوق واحد خانواده در پرتو اصل عدالت و احسان می‌تواند هریک از اعضا را به وظایف، تعهدات و مسئولیت‌های خود برای پیشگیری از بروز اختلافات و ادار کند تا در تشدید و ارتقای بنیان خانواده ایفای نقش کنند. از این رو، اصل عدالت به صورت قاعده‌ای کلی در حقوق خانواده اهمیت زیادی دارد؛ زیرا ریشه بسیاری از مشاجرات خانوادگی از توقعات غیرعادلانه زوجین از یکدیگر نشأت می‌گیرد. متأسفانه یکی از تبعات تعدد قواعد در حوزه حقوق خانواده عدم تحقق عدالت در خانواده و نیز در رویه قضایی و محاکم است که نشانگر کاستی‌ها در قانون‌گذاری است. اگر قانون‌گذاران به جای وضع قواعد متعدد در حوزه حقوق خانواده به وضع قوانین واحد روی آورند و یگانگی و اتحاد در حوزه خانواده و رویه قضایی را مراعات کنند، بی‌عدالتی در خانواده‌ها و محاکم کمتر می‌شود.

قوانین ایران در مورد تمام حقوق و وظایف زن و شوهر در خانواده به‌طور شفاف سخن نگفته‌اند و فقط به وظایف مرد در برابر زن تأکید کرده‌اند. در ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی درباره وظیفه زن به اطاعت در وظایف زوجیت تصریح شده بدون آنکه معلوم شود اطاعت به امور زوجیت شامل چه مصادیقی است. در نتیجه، قانون‌گذار با کلی‌گویی در برخی موارد به تضعیف نهاد خانواده دامن زده که این امر منافی حمایت از نهاد خانواده است. از این رو، با ایجاد و تصویب قانون واحد در خانواده که به‌طور شفاف، وظایف و تعهدات اعضا را با ابتنای اصل عدالت مشخص می‌کند، می‌توان قانون جامعی برای حمایت از نهاد خانواده تدوین کرد تا وظایف اعضا شفاف‌سازی و برای استحکام خانواده تدوین شود؛ زیرا هرچه حقوق و تعهدات زوجین به‌طور شفاف‌تری تقنین شود به‌گونه‌ای که طرفین وقوف و احاطه کامل به آن داشته باشند، زمینه قوام خانواده و عدم تضرر طرفین مهیاتر و اسباب فروپاشی

خانواده کمتر می شود.

برای نیل به دست یابی به حقوق واحد خانواده نکات ذیل پیشنهاد می شود:

- تصویب قانون واحد خانواده در قالب قانون جامع حاکم بر نهاد خانواده برای جلوگیری از تعدد قواعد حاکم بر نهاد خانواده (که از آسیب های مبتلابه نظام قانون گذاری است)؛ زیرا قواعد متعدد از طرفی موجب تشتت و اختلاف و از طرف دیگر موجب عدم احساس عدالت در مردم و افزایش سرعت انحلال و زوال خانواده می شود.
- ایجاد و تقویت وحدت رویه قضایی از راه رفع ابهام و اجمال و تعدد قوانین و نظرات فقها که سبب سردرگمی قضات و در نهایت تشتت آرای قضایی می شود.
- تکوین قوانین خانواده با تمرکز بر مقررات مشترک مذاهب متعدد؛ زیرا با اداره خانواده از راه تنظیم اصول کلی در پرتو اتکا بر قواعد عام مشترک مذاهب اسلامی، این مشترکات برای تقویت نهاد خانواده عمل می کند و موارد اختلافی نیز در بسیاری از موارد قابل اغماض می شود.
- اعمال نگرش ساختاری به خانواده و تقویت رویکرد خانواده محوری که منطبق بر اصل استحکام و برای حمایت از خانواده است تا بدین ترتیب مقننین از اعمال رویکرد فردگرایانه در فرایند تصویب قوانین امتناع نموده و تعهدات، تکالیف و حقوق همه اعضا را به طور کلی ملحوظ کنند نه اینکه فقط حقوق و منافع مرد یا زن یا فرزند را در نظر بگیرند.
- اصلاح و بازنگری قوانین خانواده با رویکرد پیشگیری از انحلال آن و عدم تصویب قوانینی که باعث سست شدن بنیان خانواده و تسهیل امر طلاق می شود و مغایر با استحکام خانواده است، مانند شرط وکالت زوجه در طلاق و طلاق قضایی و... که زمینه گسست کانون خانواده و متلاشی شدن آن را مهیا می کند.
- پیشنهاد می شود به جای آسان کردن انحلال نکاح برای حمایت از زوجه، بر مسئولیت های دولت برای رفع منشأ ضرر و حرج افزوده شود تا از این راه اقدام مؤثری برای طلاق زدایی صورت گیرد.

## فهرست منابع

- \* قرآن کریم (۱۳۹۶). مترجم: انصاریان، حسین. تهران: سازمان دارالقرآن کریم.
۱. ابن بابویه قمی، محمد بن علی (۱۴۱۳ ه.ق). *علل الشرائع والاحکام*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
  ۲. ابوالصلاح حلبی، تقی بن نجم (۱۳۶۲). *الکافی فی الفقه*. قم: بوستان کتاب.
  ۳. اردبیلی، احمد بن محمد (۱۹۹۳). *زیده البیان فی احکام القرآن*. تهران: المکتبه الجعفریه لاحیاء الآثار الجعفریه.
  ۴. اسکندری، عبدالکریم (۱۳۸۹). *بزه‌دییگی زنان در افغانستان: ریشه‌ها و راهکارها*. مجموعه مقالات همایش زنان در افغانستان؛ فرصت‌ها، چالش‌ها و راهکارها. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
  ۵. اصفهانی، محمد حسین (۱۴۱۹ ه.ق). *حاشیه کتاب المکاسب*. قم: انوارالهدی.
  ۶. امامی، حسن (۱۳۶۶). *حقوق مدنی*. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
  ۷. انصاری، قدرت‌الله (۱۳۹۱). *احکام و حقوق کودکان در اسلام*. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
  ۸. انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ ه.ق). *کتاب النکاح*. قم: المؤتمر العالمی.
  ۹. آخوندی، محمود. و جاهد، محمدعلی (۱۳۹۱). *حقوق جهانی، از تئوری تا عمل با تأکید بر جهانی شدن حقوق بشر*. نشریه پژوهش حقوق عمومی، ۱۴ (۳۶): ۱-۲۶.
  ۱۰. آل اسحاق خویی، زهرا. و باریکلو، علیرضا (۱۴۰۱ ه.ق). *حل تعارضات حقوقی زنان در خانواده در بستر اصل تحکیم*. نشریه علمی فقه و حقوق خانواده، ۷۶ (۲۷): ۱۴۵-۱۶۸.
  ۱۱. آل اسحاق خویی، زهرا (۱۳۹۵). *اصل تحکیم خانواده، مبانی و کارکردهای آن در حقوق ایران*. رساله دکتری دانشگاه تهران. پردیس فارابی.
  ۱۲. بازگیر، یدالله (۱۳۷۹). *علل نقض آرای محاکم در موضوعات احوال شخصیه و مدنی در دیوان عالی کشور*. تهران: دانش نگار.
  ۱۳. بحرانی، محمد سند (۱۴۲۸ ه.ق). *فقه المصارف والنقود*. قم: مکتبه فذک.
  ۱۴. بحرانی، الشیخ یوسف (۱۴۰۵ ه.ق). *الحدائق الناضره فی احکام العترة الطاهره*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
  ۱۵. بستان، حسین. و بختیاری، محمد عزیز. و شرف‌الدین، سیدحسین (۱۳۹۰). *اسلام و جامعه‌شناسی خانواده*. تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
  ۱۶. بهنام، جمشید. و راسخ، شاپور (۱۳۴۸). *مقدمه بر جامعه‌شناسی ایران*. تهران: انتشارات خوارزمی.
  ۱۷. بیگدلی، عطاءالله (۱۳۹۴). *حاکمیت اراده در فقه امامیه، نظام رومی ژرمنی و حقوق ایران درآمدی مبنایی فلسفی*. نشریه حقوق اسلامی، ۱۴ (۱۶): ۱۲۵-۱۵۰.
  ۱۸. تمیمی مغربی، نعمان بن محمد (۱۳۸۵). *دعائم الاسلام*. قم: مؤسسه آل‌البتیت علیه‌السلام.
  ۱۹. جبلی عاملی، علی بن حسین (۱۴۱۴ ه.ق). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*. قم: انتشارات آل‌البتیت علیه‌السلام.
  ۲۰. جزائری، محمدجعفر (۱۴۱۶ ه.ق). *نظرة فی الحقوق، احکامها و اقسامها*. قم: مؤسسه دارالکتاب.
  ۲۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶). *حقوق خانواده*. تهران: کتابخانه گنج دانش.
  ۲۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۶). *ترمیم‌ولوژی حقوق*. تهران: گنج دانش.
  ۲۳. حبیبی تبار، جواد. و قیاسی، سیامک (۱۳۹۷). *ظرفیت‌های فقه و حقوق خانواده در همگرایی حقوقی جهان اسلام*. نشریه مطالعات فقهی حقوقی زن و خانواده، ۱۶ (۴۱): ۹-۳۸.
  ۲۴. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ه.ق). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل‌البتیت علیه‌السلام.
  ۲۵. حسینی شیرازی، محمد (۱۴۲۶ ه.ق). *الفقه*. بیروت: دارالعلوم.
  ۲۶. حکمت‌نیا، محمود (۱۳۸۸). *فلسفه حقوق خانواده*. تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
  ۲۷. حکمت‌نیا، محمود (۱۳۹۰). *حقوق زن و خانواده*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
  ۲۸. حنایی، خلیل‌الرحمان (۱۳۸۶). *زن افغان از موقعیت شرعی تا واقعیت اجتماعی*. کابل: احمد کابل.
  ۲۹. خاموشی، مهدی. و ملیحی، حمیدرضا (۱۳۹۶). *نگرش آیات و روایات به اصل حاکمیت اراده در اعمال حقوقی*. نشریه پژوهش دینی، ۳۴ (۱۶): ۸۳-۹۶.
  ۳۰. خوانساری، احمد (۱۳۵۵). *جامع المدارک فی شرح المختصر النافع*. تهران: مکتبه الصدوق.
  ۳۱. خوبی، ابوالقاسم (۱۴۰۴ ه.ق). *المستند فی شرح العروه الوثقی*. نجف: مطبعة الآداب.
  ۳۲. خوبی، ابوالقاسم (۱۴۲۰ ه.ق). *مصباح الفقاهه*. قم: نشر الفقاهه.
  ۳۳. دادمرزی، مهدی (۱۳۸۳). *بررسی انتقادی طرحی جهانی پیرامون حقوق خانواده در اسلام*. نشریه فقه و حقوق، ۱ (۱): ۱۸۷-۲۰۲.



۳۴. الراغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۳)، *مفردات الفاظ القرآن*، قم: ذوی القربی.
۳۵. راوندی، قطب‌الدین ابوالحسن (۱۴۰۵ ه.ق)، *فقه القرآن*، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۳۶. رضوی فرد، بهزاد، مرادقلی، حسین، و زرغامی، سیروس (۱۳۹۵)، بررسی آثار ترمیمی اجرای مراسم خون صلح مطالعه موردی در استان کرمانشاه. *نشریه حقوقی دادگستری*، ۸۰ (۹۴)، ۲۲۹-۲۴۷.
۳۷. بررسی تحولات ازدواج و طلاق از منظر جمعیت‌شناختی، ۱۳۹۶/۱۱/۳، روزنامه شرق. مشاهده شده در وبسایت <https://www.magiran.com/article>
۳۸. زمخشری، محمد بن عمر (۱۴۱۵ ه.ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳۹. سادات، محمدعلی (۱۳۸۱)، *راهنمای همسران جوان*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۴۰. سبحانی، جعفر (۱۳۷۴)، *نظام النکاح فی الشریعه الاسلامیه الغراء*، قم: مؤسسه الامام الصادق علیه السلام.
۴۱. سوار، محمد وجدالدین (۱۹۶۶)، *شرح القانون المدنی*، دمشق: منشورات جامعه دمشق.
۴۲. سیفی مازندرانی، علی اکبر (۱۴۲۹ ه.ق)، *دلیل تحریر الوسیله احکام الأسرة*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۴۳. شبیری زنجانی، موسی (۱۴۱۹ ه.ق)، *کتاب نکاح*، قم: مؤسسه پژوهشی رأی پرداز.
۴۴. صدر، محمد (۱۴۲۰ ه.ق)، *ماوراء الفقه*، بیروت: دارالاضواء للطباعة و النشر و التوزیع.
۴۵. ضمیری، محمد رضا (۱۳۸۳)، دختران و ازدواج تحمیلی، *نشریه شورای فرهنگی-اجتماعی زنان*، ۲۴ (۷)، ۱-۳۷.
۴۶. طاهری، قدرت‌الله (۱۳۸۴)، *بست مدرنیسم و شعر معاصر ایران*، نشریه پژوهش‌های ادبی، ۲۹، ۸-۵۰.
۴۷. طباطبایی، سیدمحمد حسین (۱۴۰۲ ه.ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۸. طباطبایی یزدی، محمدکاظم (۱۳۷۰)، *حاشیه المکاسب*، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۴۹. طباطبایی، سیدعلی (۱۴۲۰ ه.ق)، *ریاض المسائل فی بیان احکام الشرع بالادلة*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۵۰. طریحی، فخرالدین (۱۳۸۷)، *مجمع البحرین*، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۵۱. عاملی جبعی، زین‌الدین علی بن احمد (۱۴۱۳ ه.ق)، *مسالك الافهام فی شرح الشرايع الاسلام*، قم: مؤسسه المعارف الاسلامی.
۵۲. عاملی جبعی، زین‌الدین علی بن احمد (۱۳۹۵)، *شرح المعه*، تهران: دارالعلم.
۵۳. غدیری، عبدالله، و ابراهیم، عیسی (۱۴۱۸ ه.ق)، *ال قاموس الجامع للمصطلحات الفقهيّه*، بیروت: دارالرسول الاکرم (ص).
۵۴. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۵ ه.ق)، *تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله*، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
۵۵. فاضل هندی اصفهانی، محمد بن حسن (۱۴۲۰ ه.ق)، *کشف اللثام و الایهام عن قواعد الاحکام*، قم: انتشارات اسلامی.
۵۶. فضل‌الله، سیدمحمد حسین (۱۴۲۰ ه.ق)، *دنیا المراه*، بیروت: دارالملاک.
۵۷. فضل‌الله، محمد حسین (۱۴۲۱ ه.ق)، *تأملات اسلامیه حول المراه*، بیروت: دارالملاک.
۵۸. قربان‌نیا، ناصر (۱۳۸۴)، *بازپژوهی حقوق زن*، تهران: روز نو.
۵۹. کاتوزیان، امیرناصر (۱۳۹۱)، *اعمال حقوقی*، تهران: سهامی انتشار.
۶۰. کاشف الغطا، محمد حسین (۱۳۵۹)، *تحریر المجله*، نجف: المکتبه المرتضویه.
۶۱. محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴ ه.ق)، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، قم: مؤسسه آل‌البيت علیهم السلام.
۶۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ ه.ق)، *الکافی*، قم: دارالحدیث للطباعة و النشر.
۶۳. گرجی، ابوالقاسم (۱۳۸۴)، *بررسی تطبیقی حقوق خانواده*، تهران: دانشگاه تهران.
۶۴. گلیایگانی، محمد رضا (۱۴۱۳ ه.ق)، *العروه الوثقی*، قم: مدرسه الامام علی بن ابی‌طالب.
۶۵. لطفی، اسدالله (۱۳۸۹)، *حقوق خانواده*، تهران: خرسندی.
۶۶. مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی (۱۴۰۶ ه.ق)، *روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه*، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانیو.
۶۷. محقق داماد، مصطفی (۱۳۹۳)، *بررسی فقهی حقوق خانواده، نکاح و انحلال آن*، قم: مرکز نشر علوم اسلامی.
۶۸. محقق حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸ ه.ق)، *شرايع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، قم: اسماعیلیان.
۶۹. مرتضی، علی بن حسین (۱۴۱۵ ه.ق)، *الانتصار*، قم: منشورات الشریف الرضی.
۷۰. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۰ ه.ق)، *المقنعه*، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۷۱. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۳۱۴)، *مجمع الفایده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۷۲. مکی‌العاملی، شمس‌الدین محمد (۱۳۹۳). *مباحث حقوقی اللمعه‌الدمشقیه*. تهران: مجد.  
۷۳. منتظری، حسین علی (۱۴۰۸ ه.ق). *دراسات فی ولایه‌الفقیهه و فقیه‌الدوله‌الاسلامیه*. قم: مرکز‌العالمی للدراسات الاسلامیه.

۷۴. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۹۲). *تحریر‌الوسیله*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.

۷۵. موسوی بجنوردی، حسن (۱۴۱۹ ه.ق). *القواعد‌الفقهیه*. قم: نشر‌الهادی.

۷۶. مهدوی کنی، صدیقه (۱۳۹۲). *اصول حاکم بر روابط اعضای خانواده در نظام معرفتی اسلام*. نشریه علمی-ترویجی فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، ۵۸(۱۸)، ۲۵۳-۲۸۵.

۷۷. مهرپور، حسین (۱۳۷۹). *مباحثی از حقوق زن*. تهران: اطلاعات.

۷۸. میرزای قمی، ابوالقاسم (۱۴۲۷ ه.ق). *عنائم‌الایام*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

۷۹. میهن خواه، سودابه (۱۳۹۲). *تأثیر حقوق بنیادین بر حقوق خصوصی*. کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید باهنر کرمان.

۸۰. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ ه.ق). *جواهر‌الکلام*. قم: جامعه مدرسین.

۸۱. نراقی، مولی احمد (۱۴۱۷ ه.ق). *عوائد‌الایام فی بیان قواعد الاحکام*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

۸۲. هدایت‌نیا، فرج‌الله (۱۳۹۷). *چالش‌های خانواده‌محوری در فقه و نظام قانون‌گذاری ایران*. نشریه علمی-ترویجی دین و قانون، ۲۰(۶)، ۶۶-۸۴.

83. Klein, M., & Thérèse, M. (2003). *Towards a European Civil Code on Family Law? Ends and Means. Perspectives for the Unification and Harmonisation of Family Law in Europe*. New York: Intersentia.
84. McGlynn, C. (2003). *Challenging the European Harmonisation of Family Law: Perspectives on The Family. Perspectives for the Unification and Harmonisation of Family Law in Europe*. New York: Intersentia.



## بررسی فقهی نکاح موقت طفل ازسوی ولی قهری با قصد ایجاد محرمیت

زهراراستی<sup>۱</sup>، محسن ملک افضلی<sup>۲</sup>

### چکیده

از جلوه‌های ولایت ولی بر طفل، اجرای صیغه نکاح بر اوست. این نکاح گاهی با اجل کوتاه و فقط برای محرمیت فرد ثالث با یکی از زوجین واقع می‌شود. باتوجه به فقدان قصد ولی به وقوع زوجیت بین متعاقدين و نیز عدم امکان تمتع از طفل و همچنین لحاظ نظریه اشتراط مصلحت، عقد موقت طفل با چالش‌هایی مواجه است که برخی از آن عبارتند از: آیا چنین نکاحی به لحاظ عدم قصد وقوع زوجیت بین طفل و طرف دیگر، صحیح به‌شمارمی‌آید؟ آیا بالحاظ غرض استمتاع از عقد موقت و عدم قابلیت طفل نسبت به آن، وقوع عقد موقت بر طفل با اجل محدود صحیح است؟ در فرض مثبت بودن پاسخ‌ها، آیا بهانه محرمیت فرد ثالث و یکی از متعاقدين، می‌تواند مصلحت را تأمین نماید؟ دراین شرط، مصلحت نسبت به چه کسی اراده شده است، طفل یا خانواده او؟ باتوجه به طفل بودن یکی از زوجین یا هردو، مصلحت چه معیاری دارد و مرجع تشخیص مصلحت چه کسی است؟ براین اساس، پژوهش حاضر باهدف بررسی صحت یا فساد نکاح طفل با قصد محرمیت شخص ثالث و یکی از طرفین نکاح و پاسخ به چالش‌های آن به‌شیوه تحلیلی - اسنادی انجام شد. اطلاعات پژوهش با تتبع در منابع، ادله و آراء فقهای امامیه جمع‌آوری و تحلیل گردید. نتایج نشان داد که از نظر فقدان قصد زوجیت و نیز بنابر نظر آن دسته از فقها که ذات عقد موقت را فقط تمتع می‌دانند، صحت این عقد دچار مشکل است. در مورد مصلحت و توابع آن، حکمت ولایت، سیره عقلا و متشرعه و ادله نقلی موجود، دال بر محوریت مولی علیه و تمرکز بر حفظ غبطه اوست و ولی، با در نظرگرفتن شرایط کودک، متولی تشخیص آن است. رعایت مصلحت کودک در عقد نکاحی که با این هدف اجرا می‌شود همواره با چالش‌های مهمی روبروست، درحالی‌که صحت عقد منوط به مصلحت کودک است. **واژگان کلیدی:** نکاح موقت، نکاح طفل، محرمیت، نکاح به قصد محرمیت، مصلحت طفل.

Doi: 10.22034/ijwf.2023.14213.1997

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۲/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۷  
۱. دانش‌پژوه دکتری فقه خانواده، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. / عضو هیئت علمی گروه فقه، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

Email: Zahra.rasti@isu.ac.ir ORCID ID: 000900003419231

۲. استاد فقه و مبانی حقوق اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Mohsen\_MalekafzaliArdakani@miu.ac.ir ORCID ID: 0000-0002-5870-0427



یکی از جلوه‌های سرپرستی و ولایت ولی قهری بر کودک، اعمال ولایت وی در امر وقوع نکاح بر طفل است. نکاح بر طفل گاهی با هدف ایجاد محرمیت بین یکی از متعاقدين با فرد ثالث است که به صورت عقد موقت و با تعیین اجلی کوتاه واقع می‌شود. در فقه اسلامی، سه راه برای حصول محرمیت بیان شده که یکی از آنها مصاهره و علقه‌ای است که به سبب عقد نکاح بین متعاقدين و افراد دیگری از خانواده آن دو حاصل و موجب نشر حرمت می‌شود. (بحرانی، ۱۴۰۵ ه.ق، ۲۳/۴۱۰) این شیوه بین متدینین برای حل مشکل محرم و نامحرم در مواردی مانند فرزندخواندگی استفاده می‌شود. همچنین در جاهایی که نیاز به محرم بودن زن و مرد بیگانه است، ولی تمایلی به وقوع زوجیت بین آن دو وجود ندارد و یا برای زوجیت آن دو مانع وجود دارد از این روش بهره می‌برند. برای مثال، عقد موقتی بین دختر صغیره و مرد مورد نظر خوانده می‌شود و مادر این دختر با آن مرد محرم می‌شود (ام‌الزوجه) یا دختر صغیره به عقد مردی درمی‌آید و در نتیجه این صغیره با فرزند پسر آن مرد محرم می‌شود (معقوده‌الاب). مصداق دیگر آن است که زن یا دختر صغیره‌ای را به نکاح پسر صغیری درمی‌آورند تا زن یا دختر صغیره با پدر آن پسر محرم شود (معقوده‌الابن).

پژوهش حاضر به این سؤال پاسخ می‌دهد که با لحاظ عدم قابلیت صغیر و صغیره للاستمتاع و باتوجه به فقدان قصد زوجیت و تشکیل زندگی مشترک، آیا این عقد بر طفل واقع می‌شود؟ این مسئله اگرچه در پژوهش‌های دیگری نیز بررسی شده و از نظر پاسخ، نتیجه پژوهش حاضر با آنها مشابه است، ولی در شیوه ورود به بحث و استدلال و تحلیل ادله راه متفاوتی طی شده است. از سوی دیگر فقهای امامیه برای پیشگیری از سوءاستفاده اولیای کودکان و تزییع حقوق آنها ولایت بر نکاح طفل را مطلق نگذارده‌اند، ولی در اینکه این تفویض چگونه محدود شود با یکدیگر اختلاف نظر دارند. گروهی از آنها ولایت را مشروط به عدم مفسده و گروهی دیگر علاوه بر این شرط، ولایت را مشروط به وجود مصلحت می‌دانند. با لحاظ این نکته آیا شرط صحت چنین نکاحی که توسط ولی واقع می‌شود، وجود مصلحت است یا عدم مفسده. در صورت اشتراط مصلحت، این مصلحت نسبت به چه کسی اراده شده است؛ طفل یا خانواده او؟ آیا بهانه ایجاد محرمیت برای مادر یا پدر



طفل می تواند مصلحت مورد نظر را تأمین کند. باتوجه به طفل بودن احد الزوجین یا هردو، مصلحت چیست و چه معیاری دارد؟ مرجع تشخیص مصلحت چه کسی است؟ بررسی موضوع اشتراط مصلحت در این نکاح و توابع آن از نوآوری های پژوهش حاضر است. پژوهش حاضر با تحقیق در منابع و ادله فقهی به روش توصیفی-تحلیلی درصدد یافتن پاسخ به سؤال های فوق است. تأکید می شود در پژوهش حاضر نکاحی که باهدف ایجاد علقه زوجیت با طفل و تشکیل زندگی مشترک واقع می شود و گاه از آن به کودک همسری یاد می شود، اراده نشده است.

## ۲. چارچوب نظری پژوهش

ولایت از ماده ولی یلی در لغت به معنای قرب و دنو آمده است. ولایت به کسر واو، اسم است به معنای سلطان و به فتح واو، مصدر است به معنای نصرت و یاری کردن (ابن منظور، ۱۴۱۴هـ.ق، ۴۱۱/۱۵). با بررسی کلمات اهل لغت به دست می آید که ولایت، مشعر به قدرت، تدبیر و فعل (ابن منظور، ۱۴۱۴هـ.ق، ۴۱۱/۱۵) و به معنای تصدی شئون و تدبیر امور دیگری و تصرف در نفس یا مال او و یا تصرف در هردو است (زبیدی واسطی، ۱۴۱۴هـ.ق، ۳۱۱/۲۰؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴هـ.ق، ۳۷۹/۱۰؛ ابن فارس، ۱۴۰۴هـ.ق، ۱۴۱/۶؛ راغب، ۱۴۱۲هـ.ق؛ طریحی، ۱۴۱۶هـ.ق، ۴۵۵/۱). در اصطلاح فقها، ولایت در اختیار داشتن زمام امور شیء یا فرد است (اصفهانى، ۱۴۱۸هـ.ق، ۳۷۹/۲).

## ۲-۱. آرای فقها درباره صحت نکاح طفل باهدف ایجاد محرمیت

تردید نیست که اصل اولیه، عدم ولایت احدی بر دیگری است. انسان بنده خداست و آزاد آفریده شده و فقط زیر ولایت ذات اقدس الهی، انبیا و ائمه معصومین علیهم السلام قرار دارد مگر مواردی که با دلیل، ولایت در مورد فرد ثابت شود. فقها در کتب بیع، حجر، نکاح و... ولایت پدر و جد پدری بر تصرف در اموال طفل و نکاح صغیر و صغیره را در قالب ولایت قهری به اجماع و فی الجمله پذیرفته اند. (طوسی، ۱۴۰۰هـ.ق؛ طوسی، ۱۴۰۸هـ.ق؛ محقق حلی، ۱۴۰۸هـ.ق، ۲۷۶/۲؛ عاملی، ۱۴۱۳هـ.ق، ۱۱۶/۷؛ عاملی، ۱۴۱۴هـ.ق، ۹۲/۱۲؛ نجفی، بی تا، ۱۷۰/۲۹؛ انصاری، ۱۴۱۵هـ.ق؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۲۸هـ.ق، ۸۵۰/۲) این اتفاق نظر فقها بیش از هر چیز مستند به سیره عقلاست که مورد تأیید شارع مقدس است. استناد به سیره در کلمات فقها کمتر بیان شده است، ولی مؤیدات متعددی

از آیات و روایات نسبت به این سیره وجود دارد. «اصولاً مسئله ولایت پدر، بلکه جد از تأسیسات شرع نیست، بلکه امری عقلایی و ارتکاز فطری است. ولایت داشتن پدر سابقه دار است و تمدن بشریت یک نحوه ولایت و سرپرستی برای پدر نسبت به فرزند قائل بوده است» (زنجانی، ۱۴۱۹ هـ.ق، ۱۲/۴۱۸۶).

سیره مطرح شده مخصوص گروه و ملیت خاصی نیست و عقلا ولایت ولی قهری را بر جمیع شئون طفل و حفظ جان و مال او ثابت می‌دانند. می‌توان سیره متشرعه در این باره را دلیل دیگری بر این حکم دانست. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵ هـ.ق) براساس بررسی‌های انجام شده همان‌طور که در روایات معصومین علیهم‌السلام کلامی دال بر تأیید یا رد چنین عقدی وجود ندارد در لابه‌لای متون فقهی متقدمین هم به صورت مستقیم به آن اشاره نشده است، اگرچه در کتب برخی از فقها مانند محقق بحرانی، بهبهانی، نراقی و... در این باره سخن آمده است. در دو مقاله، این امر مورد تأملات فقهی قرار گرفته است؛ در مقاله بررسی صحت نکاح موقت به قصد ایجاد محرمیت با فرد ثالث (بنی‌هاشمی، ۱۳۹۹)، تمرکز بر وقوع نکاح بین دو فرد بزرگسال و محوریت بحث عقد صوری و حیل رباست. در مقاله ارزیابی انتقادی محرمیت مادرزن با نکاح صغیره (کیخا، موذنی، قاسمی، ۱۳۹۹)، تمرکز بر تحقیق در مورد این سؤال است که آیا نکاح دختر به طور مطلق، محرمیت مادر را به دنبال دارد یا این محرمیت مقید به رابطه زناشویی است؟ موضوع اصلی پژوهش حاضر صحت نکاح واقع شده بر طفل با انگیزه ایجاد محرمیت بین یکی از طرفین عقد و فرد ثالث است و بر غرض از نکاح موقت و نیز شرط مصلحت در تصرفات مربوط به طفل و مباحث پیرامون آن، بنابر فرض صحت این عقد تمرکز شده است.

بنابر تتبع نگارنده در این مسئله، مواضع فقها در سه رویکرد شناسایی شد: گروهی از فقها از متقدمین و متأخرین متعرض این بحث نشده و با سکوت از کنار آن گذشته‌اند؛ برخی از فقها به صحت چنین نکاحی نظر داده‌اند (بحرانی، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۲۵/۳۸۳؛ موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۲/۳۳۹؛ لنکرانی، ۱۴۲۲ هـ.ق)؛ و برخی دیگر از فقها با صحت چنین نکاحی مخالفت کرده‌اند. در این گروه کسانی هستند که چنین نکاحی را با قیودی مثل بلوغ دختر یا قابلیت استمتاع پذیرفته‌اند و یا به حکم احتیاط دارای بعضی از آثار دانسته‌اند (بهبهانی، بی‌تا؛ نراقی، ۱۴۲۲ هـ.ق، ۱/۹۸؛

نجفی، بی‌تا، ۳۰/۱۷۶؛ اصفهانی، ۱۴۲۲ هـ.ق؛ موسوی خویی، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۲/۲۷۴؛ زنجانی، ۱۴۱۹ هـ.ق، ۱۹/۶۱۷۴).



نتیجه بررسی نظر فقها: در اصل صحت و مشروعیت این نکاح سه مورد اساسی یعنی، وقوع نکاح موقت، قصد وقوع عقد و ولایت ولی بر صغیر و صغیره زیربنای این حکم است. فقها بر این امر متفق هستند که دلیل شرعی خاص درباره چنین نکاحی وجود ندارد و سیره متشرعه نیز در این باره گزارش نشده و ثابت شده نیست. این سخن به معنای ابطال و رد موضوع به طور کلی نیست، بلکه تأکید بر این است که شیوه اثبات صحت چنین نکاحی از همان مسیر یادشده خواهد بود. بنابراین، باید به مذاقه در معنا و شرایط زوجیت موقت و قصد عقد در حد ارتباط با این بحث همچنین شرایط و ضوابط ولایت ولی بر نفس، مال و شئون مولی علیه پرداخت. آنچه غالباً در مصادیق نکاح باهدف ایجاد محرمیت دیده می شود وقوع نکاح موقت بر اطفال صغیر در سنین اولیه عمر آنهاست.

## ۲-۲. مشروعیت نکاح طفل غیرقابل استمتاع

از بررسی روایات شریفه و سیره متشرعه در مورد نکاح طفل به دست می آید که هر جا سخن از ازدواج صغیر یا صغیره به میان آمده است نکاح دائم مراد است، ولی این ارتکاز که نکاح موقت طفل مشروع نیست و به تبع آن سیره متشرعه بر ترک آن قائم شده، قابل اثبات نیست. از این رو، نمی توان ادعای انصراف اطلاق ادله نکاح متعه به افراد بالغ یا قابل استمتاع را پذیرفت. در بحث از صحت نکاح موقت، نسبت به صغیره و طفل غیرقابل استمتاع باید مقتضای ذات عقد نکاح و غرض از عقد انقطاع مورد توجه قرار گیرد. آرای مختلفی در موضوع لوله واژه نکاح وجود دارد. برخی از اهل لغت این کلمه را به عقد تفسیر کرده اند. (ابن فارس، ۱۴۰۴ ه.ق، ۴۷۵/۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ه.ق، ۲/۶۲۵) برخی دیگر آن را به وطی معنا می کنند (جوهری، ۱۴۱۰ ه.ق، ۱/۴۱۳) و برخی هم نکاح را مشترک لفظی در عقد و وطی می دانند (فیومی، بی تا، ۲/۶۲۴؛ واسطی زبیدی، ۱۴۱۴ ه.ق، ۴/۲۴۰). صاحب جواهر در این باره می فرماید: «مشهور اهل لغت، کلمه نکاح را به معنای وطی می دانند همچنان که مشهور فقها عقد را معنای شرعی نکاح دانسته اند» (نجفی، بی تا، ۶/۲۹). در مورد استعمالات قرآنی این واژه نیز تتبع انجام شده نشان می دهد از ۲۳ مورد کاربرد این کلمه در قرآن به جز آیه ۲۳۰ سوره بقره دال بر حکم محلل، همه استعمالات در معنای عقد است (عاملی، ۱۴۱۳ ه.ق، ۷/۷).

با بررسی عبارات فقها چنین به دست می آید که گروهی از آنها قوام حقیقت نکاح و



مقتضای آن را به‌ویژه در نکاح منقطع، تمتع می‌دانند. (طوسی، ۱۳۸۷، ۴/۳۰۳؛ حلی، ۱۴۱۰هـ.ق، ۲/۵۸۹؛ غروی نایینی، ۱۳۷۳، ۲/۱۱۳) با این فرض، عقد انقطاع بر صغیره‌ای که قابل استمتاع نیست، معنی ندارد. برخی از صاحب نظران، راه حل این معضل را تعیین زمان عقد تا اندازه‌ای که صغیره قابلیت استمتاع یابد، دانسته‌اند (نجفی، بی تا، ۳۰/۱۷۶؛ موسوی خمینی، بی تا، الف، ۲/۲۷۸). در تعیین حد مزبور بعضی ۶ سال (ر.ک.، موسوی خمینی، بی تا، الف، ۲/۲۷۸) و برخی ۹ سال را مطرح کرده‌اند (ر.ک.، مکارم شیرازی، ۱۴۲۴هـ.ق، ۴/۸). در مقابل، برخی فقها حقیقت و مقتضای ذات عقد را منحصر در تمتع جنسی نمی‌دانند (ر.ک.، حلی، ۱۴۰۸هـ.ق، ۲/۲۷۳؛ عاملی، ۱۴۱۳هـ.ق، ۸/۲۴۷؛ نجفی، بی تا، ۳۱/۱۰۰-۹۸؛ موسوی خمینی، بی تا، الف، ۲/۲۷۸) و سایر اغراض عقلایی از جمله محرمیت را نیز برای آن متصور دانسته و آن را اثر و مصحح چنین عقدی برمی‌شمرند (ر.ک.، موسوی خمینی، بی تا، ب، ۵/۲۸۲).<sup>۱</sup>

براساس نظریه مذکور این اشکال وارد نیست. بنابراین، از این نظر حکم به صحت عقد واقع بر صغیره می‌شود بدون اینکه نیاز به طولانی کردن زمان عقد تا حد قابلیت تمتع باشد. (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۱هـ.ق) در پاسخ به این نظر می‌توان گفت که اگر مراد از محرمیت، محرمیت زوجین باشد در مسئله مورد بحث پژوهش حاضر، این امر مقصود متزوج با صغیر یا صغیره نیست. در حقیقت اگرچه طفل مکلف نیست، ولی از آنجا که از محارم شخص نمی‌باشد، می‌توان قصد محرمیت با او را نمود و این قصد موجب تحصیل حاصل نیست، ولی عرف، چنین محرمیتی را قصد نمی‌کند. اما اگر منظور محرمیت با مادرزن، پدر یا پسر زوج است این محرمیت از آثاری است که پس از حصول ماهیت نکاح بر آن مترتب می‌شود. این محرمیت که یکی از احکام است متأخر از موضوع یعنی، نکاح و فرع بر ثبوت آن است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴هـ.ق، ۳/۱۲۶)، البته حصول این نوع محرمیت می‌تواند انگیزه وقوع عقد نکاح باشد، ولی آنچه مقتضای ذات عقد است محرمیت زوجین با یکدیگر است.

دیدگاه دوم با این استدلال که شرط عدم ارتباط زناشویی در نکاح منقطع به استناد روایات، مورد قبول بسیاری از فقها قرار گرفته است، تأیید می‌شود. همچنین حکم به صحت

۱. حضرت امام خمینی در عین اینکه برای عقد نکاح، اغراض عقلایی دیگری غیر از استمتاع قائلند، قابلیت لاستمتاع و حداقل سن ۶ سال را مطرح نموده‌اند. به نظری می‌رسد این دو مطلب با یکدیگر سازگاری ندارد مگر اینکه گفته شود قابلیت لاستمتاع با خود استمتاع متفاوت است. از سوی دیگر، این نظر با مبنای جواز استمتاع ماعدا الوطی از زوجه صغیره سازگار نیست. (موسوی خمینی، بی تا، الف، ۲/۲۴۱) این اشکال در مورد کلام بعضی از بزرگان دیگر مثل مرحوم صاحب جواهر نیز قابل طرح است. البته ایشان شأبیت تمتع را مطرح نموده و فعلیت را لازم نمی‌دانند.



ازدواج مرد عینین (مغنیه، ۱۴۲۱ ه.ق، ۵/۱۸۲) یا زن قرناء و رتقاء که از مسلمات فقهی است، می تواند نشان از این واقعیت باشد. فقها در چنین فرضی، برای زوجه یا زوج، حکم به وجود حق فسخ کرده اند (نجفی، بی تا، ۳۰/۳۳۳؛ نجفی، بی تا، ۳۰/۳۵۸) که حاکی از صحت عقد است. همچنین اگر مردی با زنی سالخورده به علتی غیر از تمتع، برای مثال استیلا بر ثروت او ازدواج کند یا زنی با مرد بیماری به قصد پرستاری از او ازدواج کند، شکی در صحت عقود واقع شده، نیست (بحرانی، ۱۴۲۳، ۳/۲۱۱). برای تأیید این کلام می توان گفت که برخی محققان اتفاق نظر فقها بر جواز متعه صغیره را بیان کرده اند (سیفی مازندرانی، ۱۴۳۸ ه.ق، ۲/۳۸۳). به تعبیر دقیق تر فقها با آن مخالفتی نکرده اند و از جمله شرایط عقد منقطع و محل آن، بلوغ متمتع بها و شرط قابلیت صغیره نسبت به استمتاع را ذکر نکرده اند (حلی، ۱۴۱۰ ه.ق، ۲/۶۲۱) در حالی که ذیل عنوان شرایط عقد منقطع، مواردی مانند دین و مذهب دختر یا نسبت وی با زوجه اول و سایر محرمات عینی و جمعی مصاهره بررسی شده است (نجفی، بی تا، ۳۰/۱۵۵-۱۶۲). همان طور که ملاحظه می شود مسئله حقیقت و مقتضای ذات عقد دارای پیچیدگی هایی است. روایاتی هم که در مورد اصل مسئله نکاح با صغیره وارد شده است، به حسب ظاهر تعارضاتی دارد و چند نوع وجه جمع در مورد آنان متصور است. بنابراین، امر درباره روایات نیز مشکل است. چه بسا به همین دلیل است که برخی فقها از جمله حضرت امام خمینی رحمته الله علیه در صورتی که چنین عقدی برصغیره غیرقابل استمتاع واقع شود، باز هم مراعات احتیاط را مطرح نموده اند. (موسوی خمینی، بی تا، الف، ۲/۲۷۷)

## ۲-۳. قصد وقوع عقد نکاح

یکی دیگر از ادله مورد توجه در این مبحث وجود قصد به واقع کردن عقد نکاح یا فقدان قصد است. قائلان به صحت این عقد، وجود فی الجمله قصد نکاح را در حصول اثر آن کافی می دانند و از این رو، معتقدند محرمیت حاصل می شود. (بحرانی، ۱۴۰۵ ه.ق، ۲۵/۳۸۴) مخالفان صحت این عقد، قائل به فقدان قصد جدی نسبت به نکاح در اجرای این صیغه هستند. بنابراین، آن را از مصادیق عقد غافل می دانند (میرزای قمی گیلانی، ۱۴۱۳ ه.ق، ۴/۴۶۷؛ بهبهانی، بی تا). توجه به این نکته لازم است که لزوم قصد به معنای عقد از اموری است که اختلافی در آن وجود ندارد و فقها قصد مدلول را مقوم مفهوم عقد و شرط صحت عقد می دانند (انصاری دزفولی،

۱۴۱۵ هـ.ق. الف، ۳/۲۹۵؛ سیره عقلا هم حاکی از این امر است. البته قصد مدلول عقد به معنای قصد رابطه استمتاع بین زوجین نیست تا نبود قصد به آن، به معنای عدم قصد مدلول عقد باشد، ولی نکته مهم این است که فهم عرف از وقوع چنین عقدی دقیق نیست. در بسیاری از موارد به خیال اینکه این عقد فقط نوعی صیغه محرمیت، جدای از عقد نکاح است به آن اقدام می‌کنند. قصد طرفین عقد که در اینجا ولی طفل یعنی، ولی یکی از زوجین در یک طرف و زوج دیگر در طرف مقابل است، نسبت به وقوع نکاح موقت ضروری است و اگر طرفین یا یکی از آنها قصد وقوع عقد نکاح را نداشته باشند محل به عقد خواهد بود. ماهیت این عقد به گونه‌ای است که با واقع کردن آن، امکان تمتع و محرمیت بین زوجین برقرار می‌شود، هرچند قصد استمتاع نداشته باشند و یا زمینه‌اش فراهم نشود. درحقیقت زوجین، زن و شوهر یکدیگر می‌شوند و این معنی باید فهم شود. حال، اگر تصور و فهم ذهنی واقع‌کنندگان چنین عقدی بررسی شود، نمی‌توان گفت که عقد نکاحی واقع شده است. به تعبیر دقیق‌تر، قصد استمتاع با قصد حصول حلیت تمتع متفاوت است. مفاد عقد موقت، حصول حلیت تمتع و محرمیت بین زوجین است که برای دستیابی به آثار عقد از جمله محرمیت مادر زن، چنین معنایی باید قصد شود. (نراقی، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۱۶/۳۰۸)

داشتن اطلاعات صحیح درباره این عقد و حکم محرمیت مترتب بر آن می‌تواند زمینه‌ساز قصد صحیح نسبت به وقوع چنین عقدی شود، ولی این نکته هم وجود دارد که عرف از وقوع عقد نکاح موقت به‌ویژه نسبت به دختران احتراز می‌کند. در مجموع، در این بخش می‌توان گفت که بنابر نظریه عدم انحصار حقیقت عقد نکاح حتی نکاح منقطع در استمتاع جنسی - کما هو حقّه - و در صورت قصد آگاهانه طرفین یا اولیای آنها به وقوع عقد نکاح، هرچند با انگیزه حصول محرمیت بین احدالزوجین و فرد ثالث، این عقد صحیح خواهد بود. درنهایت، مسئولیت عالمان دین در راهنمایی افراد خواهان این نوع محرمیت در مواردی مانند فرزندخواندگی و امثال آن بیان دقیق موضوع، حکم و شرایط مربوطه است.

#### ۲-۴. قلمرو ولایت ولی در نکاح طفل

بحث دیگری که در صحت نکاح طفل توسط ولی قهری با انگیزه ایجاد محرمیت تأثیر دارد مسئله ولایت ولی، قلمرو و حدود اختیار ولی در واقع کردن چنین نکاحی است، البته توجه



به این نکته لازم است که بحث درباره حدود اختیار ولی در نکاح طفل به طور کلی مطرح شده است و فقها به طور خاص در مورد ولایت ولی در ازدواج طفل با هدف ایجاد محرمیت کمتر سخن گفته‌اند. سؤال این است که آیا ولایت ولی مشروط به وجود مصلحت است یا فقط نبود مفسده در آن کفایت می‌کند؟ البته ولایت ولی به صورت لاینشرط یعنی، حتی با وجود ضرر و مفسده قائلی ندارد، اگرچه در بعضی کتب فقهی، این موضوع وجهی از وجوه محتمل در مسئله است. (انصاری، ۱۴۱۵ ه.ق، ۵۳۸/۳) دلیل این وجه، اخبار مشعر به جواز تصرف ولی در مال طفل با وجود ضرر برای اوست که برخی از این روایات، ظهور در موارد نیاز و حاجت ولی دارد و سبب استدراک از آن وجه می‌شود. این ظهور از قید بیان شده در فرمایش امام صادق علیه السلام: «قوته بغیر سرف اذا اضطر الیه» (عاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ۲۶۳/۱۷) و فرمایش امام باقر علیه السلام: «ما احب ان یاخذ من مال ابنه الا ما احتاج الیه مما لا بد منه» (عاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ۲۶۳/۱۷) مستفاد است. می‌توان گفت این مفاد مربوط به مبحث نفقه است که نفقه اب و جد در صورت نیاز برعهده فرزند دارای مکنت مالی است، خواه کبیر باشد یا صغیر. (نابینی، ۱۳۷۳/۱، ۳۲۴) همچنین اگرچه ممکن است از بعضی کلمات مثل بیان مرحوم محقق در شرایع، چنین به نظر آید که وجود مفسده مانعی از تصرف ولی نیست، ولی حاصل امعان نظر در عبارات این بزرگان آن است که عبارات مطلق در روایات برای بیان اطلاق نیست و فقط گزارشگر قضیه مهمله است (مامقانی، ۱۳۱۶، ۴۱۴/۳). برخی دیگر از این دسته اخبار که ممکن است جواز تصرف با وجود ضرر و مفسده برای کودک از آن استفاده شود مجموعه روایات «انت و مالک لاییک» (عاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ۱۹۵/۱۲) است که باتوجه به حمل این روایات بر حکم استحبابی اخلاقی و یا حمل بر حال ضرورت و حاجت، امکان مساعدت و مستند کردن این وجه منتفی است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵ ه.ق). پاسخ دیگر به استدلال به این دسته از روایات این است که ورود این روایات در موقعیت کبر و رشد ولد و انتفاء ولایت پدر و جد در این فرض، استنتاج معنای ولایت از این روایات را مخدوش می‌کند (آخوندخراسانی، ۱۴۰۶ ه.ق). بنابراین، اعمال ولایت در انعقاد نکاح بر طفل با وجود ضرر و مفسده برای او طرفداری ندارد. کلام فقها در بیان قلمرو ولایت ولی قهری در ازدواج طفل در دو بخش بعدی بررسی و تحلیل می‌شود.

## ۲-۴-۱. اشتراط عدم مفسده

همه فقهای امامیه معتقدند که در تزویج طفل توسط ولی، رعایت شرط عدم مفسده لازم است و عقد با مفسده را غیرنافذ یا ناصحیح می دانند. (نجفی، بی تا، ۱۹۸/۲۹؛ انصاری دزفولی، ۱۴۱۵ هـ.ق. ب؛ یزدی، ۱۴۲۸ هـ.ق، ۲/۸۶۶) محقق خوبی با عبارت «اتفاقا بل لم ينسب الخلاف فيه الى احد» اتفاق نظر بر این امر را بیان کرده است (موسوی خوبی، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۳۳/۲۲۹). یکی از عمده مستندات اشتراط عدم مفسده در جواز تزویج کودک روایات این باب است. در صحیحه فضل بن عبدالملک، امام صادق علیه السلام با عبارت «وكان الجَد مرضياً» تزویجی که در صورت حیات پدر، توسط جد بر دختر واقع شده را مشروط بر مورد رضایت بودن جد، نافذ می شمرد.<sup>۱</sup> از آنجاکه مورد رضایت بودن در مقابل مکروه بودن استعمال می شود و مفسده امر مکروهی است، معنای روایت این است که فعل جد در مورد تزویج صغیر یا صغیره، مکروه نباشد؛ یعنی مفسده نداشته باشد (انصاری شیرازی، ۱۴۲۹ هـ.ق، ۱/۵۶۵).

در روایت دیگر عیدبن زراره از امام صادق علیه السلام نقل می کند: «نفوذ تصرف جد در مورد تزویج صغیره مشروط به عدم ضرر به کودک است». (عاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۲۰/۲۸۹) از دیگر ادله، عموم مستفاد از صحیحه ابو حمزه ثمالی است که امام باقر علیه السلام در این روایت به آیه «والله لا یحب الفساد» (بقره: ۲۰۵) استناد کرده و مقتضای آیه، عدم فرق بین تصرفات مالی و نکاح است (خوبی، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۳۳/۲۲۹). بنابراین، تصرفی که در آن مفسده باشد، جایز نیست (انصاری دزفولی، ۱۴۱۵ هـ.ق، الف، ۲/۲۸). همچنین مستفاد از ادله این است که ولایت پدر و جد نسبت به صغار از باب امتنان و برای حفظ مصلحت آنهاست و با اعمال ولایتی که موجب ضرر و مفسده شود، تنافی دارد. فهم عرفی متشرعه از ادله آن است که در تزویج صغار توسط ولی نباید ضرر و مفسده ای متوجه او شود (سبزواری، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۲۴/۲۶۸). در این باره می توان به قاعده لاضرر که بر ادله احکام اولیه حاکم است، استناد کرد.

## ۲-۴-۲. اشتراط مصلحت

گروهی از فقها در قلمرو ولایت ولی، اضافه بر عدم مفسده، لحاظ غبطه و مصلحت را لازم نمی دانند. (ر.ک.، انصاری دزفولی، ۱۴۱۵ هـ.ق. ب؛ کاشف الغطا، ۱۴۲۲ هـ.ق؛ خوبی، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۳۲/۲۸۴؛ خوبی،

۱. «عَنْ الْفَضْلِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ الْجَدَّ إِذَا رَوَّجَ ابْنَةَ ابْنِهِ وَكَانَ أَبُوهَا حَيًّا وَكَانَ الْجَدُّ مَرْضِيًّا جَازًا». (عاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۲۰/۲۹۰)



۱۴۱۸ هـ.ق، ۲۳۱/۳۳؛ موسوی خمینی، بی تا، ب، ۲/۶۰۶-۶۰۹) برخی از این عالمان، مراعات احتیاط را حسن دانسته اند (نجفی، بی تا، ۲۲/۳۳۲). این درحالی است که گروهی دیگر از صاحب نظران علاوه بر عدم مفسده، رعایت مصلحت را در اعتبار عقد نکاح واقع شده نسبت به طفل لازم می دانند (ر.ک.، حلی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۲/۱۳۵؛ عاملی، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۱۲/۱۴۴؛ عاملی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۷/۱۵۷-۱۵۴؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۱ هـ.ق، ۱/۸۹؛ عاملی، بی تا، ۵/۱۱۱). روشن است که مراعات مصلحت، گستره ولایت ولی را محدودتر می کند. در بیان استدلال بر اعتبار مصلحت می توان به ادله وجیه و معتبری اشاره کرد که عبارتند از:

- سیره و بنای عقلا: از آنجا که ولایت پدر و جد بر فرزند از احکام تأسیسی نیست، بلکه امری عقلایی و مرتکز فطری است و دخالت شارع مقدس در این امر در حد نفی ولایت بعضی از افراد مثل برادر و عمو بوده است (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ هـ.ق، ۱۲/۴۱۸۶) و از دیگر سو عقلا رعایت مصلحت را در ولایت بر امور صغار و محجورین لازم می دانند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵ هـ.ق)؛ اصل در تصرف ولی، مراعات مصلحت مولی علیه است (بحرانی، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۲۳/۲۵۵؛ عاملی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۸/۲۱۱) و از جانب شارع مقدس ردعی در این مورد نرسیده است، می توان موافقت شارع را در لزوم رعایت مصلحت به دست آورد. این سیره در بین متشرعه نیز وجود دارد و بنفسه می تواند دلیل بر این حکم باشد.

- یکی از ادله مورد استناد در اعتبار مصلحت آیه «وَلَا تَقْرُبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (انعام: ۱۵۲؛ اسراء: ۳۴) است. مشهور فقهای متقدم براساس این آیه، صحت تصرفات ولی در اموال صغار را مشروط به رعایت مصلحت می دانند درحالی که ضرر ناشی از نکاح بدون مصلحت قابل جبران نیست و نمی توان آن را با ضرر ناشی از تصرف مالی بدون مصلحت مقایسه کرد (عاملی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۷/۱۲۹). به نظر یکی از فقهای معاصر با اینکه ظاهر آیه در مسئله بیع و امثال آن است، ولی عرف الغای خصوصیت کرده به نکاح هم سرایت می دهد (زنجانی، ۱۴۱۹ هـ.ق، ۱۲/۴۱۸۵). از سوی دیگر، اگرچه سخن در این آیه درباره ایتام است، ولی باتوجه به شمول آیه نسبت به صورت فقدان پدر و وجود جد و با عنایت به عدم قول به فصل بین جد و پدر، خللی به این استدلال وارد نمی شود (انصاری دزفولی، ۱۴۱۵ هـ.ق، الف، ۳/۵۴۱؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ هـ.ق، ۲/۳۳). همچنین باتوجه به سیاق آیات قبل و بعد در سوره های انعام و اسراء که بیان احکام الزامی است، نمی توان این بخش از آیه را بر حکم استحبابی و غیرالزامی حمل کرد.

- در بررسی کتب فقها به‌ویژه متقدمین به‌دست می‌آید که عبارات آنها در بیان ولایت پدر بر فرزندان، مملو از لزوم رعایت مصلحت طفل در قالب سر و حکمت این حکم مجعول از سوی شارع مقدس یا سیره غیر مردوع از جانب اوست. به بیان دیگر، مفهوم ولایت همان حق تصرف در مال و شئون مولی علیه به‌منظور رعایت مصلحت اوست. بنابراین، با توجه به مفهوم ولایت، روایات ولایت پدر و جد پدری مطلق نیستند تا منکرین لزوم رعایت مصلحت بتوانند به اطلاق این روایات استناد کنند. تعبیراتی مانند «لأنه (الولی) منصوب لمصلحته (المولی علیه) من جهة الشارع، فکان له فعل ما تقتضیه المصلحة» (حسینی عمیدی، ۱۴۱۶ هـ.ق، ۴۶۰/۲) در کتب فقهی فراوان به چشم می‌خورد (ر.ک.، حلی، ۱۴۲۸ هـ.ق، ۱۷۴/۲؛ عاملی، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۲۸۰/۱۳) و نشان‌دهنده فلسفه ولایت ولی قهری است.

یکی از صاحب‌نظران در این باره معتقد است که ادله دال بر جواز استفاده ولی از اموال یتیم و به اولویت از اموال کودک برای رعایت و حفظ مصلحت یتیم و طفل است. از این رو، استناد به اطلاق روایات ولایت برای اثبات عدم لزوم رعایت مصلحت استدلال ضعیفی به نظر می‌رسد. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵ هـ.ق) اگر با این ادله و و دیگر دلایلی که برای جلوگیری از اطاله کلام از بیان آنها صرف‌نظر شده است، باز هم تردیدی در اشتراط مصلحت باقی بماند از آنجا که اصل عدم ولایت احدی بر دیگری است در غیر از موارد مصلحت، اصل عدم محکم خواهد بود. ادله‌ای که اشتراط مصلحت به آنها مستند شده است آن قدر و جاهت دارد که در نهایت در بعضی از منکرین اعتبار مصلحت، ایجاد تردید کرده و موجب قول به احتیاط شده است (بیزی، ۱۴۲۸ هـ.ق، ۸۶۶/۲). به نظر می‌رسد تردیدی نیست که هرگونه تصرفی در شئون مربوط به مولی علیه از جمله نکاح موقت با انگیزه ایجاد محرمیت باید با رعایت مصلحت صورت گیرد. از سوی دیگر، بر حسب تتبع انجام شده قول به فصل مبنی بر اینکه در نکاح دائم با وجود اهمیت فوق‌العاده در زندگی فرد رعایت مصلحت طفل از سوی ولی لازم است، ولی در نکاح موقت با هدف ایجاد محرمیت، صرف عدم مفسده برای طفل کافی باشد، قائلی ندارد و با حکمت جعل ولایت بر مولی علیه سازگار نیست. در اینجا این سوال مطرح است که مصلحت مورد نظر در اینجا مصلحت چه کسی است؟ آیا مصلحت طفل، مصلحت ولی یا خانواده.



تفطن در معنا و حکمت ولایت و بررسی سیره عقلا و متشرعه در باب ولایت ولی قهری همان طور که دال بر لزوم رعایت مصلحت است دال بر محوریت مولی علیه و تمرکز تصرف بر مصلحت او نیز است. ملاک این حکم در نزد عقلا حفظ مصالح ولد است. می‌توان گفت اینکه در بعضی از ادله به ناظر بر اموال یتیمی اجازه استفاده به معروف یا اجازه استقراض از مال یتیم داده شده برای حفظ مصلحت یتیم است تا رغبت به حفظ اموال یتیم برقرار بماند؛ یعنی مصلحت مولی علیه همچنان ملاک اصلی است. فقها در ابواب مختلف از فقه مثل کتاب البیع و الرهن و الحجر مولی علیه را محور رعایت مصلحت دانسته‌اند. مرحوم شیخ طوسی تصرف ولی را فقط با رعایت احتیاط و بهره و نصیب مولی علیه صحیح می‌داند (طوسی، ۱۳۸۷/۲، ۲۰۰). ابن ادریس (۱۴۱۰هـ.ق، ۴۴۱/۱) رعایت مصلحت و نفع طفل را مقتضای اصل مذهب می‌داند. علامه حلی (۱۴۱۳هـ.ق، ۲۱/۲) در قواعده، بیع ولی را با رعایت مصلحت مولی علیه صحیح می‌داند. وی در تذکره الفقها استقراض از مال طفل را با توجه به ولایت و ملاءت ولی و با نظر به مصلحت طفل جایز می‌داند (حلی، بی تا، ۲۵۲/۱۴). شهید ثانی (۱۴۱۳هـ.ق، ۱۳۶/۵) و مقدس اردبیلی (۱۴۰۳هـ.ق، ۱۴/۴؛ ۱۴۰۳هـ.ق، ۷۶/۶) فعل ولی را منوط به مصلحت مولی علیه می‌دانند.

واقع کردن عقد بر طفل برای ایجاد محرمیت باید با در نظر گرفتن مصلحت طفل باشد و سلیقه و میل ولی به ایجاد محرمیت یا آسان بودن ارتباط دو خانواده نمی‌تواند مجوزی برای هرگونه تصمیم ولی در شئون مولی علیه قرار گیرد. بنابر قول به اشتراط صرف عدم مفسده در تصرفات ولی، وقوع چنین نکاحی نباید برای طفل مفسده‌ای داشته باشد. ولی موظف است مصون ماندن طفل از هرگونه مفسده را مورد لحاظ قرار دهد. همچنین بنابر نظریه اشتراط مصلحت علاوه بر پایش نبود مفسده برخلاف غبطه او اقدامی نکرده و مصلحت او را در نظر گیرد و چه مصلحتی در اینجا برای طفل متصور است؟ پاسخ به این سؤال می‌تواند در سرنوشت نکاح و محرمیتی که از این راه حاصل می‌شود تأثیرگذار باشد.

اهل لغت مصلحت را به خیر تفسیر کرده (فیومی، بی تا، ۳۴۵/۲؛ طریحی، ۱۴۱۶هـ.ق، ۳۸۹/۲) و صلاح راضد (جوهری، ۱۴۱۰هـ.ق، ۳۸۳/۱)، مخالف (ابن فارس، ۱۴۰۴هـ.ق، ۳۰۳/۳) یا نقیض (فراهیدی، ۱۴۱۰هـ.ق، ۱۱۷/۳) فساد معنا کرده‌اند. آنان در حقیقت این واژه را با کلمات مشابه معنا کرده و به وسیله تقابل با واژگان متضاد، آن را ایضاح معنایی نموده‌اند. مصطفوی (۱۴۰۲هـ.ق، ۲۶۵/۶) صلح را خلاف



فساد و صلاح را به خیر و صواب تفسیر می‌کند. در مورد رابطه مصلحت و مفسده و وجود یا عدم مفهوم واسط بین این دو نمی‌توان از بررسی کتب لغت به پاسخ دقیقی دست یافت، ولی به نظر می‌رسد باتوجه به فهم عرف و تبادر مفهوم ذهنی از این دو واژه بتوان گفت که رابطه مصلحت و مفسده تضاد است و با صرف نبود مفسده، مصلحت اطلاق نمی‌شود. بنابراین، می‌توان موردی را فرض کرد که مفسده وجود نداشته باشد و مصداقی برای مصلحت هم یافت نشود، هرچند به دلیل رابطه تضاد، مصلحت و مفسده از حیث واحد، قابل جمع نیستند اگرچه از حیث‌های مختلف امکان اجتماع مصلحت و مفسده در یک مصداق وجود دارد.

مرتکز در اذهان این است که مصلحت در مقابل مفسده با لحاظ معنای ارزشی و منفعت در مقابل ضرر بدون این لحاظ کاربرد دارد، ولی از آنجاکه اهل لغت در تفسیر هر دو واژه از معنای خیر یاد کرده‌اند به نظر می‌رسد که نمی‌توان به تفاوت فاحشی بین واژه مصلحت و منفعت اشاره کرد و به نوعی قرابت معنایی این دو واژه را می‌توان به دست آورد. (علیدوست، ۱۳۹۰) برخی لغت‌شناسان مصلحت را به نفعی که اثرش باقی است، معنا کرده‌اند (عسگری، ۱۴۱۲هـ.ق). تتبع در متون فقهی شیعه و سنی به طور قطع ثابت می‌کند که مصلحت در اصطلاح شرعی به معنای لغوی و عرفی آن به کار رفته است و مراد از آن منفعت، خیر و ضد فساد خواهد بود. این واژه در فقه و علوم پیرامون، معنا و اصطلاح ویژه‌ای ندارد (علیدوست، ۱۳۹۰). شاید بتوان گفت که مصلحت در استعمال عالمان دین، خیر و نفعی است که برای رسیدن به هدف نهایی خلقت و تحقق اهداف انبیا قرار گیرد و اجرای احکام شرعی در آن ملحوظ است. اهدافی که با مراجعه به نصوص مبین هدف خلقت و ارسال رسل و انزال کتب و تشریح مشخص می‌شود (علیدوست، ۱۳۹۰).

از دیگر معیارها در صدق مفهوم مصلحت، شمول آن نسبت به منافع مادی و معنوی و عدم اقتصار بر منافع مادی، پایدار بودن منفعت همراه با دوراندیشی و پرهیز از کوتاه‌فکری و عصری‌نگری در تشخیص مصداق مصلحت است. بنابراین، در تأمین مصالح کودک از دیدگاه فقهی باید علاوه بر در نظر گرفتن منافع مادی طفل، مصالح معنوی و تربیتی او نیز مدنظر قرار گیرد. امام خمینی رحمته‌الله علیه در بیان مفاد آیه ۳۴ سوره اسرا معتقد است که معنای



ظاهر و متفاهم از آیه این است که مصالح یتیم از همه جهات رعایت شود نه فقط از نظر مالی. ایشان در ادامه مثالی را بیان می‌کند: «فلو كان هنا مشتریان، أحدهما: شخص صالح، توجب الشركة معه وجاهة الطفل وتربيته الصالحة النافعة له طيلة حياته، والآخر شخص فاسق خائن، توجب شركته سقوط الطفل عن الوجاهة وعن أعين الناس، وكان الأول يشتري بأقل من الثاني، ليس للولي قصر نظره على المالیة، بل لا بدّ من ملاحظة مصلحة الطفل». در پایان تأکید می‌کند: «مراد از احسن در آیه شریفه، صرف مصالح مالی یتیم نیست، بلکه مراعات حال و تمام مصالح یتیم اعم از مالی و غیرمالی لازم است» (موسوی خمینی، بی تا، ۷۱۰/۲).

باتوجه به دو کاربرد اصلی مصلحت در فقه امامیه یکی به صورت مبنایی در استنباط و تغییر و تبدل احکام و دیگری به لحاظ شرطی در مقام اجرای احکام شرعی کاربرد مصلحت در مانحن فیه همان نوع دوم بوده و شرطی است که مجریان در کیفیت اجرای حکم باید آن را رعایت کنند. جواز واقع کردن نکاح بر طفل با هدف ایجاد محرمیت، مشروط به رعایت مصلحت اوست، ولی در مرحله اجرا چه مصداقی را می‌توان برای مصلحت در نکاح با قصد ایجاد محرمیت در نظر گرفت؟ غبطه و مصلحت کودک آن چیزی است که باتوجه به نیازهای مادی و معنوی او و در نظر گرفتن دستورات شارع مقدس در سرپرستی و تربیت کودک، او را در دستیابی به هدف از خلقتش و رسیدن به کمالات عالیّه کمک کند. اگرچه صلاح و غبطه، مفهوم مشخص و معینی ندارد و برای تشخیص آن باید معیارهای مختلفی مورد توجه قرار گیرد، ولی می‌توان با سخن درباره این مفهوم به تعیین آن بیشتر نزدیک شد.

مصلحت در نکاح اطفال امری غیری است؛ یعنی در مقایسه با سایر امور کودک و اهداف و ویژگی‌های تربیتی او باید سنجیده شود. از سوی دیگر امری نسبی است؛ یعنی باتوجه به شرایط زمانی، مکانی، فرهنگ و آداب و رسوم اقوام، وضعیت خانواده و... تعیین می‌شود و ممکن است در شرایط مختلف مصداق متفاوتی بیابد و چون می‌تواند با تغییر شرایط تغییر کند مفهومی متغیر نامیده می‌شود. از آنجاکه باید به صورت فردی، صلاح طفل سنجیده شود و شرایط خاص او در نظر گرفته شود امری فردی هم به حساب می‌آید، ولی چنانچه موارد و مصداق عقد با انگیزه ایجاد محرمیت فزونی یابد به طوری که به صورت مسئله‌ای اجتماعی بروز پیدا کند، تشخیص مصلحت در این باره وجه اجتماعی هم به خود می‌گیرد

که از آن جمله معضل اختلاط انساب را می‌توان نام برد. در صورت پدید آمدن چنین شرایطی مسئولان اداره جامعه باید در تعیین مصلحت و مفسده این‌گونه از نکاح‌ها ورود کنند، البته این امر در جامعه ایران هنوز وجه اجتماعی به خود نگرفته است.

بنابراین، مصلحت در موضوع نوشتار حاضر مفهومی متغیر، غیر، نسبی و فردی است؛ یعنی متولی تشخیص مصلحت باتوجه کامل به شرایط خاص طفل مورد نظر، موقعیت را ارزیابی می‌کند، اما متولی تشخیص مصلحت چه کسی است؟ ولی کودک، عرف عام، کارشناسان خبره در امر کودکان، مرجع تقلید و یا مرجع قضایی و دادگاه. به نظر می‌رسد با لحاظ اشفاق بودن ولی و خیرخواهی و محبت وی نسبت به کودک و آگاهی و بصیرت او نسبت به مصالح فرزند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ ه.ق) و باتوجه به جزئی، خاص و فردی بودن تشخیص مصلحت در این مورد ولی، مجری حکم بوده و به تشخیص خودش در مصلحت عمل می‌کند و نیازی به تأیید توسط دادگاه یا نهاد دیگری نیست. باید دانست اگر واقع کردن این‌گونه از نکاح‌ها به مسئله‌ای اجتماعی تبدیل شود، ممکن است به همان دلیل متغیر و نسبی بودن تشخیص مصلحت، نیاز به تعیین مرجعی برای تأیید مصلحت تشخیص داده شده توسط ولی باشد. از آنجا که مصلحت، حقیقت شرعیه دارد و اصطلاح ویژه‌ای از دیدگاه شرع نیست برای فهم معنای مصلحت، عرف عام، معیار تعیین‌کننده است، اما ولی در تطبیق این مفهوم بر مصداق و ارزیابی آن به تشخیص خود عمل می‌کند. معیار در تطبیق مصلحت، یقین یا اطمینان ولی است و استفاده از نظر کارشناس می‌تواند طریقی برای حصول علم یا اطمینان در نفس ولی باشد.

به نظر می‌رسد مصادیقی که بتوان مصلحت کودک در عقد واقع بر او را با هدف ایجاد محرمیت تصویر کرد، بسیار اندک است. در نکاح دائمی که با هدف تشکیل خانواده بر کودک واقع می‌شود، ممکن است به ندرت بتوان مصلحتی را تصویر نمود. مثل اینکه درجایی که آینده روشنی برای طفل متصور نیست، نکاح زود هنگام با فردی کاملاً مورد اعتماد، آینده او را تأمین نماید. یا نسب شریف و شرافت خانوادگی و جایگاه اجتماعی طرف مقابل (زوج یا زوجه)، در صورت اطمینان به عدم حصول چنین موقعیتی برای طفل پس از بلوغ و امثال آن می‌تواند از مصادیق مصلحت باشد، ولی هیچ‌یک از این امور در مورد ازدواج موقتی



که با انگیزه ایجاد محرمیت واقع می‌شود، قابل تصور نیست. همان طور که توصیه عالمان دین در موضوع رضاع، دال بر رعایت احتیاط و تحذیر از ایجاد بی‌رویه محرمیت‌های خارج از نسب برای عدم اختلاط انساب در نسل‌های بعدی است، چنین تالی فاسدی در امر ایجاد محرمیت با وقوع عقد موقت نیز متصور است و نیز از مفسده‌هایی که ممکن است پیامد این امر برای طفل برشمرده شود انگشت‌نما شدن کودک به ویژه صغیره در اذهان دیگران، برای مثال زوجه فلان مرد سالخورده بوده و... است. البته در موضوع مورد بحث می‌توان به موارد نادری نیز در قالب مصلحت این نکاح اشاره کرد. برای مثال مردی که از همسر متوفای خود پسری دارد و اکنون قصد دارد با زنی که او نیز از همسر متوفای خود دختری خردسال دارد، ازدواج کند، دختر از باب ربیبه با این مرد (شوهر مادر) محرم می‌شود (نساء: ۲۳)، ولی با پسر او همچنان نامحرم خواهد بود. برای حل این مسئله اگر دختر را به عقد موقت پدر بزرگ پسر درآورند معقوده جد به پسر محرم می‌شود و با توجه به زندگی مشترک خانواده و این دختر و پسر در یک خانه، ایجاد محرمیت از ارتکاب گناه جلوگیری می‌کند. همچنین ممکن است دختر کوچکی که پدر خود را از دست داده و با مردی از فامیل به دلیل شباهت ظاهری و رفتاری با پدرش انس ویژه‌ای دارد، ولی به دلیل عدم محرمیت، آمد و رفت مرد بیگانه و نامحرم به خانه ایشان موجب مشکلاتی از جمله برچسب سوء به مادر می‌شود، مصلحت حال کودک در پر شدن نسبی خلأ فقدان پدر و صلاح آینده او در برخورداری از مادر و خانواده‌ای خوش نام اقتضا می‌کند بین مادر طفل و آن مرد محرمیتی ایجاد شود تا هم صلاح اکنون طفل و هم خیر آینده او تأمین شود، یا اینکه برای دختر خردسال مهریه هنگفتی در نظر گرفته شود و مال زیادی با لحاظ مصلحت به دختر برسد. در تمام این موارد، قصد واقعی به اجرای نکاح بر زوجین لازم است و بدون آن، صیغه محرمیت معنا ندارد. با توجه به مطالب مطرح شده در بیان مفهوم مصلحت و تعیین مصداق آن، این موارد و امثال آن می‌تواند در نکاح موقت با هدف ایجاد محرمیت برای مصلحت طفل در نظر گرفته شود، ولی به ندرت اتفاق می‌افتد. به هر روی، اگر در نکاح مورد نظر مصلحتی برای طفل ملحوظ نباشد و یا در این نکاح، مفسده‌ای برای او متصور باشد، به نظر می‌رسد احتیاط در عدم صحت چنین نکاحی است (نراقی، ۱۴۲۲ ه.ق، ۱/بخش ۹۸).

### ۳. بحث و نتیجه‌گیری

ازدواج با کودک با هدف ایجاد محرمیت بین یکی از متعاقدين و فرد ثالث از ابعاد مختلف قابل بررسی است. از سویی آن طور که فهم و اراده عرف نشان می‌دهد ولی طفل و متعاقد دیگر، قصد وقوع نکاح و زوجیت بین دوطرف را ندارند و حتی اگر ولی معنای چنین عقدی را درک کند چه بسا هرگز به اجرای این عقد اقدام نکند. بنابراین، چالش قصد، یکی از مهمترین معضلات مقابل این عقد است. از سوی دیگر حتی اگر این قصد اصلاح شود بنابر قول آن دسته از فقها که ذات عقد و مقتضای ذات عقد موقت را تمتع می‌دانند باز این عقد دچار چالش می‌شود. از این رو، گروهی از فقها طولانی کردن زمان عقد به اندازه‌ای که طفل قابلیت استمتاع بیابد را برای راه حل مشکل پیشنهاد داده‌اند.

برخی از فقها باز هم در این فرض احتیاط را موجه دانسته و به ترتیب آثار مباحه با وجود عدم محرمیت نظر می‌دهند. همچنین از آنجاکه این عقد با استفاده از مقام ولایت ولی و تصرف او در شئون و اموال مولی علیه واقع می‌شود و این ولایت با شرط رعایت مصلحت مولی علیه محدود شده است، ولی باید به مفهوم عرفی مصلحت و نسبی و خاص بودن این متغیر توجه و غبطه مولی علیه را با معیار حصول قطع یا اطمینان مراعات کند؛ امری که به نظر می‌آید در بیشتر ازدواج‌های این چنینی مغفول می‌ماند و فقط به مصلحت مادر یا پدر طفل توجه می‌شود. حتی ممکن است در مواردی این عقد مفسده‌هایی برای کودک به دنبال داشته باشد. به نظر می‌رسد در این موارد عقد موجه نیست و احتیاط در عدم حصول محرمیت باشد. البته می‌توان در موارد نادر، مصادیقی از مصلحت طفل را مشاهده کرد که با فرض رعایت جنبه‌های اول و دوم، اقدام به این عقد می‌تواند صحیح باشد. وضعیت عقودی که در گذشته واقع شده و اکنون با بلوغ مولی علیه ادعای فقدان مصلحت یا وجود مفسده ازسوی او مطرح شده است قابل بحث و بررسی می‌باشد.

### فهرست منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ه.ق). *لسان العرب*. لبنان: دارالفکر.
۲. ابوالحسین، احمد بن فارس (۱۴۰۴ ه.ق). *معجم مقانیس اللغة*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۲. اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ ه.ق). *مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴. اصفهانی (کمپانی)، محمد حسین (۱۴۱۸ ه.ق). *حاشیه کتاب المکاسب*. قم: انوار الهدی.

۵. اصفهانی، راغب (۱۴۱۲ ه.ق). *مفردات الفاظ القرآن*. لبنان: دارالعلم.
۶. اصفهانی، سیدابوالحسن (۱۴۲۲ ه.ق). *وسيله النجاه (مع حواشی الامام الخمينی)*. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۷. انصاری دزفولی، مرتضی (۱۴۱۵ ه.ق). *کتاب المکاسب*. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۸. انصاری دزفولی، مرتضی (۱۴۱۵ ه.ق). *کتاب النکاح*. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۹. انصاری شیرازی، قدرت الله (۱۴۲۹ ه.ق). *موسوعه احکام الاطفال وادلتها*. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
۱۰. آخوند خراسانی، محمدکاظم (۱۴۰۶ ه.ق). *حاشیه المکاسب*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۱. بحرانی، یوسف (۱۴۰۵ ه.ق). *الحداثی المناصره فی احکام العترة الطاهره*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۲. بنی هاشمی، مریم سادات (۱۳۹۹). *بررسی صحت نکاح موقت به قصد ایجاد محرمیت با فرد ثالث*. نشریه فقه، ۲(۲۷)، ۱۲۶-۱۵۱.
۱۳. بهیبهانی، محمدباقر (بی تا). *الرسائل الفقهیه*. بی جا: بی نا.
۱۴. جوهری، اسماعیل (۱۴۱۰ ه.ق). *الصحاح- تاج اللغة و صحاح العربیه*. لبنان: دارالعلم للملایین.
۱۵. حسینی عمیدی، عمیدالدین (۱۴۱۶ ه.ق). *کنزالفوائد فی حل مشکلات القواعد*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۶. حلی (ابن ادریس)، محمد (۱۴۱۰ ه.ق). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۷. حلی، جعفر بن زهدی (۱۴۲۸ ه.ق). *ایضاح ترددات الشرایع*. قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی.
۱۸. زبیدی واسطی، محمد (۱۴۱۴ ه.ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*. لبنان: دارالفکر.
۱۹. سبزواری، عبدالاعلی (۱۴۱۳ ه.ق). *مذهب الاحکام*. قم: مؤسسه المنار.
۲۰. سیفی مازندرانی، علی اکبر (۱۴۳۸ ه.ق). *دلیل تحریر الوسیله- کتاب النکاح*. قم: بوستان کتاب.
۲۱. شبیری زنجانی، موسی (۱۴۱۹ ه.ق). *کتاب نکاح*. قم: مؤسسه پژوهشی رأی پرداز.
۲۲. صاحب بن عباد، اسماعیل (۱۴۱۴ ه.ق). *المحیط فی اللغة*. لبنان: عالم الکتاب.
۲۳. طباطبایی زدی، محمدکاظم (۱۴۲۸ ه.ق). *العره الوثقی مع التعليقات*. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۲۴. طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ ه.ق). *مجمع البحرین*. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۲۵. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۸۷). *المبسوط فی فقه الامامیه*. تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
۲۶. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۰۰ ه.ق). *النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی*. لبنان: دارالکتاب العربی.
۲۷. طوسی، محمد بن علی (۱۴۰۸ ه.ق). *الوسیله الی نیل الفضیله*. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
۲۸. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین (۱۴۱۳ ه.ق). *مسالك الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام*. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۲۹. عاملی (محقق ثانی)، علی بن حسین (۱۴۱۴ ه.ق). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۳۰. عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ه.ق). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۳۱. عسکری، ابوهلال (۱۴۱۲ ه.ق). *الفروق اللغویه*. قم: مکتبه البصیرتی.
۳۲. علامه حلی، حسن بن یوسف اسدی (۱۴۱۳ ه.ق). *قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۳. علامه حلی، حسن بن یوسف اسدی (بی تا). *تذکره الفقها*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۳۴. علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۹۰). *فقه و مصلحت*. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
۳۵. غروی نایینی، محمد حسین (۱۳۷۳). *منیه الطالب فی حاشیه المکاسب*. تهران: المکتبه المحمديه.
۳۶. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۱ ه.ق). *تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله- النکاح*. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
۳۷. فراهیدی، خلیل (۱۴۱۰ ه.ق). *کتاب العین*. قم: نشر هجرت.
۳۸. فیومی، احمد (بی تا). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*. قم: منشورات دارالرضی.
۳۹. کیخا، محمد رضا، مؤذنی، حمید، و قاسمی، مرضیه (۱۳۹۹). *ارزیابی انتقادی محرمیت مادر زن با نکاح صغیره*. نشریه مطالعات اسلامی زنان و خانواده، ۱۲، ۱۲۵-۱۴۴.
۴۰. مامقانی، محمد حسن (۱۳۱۶). *غایه الآمال فی شرح المکاسب*. قم: مجمع الذخائر الاسلامیه.
۴۱. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ ه.ق). *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۴۲. مصطفوی، حسن (۱۴۰۲ ه.ق). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: مرکز کتاب لترجمه و النشر.

۴۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴ هـ.ق). کتاب النکاح. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۴۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۵ هـ.ق). انوار الفقاهه - کتاب البیع. قم: انتشارات مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۴۵. موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸ هـ.ق). موسوعه الامام الخویی. قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی.
۴۶. موسوی عاملی، محمد (۱۴۱۱ هـ.ق). نهاییه المرام فی شرح مختصر شرایع الاسلام. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۷. موسوی گلپایگانی، سید محمد رضا (۱۴۱۳ هـ.ق). هدایه العباد. قم: دارالقرآن الکریم.
۴۸. موسوی خمینی، سید روح الله (بی تا. الف). تحریر الوسیله. قم: مؤسسه دارالعلم.
۴۹. موسوی خمینی، سید روح الله (بی تا. ب). کتاب البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۵۰. موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ هـ.ق). منهاج الصالحین. قم: نشر مدینه العلم.
۵۱. میرزای قمی گیلانی، ابوالقاسم (۱۴۱۳ هـ.ق). جامع الشتات فی اجوبه السؤالات. تهران: مؤسسه کیهان.
۵۲. نجفی (صاحب الجواهر)، محمد حسن (بی تا). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. لبنان: دار احیاء التراث العربی.
۵۳. نجفی (کاشف الغطاء)، حسن (۱۴۲۲ هـ.ق). انوار الفقاهه - کتاب البیع. نجف: مؤسسه کاشف الغطاء.
۵۴. نراقی، مولی احمد (۱۴۱۵ هـ.ق). مستند الشیعه فی احکام الشریعه. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۵۵. نراقی، مولی احمد (۱۴۲۲ هـ.ق). رسائل و مسائل. قم: کنگره نراقیین.









## بررسی چالش های روان شناختی زنان ایرانی ازدواج کرده با مردان افغان

محبوبه البرزی<sup>۱</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر باهدف بررسی چالش های روان شناختی زنان ایرانی ازدواج کرده با مردان افغان به شیوه کیفی از نوع پدیدارشناسی توصیفی (تجربه زیسته) انجام شد. جامعه آماری شامل زنان ازدواج کرده با مردان افغان در استان فارس بود که تعداد ۲۰ نفر از ایشان به شیوه هدفمند و با ملاک رسیدن به اشباع نظری در مصاحبه نیمه ساختارمند، انتخاب شدند. اعتبار داده ها براساس قابلیت اطمینان و انتقال پذیری بررسی و تحلیل آن به روش تحلیل مضمون انجام شد. نتایج نشان دهنده دو طبقه کلی چالش های روان شناختی شامل آسیب های انتخاب همسر و آسیب های امنیت روانی بود. آسیب های انتخاب همسر شامل نه مضمون پایه (شامل فقر، عدم اطلاع و آگاهی، بی سوادی دختران، بی سوادی والدین، افزایش سن، تعداد دختران و احتیاج مالی، سرباربودن، افزایش ازدواج های مشابه)، سه مضمون سازمان دهنده (شامل شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) و یک مضمون فراگیر سطح دوم (شامل ناگزیربودن از انتخاب) بود. همچنین آسیب های امنیت روانی شامل ۲۲ مضمون پایه (شامل زندانی شدن در خانه، حمله شبانه، خشونت جسمی، عشق، همدلی و همدردی، استقلال، رها شدن، شایستگی، حق انتخاب، فردیت، زنانگی، پیشرفت، اجبار در رابطه، افسردگی، اعتماد به نفس پایین، دردهای جسمانی، دوست داشته شدن، درآمدزایی، رفع احتیاجات اولیه، عدم توجه به شرایط روحی، عصبی بودن، اجبار به رابطه جنسی غیرمتعارف)، ۹ مضمون سازمان دهنده (شامل امنیت جانی، امنیت عاطفی، قدرت، آزادی، شناخت خود، نیازهای اقتصادی، اختلالات روانی، اختلالات جسمی، نیازهای جنسی) و ۴ مضمون فراگیر سطح دوم (شامل احساس امنیت، هویت یابی، نیازهای اولیه، اختلالات جسمی و روانی) بود. با توجه به این نتایج، ضرورت توجه و تمهیدات قانونی برای ازدواج بانوان ایرانی با مردان افغان اجتناب ناپذیر است و می توان با پیشگیری های مناسب از آسیب های فردی و به دنبال آن آسیب های اجتماعی جلوگیری نمود.

**واژگان کلیدی:** ازدواج با اتباع خارجی، بانوان ایرانی، ازدواج با مردان افغان، انتخاب همسر، آسیب های امنیت روانی، آسیب های ازدواج با اتباع.

Doi: 10.22034/ijwf.2023.15721.2075

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۶ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۴/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰  
۱. دانشیار گروه مبانی تعلیم و تربیت، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

Email: malborzi@shirazu.ac.ir ORCID ID: 0000-0002-8074-1057

\* مقاله حاضر برگرفته از طرح پژوهشی اداره اتباع و مهاجرین خارجی استانداری استان فارس است که با حمایت مالی و معنوی ایشان انجام شد.

## **A Study on the Psychological Challenges of Iranian Women Married to Foreigners; Case Study: Afghan Men**

**Mahboubeh Alborzi<sup>1</sup>**

This qualitative research aimed to investigate the psychological challenges of Iranian women married to Afghan men by the methodology of descriptive phenomenology (lived experience). The population included women married to Afghan men in Fars Province. 20 women were selected by the judgmental sampling, based on the theoretical saturation of the semi-structured interviews. Data validity was examined based on reliability and transferability, and the data were analyzed by thematic analysis. The results showed that there were two general categories of psychological challenges including the harms of mate choice and the harms of psychological safety. The harms of mate choice included nine basic themes (poverty, the lack of awareness, the illiteracy of girls, the illiteracy of parents, the increment of age, the number of girls and financial need, being a burden, and the increment of same marriages), three organizing themes (economic, social, and cultural conditions), and one comprehensive theme of the second level (inevitability of choice). In addition, the harms of psychological safety included 22 basic themes (being imprisoned at home, night attack, physical violence, love, empathy and sympathy, independence, abandonment, competence, the right to choose, individuality, femininity, progress, compulsion in relationship, depression, low self-confidence, physical pains, being loved, earning, meeting basic needs, not paying attention to mental conditions, nervousness, and coercion for unconventional sex), nine organizing themes (life safety, emotional safety, power, freedom, self-knowledge, economic needs, psychological disorders, physical disorders, and sexual needs), and four comprehensive themes of the second level (feeling of safety, identification, basic needs, and physical and psychological disorders). According to these results, the need for attention to and legal arrangements for the marriage of Iranian women with Afghan men is inevitable and the personal and social harms can be prevented with appropriate precautions.

**Keywords:** getting married to foreigners, Iranian women, getting married to Afghan men, mate choice, harms of psychological safety, harms of getting married to foreigners.

---

**Paper Type: Research**

**Data Received: 2023 / 04 / 15    Data Revised: 2023 / 06 / 22    Data Accepted: 2023/ 07 / 01**

1. Associate Professor, Department of Basics of Education, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran.

Email: malborzi@shirazu.ac.ir    ORCID ID :0000-0002-8074-1057

ازدواج و تشکیل خانواده در جوامع مختلف از فرهنگ، باورها و ارزش‌های حاکم بر جامعه تأثیر می‌پذیرد. روان‌شناسی فرهنگی، تشابهات و تفاوت‌های عملکرد افراد را مطالعه می‌کند و معتقد است که ازدواج پیوندی اجتماعی متأثر از فرهنگ، باورها و ارزش‌های حاکم بین زن و مرد است. این ارزش‌ها موجب تحکیم پیوند خانوادگی یا بروز مشکلات روانی و اجتماعی در خانواده می‌شود. (لوی و شیراو، ۲۰۱۲)<sup>۱</sup> از دیدگاه روان‌شناسان فرهنگی، بین رفتار و فرهنگ ارتباط مستقیم وجود دارد. روابط اجتماعی، شناخت عواطف، نگرش‌ها و عملکردهای مختلف بین افراد در فرهنگ‌های مختلف نوعی چالش است؛ زیرا تجربه زیسته افراد متفاوت است و در موقعیت‌های گوناگون رفتارهای متفاوت از ایشان بروز می‌کند (بری، پورتنیگا، سگال و داسن، ۲۰۰۲)<sup>۲</sup>. لوین، ساتو، هاشیموتو و ورما<sup>۳</sup> (۱۹۹۵) در بررسی مفهوم عشق در ازدواج بین فرهنگ‌های مختلف نشان دادند که در جوامع فردگرا برخلاف جوامع جمع‌گرا، عشق عاملی اساسی برای شکل‌گیری ازدواج است. یودین<sup>۴</sup> (۲۰۱۰) معتقد است ازدواج‌هایی که بین فرهنگ‌های مختلف صورت می‌گیرد بر سلامت روان، موقعیت اجتماعی-اقتصادی و جایگاه افراد تأثیرات مثبت و منفی متعددی دارد. احمدی (۱۳۹۲) معتقد است ارزش‌ها و باورهای فرهنگی در تشکیل خانواده و ازدواج نقش اساسی ایفا می‌کند. در تمام جوامع، پایه اصلی شکل‌گیری خانواده با ازدواج زن و مرد آغاز می‌شود و ازدواج زیربنای اصلی ساختار اجتماع است (دولان<sup>۵</sup>، ۲۰۱۱). ازدواج با ایجاد بستری برای ارضای نیازهای عاطفی، اقتصادی و روانی افراد نقش مهمی در عملکرد جامعه دارد (دیکسون<sup>۶</sup>، ۲۰۱۳). ازدواج در دو فرهنگ متفاوت، افراد را با چالش‌های متعدد روانی، اقتصادی و اجتماعی مواجه می‌کند. لوی و شیراو (۲۰۱۷) معتقدند که تفاوت‌های فرهنگی بین افراد در پنج حوزه مختلف باعث بروز مشکلات شخصیتی و اختلالات روان‌شناختی می‌شود؛ افراد، تجارب ذهنی متفاوتی از مسائل زندگی دارند، متناسب فرهنگ خود تعریف متفاوتی از پریشانی و مشکل دارند، شیوه

1. Levy, D., & Shiraev, E.
2. Berry, J. W., Poortinga, Y. H., Segall, M. H., & Dasen, P. R.
3. Levine, R. A., Sato, S., Hashimoto, T., & Verma, J.
4. Uddin, E.
5. Dolan, F. E.
6. Dixon. D. C.



مقابله آنها با مشکلات متفاوت است، شیوه تشخیص و نام‌گذاری مشکل نزد آنها متفاوت است و ارزیابی متفاوتی از ارتباطات و مشکلات خود در خانواده دارند. این پنج موضوع براساس دو فرهنگ مختلف در تشکیل خانواده آستانه تحمل<sup>۱</sup> زوجین را متفاوت می‌کند. تفاوت‌های فرهنگی و پیامدهای آن در ازدواج براساس نظریه‌های علمی مربوط به تشکیل خانواده (ر.ک.، آزاد ارمکی، ۱۳۸۹) تبیین می‌شود. در نظریه تکاملی<sup>۲</sup>، تحولات خانواده از گذشته تاکنون انتظارات و پیامدهای متفاوتی را موجب می‌شود که این امر متأثر از فرهنگ است. براساس نظریه مبادله<sup>۳</sup>، زن و مرد در ازدواج به دنبال تعادل روحی و روانی هستند که این تعادل باید ازسوی هردو ایجاد و حفظ شود. در نظریه تقابل<sup>۴</sup> از تضادها و قدرت‌طلبی‌های زن و مرد در ازدواج مشکلات متعدد ایجاد می‌شود که فرهنگ‌های مختلف تعاریف متفاوتی از تضاد و قدرت دارند.

از مرسوم‌ترین ازدواج‌های بین فرهنگی در ایران، ازدواج با اتباع افغان است که پیامدهای متعددی دارد. در سال‌های اولیه پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به جنگ‌های داخلی افغانستان و نابسامانی‌های موجود در این کشور، مهاجرت افغان‌ها به ایران افزایش قابل توجهی داشت. (ناصری، ۱۳۷۹) به تبع این موضوع، ازدواج بین بانوان ایرانی و مردان افغان بدون توجه به وجود قوانینی که سلامت خانواده را تأمین کند، آغاز شد. علی‌پور، سعادت‌ی جعفرآبادی و دهقانی فیروزآبادی (۱۳۹۶) دریافتند که ازدواج‌های غیرقانونی اتباع افغان با زنان ایرانی پیامدهای منفی مانند تولد فرزندان بی‌هویت و آسیب‌ها و پیامدهای امنیتی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی داشته است. رحیمی و آزادفلاح (۱۳۹۷) معتقدند که برخلاف اشتراکات فرهنگی، تفاوت‌های فرهنگی بین جامعه ایران و افغانستان موجب مشکلاتی در ایجاد رضایتمندی از زندگی زناشویی بین مردان افغان و زنان ایرانی می‌شود. ایمانی نایینی، صادقی و عبدی (۱۳۹۱) در پژوهش خود نشان دادند که حاصل این ازدواج‌ها مشکلات خانوادگی و فردی در کنار مشکلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به‌ویژه برای زنان و فرزندان است. اعظم‌آزاده و مظفری (۱۳۹۶) نیز نتیجه مشابهی گزارش

1. tolerance threshold  
2. evolutionary theory  
3. exchange theory  
4. conflict theory

کردند. البرزی (۱۴۰۰) در پژوهش خود نشان داد زنان ایرانی که با مردان افغان ازدواج کرده‌اند از زندگی رضایت ندارند و این نارضایتی در ابعاد مختلف مالی، اجتماعی، فرهنگی و جنسی است. همچنین به دلیل طرد از گروه همسالان، خانواده، نداشتن حقوق اجتماعی و عدم پذیرش در جامعه، آسیب‌های روانی و اجتماعی متعددی دارند. کشاورز قاسمی و نادریور (۱۳۹۷) معتقدند که فاصله اجتماعی بین افغان‌ها و شهروندان ایرانی عامل بسیاری از مشکلات از جمله مشکلات در ازدواج است که تبعات منفی متعددی دارد.

براساس گزارش اتحادیه اروپا<sup>۱</sup> (۲۰۲۲) ازدواج زنان با مردان افغان در ایران، تبعات منفی متعددی به‌ویژه برای زنان داشته است. براساس پژوهش‌های انجام شده در این‌گونه ازدواج‌ها که بیشتر در مناطق روستایی اتفاق می‌افتد تابعیت زنان ایرانی به‌ویژه در سال‌های اولیه سلب می‌شود و فرزندان آنها نیز مشکلات هویتی دارند. همچنین در صورت بازگشت شوهران این زنان به کشور خود، مشکلات اجتماعی و اقتصادی خانواده بیشتر می‌شود (ر.ک.، توسلی‌نابینی، ۱۳۸۷؛ دهقان، ۱۳۹۲؛ یزدان‌پناه‌درو، ۱۳۹۴). اختلاف فرهنگی و سنتی خانواده‌های ایرانی با افغان‌ها و نپذیرفتن این‌گونه ازدواج‌ها از سوی جامعه ایرانی، مشکلات روحی و روانی برای بانوان و خانواده‌هایشان ایجاد می‌کند. آنها چه با همسر و چه بدون همسر گرفتار آسیب‌های روحی و روانی مانند افسردگی، انزوا، اعتیاد و... می‌شوند (معمدی، نیکیان و رضازاده، ۱۳۸۲؛ دجنگ، اسکولت، کوئیر و هارت، ۲۰۰۰<sup>۲</sup>؛ محمدیان، دادفر، بواله‌ری و کریمی کیسمی، ۱۳۸۴). با بررسی پژوهش‌ها در مورد ازدواج بانوان ایرانی با مردان افغان مشخص می‌شود که بیشتر پژوهش‌ها در مسائل حقوقی و قانونی حاکم بر این ازدواج‌هاست. ایمانی‌نابینی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهش خود امکان گسترش حمایت‌های حقوقی در مورد ازدواج زنان با اتباع غیرایرانی را بررسی کردند و نتیجه گرفتند که قوانین حمایتی در ازدواج زن ایرانی با مرد غیرایرانی، بیشتر در قالب محدودیت‌هاست و حمایت لازم را ندارد.

باتوجه به نگاه روان‌شناختی و علمی به موضوع ازدواج بین دو فرهنگ مختلف که در روان‌شناسی فرهنگی با ابعاد مختلف اجتماعی و فردی بررسی شده و نیز نگاه اسلامی به ازدواج که به آن تأکید شده است (ر.ک.، روم: ۲۱؛ بقره: ۱۸۷)، ضرورت دارد موضوع ازدواج بانوان

1. European Union Agency

2. De Jong, J. P., Scholte, W. F., Koeter, M. J., & Hart, A. M.



ایرانی با اتباع افغان در بافت‌های فرهنگی مختلف و استان‌های مختلف مورد توجه و بررسی قرار گیرد. براساس بررسی‌های انجام شده توسط اداره اتباع استان فارس این ازدواج‌ها در ایران بیشتر در طبقات اقتصادی و اجتماعی پایین صورت می‌گیرد و هم تبعه افغان و هم زن ایرانی وضعیت اقتصادی مناسبی ندارند. پژوهش‌های مختلف، موضوع ازدواج زنان ایرانی با مردان افغان را از جنبه حقوقی، پیامدها و آسیب‌های آن بررسی کرده‌اند، اما تاکنون آسیب‌های روان‌شناختی این گروه از زنان بررسی نشده است. به همین دلیل انجام تحقیقات کیفی در این مورد براساس بررسی عمیق یک موضوع در یک بافت خاص ضرورت دارد.

آمار نشان می‌دهد که در استان فارس میزان ازدواج دختران با اتباع افغان نسبت به سطح کشور بیشتر است. از این رو، ضروری است که این موضوع و مسائل ایجاد شده در آن به‌ویژه با رویکرد آسیب‌شناسی فردی و روان‌شناختی بررسی شود. هدف پژوهش حاضر بررسی آسیب‌های روان‌شناختی ازدواج بانوان ایرانی با اتباع افغان است. دلیل این ازدواج‌ها و پیامدهای روانی آن از مهمترین اهداف پژوهش حاضر است. با توجه به نقش شناخت آسیب‌های حاصل از ازدواج بانوان ایرانی با اتباع افغان در برنامه‌ریزی‌ها و آگاهی‌بخشی‌های لازم و آگاه‌سازی از پیامدهای ازدواج با اتباع خارجی برای دختران جوان و والدین آنها و نیز آگاه‌سازی مسئولین نسبت به توجه به حقوق افرادی که با اتباع افغان ازدواج می‌کنند، انجام پژوهش حاضر ضروری به نظر می‌رسد.

## ۲. شیوه اجرای پژوهش

### ۲-۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر باهدف بررسی چالش‌های روان‌شناختی زنان ایرانی ازدواج کرده با مردان افغان به شیوه کیفی از نوع پدیدارشناسی توصیفی (تجربه زیسته) انجام شد. پدیدارشناسی مطالعه تجربه زیسته افراد است که با توجه به آنچه به دست آورده یا از دست داده و تجربه کرده‌اند، انجام می‌شود. در پدیدارشناسی دو رویکرد توصیفی (پدیدارشناسی هوسرلی) و تفسیری حاکم است که هر دو رویکرد هدف مشابهی دارند و روش‌های تجزیه و تحلیل

آنها با هم هم پوشانی زیادی دارد (کرسول و پلانوکلارک، ۲۰۰۲) که در پژوهش حاضر از رویکرد پدیدارشناسی توصیفی (پدیدارشناسی هوسرل) استفاده شد.

اعتبار داده‌ها براساس قابلیت اطمینان و انتقال پذیری بررسی و تحلیل آن به روش تحلیل مضمون انجام شد. براین اساس، ابتدا متن مصاحبه‌ها به طور کامل و دقیق پیاده‌سازی و مطالعه شد. سپس مؤلفه‌های کلیدی از آن استخراج گردید. بدین منظور نخست، کدهای اولیه شناسایی و از ترکیب و تلفیق این کدها مضامین پایه به دست آمد. سپس مضامین پایه براساس اصل تشابه و تفاوت دسته‌بندی و مضامین سازمان‌دهنده استخراج گردید. تمام مضامین سازمان‌دهنده نیز زیرمجموعه مضمونی کلی‌تر به نام مضمون فراگیر قرار گرفت. برای اعتبارسنجی یافته‌ها از دو روش انتقال پذیری<sup>۲</sup> و قابلیت اطمینان<sup>۳</sup> استفاده شد. منظور از انتقال پذیری، قابلیت تعمیم نتایج به دست آمده از نمونه مورد مصاحبه به کل جمعیت است. قابلیت اطمینان در مطالعه کیفی به اعتبار پژوهش وابسته است. اگر مطالعه اعتبار کامل داشته باشد قابل اطمینان خواهد بود. یکی از راه‌های تأمین اطمینان در مطالعه کیفی استفاده از مسیر ممیزی<sup>۴</sup> است. (گال، بورگ و گال، ۱۳۸۶) در مسیر ممیزی، افراد خارج از پژوهش که با پژوهش‌های کیفی آشنا هستند به عنوان ناظر عمل می‌کنند. در مطالعه حاضر، دو ناظر (عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز و معاون اداره اتباع استان فارس) فرایند جمع‌آوری داده‌ها و فرایند تحلیل را بررسی و تأیید کردند. براین اساس، قابلیت اطمینان و اعتبار پژوهش حاصل شد.

## ۲-۲. جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه زنان ازدواج کرده با مردان افغان در استان فارس بود که تعداد ۲۰ نفر از ایشان به شیوه هدفمند و با ملاک سابقه ازدواج بالای سه سال و رسیدن به اشباع نظری در مصاحبه نیمه‌ساختارمند، انتخاب شدند. مدت زمان انجام هر مصاحبه ۲۰ تا ۴۰ دقیقه بود و اصول اخلاقی مربوط به مصاحبه مانند موافقت آگاهانه، هدف پژوهش و جلب رضایت مصاحبه‌شوندگان رعایت شد. مهمترین ویژگی‌های نمونه مورد

1. Creswell, J., & Plano Clark, V.

2. transferenceability

3. dependability

4. audit trail



مصاحبه عبارت بود از: گروه سنی مصاحبه‌شوندگان از ۲۵ تا ۵۵ سال، سابقه ازدواج ۳ تا ۲۴ سال، تحصیلات از بی‌سواد تا حداکثر دیپلم، دارای فرزند، دارای ۱ تا ۵ فرزند، شغل همسران بیشتر کارگر و سرایدار، مهاجرت از روستا به شهر بعد از ازدواج به دلیل شغل همسر.

### ۳. یافته‌های پژوهش

در تحلیل یافته‌های حاصل از مصاحبه در پاسخ به دو سؤال پژوهش دو چالش عمده روان‌شناختی یعنی، چالش حق انتخاب همسر و چالش امنیت شناسایی شد.

#### جدول ۱

مضامین مستخرج از مصاحبه با محور دلایل ازدواج بانوان ایرانی با اتباع افغان

مضامین فراگیر سطح اول	مضمون فراگیر سطح دوم	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
انتخاب همسر	اجبار مستقیم	شرایط اقتصادی	فقر
			احتیاج مالی
			سربار بودن
	اجبار غیرمستقیم	شرایط فرهنگی	عدم اطلاع و آگاهی
			کم‌سوادی یا بی‌سوادی والدین
			کم‌سوادی یا بی‌سوادی دختر
	شرایط اجتماعی	بالارفتن سن دختر	
		افزایش ازدواج دختران محله با مردان افغان	
		زیادبودن تعداد دختران در خانواده	

در بررسی چالش اول پژوهش یعنی، دلایل ازدواج بانوان ایرانی با اتباع افغان، ۹ مضمون پایه، ۳ مضمون سازمان دهنده و ۱ مضمون فراگیر استخراج شد. مطابق جدول ۱ مضمون فراگیر اصلی به دست آمده، حق انتخاب همسر و بیانگر چرایی ازدواج با یک تبعه افغانستان است. این موضوع نزد بیشتر مصاحبه‌شوندگان نشان دهنده اجبار در ازدواج یا عدم وجود انتخابی دیگر (به صورت مستقیم یا غیرمستقیم) بود. در این مورد شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی از عمده‌ترین مضامین سازمان دهنده بود. بیشتر مصاحبه‌شوندگان که با مردان افغان ازدواج کرده بودند شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناسبی نداشتند و همین شرایط نقش عمده‌ای در ازدواج آنها داشته است. در میان علل



ازدواج، شرایط اقتصادی اهمیت بسزایی در اجبار مستقیم زنان به ازدواج با اتباع افغان داشت به گونه‌ای که شاید بتوان گفت تمام شرایط را تحت الشعاع خود قرار داده بود. در مورد این چالش یکی از مصاحبه‌شوندگان ۴۳ ساله با سابقه ۱۰ سال ازدواج بیا کرد: «وضعیت مالی ما هیچ وقت خوب نبود و اکثر اوقات به خاطر همین موضوع در خانه مشکلات بسیاری داشتیم. پدرم کارگر و بی‌سواد بود و هر از گاهی کاری به او پیشنهاد می‌شد، ولی بیشتر اوقات بی‌کار و بی‌پول بود». مصاحبه‌شونده دیگر که خانمی ۳۸ ساله با ۶ سال سابقه زندگی مشترک، ازدواج خود را عاملی برای حمایت مالی از خود و خانواده‌اش می‌دانست و به این امید ازدواج کرد که همسرش کمک خرجی برای خانواده‌اش باشد و بتواند حمایت‌های مالی داشته باشد: «شوهرم مرتب کار می‌کرد و بسیار اهل کار و تلاش بود. وقتی با او ازدواج کردم به این امید بودم که او بتواند از خانواده‌ام حمایت کند و کمک خرجی باشد».

علاوه بر شرایط اقتصادی، شرایط فرهنگی نیز عامل مهمی در ازدواج است. بیشتر ازدواج‌های بانوان ایرانی با اتباع افغان در خانواده‌هایی انجام شده است که سطح فرهنگی پایینی دارند. عدم اطلاع و آگاهی از ازدواج با اتباع خارجی و پیامدهای آن، بی‌سوادی یا کم‌سوادی والدین دختر و بی‌سوادی یا کم‌سوادی دختران، از عوامل مهم شرایط فرهنگی بود. خانم ۳۳ ساله در مورد عدم اطلاع و آگاهی کافی از ازدواج با اتباع خارجی گفت: «من، اصلاً هیچی نمی‌فهمیدم و نمی‌دونستم این ازدواج چه مشکلاتی داره. خانواده‌ام هم نمی‌دونستند. فکر نمی‌کردیم مهم باشه». شرایط اجتماعی نیز در شکل‌گیری این ازدواج‌ها نقش دارد. در این مورد با توجه به جایگاه زن در جامعه ایران، بسیاری از مصاحبه‌شوندگان، جنسیت خود را عاملی برای ازدواج با یک تبعه افغانستان مطرح کردند. مسائلی مانند ازدواج‌های مشابه در محله، بالا رفتن سن و وجود چند دختر در خانواده در این مورد قابل توجه بود. خانم ۴۰ ساله با ۱۰ سال سابقه زندگی مشترک بیان کرد: «من در منطقه‌ای زندگی می‌کردم که اکثر دخترای محله با افغان‌ها ازدواج کرده بودند و دخترای محل به راحتی زن یک مرد افغان می‌شدند».

## مضامین مستخرج از مصاحبه با بانوان ایرانی با محور چالش‌های امنیت روانی

مضمون فراگیر سطح اول	مضمون فراگیر سطح دوم	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	
احساس امنیت	مراقبت‌های جسمی و روانی	امنیت جانی	حمله شبانه	
			زندانی شدن در خانه	
			خشونت جسمی	
		امنیت عاطفی	دوست داشته شدن	
			عشق	
			همدلی و همدردی	
	هویت‌یابی	قدرت	پیشرفت	رها شدن و بازگشت مرد به افغانستان
				شایستگی
				حق انتخاب
		آزادی	شناخت خود	استقلال
				فردیت
				زنانگی
نیازهای اولیه	نیازهای اقتصادی	درآمدزایی	رفع احتیاجات اولیه	
			نیازهای جنسی	اجبار در رابطه
				عدم توجه به شرایط روحی-روانی
	اختلالات جسمی و روانی	اختلالات روانی		اجبار بر روابط جنسی غیرمتعارف
			عصبی بودن	افسردگی
				اعتماد به نفس پایین
		اختلالات جسمی	دردهای جسمانی و بیماری	



چالش دوم شناسایی پژوهش حاضر، مضامین مربوط به امنیت روانی بود. بعد از تحلیل مصاحبه‌ها با افراد انتخابی تعداد ۲۲ مضمون پایه، ۹ مضمون سازمان‌دهنده و ۴ مضمون فراگیر سطح دوم در این مورد استخراج شد. (جدول ۲) براساس نتایج جدول ۲، احساس امنیت، مضمون فراگیر سطح و شامل پنج مضمون فراگیر سطح دوم است که عبارتند از: - احساس امنیت: در مصاحبه‌های انجام شده دو عامل امنیت جانی و امنیت عاطفی در برخی زنان دیده می‌شد که امنیت عاطفی بیشتر بود. خانمی ۳۸ ساله در مصاحبه

گفت: «اگر به خواسته‌های همسرم پاسخ ندهم عصبانی می‌شود و کتکم می‌زند. در فرهنگ افغان‌ها تمکین زن یک قانون است و امکان ندارد بشود قبول نکرد». خانم ۳۶ ساله گفت: «خیلی عصبی است و اگر باهاش یکی به دو کنم فوراً کتک‌کاری می‌کنه». در مورد امنیت عاطفی، برخی بانوان به مفهوم عشق، دوست داشته شدن و همدلی اشاره داشتند. خانم ۲۹ ساله گفت: «وقتی بهم میگن شوهرت دوستت داره، نمی‌دونم منظورشون از دوست داشته شدن چیه. فقط می‌دونم داریم زندگی می‌کنیم. اون کار می‌کنه، من بچه‌داری و شوهرداری می‌کنم. حالا دیگه نمی‌دونم دوست داشته شدن چیه. فقط کاری و که باید انجام بدم، میدم».

- هویت‌یابی: مضمون فراگیر دیگر در آسیب‌های فردی، هویت‌یابی بود که عبارتند از: نیاز به قدرت (پیشرفت و شایستگی)، آزادی (انتخاب، استقلال) و شناخت خود (فردیت، زنانگی). خانم ۳۸ ساله بیان کرد: «کاش شوهرم می‌فهمید من می‌تونم کارهای زیادی را به خوبی انجام دهم و فقط از من نمی‌خواست زنش باشم و بچه بیارم و بچه‌داری و خونه‌داری کنم».

- نیازهای اولیه: از مصاحبه‌های انجام شده مشخص شد که بسیاری از نیازهای مهم بانوان از جمله نیازهای اقتصادی و نیازهای جنسی برآورده نمی‌شود. خانم ۳۴ ساله گفت: «خیلی دلم می‌خواست برم سرکار و برای خودم درآمد داشته باشم، اما شوهرم میگه در افغانستان برای مردان زشت است که زنشان سر کار برود». نکته قابل توجه در مورد نیازهای جنسی، بازداری و اکنشی مصاحبه‌شوندگان از صحبت کردن در این مورد بود که بعد از ایجاد فضای قابل اعتماد توسط محقق، گروهی از بانوان در این مورد صحبت کردند. خانم ۳۵ ساله بیان کرد: «من هیچ وقت در ارتباط جنسی با شوهرم ارضا نمی‌شم چون اون اصلاً به این قضیه اهمیت نمی‌ده و زشت هم هست که من بگم».

- اختلالات جسمی و روانی: در بررسی محتوای پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان، علائمی از بیماری‌های جسمی و روانی مشاهده شد که بیشتر آنها مشکلات روانی بود. خانم ۵۲ ساله گفت: «همش سردرد دارم. وقتی میرم دکتر، میگه به خاطر شرایط زندگی هست. کاریش هم نمی‌شه کرد». خانم ۳۸ ساله بیان کرد: «قبل از اینکه به افغانستانی شوهر کنم خیلی کارها را خوب انجام می‌دادم، اما در این هشت سال زندگی این قدر بدی دیدم که می‌ترسم کاری و انجام بدم خرابکاری بشه، قبلاً دختر خونه که بودم شیرینی می‌پختم عالی، حالا حتی می‌ترسم این کار هم انجام بدم».

#### ۴. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف بررسی چالش‌های روان‌شناختی زنان ایرانی ازدواج کرده با مردان افغان بود که با دو چالش یعنی، علت ازدواج با اتباع افغان و پیامدهای روانی آن انجام شد. تحلیل یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها نشان داد که در ازدواج با تبعه افغان، انتخاب مستقیم و آگاهانه‌ای از سوی دختران وجود نداشته است. به همین دلیل می‌توان به اجبار در ازدواج چه به صورت مستقیم چه به صورت غیرمستقیم اشاره کرد. شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی متعدد در شکل‌گیری این ازدواج‌ها تأثیر داشته است. نتیجه به دست آمده با پژوهش‌های توسلی نایینی (۱۳۸۷)، دهقان (۱۳۹۲) و یزدان‌پناه‌درو (۱۳۹۴) همسوست. تحلیل یافته‌ها در این بخش نشان داد که عمده‌ترین علل ازدواج بانوان ایرانی با اتباع افغان مسائل اقتصادی و فقر است. بیشتر دخترانی که با مردان افغان ازدواج کرده‌اند از خانواده‌هایی با فقر اقتصادی بودند که در محله‌های ضعیف (از نظر اقتصادی) زندگی می‌کردند. براین اساس، سه مضمون پایه اساسی فقر، احتیاجات مالی و سربرابر بودن در قالب مضامین سازمان‌دهنده عامل اقتصادی شناسایی شد. بیشتر دختران به فقر خانواده، داشتن احتیاجات مالی شخصی و خانوادگی برای رفع نیازهای اولیه خود و احساس سربرابر بودن و اضافی بودن در خانواده اشاره داشتند و تصورشان بر این بود که با ازدواج می‌توانند بخشی از مشکلات اقتصادی خانواده و یا خود را حل کنند.

دومین و مهمترین علت ازدواج بانوان ایرانی با اتباع افغان، مسائل اجتماعی مانند زیاد بودن تعداد دختران در خانواده، افزایش سن دختران برای ازدواج و وجود ازدواج‌های مشابه در خانواده یا محله بود. در مصاحبه‌های انجام شده، بیشتر ازدواج‌ها در گروه‌های سنی بالای ۲۷ سال صورت گرفته که در خانواده تعداد فرزندان به ویژه دختران زیاد بود. به همین دلیل در بسیاری موارد دختران، برای اینکه سریع‌تر از خانواده خود دور شده و با مسئله مجرد دائمی مواجه نشوند، ازدواج با اتباع خارجی را پذیرفته بودند. از دیگر علل قابل توجه در این بخش، وجود ازدواج‌های مشابه در خانواده یا منطقه مسکونی این دختران می‌باشد که اگرچه تعداد آن محدود بود، ولی پذیرش ازدواج با تبعه افغان را برای این دختران راحت‌تر کرده بود. نکته قابل توجه در این‌گونه ازدواج‌ها تجارب موفق

همسایگان یا فامیل در ازدواج با اتباع خارجی بود.

از دیگر عوامل اصلی ازدواج دختران ایرانی با مردان افغان، مسائل فرهنگی مانند فقر اطلاعاتی والدین و دختران بود. در مصاحبه‌های انجام شده، بیشتر والدین، بی‌سواد و یا کم‌سواد بودند و دختران آنها نیز سطح تحصیلی بالایی نداشتند. نکته قابل توجه در این مورد عدم اطلاع و آگاهی والدین و خانواده‌ها از مشکلات ازدواج دختران با مردان افغان، به ویژه مشکلات فرهنگی و قانونی بود که در این ازدواج‌ها هم برای دختران و هم برای فرزندان آنها وجود داشت. صرف ازدواج دختران و به اصطلاح عامیانه: «نماندنشان در خانه» عامل مهمی در رضایت خانواده‌ها و دخترانشان برای ازدواج با اتباع خارجی بود. براساس دیدگاه روان‌شناسان فرهنگی، مشکل عمده در ارتباطات اجتماعی بین فرهنگی به ویژه در پیوندهای ازدواج از عدم تعادل اقتصادی ناشی می‌شود که تبعات اجتماعی هم دارد و بر پیوندهای ایجاد شده بین زن و مرد تأثیر منفی می‌گذارد. (لوی و شیراو، ۲۰۱۷) در رویکردهای نظری مربوط به تشکیل خانواده، وقتی شرایط زن و مرد به تعادل نرسد مشکلات متعددی در شکل‌گیری پیوند خانوادگی تجربه می‌شود. براین اساس، شرایط اقتصادی پایین خانواده زن و مرد که از دو فرهنگ مختلف هستند، ارتباط‌ها و پیوندهای عاطفی را با مشکلات عمده‌ای مواجه می‌کند و تجارب زیسته هر دو زوج در این نوع ازدواج‌ها به تعادل روحی هیچ‌کدام کمک نمی‌کند. نتایج به دست آمده پژوهش حاضر با پژوهش‌های البرزی (۱۳۹۴)، علی‌پور و همکاران (۱۳۹۶)، رحیمی و آزادفلاح (۱۳۹۷)، اعظم‌آزاده و مظفری (۱۳۹۶) و بزوی (۱۳۸۵) همسوست. بزوی (۱۳۸۵) معتقد است که شرایط اقتصادی و اجتماعی ضعیف اتباع افغان که با زنان ایرانی ازدواج می‌کنند، پیامدهای منفی فردی و اجتماعی به دنبال دارد. بشیر و کشانی (۱۳۹۸) معتقدند اگرچه بین دو ملت ایران و افغانستان تشابه فرهنگی زیادی وجود دارد و می‌تواند عاملی برای کاهش احساس بیگانگی در آنها باشد، تجارب زیسته منفی و تلخ در ارتباطات آنها تمام روابط آنها را متأثر می‌کند. در این مورد می‌توان به نتایج پژوهش حاضر اشاره کرد و شاید بتوان گفت که تجارب تلخ در ازدواج بانوان ایرانی نیز موجب آسیب به این گروه از زنان می‌شود.

بری و همکاران (۲۰۰۲) در مبحث تفاوت‌های فرهنگی بین ملت‌ها و ایجاد ارتباط بین



آنها به آسیب‌های شناختی، اجتماعی، روانی و اقتصادی که در این مورد به‌ویژه در فرد ضعیف‌تر ایجاد می‌شود، اشاره می‌کنند. یودین (۲۰۱۰) معتقد است تأثیر این ازدواج‌ها بر سلامت فیزیکی و روانی زنان بیشتر از مردان است. براساس نظریه‌های مربوط به تشکیل خانواده، نظریه مبادله و تکامل و تقابل، تبیین‌کننده مشکلات روان‌شناختی و اجتماعی ازدواج براساس عدم تعادل بین زن و مرد در یک پیوند خانوادگی است، به‌ویژه اگر این پیوند در زن و مردی با دو فرهنگ مختلف انجام شود.

نتایج تحلیل یافته‌های به‌دست آمده از چالش‌های امنیت نشان می‌دهد که کسب هویت در افراد از مهمترین ویژگی‌های لازم برای سلامت روان فرد و حضور او در اجتماع است. هویت‌یابی صحیح افراد به‌ویژه ارکان اصلی یک خانواده (زن و شوهر) اساس رشد سالم و فضای خانوادگی مناسب در هر اجتماعی است. در مصاحبه‌های انجام شده سه عامل اساسی یعنی، احساس قدرت (پیشرفت و شایستگی)، احساس آزادی (استقلال و حق انتخاب) و شناخت خود (فردیت و زنانگی) از مهمترین عناصر هویت بود. داشتن قدرت برای پیشرفت و احساس شایستگی در زمینه‌های مختلف خانوادگی و فردی به افراد در هویت‌یابی کمک می‌کند. بسیاری از بانوان شرکت‌کننده در مصاحبه معتقد بودند که توانایی‌های لازم برای پیشرفت در موضوعات مورد علاقه و تصمیم‌گیری‌های مهم زندگی را دارند. آنها معتقد بودند که فرهنگ متفاوت مردان تبعه افغانستان و شرایط اجباری حاکم بر زندگی، مانع بروز این توانمندی‌ها می‌شود. نکته قابل توجه این بود که زنان با سن کمتر شکایت بیشتری در این مورد داشتند. به‌نظر می‌رسد با افزایش سن و تجربیات زندگی مشترک، این مسائل در موضوعات دیگر زندگی، خود را نشان نمی‌دهد و یا به‌شکل دیگر (برای مثال در تربیت فرزندان و اداره امور زندگی) مشهود می‌شود. عنصر دیگر در هویت‌یابی، احساس آزادی (استقلال و حق انتخاب) است. براساس آنچه در فرهنگ مردان افغانستان به‌ویژه مردانی که فقر فرهنگی و اقتصادی دارند، دیده می‌شود زنان باید از مردان تبعیت کنند و استقلال و حق انتخابی که زنان در بسیاری از خانواده‌های ایرانی دارند در خانواده‌های افغانستانی دیده نمی‌شود.

از دیدگاه مردان افغانستانی، وظایف زنان، همسررداری، بچه‌داری و مراقبت از خانه و

زندگی است و باید در این مورد تمکین کنند. اگرچه به نظر می‌رسد دختران ایرانی باتوجه به تفاوت‌های فرهنگی در پذیرش این موضوع مشکل دارند، ولی بعد از مدتی به‌ویژه بعد از به دنیا آمدن فرزند، در برابر خواسته‌های مردان راحت‌تر تسلیم شده و عمل می‌کنند. عنصر آخر در هویت‌یابی، شناخت خود (فردیت و زنانگی) است؛ در مورد شناخت خود، توجه به چند نکته ضروری است. فردیت یعنی، شناخت توانمندی‌ها، شایستگی‌ها، ضعف‌ها و کمبودها که به فرصت و زمینه‌های مناسب خانوادگی و اجتماعی نیاز دارد. این موضوع در مورد زنان نسبت به مردان اهمیت بیشتری دارد. به نظر می‌رسد دختران ایرانی که با مردان افغانستانی زندگی می‌کنند هم در دوران مجرد و هم در دوران تأهل از این فرصت‌ها دور بوده و شرایط لازم برای شناسایی در آنها ایجاد نمی‌شود. نکته مهم برای کسب فردیت، کسب اطلاعات، دانش و مهارت‌هایی است که لازمه آن آموزش و تربیت است که بسیاری از دختران از این آموزش‌ها محروم هستند. در مورد هویت‌یابی و خصوصیت زنانگی نیز شرایط مناسبی در جامعه وجود ندارد. این موضوع در ازدواج با اتباع خارجی بیش‌ازپیش خود را نشان می‌دهد. زن بودن و حس زنانگی مثبت را تجربه کردن در شرایطی که نوعی احساس حقارت محسوب می‌شود، امکان‌پذیر نیست. برخی از مصاحبه‌کنندگان براین باور بودند که تولد فرزند دختر برای آنها عواقب منفی دارد و خودشان نیز احساس خوبی نسبت به آن ندارند. شاید بتوان گفت که زن بودن، نوعی ویژگی با پیامدهای منفی در خانواده و جامعه برای آنهاست.

در مصاحبه‌های انجام شده، تحلیل‌ها حاکی از عدم احساس امنیت جانی و عاطفی در بانوان ایرانی ازدواج کرده با مردان افغانستانی است. باید توجه داشت که قوانین حمایتی دولت ایران در مورد این ازدواج‌ها حداقل است؛ احساس امنیتی که زن باید در خانواده داشته باشد و برای آن از حمایت‌های دولتی، خانوادگی و قانونی برخوردار باشد در این ازدواج‌ها وجود ندارد. در این میان، اهمیت امنیت عاطفی کمتر از امنیت جانی نیست. در روان‌شناسی و روابط انسانی، احساس امنیت از اینکه فرد، مورد علاقه باشد، دوست داشته شود و همدلی و عشق به او داده شود از ارکان اساسی سلامت روان به‌ویژه در زنان است. نکته قابل توجه در مصاحبه‌های پژوهش حاضر این است که به نظر می‌رسد علت ازدواج

مردان افغانستانی با زنان ایرانی، حمایت‌های دولتی، خانوادگی و شغلی ایشان در ایران است که لازمه آن ازدواج با یک زن ایرانی است. براین اساس، عشق و دوست داشتن در ابتدای ازدواج دیده نمی‌شود و در پی آن نیز رابطه عاشقانه شکل نمی‌گیرد.

نکته قابل توجه در پژوهش حاضر در مورد بانوان با سابقه ازدواج طولانی‌تر این است که مسائل فرزندان از جمله حمایت از ایشان و تأمین مالی، اشتغال و تحصیلشان اولویت بود و وقتی از آنها در مورد دوست داشتن سؤال می‌شد، می‌گفتند که در اوایل علاقه‌ای وجود نداشت، اما به مرور به ویژه در مردانی که بیشتر با فرهنگ ایرانی آمیختگی پیدا کرده بودند، حس دوست داشتن شکل گرفته بود. در کنار این گروه، بانوانی نیز بودند که امنیت جانی را مطرح می‌کردند که از میان مهمترین آنها زندانی شدن در خانه برای حذف رفت‌وآمد با خانواده و اجتماع بود. برخی از بانوان به ویژه آنها که در سال‌های اول زندگی مشترکشان بودند، می‌گفتند: «همسر هنگام خارج شدن از خانه درب را قفل کرده تا من از خانه خارج نشوم و با کسی رفت‌وآمد نداشته باشم و اگر اعتراضی هم داشته باشم می‌گوید که در افغانستان از این کارها بسیار صورت می‌گیرد». برخی دیگر، دلیل عدم امنیت جانی را حمله‌های شبانه به ویژه برای گرفتن فرزندان و بردن آنها به افغانستان مطرح می‌کردند. گروه اندکی دلیل عدم امنیت جانی را اعتیاد همسر و نیاز مالی برای خرید مواد مخدر بیان می‌کردند که با حمله‌ها و خشونت‌های جسمی نسبت به زن همراه بوده است. برخی بانوان معتقد بودند که به مجرد عدم تمکین یا نارضایتی، به راحتی مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند و هیچ‌کس حتی خانواده‌هایشان نیز از آنها حمایت نمی‌کند.

از دیگر مضامین سازمان‌دهنده در مورد آسیب‌های فردی، نیازهای اولیه بانوان مانند نیازهای اقتصادی و ارتباطی (جنسی) بود که مصادیق متعددی نداشت. در مورد نیازهای اقتصادی تمایل به درآمدزایی یا اجبار به درآمدزایی در میان بانوان ایرانی به کرات در مصاحبه‌ها شنیده شد. برخی از بانوان می‌گفتند که اگر همسرشان در جایی نگرهبان است، مسئولیت واقعی بر دوش زنان است و درآمدزایی اساسی توسط آنها صورت می‌گیرد. از سوی دیگر، درآمدزایی وجهه دیگری نیز داشت و آن هم این بود که برخی از زنان تمایل به اشتغال و درآمدزایی شخصی و رفع احتیاجات خود داشتند که بنا به سنت و فرهنگ



مردان افغانستانی، مورد پذیرش قرار نمی‌گرفت و با اشتغال بانوان به دلیل حضورشان در مجامع مردانه و عمومی مخالفت می‌شد. این درحالی است که برخی از احتیاجات فردی زنان می‌تواند با اشتغال خودشان برآورده شود.

گروه دیگری از نیازهای اولیه زنان، مسائل جنسی بود که در بیشتر موارد به اجبار در ایجاد رابطه، عدم توجه به نیازهای روحی و روانی آنها به‌ویژه قبل از ارتباط جنسی و روابط جنسی نامتعارف اشاره می‌کردند. در مواردی حتی بانوانی بودند که از ناامنی جنسی توسط برادران همسر خود به‌ویژه زمانی که با آنها به افغانستان می‌روند، اشاره کردند. این امر باعث شده بود بسیاری از این بانوان از سفر به افغانستان خودداری کنند و به همین دلیل مورد ضرب و شتم قرار می‌گرفتند.

از دیگر آسیب‌های فردی در بانوان ایرانی ازدواج کرده با اتباع افغانستانی آسیب‌های جسمی و روانی در آنها بود. بسیاری از آنها از دردهای جسمانی دست، گردن و پا یا بیماری‌های متعدد زنانه و... احساس نارضایتی می‌کردند. نکته قابل توجه در این مورد عدم وضعیت مالی مناسب (درآمد ناکافی، نداشتن بیمه، عدم خدمات دولتی) برای درمان بود. در این مورد برخی از بانوان بیان کردند که همسرانشان به این موضوعات اهمیت نمی‌دهد. از شایع‌ترین اختلالات روانی این بانوان می‌توان داشتن برخی علائم افسردگی نام برد که عبارتند از: نداشتن تمایل به ارتباط با دیگران، غمگین و بی‌حوصله بودن، بی‌توجهی به مسائل زندگی حتی فرزندان و عدم اعتماد به نفس. همچنین آنها معتقد بودند در حال حاضر شهامت و جسارت لازم برای انجام کارهایی را که قبل از ازدواج به راحتی انجام می‌دادند، ندارند. بسیاری نیز از عصبی بودن و زود عصبانی شدن که بعد از ازدواج به آن مبتلا شده بودند، و یا بروز خشونت رفتاری و فیزیکی نسبت فرزندان و وسایل منزل، شکایت داشتند.

باتوجه به نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود قوانین حمایتی و دولتی برای حمایت از بانوان ایرانی که با اتباع بیگانه ازدواج می‌کنند تدوین و تبیین شود. همچنین اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی خانواده‌ها (به‌ویژه در مناطقی که این ازدواج‌ها رواج بیشتری دارد) برای آشنایی ایشان با مشکلات، قوانین و مراحل ازدواج با یک تبعه



بیگانه برای کاهش آسیب‌ها انجام شود. ارائه خدمات آموزشی به بانوان برای کاهش آسیب‌های فردی در این ازدواج‌ها و برای داشتن زندگی بهتر لازم است. برای دستیابی به تحلیل‌های عمیق‌تر، انجام پژوهش‌های طولی در مورد ویژگی‌های خانوادگی، فردی و اجتماعی در ازدواج‌هایی که با اتباع بیگانه انجام می‌گیرد نیز ضروری است. همچنین انجام پژوهش‌های ترکیبی برای اعتبارسنجی، تعمیق یافته‌ها و انجام پژوهش‌های مقایسه‌ای در شهرهای مختلف به‌ویژه پژوهش‌هایی که بر تغییرات ساختار اجتماعی در مناطق، محله‌ها، شهرها و روستاهایی که این‌گونه ازدواج‌ها به راحتی انجام می‌شود، لازم است. از مهمترین محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به عدم دسترسی مناسب و کافی به نمونه‌های داوطلبی که از شرایط مناسب‌تری نسبت به عموم ازدواج‌های مذکور داشتند، اشاره کرد.

در آخر، لازم است از همه همکاران استانداری فارس به‌ویژه مدیر کل امور اتباع و مهاجرین خارجی استانداری فارس و معاون مدیر کل امور اتباع و مهاجرین خارجی استانداری استان فارس که در تمام مراحل انجام طرح پژوهشی را حمایت نمودند تشکر و قدردانی شود.

### فهرست منابع

۱. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی خانواده ایرانی. تهران: سمت.
۲. احمدی، کرامت‌الله (۱۳۹۲). نقش نظام آموزشی در آموزش و آگاهی‌بخشی دانش‌ها و مهارت‌های تشکیل خانواده و ازدواج به دانش‌آموزان مقطع متوسطه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه. دانشگاه شیراز.
۳. اعظم‌آزاده، منصوره، و مظفری، خدیجه (۱۳۹۶). طرد اجتماعی زنان ایرانی ازدواج کرده با اتباع خارجی (عراقی-افغانی) و عوامل مؤثر بر آن. نشریه بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۲۸(۲)، ۵۵-۷۶.
۴. ایمانی‌نایینی، محسن، صادقی، محمود، و عبدی، فاطمه (۱۳۹۱). بررسی مقایسه‌ای رضایتمندی زناشویی بین زنان ایرانی ازدواج کرده با مردان ایرانی و غیرایرانی. نشریه علمی-پژوهشی جامعه‌شناسی زنان، ۳(۲)، ۸۱-۱۰۰.
۵. البرزی، محبوبه (۱۴۰۰). واکاوی چالش‌های ازدواج بانوان ایرانی با اتباع افغان: مطالعه موردی استان فارس. نشریه زن و جامعه، ۱۲(۴۸)، ۳۳-۵۰.
۶. بزی، خدارحم (۱۳۸۵). بررسی آثار و پیامدهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی حضور مهاجرین افغان در شهر زابل. نشریه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۱۱(۳)، ۲۳-۳۶.
۷. بشیر، حسن، و کشانی، محمدجواد (۱۳۹۸). ارتباطات میان فرهنگی افغان‌های مقیم ایران با ایرانیان برپایه نظریه هم‌فرهنگی. نشریه علمی مطالعات میان‌فرهنگی، ۴۱(۱۴)، ۹-۳۰.
۸. توسلی‌نایینی، منوچهر (۱۳۸۷). تأملی بر وضعیت حقوقی کودکان بی‌هویت ناشی از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی. نشریه حقوق اسلامی، ۲۲(۶)، ۱۳۳-۱۴۹.
۹. دهقان، یدالله (۱۳۹۲). حضور اتباع خارجی در استان خراسان جنوبی و تأثیر آن بر نظم و امنیت پایدار در منطقه. همایش ملی خراسان جنوبی، نظم و امنیت. دانشگاه بیرجند.
۱۰. رحیمی، احمد، و آزادفلاح، پرویز (۱۳۹۷). مقایسه علاقه اجتماعی، خودشیفتگی و رضایت زناشویی در زوجین ایرانی و افغانستانی. نشریه روان‌شناسی بالینی، ۳۸(۱۰)، ۵۱-۵۸.

۱۱. علی پور، عباس، سعادت جعفرآبادی، حسن، و دهقانی فیروزآبادی، جلیل (۱۳۹۶). شناخت و تحلیل پیامدهای امنیتی ناشی از حضور اتباع بیگانه افغانی در استان یزد. *نشریه پژوهشنامه جغرافیایی/انتظامی*، ۵(۱۸)، ۷۹-۱۰۸.
۱۲. کشاورز قاسمی، حسین، و نادریور، بابک (۱۳۹۷). تبیین پیامدهای مهاجرت اتباع کشور افغانستان بر جامعه ایران؛ مطالعه موردی شهر قزوین. *نشریه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای)*، ۸(۳)، ۲۸۹-۳۰۵.
۱۳. گال، مردیت، بورگ، والترو، و گال، جوئیس (۱۳۸۶). *روش تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان شناسی*. مترجم: نصر، احمدرضا. تهران: سمت.
۱۴. محمدیان، مهرداد، دادفر، محبوبه، بوالهیری، جعفر، و کریمی کیسمی، عیسی (۱۳۸۴). غربالگری اختلال‌های روانی در مهاجران افغان مقیم تهران. *نشریه روان پزشکی و روان شناسی بالینی ایران*، ۱۱(۳)، ۲۷۰-۲۷۷.
۱۵. معتمدی، سید هادی، نیکیان، بدالله، و رضازاده، سعدالله (۱۳۸۲). بررسی میزان شیوع افسردگی در پناهندگان افغان مقیم اردوگاه بردسیر کرمان. *نشریه توانبخشی*، ۱(۴)، ۲۲-۲۷.
۱۶. ناصری، کامران (۱۳۷۹). مهاجران افغان در ایران و سرشماری آنها. *نشریه گفت‌وگو*، ۳۰(۱۶۰-۱۷۰).
۱۷. یزدان پناه‌درو، کیومرث (۱۳۹۴). بررسی ازدواج مردان مهاجر افغانستانی با دختران ایرانی و آثار و پیامدهای اجتماعی آن بر کشورهای برمی‌نای جغرافیای جرم و آسیب‌های اجتماعی. *نشریه زن در فرهنگ و هنر*، ۷(۳)، ۳۴۳-۳۵۸.
18. Attride-Stirling, J. (2001). Thematic networks: an analytic tool for qualitative research. *Qualitative research*, 1(3), 385- 405.
19. Berry, J. W., Poortinga, Y. H., Segall, M. H., & Dasen, P. R. (2002). *Cross-cultural psychology: research and applications (Second, revised edition)*. Cambridge: Cambridge University.
20. Creswell, J., & Plano Clark, V. (2007). Designing and Conducting Mixed Methods Research. *Organizational Research Methods*, 12(4), 801- 804.
21. De Jong, J. P., Scholte, W. F., Koeter, M. J., & Hart, A. M. (2000). The prevalence of mental health problems in Rwandan and Burundese refugee camps. *Acta Psychiatrica Scandinavica*, 102(3), 171- 177.
22. Dixon, D. C. (2013). *Christian spirituality and marital health: A phenomenological study of long-term marriages*. A doctoral dissertation. Liberty University.
23. Dolan, F. E. (2011). Re-reading Rape in the Changeling. *Journal for Early Modern Cultural Studies*, 11(1), 4- 29.
24. *European Union Agency of Asylum*. (2022). Iran situation of Afghan refugees. <https://european-union.europa.eu>
25. Levine, R. A., Sato, S., Hashimoto, T., & Verma, J. (1995). Love and Marriage in Eleven Cultures. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 26, 554- 571.
26. Levy, D., & Shiraev, E. (2017). *Cross-Cultural Psychology: Critical Thinking and Contemporary Applications*. New York: Routledge
27. Maykut, P., & Morehouse, R. (1994). *Beginning qualitative research; A philosophic and practical guide*. London: The Falmer Press.
28. Uddin, E. (2010). *Family Structure: A Cross-Cultural Comparison between Muslim and Santal Communities in Rural Bangladesh*. LAP LAMBERT Academic Publishing. ISBN: ISBN-10: 3843381143

**The Islamic Journal of Women and the Family**  
**Quarterly Journal**

11st Year / no.31 / Summer 2023

ISSN: 2538-4085

EISSN: 2717-6190

Proprietor: Al-Mustafa International University

Published: BintulHoda Higher Education Complex

Chief Director: Seyed Mahmod Kaveyani

Editor-in-Chief: Ali NaqiFaqihi

**Members of the Editorial Board (in alphabetical order)**

Hamid Parsania / Associate Professor of Philosophy, Faculty Member of University of Qom

Masoud Janbozorgi, Professor of Psychology, Faculty Member of Research Institute of Hawzah and University

Farah Ramin / Professor of Philosophy and Islamic Theology, Faculty Member of University of Qom

Adel Sarikhani, Professor of Criminal Law and Criminology, Faculty Member of University of Qom

Mohammad Mahdi Safouraei Parizi, Associate Professor of Educational Psychology, Faculty Member of Al-Mustafa International University

Jamileh Alamolhoda, Associate Professor of Educational Sciences and Psychology, Faculty Member of Shahid Beheshti University

Mohammad Faker Meibodi, Professor of Quranic Interpretation and Sciences, Faculty Member of Al-Mustafa International University

Ali Naghi Faghihi, Associate Professor of Educational Psychology, Faculty Member of University of Qom

Hussein Ghamari Givi, Professor of Counseling, Faculty Member of University of Mohaghegh Ardabili

Mohammad Mahdi Gorjian Arabi, Professor of Islamic Mysticism and Quranic Sciences, Faculty Member of Baqir al-Olum University

Mohsen Malek Afzali, Professor of Jurisprudence and Principles of Law, Faculty Member of Al-Mustafa International University

Mohammad Narimani, Professor of Psychology, Faculty Member of University of Mohaghegh Ardabili

---

**Director Editor:** Sara Shafe'i

**Editor:** Zahra Shafe'i

**Translators of Abstracts:** Kamal BarzegarBafroie

**Technical Advisor & Layout:** Sahar Printing & Graphic House

"The Islamic Journal of Women and the Family" is accessible online on the following websites:

- |  |   |
|--|---|
| 1. Islamic World Science Citation Center (ISC) | <a href="http://www.isc.gov.ir">www.isc.gov.ir</a>                        |
| 2. Noor Journals Website                       | <a href="http://www.noormags.ir">www.noormags.ir</a>                      |
| 3. Iran Magazine Data Bank                     | <a href="http://www.magiran.com">www.magiran.com</a>                      |
| 4. Scientific Information Database             | <a href="http://www.SID.ir">www.SID.ir</a>                                |
| The Journal Webpage                            | <a href="http://pzk.journals.miu.ac.ir">http://pzk.journals.miu.ac.ir</a> |

Email: [iswf.mags@miu.ac.ir](mailto:iswf.mags@miu.ac.ir)

---

Address: Bent al-Hoda University, The Beginning of Imamate Boulevard, Pardisan, Qom

Office Telephone: 00982537183300 Postal code: 37166-64462